



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

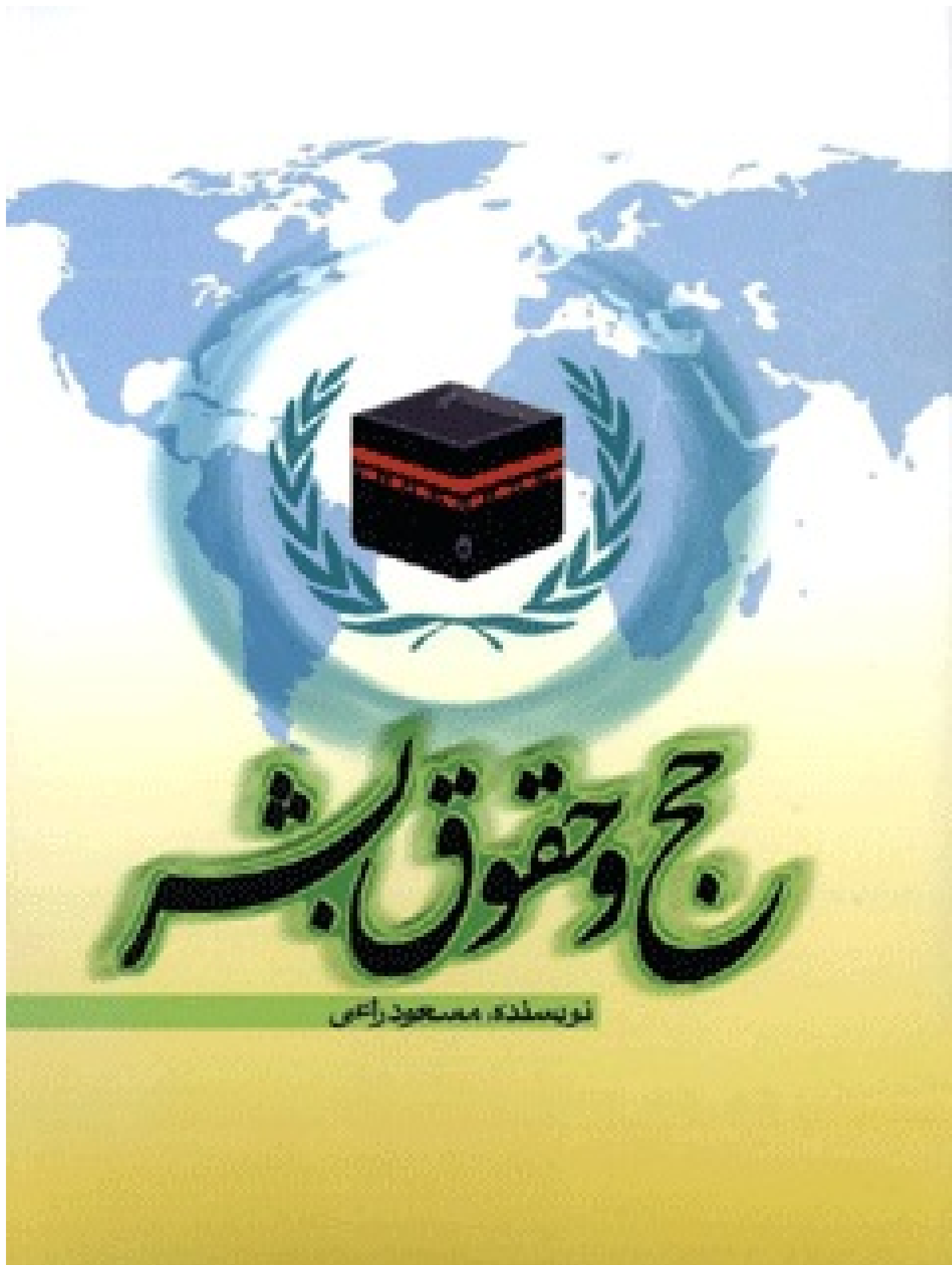
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



حقوق مسافر

نویسنده: مسعود راسخ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج و حقوق بشر

نویسنده:

مسعود راعی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
حج و حقوق بشر	۱۰
مشخصات کتاب	۱۰
اشاره	۱۰
فهرست	۱۴
دبیاچه	۲۳
مقدمه	۲۵
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۳۳
گفتار نخست: کلیات تحقیق	۳۳
۱. بیان مسئله حقوق بشر	۳۳
۲. پرسش اصلی	۳۸
۳. فرضیه تحقیق	۳۹
۴. پیشینه تحقیق	۳۹
۵. نسبت حقوق بشر و آموزه های اسلامی	۴۰
۶. چارچوب نظری بحث	۴۲
۷. جایگاه حج	۴۴
گفتار دوم: مفاهیم	۴۷
۱. حمایت	۴۷
۲. حقوق بشر	۴۸
۳. اسناد بین المللی	۴۹
۴. کرامت انسانی	۵۰
۵. حق در معنای فقهی، حقوقی و اخلاقی	۵۳
۶. حق در معنای حق بودن و حق در معنای حق داشتن	۵۷
۷. مفاهیم مرتبط	۵۹

۶۳	فصل دوم: آموزه های حقوق بشری حج
۶۳	گفتار نخست: ابعاد مختلف حمایتی
۶۳	اشاره
۶۴	شناسایی حقوق حمایتی از سوی خداوند
۶۵	تمهیدات سرزمینی
۶۸	حمایت های آیینی و نمادین
۶۸	اشاره
۷۰	الف) مکه
۷۳	ب) واژه ام القری
۷۴	ج) واژه بلد
۷۶	د) حرماً آمناً
۷۷	حمایت الهی و حفاظت پنهانی
۷۹	وضع احکام خاص حمایتی
۸۳	حمایت چند جانبه و چند لایه ای
۸۵	ممنوعیت جنگ و خونریزی
۸۶	حمایت و مقابله با عوامل تهدیدزا
۸۸	حمایت و تعهدات ایمانی حجاج نسبت به یکدیگر
۹۱	حمایت حجاج از یکدیگر و امر به تعاون
۹۳	حمایت و بهره مندی یکسان از حقوق
۹۵	ضرورت قیام حج گزار بر حقوق خود
۹۷	حمایت از دیگر اتباع و تعهدات دولت میزبان
۱۰۲	حمایت الهی و طرد
۱۰۳	حمایت از حج گزار آسیب پذیر
۱۰۶	گفتار دوم: حقوق حمایتی حجاج
۱۰۶	اشاره
۱۰۶	۱. حق انجام مناسک

۲. حق نقد و اعتراض ۱۱۰
۳. حق همزیستی و صلح ۱۱۳
۴. حق داشتن شهر امن ۱۱۴
۵. حق انجام دادن عبادت ۱۱۷
۶. حق برائت جستن ۱۱۸
۷. حق پناهندگی ۱۲۱
۸. امنیت قضایی ۱۲۴
۹. ممنوعیت ورود حج گزار ۱۲۵
۱۰. امنیت اقتصادی ۱۲۶
۱۱. حق آموزش ۱۲۹
۱۲. حق احترام ۱۳۱
۱۳. حق مخفی نگهداشتن مذهب ۱۳۲
۱۴. سایر حقوق حمایتی ۱۳۴
- اشاره ۱۳۴
- جمع بندی ۱۳۵
- گفتار سوم: سازوکارهای حمایتی ۱۳۶
۱. تدوین منشور حمایتی ۱۳۶
۲. حذف قوانین ضدحمایتی ۱۴۰
۳. تعقیب و مجازات ۱۴۲
۴. انعقاد معاهدات حمایتی دو جانبه ۱۴۴
۵. عملیاتی و اجرایی کردن اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره ۱۴۷
۶. بهره گیری از حکمیت به عنوان شیوه ای جهت حل و فصل اختلافات ۱۴۸
۷. حمایت دیپلماتیک از اتباع ۱۴۹
۸. گزارشگران ویژه ۱۵۰
۹. بهره گیری از نهادهای مردمی ۱۵۲
۱۰. گسترش و ترویج ادبیات حقوق بشری حج ۱۵۳

۱۵۶	۱۱. شناسایی معروف و منکر
۱۵۸	۱۲. حمایت و ممنوعیت تعطیلی کعبه
۱۵۹	۱۳. تقوا و ضمانت اجرای درونی
۱۶۰	۱۴. مسئولیت بین المللی و جبران خسارت
۱۶۱	۱۵. ممنوعیت رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده
۱۶۴	فصل سوم: نظام بین المللی حقوق بشر
۱۶۴	۱. ماهیت حقوق بشر
۱۶۸	۲. حقوق بشر و تعهدات بنیادین
۱۶۹	۳. مراجع نظارتی، حمایتی و کنترلی
۱۷۱	۴. مراجع نظارتی
۱۷۲	۵. اسناد بین المللی
۱۷۴	۶. اسناد منطقه ای
۱۷۵	۷. دولت ها و شناسایی حقوق بنیادین
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	الف) داشتن آزادی مذهب
۱۷۶	ب) حفظ مذهب
۱۷۷	ج) امنیت مذهبی
۱۷۷	د) خواندن روضه
۱۷۸	ه) اظهار و آشکارسازی مذهب
۱۷۸	اشاره
۱۷۹	یک - انجام عبادت
۱۸۰	دو - برگزاری مناسک
۱۸۱	سه - حق تعلیم و آموزش
۱۸۲	چهار - حق رهایی از زجر و آزار به خاطر مذهب
۱۸۴	۸. رویه مراجع شبه قضائی
۱۸۹	۹. دادگاه اروپایی و حقوق مذهبی

۱۸۹ اشاره
۱۸۹ بند اول: حق آزادی داشتن و پذیرش دین
۱۹۱ بند دوم: حق اظهار دین یا مذهب
۱۹۱ اشاره
۱۹۳ الف) پرستش و عبادت
۱۹۷ ب) انجام مراسم دینی و برگزاری مناسک
۲۰۱ ج) تعلیمات دینی و آموزش
۲۰۴ ۱۰. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و آزادی مذهبی
۲۰۴ اشاره
۲۰۵ الف) نگاهی به آراء
۲۰۶ ب) مقایسه و نتیجه گیری
۲۰۹ جمع بندی
۲۱۱ نتیجه گیری
۲۱۱ اشاره
۲۱۴ پیشنهادها:
۲۱۵ فهرست منابع
۲۲۶ درباره مرکز

سرشناسه: راعی، مسعود، 1345 -

عنوان و نام پدیدآور: حج و حقوق بشر [کتاب] / نویسنده مسعود راعی.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، 1393.

مشخصات ظاهری: 210 ص.

شابک: 62000 ریال: 4-578-540-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [201] - 210؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حج -- تحقیق

موضوع: *Hajj -- Research

موضوع: حقوق بشر -- تحقیق

موضوع: Human rights -- Research

موضوع: حقوق بشر -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Human rights -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: 8/BP188/166 ر ح 3 1393

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 3745744

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4

دبیاچه 11

مقدمه 13

فصل نخست: کلیات و مفاهیم 21

گفتار اول: کلیات تحقیق 21

1. بیان مسئله حقوق بشر 21

2. پرسش اصلی 26

3. فرضیه تحقیق 27

4. پیشینه تحقیق 27

5. نسبت حقوق بشر و آموزه های اسلامی 28

6. چارچوب نظری بحث 30

7. جایگاه حج 32

گفتار دوم: مفاهیم 35

1. حمایت 35

2. حقوق بشر 36

3. اسناد بین المللی 37

4. کرامت انسانی 38

5. حق در معنای فقهی، حقوقی و اخلاقی 41

6. حق در معنای حق بودن و حق در معنای حق داشتن 45

ص: 5

7. مفاهیم مرتبط 47

فصل دوم: آموزه های حقوق بشری حج 51

گفتار نخست: ابعاد مختلف حمایتی 51

شناسایی حقوق حمایتی از سوی خداوند 52

تمهیدات سرزمینی 53

حمایت های آیینی و نمادین 56

الف) مکه 57

ب) واژه ام القری 60

ج) واژه بلد 61

د) حرماً آمناً 63

حمایت الهی و حفاظت پنهانی 64

وضع احکام خاص حمایتی 66

حمایت چند جانبه و چند لایه ای 70

ممنوعیت جنگ و خونریزی 72

حمایت و مقابله با عوامل تهدیدزا 73

حمایت و تعهدات ایمانی حجاج نسبت به یکدیگر 75

حمایت حجاج از یکدیگر و امر به تعاون 78

حمایت و بهره مندی یکسان از حقوق 80

ضرورت قیام حج گزار بر حقوق خود 82

حمایت از دیگر اتباع و تعهدات دولت میزبان 84

حمایت الهی و طرد 89

حمایت از حج گزار آسیب پذیر 90

گفتار دوم: حقوق حمایتی حجج 93

1. حق انجام مناسک 93

2. حق نقد و اعتراض 97

3. حق همزیستی و صلح 100

ص: 6

4. حق داشتن شهر امن 101
5. حق انجام دادن عبادت 104
6. حق برائت جستن 105
7. حق پناهندگی 108
8. امنیت قضایی 111
9. ممنوعیت ورود حج گزار 112
10. امنیت اقتصادی 113
11. حق آموزش 116
12. حق احترام 118
13. حق مخفی نگهداشتن مذهب 119
14. سایر حقوق حمایتی 121
- جمع بندی 122
- گفتار سوم: سازوکارهای حمایتی 123
1. تدوین منشور حمایتی 123
2. حذف قوانین ضد حمایتی 127
3. تعقیب و مجازات 129
4. انعقاد معاهدات حمایتی دو جانبه 131
5. عملیاتی و اجرایی کردن اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره 134
6. بهره گیری از حکمیت به عنوان شیوه ای جهت حل و فصل اختلافات 135
7. حمایت دیپلماتیک از اتباع 136
8. گزارشگران ویژه 137

9. بهره‌گیری از نهادهای مردمی 139

10. گسترش و ترویج ادبیات حقوق بشری حج 140

11. شناسایی معروف و منکر 143

12. حمایت و ممنوعیت تعطیلی کعبه 145

13. تقوا و ضمانت اجرای درونی 146

ص: 7

14. مسئولیت بین المللی و جبران خسارت 147

15. ممنوعیت رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده 148

فصل سوم: نظام بین المللی حقوق بشر 151

1. ماهیت حقوق بشر 151

2. حقوق بشر و تعهدات بنیادین 155

3. مراجع نظارتی، حمایتی و کنترلی 156

4. مراجع نظارتی 158

5. اسناد بین المللی 159

6. اسناد منطقه ای 161

7. دولت ها و شناسایی حقوق بنیادین 162

الف) داشتن آزادی مذهب 163

ب) حفظ مذهب 163

ج) امنیت مذهبی 164

د) خواندن روضه 164

ه) اظهار و آشکارسازی مذهب 165

1 - انجام عبادت 166

2 - برگزاری مناسک 167

3 - حق تعلیم و آموزش 168

4 - حق رهایی از زجر و آزار به خاطر مذهب 169

8. رویه مراجع شبه قضائی 171

9. دادگاه اروپایی و حقوق مذهبی 175

بند اول: حق آزادی داشتن و پذیرش دین 175

بند دوم: حق اظهار دین یا مذهب 177

الف) پرستش و عبادت 179

ب) انجام مراسم دینی و برگزاری مناسک 183

ج) تعلیمات دینی و آموزش 187

ص: 8

10. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و آزادی مذهبی 190

الف) نگاه‌ی به آراء 191

ب) مقایسه و نتیجه‌گیری 192

جمع بندی 195

نتیجه‌گیری 197

پیشنهادها 200

فهرست منابع 201

ص: 9

اسلام پاسدار حرمت و حقوق انسان هاست، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت ترین دروغ و ناجوانمردانه ترین تهمت را کسانی مرتکب می شوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله ای برای توجیه قدرت طلبی ظالمانه خود بر علیه ملت های مسلمان قرار می دهند.

(صحیفه حج، پیام های مقام معظم رهبری، ج 2، ص 289)

تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون حقوق بشر.... برای جوانان بازگو کنند.

(پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 8/11/82)

ص: 10

حج، در مقام بزرگ‌ترین کنگره ایمانی از يك سو عظیم‌ترین اجتماع مؤمنان را به خود اختصاص می‌دهد، و از سوی دیگر نگاه حمایتی خود از حج گزار را به نمایش می‌گذارد. با دقت در مناسک حج و احکام حرم و محرمات احرام و ماه‌های حرام مشخص می‌شود، دین مقدس اسلام برای مکان و زمان حج امنیتی ویژه ایجاد کرده است تا حجاج، یعنی میهمانان الهی، با حضور در سرزمین وحی بتوانند آزادانه و در امنیت کامل، بندگی و عبودیتشان را اظهار کنند.

هر چند این راهکار اسلام برای تأمین امنیت حجاج کافی است، اما با توجه به وضعیت کنونی کشور میزبان، و مقررات ناعادلانه درباره برخی مذاهب اسلامی و برداشت‌های گوناگون از احکام اسلام، می‌توان با استفاده از قوانین بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوق بشر، رویکردی حمایتی از حجاج داشت و از حقوقشان دفاع کرد.

حقوق بشر که برای حمایت از انسان‌ها و برپایه پذیرش کرامت انسانی شکل گرفته، به دنبال آن است که بتواند منزلت انسانی را ارتقا دهد؛ هر چند قوانین بین‌المللی حقوق بشری به طور ناقص و گاهی مغرضانه و تحت تأثیر قدرت‌های استعماری است.

استفاده از این موقعیت و ظرفیت جهانی برای حمایت از حجاج، به ویژه حج گزاران ایران، دست مایه این نوشتار شد.

گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت با درک اهمیت موضوع یادشده، و با الهام از تأکیدات نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت، حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید علی قاضی عسکر «دام ظلّه»، ضمن تقدیر از موقعیت شناسی جناب ایشان، در راستای پیشبرد اهداف خود، پروژه «حج و حقوق بشر» را به یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، حجت الاسلام دکتر مسعود راعی «زیدعزه» سپرد و در راستای ارتقای سطح علمی روحانیان فاضل و فرهیخته، و آشنایی جوامع علمی و پژوهشی با جوانب این مسئله، امکان چاپ و نشر این نوشتار را در قالب یک کتاب فراهم کرد.

در پایان توفیقات روزافزون نویسنده محترم را در سایه عنایات حضرت ولی عصر (عج) خواستاریم و ثمره همه این تلاش ها را به پیشگاه با عظمت آن حضرت تقدیم می کنیم؛ امید است که این تلاش موجب رضایت حضرت شود و همه کسانی که در تهیه این اثر قدمی برداشته اند، مشمول دعای خیر ایشان قرار گیرند.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده حج و زیارت

ص: 12

حج جلوه همه اسلام است و فرهنگ بالنده ای دارد؛ از این رو توجه به این واجب بزرگ الهی، و شناسایی و شناساندن ابعاد عرفانی، سیاسی، اجتماعی، فقهی و حقوقی آن ضرورت می یابد. بررسی های استوار و ژرف نگرانه عالمان و آشنایان معارف ناب اسلامی همانند ماء معینی است که تشنگان حقیقت و راهیان کوی نور را به صورت مادی و معنوی حمایت می کند. آنان که در این وادی قدم گذاشته اند، به این نکته واقف شده اند که حاجی در این سرزمین برای بهره بردن از فیوضات معنوی و حتی مادی باید از فرصت های مناسب برخوردار باشد. این فرصت ها در قالب حقوق مادی و معنوی حج گزار جلوه گر می شود، و آن گاه که از حقوق سخن گفته می شود، تکالیف متقابل، متوازن و متناسب آن نیز خود را نشان می دهد. مجموع این حقوق و تکالیف، بهره مند شدن حج گزار از فرصت حضور در مکه، و برخوردار شدن از فیوضات بی کران کنگره عظیم حج را در پی دارد.

مراسم شکوهمند حج، که قیاماً للناس است، بی گمان از آن همه و متعلق به امتی است که شیدای حق و دلداده خداوندند و اکنون که به برکت انقلاب اسلامی، ایران اسلامی ام القرای جهان اسلام شده، آثار این کنگره عظیم نمایان تر شده است.

کوشش برای نزدیک کردن هر چه بیشتر این تجمع عظیم به هدف والایش، به توجه وافر به معانی بلند ادبیات قرآنی و روایی در زمینه حج نیازمند می باشد. ابعاد مختلف

حج این فرصت را در اختیار محقق قرار می دهد که در این دریای عظیم غوطه ور شود و به گنج ها و میراث مشترك بشریت دست یابد. حج را باید مصداقی از میراث مشترك بشریت دانست که از انبیا و اولیای سلف، به نسل کنونی رسیده است و ابعاد معنوی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فقهی دارد. ابعاد معنوی حج بسیارند، اما آنچه می تواند اهمیت معنوی حج را نشان دهد، مقابله با خودخواهی ها و خودبینی هاست تا این گونه بتوان به خداخواهی رسید و با هجرت الی الله، از دنیا و اختلاف و نافرمانی و شرك، پیراسته شد. رسیدن به این بعد، منوط به انجام دادن شایسته و کامل دستورهای عبادی حج است. تحقق بعد سیاسی و اجتماعی حج و استفاده از ابعاد حقوقی آن نیز در گرو مدنظر قراردادن بعد معنوی و الهی حج است، و در نهایت لبیک گویی برای حق، نفی شرك از خدا و از خود بیرون آمدن و به دیگران پیوستن، دفاع از حریم الله و جهاد در راه خدا و دفاع از حقوق حجاج، همگی منوط به وجود فضای خاص حمایت در حج است.

عظمت اسلام و مسلمانان، بهره مندی از ظرفیت حج، کوتاه کردن دست افراط و خشونت و اتهام و تکفیر، دوری از هواهای نفسانی با تکیه بر فرهنگ ناب اسلامی، مقابله با خشونت و تحقیر، تحرك بخشی به مؤلفه های فرهنگی حج و ارائه تابلویی از حج ابراهیمی، که آرزوی همه مصلحان بزرگ تاریخ بوده است، در گرو نگرش همه جانبه و جامع به کنگره حج می باشد.

همان گونه که امروزه، روز حرکت ملت ها و مردم است، روز حمایت از انسان ها، به ویژه مؤمنان، نیز می باشد که برخوردار شدن جمعیت میلیونی حجاج از حمایت های گوناگون، برترین زمینه برای نصرت دین خداست.

مهجوریت برخی ابعاد حج همچون بعد سیاسی و حقوقی آن، از عظمت حج ابراهیمی کاسته، و نوعی مهجوریت را برای این نماد بزرگ اسلامی به وجود آورده، همچنان که قرآن کریم گرفتار مهجوریت شده است. توجه به این ابعاد و تبیین و

ترسیمشان و توجه دادن محققان به آنها، اولویت مباحث حج را به خود اختصاص داده است. مبارزه با شرک و بت پرستی در عصر جدید، و زدودن اندیشه های غلط و افکار انحرافی که نتیجه آن کشتن مسلمانان، یا بی توجهی به کشته شدن آنان می باشد، با تمرکز بر این ابعاد امکان پذیر است؛ از این رو در این کنگره عظیم جهانی، که همه اقشار و ملت ها فارغ از هر نوع آلاینش و آرایش حضور دارند، باید مسائل اساسی به طور جدی مدنظر قرار گیرد و دولت ها به همراه ملت ها به تحقق آن همت گمارند.

اجتماعات کوچک ظرفیت خود را دارند، اما اجتماع بزرگی همچون حج فرصت های بسیاری را برای امت اسلامی به وجود می آورد؛ همان گونه که اجتماع عاشورایی در کربلا این مهم را محقق می کند. این نوع نگرش پاسخ دادن به دعوت ابراهیم خلیل الرحمن (ع)، یعنی دعوت به قسط و عدل، بلکه دعوت به بت شکنی در عصر کنونی است و حتی بالاتر، مقابله با انحراف هایی است که به نام مبارزه با انحراف شکل گرفته است. مسلمانان همگی بندگان خداوند، و در پناه حمایت الهی اند؛ از این رو خونشان محترم و اموالشان محفوظ، و حفظ آبرویشان واجب است و هتک حرمتشان مجوزی ندارد. پایگاه حج، و حرمین شریفین نقطه شروع خوبی برای شکل دهی به این نگرش است که نه تنها حجاج از آن بهره مند می شوند، بلکه همه بندگان آزاد خداوند از آن استفاده خواهند کرد، و این همان مدینه و شهری است که حرکت کردن به سوی آن مطلوب همگان است و نمونه کوچکش را فقط در صدر اسلام می توان مشاهده کرد و همه آنچه بیان شد، در واقع تحقق این بیان قرآنی است: (وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا - وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) (حج: 27) و برای تحقیقش و مقدمه انجام دادنش باید (وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ) (حج: 26) داشت و برای به وجود آوردن این طهارت که حق طواف کنندگان، اهل رکوع، اهل سجود و ایستادگان (مقیم) است، چاره ای نیست جز (وَ أَذِّنْ مِنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ). (توبه: 3) و طی این مرحله رسیدن به توحید کلمه و کلمه توحید است.

آرزوی دیرینه امام راحل (رحمه الله) و مقام معظم رهبری انجام حج ابراهیمی و بهره برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است که تحقق بخشی از این مهم در دست حاکمان و امرای جامعه اسلامی است، و بخش دیگر به درك و شناخت مردم باز می گردد که از حج ابراهیمی در روح، روان و رفتارشان تلقی صحیحی داشته باشند. در آیات قرآن بارها از ذکر الله سخن به میان آمده و محور آن را کعبه دانسته که نشان می دهد در این محیط محور و مرکز هر حرکتی باید خداوند باشد. طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر الهی حج، هرکدام باید به گونه ای تجلی صفات و تحقق خواست خداوند باشد که در صورت شکل گیری این معنا، ملت حنیف ابراهیم (ع)، همان بت شکن بزرگ و منادی توحید، محقق خواهد شد. (إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (انبیاء: 92) و برای رسیدن به آن باید مصداق این آیه شد: (فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا) (بقره: 200) از این رو باید همه موانع درونی و بیرونی آن را کنار گذاشت (فَلَا رَفْثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (بقره: 197) که در واقع به معنای تحقق وحدت، اجتماع امت اسلامی، دست واحد شدن برای حمایت از یکدیگر، و مقابله با هر انحراف و کفری است که دشمنان امت اسلامی آن را دنبال می کنند. (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ) (فتح: 29)، این آیات به وضوح جایگاه حمایت از حجاج را در حج نشان می دهند؛ زیرا رسیدن به مقام معیت با پیامبر (ص) تدبیر بزرگ می طلبد و این همان همتی بود که شخص نبی مکرم اسلام (ص) به بهترین شکل آن را محقق کرد. راز رسیدن و توفیق مشاهده کردن چنین فضای نورانی آدابی دارد که بدون توجه و مدنظر قرار دادن آنها نمی توان به هدف مذکور رسید.

گفتنی است خطبه تاریخی رسول خدا (ص) در عرفات که ده تا چهارده ماده دارد، مستقیم و غیرمستقیم درباره حفظ حقوق بشر و امنیت جهان است و نکته مهم آنکه در هیچ يك از این مواد، از نماز، روزه، خمس و زکات سخنی به میان نیامده است، بلکه

آنچه بیان شده، در رابطه با سعادت عمومی مردم جهان، امنیت جامعه و حفظ حقوق انسان هاست، زیرا فقط در سایه امنیت می توان فرائض الهی را اقامه کرد. (1) البته این خطبه در بیشتر منابع روایی و تاریخی اهل سنت با اندک تفاوتی بیان شده است. (2)

رفتار هیئت امر به معروف و نهی از منکر با میهمانان پیامبر (ص) و زائران بقیع و مقابر شهدای احد، با اقتضای اخلاق اسلامی، حقوق بشر و ادعای پادشاه عربستان در گفت وگوهای ملی - اسلامی و گفت وگوهای ادیان، منافات دارد. (3) روشن است که این نوع رفتارها در هیچ جا پذیرفتنی نیست؛ به ویژه حجاج بیت الله که هم بی دفاع اند و هم میهمان خاص خداوند. (4)

عملکرد وهابی ها درباره دیگر فرق اسلامی به جز حنبلی ها، بیانگر انواع و اقسام آزارها و تهدیدها به جان و مال و آبروی آنهاست. در این باره مطلبی را از محمدحسین مشایخ فریدنی بیان می کنیم. وی بیان می کند که در روز 26 خرداد سال 45 با شیخ عبدالعزیز بن باز رئیس دانشگاه مدینه دیدار کردم و او درباره اعتقاد شیعه می پرسید و هیچ يك از پاسخ های من را نمی پذیرفت. حتی برخی کتاب های تشیع مانند «تجرید الاعتقاد» و «شرح تجرید» را مسخره می کرد. از او استفتاء کردند که آیا دزدیدن اموال شیعه جایز است؟ در جواب گفته بود: «همه چیز آنان بر مسلمانان حلال است، اما در حجاز که برای حج می آیند، مهمان مایند و حدیث پیغمبر (ص) است که مهمان را بزرگ بدارید و به او محبت کنید؛ گرچه کافر باشد. اینجا کاری به آنها نداشته باشید، اما در

(1). حج گنجینه اسرار، محمداکبر محقق، ص 50؛ ابعاد گوناگون حج، ابوعلی خداکرمی زنجانی، ص 218؛ صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، صص 474-479.

(2). کنز العمال، متقی هندی، ج 5، ص 126؛ دلائل النبوه، احمد بن حسین البیهقی، ج 5، ص 442؛ تاریخ الطبری، طبری، ج 2، ص 412؛ سیره ابن هشام، ابن هشام، ج 4، ص 250؛ سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوی، ص 703؛ سنن الترمذی، ترمذی، ج 5، ص 662؛ صحیح البخاری، بخاری، ج 3، ص 6؛ طبقات الکبری، ابن سعد، ج 2، صص 167 و 180.

(3). فصلنامه میقات حج، ش 66، ص 121.

(4). همان.

ص: 17

خارج عربستان هرکار می خواهید بکنید»، (1) روشن است که در این فضا حج گزار از کمترین امنیت لازم محروم است. در چنین وضعیتی حمایت در مقام يك ضرورت مطرح خواهد شد.

از دغدغه های متولیان و مسئولان حج، یافتن راهکارهایی است که بتوانند از حجاج به نحو مطلوب، محافظت و حمایت کنند. حضور در سرزمین وحی و انجام دادن مناسک دینی و ضرورت بهره مندی از امنیت و آرامش که در تعبیر قرآنی در قالب «حرم امن» یا «بیت عتیق» و ترسیم «منافع برای مردم» بیان شده است، همگی نشان دهنده این مهم است. انجام دادن رسالت حمایت از حجاجی که شهروند دولت عربستان نیستند، نیازمند سازوکارهایی مختلف، از جمله راه های حقوقی است. امروزه و در پرتو تصویب ده ها سند بین المللی در زمینه حقوق بشر و شناسایی حقوق گوناگون برای افراد انسانی، وضعیت نسبتاً همواری برای حمایت شکل گرفته است.

در بدو امر می توان دو نگرش را درباره مسئله حج و حقوق بشر مطرح کرد؛ نگاه حج به حقوق بشر، و نگاه حقوق بشر به حج. اما رسالت اصلی این تحقیق، یافتن سازوکارهایی است که براساس آن بتوان در سرزمین وحی، با تکیه بر هر دو بعد مسئله، بیشترین حمایت را از حجاج به عمل آورد. پرسش مدنظر در این تحقیق آن است که با استفاده از کدام يك از آموزه های حقوق بشر می توان از حجاج حمایت کرد. در پاسخ ابتدا باید با رجوع به آموزه های حقوق بشری حج، و سپس با استفاده از نظام بین المللی حقوق بشر، ابعاد حمایتی رصد شود.

حاصل این کوشش گویای آن است که آموزه های حقوق بشری حج، در چند لایه، حمایت های خاصی را از حجاج به عمل آورده اند. شناسایی حقوق حجاج در منابع مختلف فقهی، وضع احکام خاص حمایتی در سرزمین وحی، امن دانستن حرم الهی، تعقیب و مجازات نقض کنندگان حریم الهی و حریم مؤمنان و تعیین سازوکارهای

(1). فصلنامه میقات حج (فارسی)، ش 1، ص 158.

ص: 18

خاص حمایتی، ابعاد این حمایت را نشان می دهند. در کنار آن، نظام بین المللی حقوق بشر، اعم از آنچه در اسناد بین المللی آمده، و آنچه در آرای محاکم شبه قضایی حقوق بشری مطرح شده، ابعاد حمایتی متعددی را در حوزه آزادی دینی و انجام دادن مناسک دینی بیان کرده است. در مجموع باید گفت هم آموزه های حج و هم نظام بین المللی حقوق بشر، ظرفیت و توانایی بالایی برای حمایت از حجاج دارد. عملی کردن این حمایت ها در مواردی برعهده دولت های اعزام کننده و در موارد بسیاری برعهده دولت میزبان است و چون بیشتر کشورهای اسلامی خود را به رعایت اسناد بین المللی حقوق بشر متعهد کرده اند، تخلف از این تعهدات منجر به مسئولیت آن دولت خواهد شد.

در پایان از مدیر سابق گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت، حجت الاسلام و المسلمین مهدی درگاهی، که نظارت این اثر را به عهده داشتند، و دیگر دوستان در پژوهشکده حج و زیارت که با انتشار این اثر به حمایت عملی از فرهنگ پژوهش پرداخته اند، تشکر و قدردانی می کنم. به امید اینکه این تلاش ذخیره ای جاودان و عملی مقبول در محضر باری تعالی باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تابستان 1393 مصادف با رمضان المبارک 1435

مسعود راعی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

ص: 19

1. بیان مسئله حقوق بشر

دهم دسامبر 1948 م اعلامیه ای در سازمان بین المللی بزرگی تصویب شد که منشأ تحولات و آثار بسیاری در جهان کنونی شده است. آن زمان فقط 58 کشور جهان در ملل متحد حضور داشتند، ولی اکنون همه کشورهای کره خاکی، آن اعلامیه را پذیرفته اند و اصول آن را به مثابه راهنما و الگویی برای وضع قوانین کشوری و شیوه حکومت کردن درآورده اند. آنچه در این اعلامیه مدنظر قرار گرفت، به رسمیت شناختن بنیادی ترین حقوق انسانی بود که بدون آنها نمی توان زندگی شرافتمندانه ای را ترسیم کرد. حق حیات اصلی ترین و زیربنایی ترین حقوق است و در کنار آن و همراه آن، به حقوقی باعنوان انواع آزادی های مشروع، توجه شد.

مسئله «جهانی شدن»، یا «جهان شمولی هنجارهای حقوق بشر»، از زمان اعلامیه جهانی حقوق بشر خود را نشان داد و البته چالش های بسیاری را نیز میان محققان و حاکمان به وجود آورد. برخی معتقد بودند که فرموله کردن این حقوق در نظام قضایی نیز ضروری و تحقق پذیر است و در این راه کوشیدند و اکنون دادگاه های فراوان حقوق بشری، مانند دادگاه های اروپایی حقوق بشر، دادگاه آمریکایی حقوق بشر و دادگاه

آفریقایی حقوق بشر را باید نماد این تفکر دانست. در مقابل، عده دیگری این سؤال را طرح کردند که آیا اجرای این اعلامیه در نظام حقوقی داخلی و قضایی امکان پذیر است؟ طرح این پرسش به سبب سه مشکل اساسی بود؛ وجود انواع خرده فرهنگ ها، وجود ارزش های گوناگون و حتی متعارض، و فقدان هنجارهای مشترك، سه مشکلی بود که راه جهان شمولی را با موانع جدی مواجه می کرد.

در این گیرودار برخی با حقوق بشر مقابله کردند و آن را غربی دانستند، و برخی رویکردی تعاملی داشتند و کوشیدند از ره آورد خرد جمعی یا شبه جمعی جهان، استفاده کنند و این دعوا و چالش همچنان ادامه دارد. باید گفت میان محققان اسلامی، برخی با خوش بینی از حقوق بشر استقبال کردند و برخی با بدبینی آن را نگریستند و هرکدام نیز دلایل خاص خود را مطرح نمودند.

شاید بتوان حقوق بشر را فرصت دانست؛ فرصتی دوجانبه که از يك سو ارزش های بنیادین بشری و مفاهیم متعالی همچون آزادی بیان را نشان می دهد، و از سوی دیگر ارزش های دینی بهتر می توانند جایگاهشان را در گفتمان جهانی بیابند. به نظر می رسد با چنین نگاهی بتوان تا حدودی از ارزش های دینی حمایت کرد؛ هرچند گاهی ارزش های بشری جدای از ارزش های دینی است و اختلاف این دو را در تفسیر ارزش های بشری و ارزش های دینی یا در تطبیق مصادیق آن، باید جست و جو کرد.

اثر چنین نگاهی در مسئله تلازم حق و تکلیف روشن می شود. تأکید محض بر حقوق برای حذف وظایف، ویران کننده است. تأکید بر هنجارهای حقوق بشری موجود نیز به گونه ای با حذف تکالیف همراه شده است؛ در حالی که توجه به هردو، امکان ایجاد توازن و تعادل بین حقوق و تکالیف را فراهم می آورد. این سخن بدان معناست که دو نظام حقوق اسلامی و حقوق بشری، هم نقاط اشتراك، و هم نقاط افتراق دارند؛ البته با توجه به اینکه رویکرد نظام اسلامی در حمایت از حقوق انسانی، به مراتب عینی تر و متقن تر است.

در لابه لای این دعواها، اعلامیه جهانی حقوق بشر کاربست بسیاری از اسناد بین المللی شد، به گونه ای که تاکنون ده ها سند بین المللی حقوق بشری تصویب شده است. میثاقین (1966 م)، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی (1965 م)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (1979 م)، معاهده حقوق کودک (1989 م)، ممنوعیت خرید و فروش و سوء استفاده جنسی از کودکان، و ممنوعیت به کارگیری آنان در نبردهای مسلحانه (2000 م)، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و اعمال غیرانسانی (1982 م) و کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (1951 م)، همگی از این اسنادند.

حقوق بشر افزون بر گره خوردن به مسئله جهانی بودن، آن چنان که کوفی عنان در جشن پنجاه سالگی سازمان ملل آن را اعلام کرد، با صلح جهانی نیز گره خورده است.

وجود چندین مکانیزم و فرآیند پیگیری و تعقیب، در زمینه اجرای تعهدات حقوق بشری، بیانگر نقش کلیدی حقوق بشر در زمینه صلح جهانی است.

تلاش بخش های مختلف سازمان ملل متحد، همچون یونسکو، کمیساریای عالی پناهندگان یونسف، برنامه ملل متحد، سازمان بین المللی کار و سازمان بهداشت جهانی، برای ترویج حقوق بشر، حاکی از جایگاه و نقش آفرینی حقوق بشر در هیاهوی اختلافات جهانی در این عصر است. تصویب نام گذاری دهه 1995 م تا 2004 م به دهه آموزش حقوق بشر، گام بلند جهانی برای اجرای تعهدات بین المللی دولت ها درباره اتباع خود و اتباع دیگر کشورهاست.

از طرف دیگر، وجود انواع درگیری ها و نقض گسترده و فراگیر حقوق بشر، مانند درگیری های خمرهای سرخ در کامبوج که با نقض حقوق بشر دو میلیون انسان را کشتند (1970 م)، یا رویدادهای تلخ دیگر در موزامبیک، لیبیا، السالوادور، یوگسلاوی سابق، رواندا، میانمار، بوسنی، غزه، افغانستان و عراق، باعث جریحه دار شدن احساسات انسان ها شد و حتی گاهی به راه اندازی دادگاه های مختلف برای رسیدگی به نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر به صورت ویژه و موقتی منجر شد و در نهایت، به

راه اندازی دادگاه کیفری دائمی در سال 2002 م انجامید و همه این امور، پاسخی است به مطالبات جامعه جهانی انسان ها.

شکل گیری حقوق بشر نسل سوم در قالب ادبیاتی مانند حق همبستگی، و مصادیقی مانند حق صلح، حق آموزش، حق تعلیم و تربیت و حق برخورداری از محیط زیست سالم، مسیر رو به رشد حقوق بشر را در دفاع و حمایت از انسان ها بر سه پایه آماده سازی، مشارکت و ارزشیابی نشان می دهد، و در نهایت ایجاد جامعه ای با محوریت حقوق بنیادین بشر در مقابل انواع تعدی و دست اندازی های دولتی و غیردولتی، هدفی است که حقوق بشر در مسیر پرفراز و فرود حق خود، به دنبال آن می گردد. (1)

اکنون و با لحاظ این سابقه باید گفت حجاج به ویژه حجاج غیر عربستانی که در سرزمین وحی حاضر می شوند تا مناسک عبادی شان را به جا آورند، اعضای این جامعه جهانی اند و نباید از حمایت های حقوق بشری محروم باشند. رویکرد این حمایت ها چیزی نیست جز آنکه حجاج بتوانند در کمال آرامش و آسایش و برخوردار بودن از امنیت روح و روان و جسم و جان، براساس آموزه های فقهی خود مناسک الهی را به جا آورند.

نیم نگاهی به فلسفه این کنگره عظیم الهی و حضور گسترده انسان های موحد در آن، نشان می دهد باید حجاج مورد توجه، و تحت حمایت های ویژه قرار گیرند. این حمایت ها هر چند کم و بیش تاکنون انجام گرفته است، ولی وجود انواع و اقسام فشارها، تهدیدها و نگرانی ها در حجاج، حاکی از ناکافی بودن میزان حمایت ها و نوع آنهاست.

پذیرش آزادی بیان برای حجاج بدان معنا خواهد بود که هر حج گزار طبق فقه خود و آزادانه به انجام دادن مناسک پردازد. مخالف بودن فقه يك مذهب با مذهب دیگر نمی تواند و نباید دلیلی بر ایجاد محدودیت یا تنگنا برای حاجی باشد.

این حقیقت در پرتو اهداف ترسیم شده برای حج، بسیار گویاتر و روشن تر خواهد

(1). ر. ك: الفبای آموزش حقوق بشر، رضایی سهراب، 1384، ص 14.

ص: 24

شد. ابعاد مختلف عبادی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی حج می طلبد که حجاج بتوانند اقدامات متعددی را صورت دهند. برائت از مشرکان یکی از این اقدامات، و بهره مندی از مجالس گفت وگویی آزاد، قدم دیگر این حقیقت است. ایجاد فرصت های لازم برای نقد و نظر گام سوم این ماجراست و وجود مکان های مناسب برای تحقق این اهداف و تضمین امنیت آنها توسط دولت میزبان، گام بعدی و بلکه مهم ترین این اقدامات را شکل می دهد. بدون پذیرش تعهدات حقوق بشری و اجراکردن آن توسط دولت میزبان، نمی توان به این اهداف دست یافت و فقط باید شاهد نگاه حاکمیتی دولت عربستان به زوار، آن هم با عنوان افراد بیگانه، بود که این وضعیت با فلسفه حج سازگاری ندارد.

نوشتار فعلی با محور قراردادن آموزه های اسلامی و استفاده از منابع فقهی به دنبال آن است که با توجه به ادبیات حقوق بشری در قالب نظام بین المللی حقوق بشر که دولت عربستان در جایگاه یکی از اعضای شورای حقوق بشر ملل متحد، خود را بدان متعهد کرده است، نوع حمایت هایی از حجاج را بررسی کند که در سرزمین وحی و حرم امن الهی دست یافتنی است. این مسیر که در نوع خود حرکتی جدید محسوب می شود، با مشکلات و موانع خاص پژوهشی مواجه است. در این پژوهش، نویسنده بر آن است که با تکیه بر ظرفیت های فقه و لحاظ انواع تعهدات حقوق بشری، که امروزه همه کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران و دولت عربستان بدان متعهدند، نوع حمایت از حجاج به ویژه حجاج ایرانی را برای برخوردار بودن از تمام امنیت های لازم برای انجام دادن مناسک دینی تبیین کند. بدیهی است که نخستین مرحله حمایت، ترسیم و تبیین این حقوق و آزادی هاست. در مرحله بعد، تعهدی بر دوش دولت اعزام کننده، از جمله ایران اسلامی، و تعهدی بر عهده دولت میزبان خواهد بود. تعهد دولت اعزام کننده آشنا نمودن حجاج با انواع حمایت هاست که می تواند در قالب های مختلف عرضه شود. ایجاد سازوکارهای لازم حمایتی و آموزش دادن مأموران دولتی عربستان در همه مراحل برگزاری مناسک حج از فرودگاه تا اسکان در حرم امن الهی نیز مهم ترین

تعهدات دولت عربستان را شکل می دهد. گام دیگر، پی گیری، تعقیب و مجازات افرادی است که این حقوق را نقض می کنند. توجیه سازی و مقابله با افراد غیردولتی که خود را متعهد به نشر آموزه های يك فقه، و مقابله با دیگر فرق اسلامی می دانند، تعهد دیگر دولت عربستان را شکل می دهد.

پردازش موارد پیش گفته و بحث و بررسی درباره آنها رسالت پیش روی این نوشتار را شکل می دهد.

2. پرسش اصلی

یافتن انواع حمایت های حقوق بشری از حجاج در سرزمین وحی، هدف اصلی این تحقیق را شکل می دهد؛ با توجه به این هدف، پرسش اصلی این است: چه سازوکارهای حمایتی از حجاج در سرزمین وحی وجود دارد؟

پردازش سؤال اصلی در گرو طرح چند پرسش فرعی است، اما اساسی ترین این پرسش ها عبارت اند از:

الف) نوع حمایت های حقوق بشری از حجاج در پرتو آموزه های فقهی کدام است؟

ب) نوع حمایت های حقوق بشری از حجاج با توجه به اسناد مختلف بین المللی حقوق بشری در قالب نظام بین المللی حقوق بشر کدام است؟

برای یافتن پاسخ پرسش فرعی نخست، ضروری است با رجوع به منابع فقهی اسلامی اعم از آنچه در فقه شیعه یا در دیگر مذاهب اسلامی آمده است، به طرح بحث پرداخت. تلاش خواهد شد که در این راستا با استفاده از رویکرد موضوع شناسی، که در نظام بین المللی حقوق بشر آمده است، به این پرسش فرعی پاسخ داد. برای یافتن پاسخ پرسش فرعی دوم نیز با تمرکز بر اسناد مختلف حقوق بشری که در نظام حقوق بشری شناسایی شده اند، درباره ابعاد گوناگون حمایتی و سازوکارهای اجرایی بحث خواهد شد.

3. فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که هم در آموزه‌های اسلامی و هم در آموزه‌های نظام بین‌المللی حقوق بشری، آستانه لازم حمایتی از حجاج وجود دارد.

این میزان حمایت می‌تواند معنابخش عبارت «حرم امن الهی» باشد.

4. پیشینه تحقیق

قدمت مباحث حج، احتمالاً به قدمت خود حج است. نیم‌نگاهی به کتاب‌ها و آثار باقی مانده در این حوزه، اثباتگر این مدعاست. گواه این مطلب، اهتمام و ارزشی است که امت‌های پیش از اسلام برای حج قائل بودند و حتی سال‌های زندگی خود را براساس تقویم حج ترسیم می‌کردند؛ مانند داستان حضرت موسی (ع) و ازدواج با دختر شعیب (ع) که در قرآن کریم بیان شده است.

در امت اسلامی نیز همه مذاهب اسلامی با رویکرد فقهی، عرفانی و فلسفی، به تدوین کتب مختلف درباره حج پرداخته‌اند. نرم افزار حج، که در عصر ما تدوین شده است، نمونه جالبی از نوع تلاش‌های علمی محققان مختلف در زمینه حج است.

بنابراین، این تحقیق از پیشینه موضوعی و منابع مهم و قابل‌ذکری برخوردار است. اما آنچه نیاز به کار فعلی را آشکار می‌سازد، رویکرد و نگرش جدید است که به جرئت باید گفت برای نخستین بار ترسیم می‌شود. این نگرش که محصول خرد جمعی و تلاش جامعه جهانی برای حمایت از انسان‌های کره‌خاکی در قالب اسناد مختلف حقوق بشری، و با تمرکز بر شناسایی انواع حقوق انسان‌ها و تبیین تکالیف مختلف دولت‌ها شکل گرفته، به دنبال آن است که نوع و میزان حمایت‌های حقوق بشری از حجاج را، نخست در آموزه‌های فقهی، به ویژه فقه امامیه، شناسایی کند و سپس با استفاده از نظام بین‌المللی حقوق بشری بحث را دنبال نماید. البته رویکرد بحث فعلی تطبیقی نیست؛ اما فقدان این رویکرد مانع نمی‌شود که از تعهدات دولت عربستان در اسناد مختلف حقوق بشری درباره افراد گردشگر و زائران بحث نشود. انسان‌های

موحدی که با تدین به شریعت پاک اسلامی در ایام خاص در سرزمین وحی به دنبال انجام دادن مناسک دینی اند، یا از اتباع عربستان اند یا از اتباع دیگر کشورها؛ اعم از کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی. اما همه این کشورها، اسنادی را امضا و تصویب کرده اند که آنها را به انجام دادن حمایت های خاص درباره شهروندان و بیگانگان متعهد می کند. دولت عربستان با عضویت در شورای حقوق بشر ملل متحد و پذیرش استانداردهای بین المللی حمایتی، یکی از این کشورهاست.

بنابراین چنین نگرش جدیدی به مسئله حج تا آنجا که محقق تلاش کرده است، پیشینه ای ندارد. سختی این کار مخفی نیست؛ زیرا از سویی لازم است با تکیه بر آموزه های دینی از حقوق بشری حجاج حمایت کرد، بی آنکه تحمیل خاصی بر آموزه های اسلامی به عمل آید و از سوی دیگر با تمرکز بر اسناد گوناگون حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره، نوع حمایت های قابل استنباط از حجاج، شناسایی شود.

5. نسبت حقوق بشر و آموزه های اسلامی

در پاسخ به این پرسش که آیا گره زدن حج و حقوق بشر با یکدیگر صحیح است، یا به طور کلی، آیا مقایسه اسلام و حقوق بشر درست است، تاکنون دو رویکرد حقوقی با نام رویکرد دفاعی (1) و رویکرد تشویقی (2) شکل گرفته است. در رویکرد دفاعی سخن از آن است که اسلام درباره حقوق بشر چه موضعی دارد. در این نگرش بین حقوقدانان مسلمان و حتی فقها دو دیدگاه متفاوت شکل گرفته است؛ برخی معتقدند، اسلام نگرش مثبتی به موضوع حقوق بشر ندارد؛ زیرا حقوق بشر بر مبانی و منابع خاصی بنا شده، که آن منابع و مبانی با آموزه های اسلامی در تعارض است؛ مثلاً حقوق بشر اصل را بر حق می داند و تکلیف را زاییده حق می پندارد و این حق در مرحله شکل گیری و

(1) .Defence

(2) .Promote

ص: 28

تحقق با تکلیف خاصی مواجه نیست و فقط در مقام اعمال و اجرا با سه نوع محدودیت مواجه خواهد شد. نظم عمومی، اخلاق حسنه و قانون مختص جامعه ای دموکراتیک، موانع اعمال و اجرای يك حق محسوب می شوند؛ در حالی که اسلام اساس را بر تکلیف قرار می دهد و شکل گیری حقوق به تبع تکلیف خواهد بود که این مبنا هم در اصل شکل گیری و هم در ترسیم موانع، خود را نشان می دهد.

در مقابل، برخی معتقدند اسلام و حقوق بشر تعارضی با یکدیگر ندارند؛ زیرا حقوق بشر از اصول اساسی اسلام است و اسلام در راستای حمایت از انسان ها بر پایه کرامت آنها، این معنا را نیز پذیرفته است و اگر تفاوتی باشد، در مصادیق یا در شیوه اعمال حق می باشد.

رویکرد تشویقی به دنبال این معناست که نحوه تعامل این دو حوزه را نشان دهد. بر این اساس آموزه هایی وجود دارد که اسلام آنها را به حقوق بشر می آموزد و برعکس. بنابراین، این دو می توانند در تعالی انسانی و تضمین کرامت بشری او با تعامل و همکاری به فضاهای مطلوب برسند؛ مثلاً رویکرد امانت گونه اسلام به انسان و هدف آفرینش او، آموزه ای است که حقوق بشر می تواند از آن بهره گیرد. (1)

این نوشتار به دنبال بررسی صحت و سقم این دیدگاه ها نیست؛ زیرا خود بحثی مستقل می طلبد. در این تحقیق کوشیده ایم با توجه به ظرفیت موجود، هم در فقه و هم در نظام بین المللی حقوق بشر، به این مسئله توجه شود؛ از این رو گاهی به آموزه های اسلامی در قالب حقوق بشر برای حمایت از حجاج توجه شده است و گاهی به آموزه های حقوق بشری برای حمایت از انسان ها، به طور کلی، و گروه های خاص، به طور ویژه، توجه شده است؛ چنان که تلاش شده، رویکرد اسلام به حقوق بشر در حوزه حج و رویکرد حقوق بشر به حج را نشان دهد. محور اصلی این تحقیق یافتن

(1). برای دیدن تفصیل این مباحث ر. ك: «حقوق نسل سوم»، اثر جوسن مورگان فستر، مجله حقوق بشر دانشگاه یالی، شماره هشت.

راه های حقوقی برای حمایت از حجاج می باشد. هرچند در این مسیر، حقوق بشر با محوریت حق در معنای حق داشتن حرکت کرده، ولی در آموزه های اسلامی حق در معنای حق داشتن و حق در معنای حق بودن است. بنابراین گاهی شاهد اختلاف، هم در اصل حق بودن و هم در شیوه اعمال و اجرای حق، هستیم و چون هدف این تحقیق حمایت از حجاج با توجه به آموزه های شرع است، به سراغ محورهای رفته ایم که با داده های دینی اسلام در تعارض نباشد.

6. چارچوب نظری بحث

موضوع حج و حقوق بشر با نگرش به ابعاد حمایتی از حجاج به دنبال شناسایی حوزه های حمایتی از حجاج بیت الله الحرام می باشد. ضرورت حمایت از حجاج در سرزمین وحی و محل امن الهی اجتناب ناپذیر است. در طول تاریخ اسلام و حتی قبل از آن راه ها و روش های مختلفی برای حمایت وجود داشته است، اما با گذشت آن دوران و شکوفایی عصر ارتباطات و تعاملات کشورها با یکدیگر و پیدا شدن ادبیاتی که همه کشورهای جهان به گونه های مختلفی آن را پذیرفته اند، فرصت جدیدی برای حمایت از حجاج شکل گرفته است. ادبیات حقوق بشری که امروزه با نام «نظام بین المللی حقوق بشر» شناخته می شود، با هدف حمایت شرافتمندانه از آحاد بشر محقق شده، که فرصت حمایت از حجاج را فراهم آورده است و حقیقت این است که کشورهای اسلامی در حال پرداخت هزینه های بین المللی آن اند. امروزه وضعیت روابط بین المللی با گسترش انواع و اقسام نهادهای حقوق بشری، از کشورها از جمله کشورهای اسلامی در راستای وضعیت حقوق بشر مطالبات بسیاری دارد که کشورها نیز کم و بیش خود را ملزم به آنها می دانند.

اکنون این گفتمان جدید، که کشورهای مختلف جهان با تکیه بر وجدان جمعی بشر و لحاظ حمایت های لازم از انسان ها آن را پذیرفته اند، به دنبال رسیدن به حداکثر استانداردهای بین المللی برای حمایت از افراد بشر است. معایب و محاسن این گفتمان

جدید خود بحث مستقلی را می‌طلبد؛ اما آنچه در این نوشتار دنبال خواهد شد، زمینه و فرصت‌های حمایتی از حجاج به ویژه حجاج ایرانی است.

بدین منظور ضروری است که چارچوب نظری بحث در دو قسمت مدنظر قرار گیرد؛ از سویی با رجوع به آموزه‌های فقهی نوع و میزان حمایت از حجاج در قالب گفتمان جدید حقوق بشری به دست آید که در این خصوص تلاش نگارنده آن است که آموزه‌های فقهی را به دو دسته تقسیم کند. اعتقاد بر آن است که خداوند در مواردی این حمایت را به صورت مستقیم در قالب وضع احکام حمایتی صورت داده است. مشخصاً عنوان «حرم الهی» به عنوان حرم امن با لازمه‌های خاص خودش و مناسک ویژه، اقدام خاص حمایتی حضرت حق تعالی است؛ از سوی دیگر وضع مجازات‌های مختلف برای ناقضان این حدود، رویکرد دیگر حمایتی را نشان می‌دهد.

در موارد دیگر تعهدات بارشده بر حاکم جامعه اسلامی و امیرالحاج که شارع مقدس آنها را بیان کرده، حاکی از حمایت‌های خداوند به صورت غیرمستقیم است.

تبیین سازوکارهای حمایتی از حجاج با تکیه بر آموزه‌های اسلامی محور بعدی تلاش محقق را شکل می‌دهد. مبنای نظری این رویکرد آن است که آموزه‌های اسلامی ابعاد حمایتی ویژه‌ای را برای حجاج لحاظ کرده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت رویکرد بسیاری، بلکه همه احکام اسلامی، رویکرد حمایتی است. استفاده از این آموزه‌ها با رویکرد حمایتی، نقش مؤثری در ترسیم حقوق حمایتی حجاج دارد. اما چون بحث حمایت از حجاج در قالب گفتمان حقوق بشری دنبال می‌شود، ضروری است تعهدات دولت‌ها، از جمله دولت عربستان، که در قالب اسناد، عرف و رویه‌های قضایی شکل گرفته، بررسی شود.

ابعاد مختلف حمایتی از افراد بشر در قالب شهروند، بیگانه، اقلیت‌ها، زنان، و کودکان با استفاده از ادبیات حقوق بشری نسل اول، دوم و سوم در منابع پیش‌گفته بیان شده است؛ در نتیجه ضروری است که از این زاویه به بحث توجه شود. در قسمت بعد به صورت تکمیلی حوزه‌های مختلف حمایتی و سازوکارهای موجود و قابل طراحی برای حمایت، بحث و بررسی می‌شود.

حرمین شریفین و مناسک بزرگ الهی حج، در آموزه های اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردارند. نقش این اماکن شریفه را در ایجاد مدنیت و تمدن اسلامی، که نقشی کم نظیر است، باید جست و جو کرد. دنیای آباد و آخرت نیکو در پرتو توجه و تکریم این دو مکان عظیم است، و هر فرد مسلمان وظیفه دارد که ضمن شناخت عظمت حرمین، مناسک و آداب و وظایف شرعی اش را انجام دهد که عمل به این شعائر دینی چیزی جز تعظیم حرم امن الهی و حرم باعظمت نبوی نیست. این حقیقت هم در قرآن (حج: 27-29)، و هم در سنت قطعی نبوی تبیین شده است. انجام دادن چنین وظیفه ای در گرو بهره مندی از شرایطی است که بدون آن شرایط، عملاً نمی توان عبادت مطلوب و مورد رضایت خداوند را انجام داد. انجام طواف، قیام، رکوع و سجود (حج: 26) و تحقق هدف این تکالیف که همان هدایت جهانیان است (آل عمران: 96)، منوط به وجود فرصت هایی است که حجاج بتوانند در پرتو آن موقعیت ها رسالت خلیفه اللهی را انجام دهند. البته این معانی در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز تبیین شده است. (1)

به جا آوردن مناسک حج با این نگرش بدون تعلیم از اهل بیت (علیهم السلام) نیز سرانجام روشنی ندارد و مصداق عمل بدون شناخت خواهد بود که مصداق عمل جاهلیت است. (2) در کتاب «تأویل الدعائم» در ذیل آیه شریفه (وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ) (حج: 32) بیان شده است آن فردی که به معنای حقیقی کلمه شعائر الهی را تعظیم خواهد کرد، حضرت مهدی (عج) است. (3)

ممنوعیت جدال، فسوق و رفث در حج و همین طور ممنوعیت صید در حال احرام، حاکی از شکل گیری فضایی است که حاجی بتواند به وظیفه خود عمل کند؛ از سوی

(1). فروع کافی، شیخ کلینی، ج 4، ص 187.

(2). الکافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 377.

(3). تأویل الدعائم، ابوحنیفه لقمان بن محمد، ج 3، ص 177.

دیگر اشاره به وظیفه امام الحاج در سیردادن زوار به زیارت پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) در حد توان، و برآوردن احتیاج آنها، بُعد دیگر این جایگاه عظیم است. (1)

حج را باید مانده ای آسمانی دانست؛ آن هم سفره ای عظیم با ابعاد مختلف اجتماعی، عبادی و سیاسی. همه ساله این سفره و خوان الهی، حجاج را به سوی خود دعوت می کند؛ این دعوت از سراسر عالم است و حاکی از افق های بلند طراحی شده در این سفر الهی است.

نقش عظیم و بی بدیل این فریضه الهی در فرهنگ سازی امت اسلامی، بیانگر اهمیت کنگره الهی حج در شکل دهی و تحقق بخشی به حقیقت امت واحده اسلامی است. احادیث وارده از پیامبر مکرم اسلام (ص) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)، با الفاظ و ادبیات مختلف بر عظمت و اهمیت حج تأکید دارد. حضور مکرر اهل بیت (علیهم السلام) و حراست و حفاظت مادی و معنوی از حرم امن الهی، بعد دیگری از اهمیت حج و حرم مکه و مدینه را نشان می دهد.

این عظمت جای تعجب ندارد؛ زیرا دنیای مبارك مسلمانان با آموزه های حج گره خورده است. مسلمانان به هر اندازه که به این حقیقت توجه، و بر آن تأکید کرده اند، به همان اندازه نیز عظمت و رشد و توسعه یافته اند. نقش حج در تربیت انسان های موحد مسلمان و تربیت جامعه اسلامی با روحیه تعاون و همدلی و همراهی مسلمانان، مؤیدی بر جایگاه رفیع حج است.

دستور خداوند به پیامبر بزرگش، ابراهیم خلیل الرحمن (ع)، برای بازسازی و احیای این مکان و زحمات طاقت فرسای او برای انجام دادن دستور الهی و پذیرش ناملایمات خانوادگی از رهگذر رهاکردن زن و فرزندش در آن سرزمین بی آب و علف و لم یزرع، نگاه خداوند عالمیان را به جایگاه این مکان نشان می دهد (حج: 27-29).

قرآن کریم کعبه را نخستین خانه ای می داند که دو ویژگی منحصر به فرد دارد (آل

(1). الدرر السعیه فی فقه الامامیه، محمد بن مکی (شهید اول)، ج 1، ص 496.

عمران: 96)؛ از سویی این خانه که از سازنده آن از باب عظمت و بزرگی معمارش، نام برده نشده، خانه مبارکی دانسته شده است، و از سوی دیگر آن را سبب هدایت دانسته است و در واقع هدایت به خود خانه نسبت داده شده است.

اگر برای نقش آفرینی کعبه و اهمیت آن در تمدن اسلامی و ایجاد امت واحده اسلامی، آیه و یا شاخصه ای غیر از آیه پیش گفته نبود، باز هم برای نشان دادن همه حقیقت کعبه کافی بود؛ چه رسد به ده ها و بلکه صدها آیه و روایت دیگر. هدایتگری از اوصاف ویژه انبیای الهی است، اما این ویژگی به کعبه نیز نسبت داده شده است. وجود چنین مکانی با احکام و ویژگی های مناسکی خود، عامل مهمی در تربیت انسان های موحد می باشد و مایه هدایت آنهاست؛ زیرا با فطرت توحیدی انسان ها عجین است و فطرت پاک انسان ها طالب آن می باشد. وجود این همراهی و همخوانی فطرت و کعبه، و گرایش روحی و روانی برخاسته از فطرت انسان در تمایل به سوی خانه امن و حرم پاک الهی، عامل هدایت و روشنایی بخشی است و از سوی دیگر نیز مایه خیر و برکت است. شاید بتوان گفت این خیر و برکت همان هدایتگری آن است یا به عبارت بهتر، این خانه، خانه مبارکی است؛ زیرا هدایتگر انسان ها به سوی توحید و دوری از شرک است؛ از این رو پیوند خوردن بیت الله و عدم شرک با یکدیگر در آیه شریفه (حج: 26) نیز فهمیدنی است. طبق روایات، خداوند مکان خانه را که در طوفان حضرت نوح (ع) ویران شده بود، به حضرت ابراهیم (ع) نشان داد. چگونگی نشان دادن مکان بیت الله نیز محل بحث و گفت و گو است، اما آنچه در این آیه مهم است گره خوردن چهار عمل با یکدیگر است. طواف کردن، قائم بودن، رکوع کردن و سجده نمودن، چهار عملی است که در این آیه با یکدیگر ترکیب شده اند. نتیجه این چهار عمل، زدودن شرک و دور شدن از شرک است؛ زیرا ایمان را باید در استفاده از این فضاهای معنوی و خالص دید.

منافع حج که با لفظ عام به کار رفته است، و همه منافع مادی و معنوی، دنیوی و اخروی را پوشش می دهد، ضمن آنکه اهمیت حج را نشان می دهد، فلسفه وجودی این

اعمال را نیز نمایان می کند.

در نهایت تأکید بر حج گزاردن و حرکت کردن به سوی حج چه به صورت پیاده، و چه به صورت سواره و آماده کردن و پاك و پاکیزه کردن این خانه برای حجاج، آن هم توسط بهترین انسان ها، مهر تأکیدی است بر آنچه در خصوص نقش و جایگاه حج گذشت.

گفتار دوم: مفاهیم

1. حمایت

واژه حمایت بیانگر اقدامات مختلفی است که در خصوص يك شيء، یا يك شخص صورت می گیرد. این اقدام ابعاد مختلفی دارد و در این بحث حمایت حجاج در چند مرحله صورت می گیرد. از سویی وضع قوانین مناسب و حمایتی در کشورها اعم از کشور میزبان، یا کشور اعزام کننده ضروری است و این خود مرحله ای اساسی در انجام دادن حمایت از حجاج محسوب می شود. در مرحله بعد شناسایی انواع حقوق مطرح شده در اسناد بین المللی حقوق بشری با لحاظ موازین فقهی و شرعی فارغ از فقه خاص، لازم است. مرحله سوم برداشتن موانعی است که افراد در اعمال حقشان با آن مواجه اند؛ این موانع ابعاد مختلفی دارد و در مراحل چندی خود را نشان می دهد که در همه این موارد، مقابله با آنها گامی حمایتی است؛ از سوی دیگر چنانچه فردی این حقوق را نقض کند، حمایت از حاجی اقتضا می کند که با آن فرد خاطی مقابله شود. بنابراین وضع انواع مجازات های مناسب برای ناقضان حقوق حجاج ضروری است.

در نتیجه «حمایت»، هر اقدام ایجابی و سلبی را در بر می گیرد که برای به جا آوردن حج لازم و ضروری است و هر دو کشور میزبان و اعزام کننده باید درباره آن اقدام لازم را انجام دهند. برداشتن موانع موجود، مقابله با موانع به وجود آمده و در نهایت تعقیب و مجازات، مهم ترین ابزارهای حمایتی محسوب می شود. به وجود آوردن سازوکارهای لازم حمایتی بعد دیگر حمایت را شکل می دهد.

حقوق بشر، مجموعه امتیازات، اولویت‌ها، فرصت‌ها، و سلطه‌هایی است که يك فرد نسبت به دیگری در راستای يك زندگی شرافتمندانه و با کرامت می‌یابد. این حقوق در راستای تضمین کرامت انسانی و جلوگیری از رفتارهای غیرانسانی، خشن و تحقیرکننده شناسایی شده‌اند.

این حقوق در سه سطح دسته‌بندی شده‌اند؛ برخی از این حقوق با عنوان حقوق بنیادین سیاسی و مدنی به تصویب کشورها رسیده است که بیشتر آنها در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 1966 م تصویب شده است. رویکرد و اولویت این حقوق، مدنی و سیاسی است و بیانگر نگرش کشورهای غربی می‌باشد؛ هم‌زمان در همان سال میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید که به حقوق نسل دوم معروف شده و محصول تلاش کشورهای شرقی است. در این دو دسته، طرف حق مردم‌اند و طرف تکلیف دولت‌ها؛ از این رو دولت‌ها در شناسایی و اجرای این حقوق درباره شهروندان، و در مرحله بعد درباره دیگر اتباع، متعهدند. روشن است این تقدم و تأخر، زمانی و حتی رتبی نیز نیست، بلکه بیانگر دو نوع تعهد به نوع انسان‌ها از نظر حقوقی است که در واقع تعهدی است نسبت به جامعه جهانی در مقام يك کل.

حقوق نسل سوم که اخیراً خود را نشان داده، حقوقی است با رویکرد همبستگی؛ این حقوق با داشتن مصادیق مختلف، به دنبال تحقق همبستگی در جامعه جهانی است. این همبستگی با شناسایی حقوق و تکالیف برای همگان امکان‌پذیر شده است و به سبب همین ویژگی، حقوق نسل سوم از دیگر حقوق متمایز گردیده است. در واقع در این حقوق مکلف فقط دولت نیست، بلکه همگان از وجود این حقوق منتفع یا متضرر می‌شوند و ضرر و خسارت حاصله از نقض این حقوق فقط به فرد یا گروه خاصی بر نمی‌گردد؛ مثلاً حق محیط زیست، حقی است در راستای همبستگی با لحاظ منفعت جمعی که نقض آن باعث ضرر و زیان همگان می‌شود.

منظور از اسناد بین المللی اسنادی اند که می توان آنها را در قالب نظام بین المللی حقوق بشر مطرح کرد. این اسناد شکل دهنده يك نظام حقوقی بین المللی در زمینه حقوق بشرند و بیانگر انواع حقوق بشری هستند که کشورها در قالب يك تعهد جهانی آن را پذیرفته اند. تعداد این اسناد بسیار است؛ ولی آنچه به طور مستقیم به بحث ما مربوط می شود، در حدود 25 سند است که ویژگی آنها الزام آوری شان است که در برخی از موارد نیز حالت آمره پیدا کرده اند که حق حیات از جمله آنهاست. نقض این اسناد و رعایت نکردن مفاد آنها، برای دولت های امضاکننده، مسئولیت بین المللی را به وجود خواهد آورد. انجام دادن تعهدات مندرج در این اسناد به اقدامات متعددی نیاز دارد که باید در مراجع داخلی از جمله تقنینی و اجرایی و قضایی، صورت گیرد.

فرایند تصویب این اسناد یکی از عواملی است که ویژگی جهانی بودن را به آنها داده است. این حالت جدای از ماهیت و محتوای این اسناد است که با لحاظ شناسایی حقوق بنیادین بشر می باشد. کشورها این اسناد را در مسیری نسبتاً طولانی پذیرفته اند که از تهیه متن اولیه، تشکیل کنفرانس جهانی، طرح دیدگاه های مختلف، امضای اولیه و در نهایت تصویب در مجالس قانون گذاری داخلی (برای برخی از کشورها) تشکیل می شود.

در کنفرانس 1945 م سانفرانسیسکو که در جریان آن سازمان ملل ایجاد شد، حدود چهل سازمان غیردولتی به نمایندگی از زنان، اتحادیه های صنفی و کارگری، سازمان های قومی و گروه های مذهبی با نمایندگان دولت ها که بیشتر از کشورهای کوچک بودند، متحد شدند و برای استفاده از زبانی صریح تر و دقیق تر، درباره حقوق بشر فشار آوردند. تلاش آنها منجر به گنجاندن مفادی درباره رعایت و اجرای حقوق بشر در منشور ملل متحد شد و اساس قانون گذاری بین المللی دوره پس از 1945 م را به وجود آورد. (1) در عمل این تلاش ها که در مقدمه منشور ملل متحد و ماده يك اساسنامه آن

(1). اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ص 228.

نمودار شد، در اسناد بعدی استمرار یافت. ملل متحد چهار وظیفه اصلی را در ماده يك اساسنامه اش پذیرفت. احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی، از مهم ترین این وظایف دانسته شده است، بنابراین در سال 1948 م شاهد تصویب سند دیگر بین المللی، که خود کاربست سایر اسناد بین المللی شد، هستیم. (1)

4. کرامت انسانی

اساس همه حقوق بشری در کرامت انسان ها تعریف شده، و هدف همه اسناد نیز عملی کردن این کرامت است. مقوله کرامت انسانی را باید هم مبنا و هم هدف اسناد بین المللی حقوق بشری دانست. عوامل متعددی کرامت انسانی را تهدید کرده اند و در نتیجه ضروری می نماید که اقدامات مناسبی برای حمایت از کرامت انسانی انجام گیرد.

عواملی مثل فقر، فقدان آموزش و بهداشت، ناتوانی، نابرابری های مختلف، مواد مخدر، جرم، تروریسم و آلودگی محیطی، از اساسی ترین این تهدیدات محسوب شده است. توجه به زنان، کودکان، اقلیت ها، بیگانگان، مردمان بومی، اشخاص معلول و کارگران مهاجر، در کنار شهروندان يك دولت نیز زمینه های تحقق بخشی به کرامت انسانی است.

کرامت را می توان برخوردار بودن از زندگی شرافتمندانه دانست. این زندگی لازمه تمدن انسانی است. برخوردار بودن از احساس امنیت، سربلندی و عزت نفس در يك

جامعه از مصادیق کرامت انسانی است. بنابراین کرامت انسانی را باید حالتی دانست که شهروندان با برخوردار بودن از آن می توانند زیست مسالمت آمیز داشته باشند و آستانه تحمل خود را افزایش دهند.

به دلیل کاربردی بودن این واژه و اهمیت و نقش آفرینی اساسی آن در ترسیم حقوق

(1). اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ص 228.

بشر، از سویی، و از سوی دیگر به دلیل وجود تعارضات مختلفی که در خصوص معنای این واژه در بین اندیشمندان وجود دارد، ضروری است کمی در این رابطه تأمل شود.

در ابتدا این نکته یادآور می شود که واژه کرامت به صورت صریح در سوره اسراء آیه هفتاد به کار رفته است. این آیه بیانگر حقیقتی روشن است. خداوند فرزندان آدم (ع) را کرامت بخشید و آنها را در خشکی و دریا به حرکت درآورد و از طیبات به آنها روزی، و در نهایت او را بر بسیاری از مخلوقات برتری داد.

اصل مباحث کرامت در بین اندیشمندان مسلمان براساس این آیه است. علامه طباطبایی¹ در تفسیر گران سنگ خویش ذیل این آیه نکاتی را بیان کرده اند که مطلوب و مفید است. ایشان بیان کرده اند که این آیه مقرون به امتنان همراه با عتاب و خطاب است. این آیه درصدد متنبه کردن انسان ها به سبب فراموشی همه نعمت های الهی و رخ داد چنین وضعی است. (1)

قرآن کریم با یادآوری کرامت انسانی و اینکه او چنین جایگاه ویژه ای دارد و از سوی دیگر با انواع و اقسام نعمت ها و روزی های الهی متنعم گشته است، این خطاب را بیان می کند که چرا انسان دچار فراموشی شده است.

علامه برای توضیح معنای کرامت فرموده اند کرامت، اختصاص دادن فردی به چیزی به صورت اختصاصی آن هم با عنایت ویژه است. در واقع تفاوت کرامت و فضل در آیه شریفه آن است که در معنای فضل اشتراك در معنا وجود دارد، به گونه ای که غیرانسان نیز از آن صفت برخوردار است؛ در حالی که کرامت حالت اختصاصی دارد. ویژگی اختصاصی انسان، چیزی جز عقل و خرد و اندیشه او نیست. وی در ادامه می گوید که سایر احتمالات درباره معنای کرامت را باید از مصادیق این معنا دانست؛ مثلاً، مستوی القامه بودن، برخورداری از صورت نیکو، مخلوق الهی بودن، پیامبر شدن او و تسلط انسان بر سایر موجودات، همگی یا ناشی از عقل و یا نتیجه بهره مندی از عقل است.

(1). المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، 1417، ج 13، ص 165.

توان انسان در نوشتن، حرف زدن و به سلطه درآوردن دیگر موجودات را باید حاکی از توان عقل انسانی دانست. علامه طباطبایی در ادامه تفسیرش دیگر احتمالات را خطا می داند و تمرکز اصلی را بر عقل دانسته، و آن را موهبتی الهی تعریف کرده است.

در حقیقت تکریم انسان یا به نوع انسان است که همان عقل اوست و از این رهگذر همه انسان ها و یا به تعبیر بهتر، نوع انسان آن کرامت را دارند، یا به تفصیل است که دیگران نیز دارند، اما انسان در برخورداری از آن بهتر است.

انسان با داشتن این قوه به دنبال ایجاد نظم مطلوب در راستای زندگی شرافتمندانه است و استفاده از آن جای تقدیر و تشکر الهی دارد. اما استفاده نکردن یا بد استفاده کردن از آن مایه توبیخ می شود؛ آن چنان که لحن آیه این حالت را نشان می دهد.

مطابق آنچه گذشت انسان با عقل الهی از سر اراده و اختیار دست به انتخاب می زند. داشتن این حالت فرصتی است که می تواند به تهدیدی علیه خودش تبدیل شود. این فراز و فرود انسان باعث می شود که آیه شریفه در ادامه به حقیقتی اشاره کند که برتری انسان نسبت به همه موجودات نیست، بلکه نسبت به کثیری از موجودات است؛ از این رو پرسشی تفسیری - کلامی در «المیزان» مطرح شده است که آیا انسان برتر است یا ملائکه. علامه در جواب بیان کرده اند که داشتن اختیار فی حدنفسه ملائکه برتری نیست، بلکه اگر انسان به این اوصاف الهی که در اختیار دارد عمل کند، برتر خواهد بود و اعتراض ملائکه به بالا بودن مقام انسان نبود؛ بلکه به عملکرد انسان بود.

به عبارت دیگر ملائکه معتقد بودند انسان با داشتن صفت عقل، از آن استفاده مطلوب نخواهد کرد، بلکه از آن سوء استفاده خواهد کرد و خداوند با نشان دادن مقام انسانی و امکان استفاده مطلوب و کامل از عقل، به اعتراض فرشته ها پاسخ داد. (1)

اگر این معنا از کرامت مدنظر قرار گیرد، باید گفت همه انسان ها با داشتن صفت عقل از کرامت انسانی برخوردارند. این عنایت در مقام ایجاد حق شکل گرفته است، اما

(1). المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، 1417، ج 13، ص 165.

در مقام استفاده، برخلاف حالت اولیه، عنایتی وجود ندارد. بلکه کاملاً به اراده و اختیار انسان واگذار شده است که در این مسیر ممکن است آن کرامت را از دست بدهد، و در نتیجه مبنای ایجاد حق نیز از کفش برود. شرك بزرگ ترین عامل سلب کرامت انسانی است.

توجه به این نکته تفاوت معنای کرامت در آموزه های اسلامی و غیراسلامی را نمایان می کند. مطابق آنچه در نظام بین المللی حقوق بشر، مطرح است، صرف انسان بودن منشأ پیدایش حق است و تا انسان این وصف را دارد، از حق نیز برخوردار است؛ در حالی که مطابق آموزه های اسلام، تداوم حقوق انسان به عملکرد او برمی گردد.

5. حق در معنای فقهی، حقوقی و اخلاقی

برای کلمه حق معانی مختلفی بیان شده است که تفکیک سه معنای حق و سه کاربرد حق برای فهم معنای آن لازم است:

الف) حق در معنای فقهی: در تعریف فقهی حق گفته شده است که نوعی سلطه ضعیف بر مال یا منفعت را گویند. این تعبیری است که مرحوم میرزا محمدحسین نائینی در کتاب «منیة الطالب» آن را بیان کرده است. در تعبیری که سید محمدکاظم طباطبایی بر حاشیه «مکاسب» مطرح کرده اند، قید دیگری نیز اضافه شده است. ایشان حق را نوعی سلطنت بر چیزی دانسته اند که گاه به عین تعلق می گیرد؛ مانند حق رهن، و گاه به غیرعین؛ مانند حق فسخ متعلق به عقد، و گاهی متعلق آن شخص است؛ مانند حق حضانت. نتیجه آنکه حق نوعی سلطه و ملك بر چیزی است که از حد مالکیت کمتر است. ضعیف بودن حق، به اعتبار نوع تصرفات ناشی از آن حق می باشد، در حالی که ملکیت اقتضای تصرفات مطلق مالکانه را دارد. (1)

در کلمات مرحوم صاحب جواهر در دائرة المعارف بزرگ شیعه، تفاوتی بین حق و

(1). فلسفه حقوق، جمعی از نویسندگان، ص 22.

ملك وجود ندارد. (1) اما شیخ انصاری در کتاب مشهور «مکاسب» بین حق و ملك فرق گذاشته اند. در تعریف حق، وجود دو عنصر «من له الحق» و «من علیه الحق» ضروری است، ولی در ملك این نسبت لازم نیست. ملك اعتبار خاصی است که به دارنده آن پیوند می خورد. در واقع بین فرد و مال رابطه ای برقرار می شود که به آن مالکیت گفته می شود و به آن مال نیز ملك اطلاق می شود. برای شکل گیری این عنوان، بیش از این مقدار لازم نیست؛ در حالی که برای تحقق مفهوم حق، افزون بر موضوع حق و من له الحق، فرد مکلفی به نام من علیه الحق نیز ضروری و لازم است. به نظر حضرت امام در کتاب «البیع»، نیز بین ملك و حق تفاوت وجود دارد. کسی که در مسجد جایی را به خود اختصاص می دهد، حق دارد، ولی آنجا ملك این فرد نمی شود. البته گرایش بیشتر در فقه، عدم تفکیک بین حق، ملك و حکم است. (2)

حاصل سخن آنکه در اصطلاح فقهی حق نوعی سلطه بر مال، یا چیزی غیر از مال مثل منفعت است، و با این تعبیر تلاش می شود که مرز حق و ملك جدا بماند. اما به نظر می رسد ضرورتی برای این جداسازی وجود ندارد و می توان حق را در معنای ملك تعریف کرد؛ هر چند ملك در همه جا آثار یکسانی نخواهد داشت؛

ب) حق در معنای حقوقی: در حقوق این واژه در معانی مختلفی به کار رفته است؛ برخی حق را عبارت از سلطه ارادی که قانون در اختیار شخص قرار می دهد، تعریف کرده اند؛ برخی آن را مصلحتی تلقی کرده اند که قانون از آن حمایت می کند؛ برخی برای تعریف حق، بین سلطه و مصلحت جمع کرده اند؛ برخی حق را نوعی امتیاز قانونی دانسته اند، و برخی نیز حق را امری اعتباری می دانند که به نفع کسی و به ضرر دیگری وضع می شود و بر این اساس معتقدند که حق سه رکن دارد. (3)

(1). جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، 1374، ج 21، ص 41.

(2). حقوق شناسی، محمد حسین ساکت، 1387، ص 6.

(3). فلسفه حقوق، ص 24.

به طور کلی در اصطلاح حقوقی سه مکتب مهم حقوقی این واژه را تعریف کرده اند؛ مکتب شخصی بر عنصر اراده قانونی تأکید کرده است و حق را نوعی اراده تأییدشده می داند. در مکتب موضوعی، حق سودی است که قانون از آن حمایت می کند و در مکاتب تلفیقی، تلاش هر سه عامل، یعنی اراده، سود و منفعت را در احیای حق، نقش آفرین می داند. وجه مشترك هر سه مکتب رویکرد سنتی آنهاست؛ (1) ولی مکتب حقوقی نوین که به دیدگاه «دابن» معروف شده است، حق را سلطه و چیرگی می داند که قانون از آن حمایت می کند. (2)

با لحاظ همه آنچه در معنای حق گذشت، باید گفت حق عبارت است از يك رابطه حقوقی، که از رهگذر آن رابطه، امتیازی برای افراد شناسایی می شود. لازمه این معنا، اختصاص و بهره وری و تقدم است، و روشن است که بین بهره وری و اجازه که در فقه مطرح شده است، فرق وجود دارد.

این اصطلاح در قرآن کریم کاربرد دارد؛ از جمله در سوره بقره، آیه 282 از تعبیر (الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ) استفاده کرده، در سوره نور، آیه 48 و 49 نیز به این معنا توجه شده است. در این آیات اشاره شده است که اگر گروهی از مردم در داوری حقی داشته باشند، با سرعت و تسلیم به سوی پیامبر (ص) می آیند؛ همچنین آیه 19 سوره ذاریات، به حق سائل در مال دیگران اشاره می کند.

امتیاز معنای حقوقی برخورداری از حمایت قانونی است؛ زیرا دولت آن حق را در قوانین خود مورد شناسایی قرار داده، و از طرف دیگر برای ناقضان آن مجازات تعیین کرده است؛

ج) حق اخلاقی: گاهی واژه حق در معنای اخلاقی به کار رفته است و معنایش شبیه معنای حقوقی است؛ ولی هرکدام از این دو اصطلاح به حوزه خاصی تعلق دارند. یکی

(1). حقوق بشر نظریه ها و رویه ها، شریفی طراز کوهی، 1380، صص 47-72.

(2). همان.

ص: 43

از ویژگی های کاربرد اخلاقی حق، فراگیر بودن آن در غیر روابط اجتماعی است؛ مثلاً در رساله امام سجاد (ع) که به «رسالة الحقوق» معروف است و شیخ حر عاملی در جلد یازدهم از کتاب شریف «وسائل الشیعه» آن را نقل کرده است، این کاربرد مشهود است. حق زبان، گوش، چشم، دست، پا، شکم، نماز، حج، روزه، صدقه و قربانی از نمونه های حق اخلاقی است.

از سویی این کاربرد در قوانین داخلی شناسایی نشده است، در نتیجه ناقضان آن نیز مشمول مجازات دنیوی نیستند و به نظر، دلیل آن روشن است. از آنجا که این موارد در مناسبات اجتماعی به کار نمی روند، پس نمی توانند معنای اصطلاحی حق در معنای حقوقی را که طرف حق تکلیف دارد، به خود بگیرند. در واقع برای مثال، زبان، مصداق من له الحق نمی باشد؛ در نتیجه فرد صاحب زبان مصداق من علیه الحق نیست.

به کارگیری زبان حق و تکلیف، در معنای اخلاقی حق، شاید حاکی از اهمیت، و نقش داشتن این عناوین در شکل دهی مناسبات فرد با خود، یا فرد با خداوند است. اثرگذاری این حقایق در زندگی دنیوی و اخروی به گونه ای است که می توان از واژه حق که بار معنایی بسیاری را در خود جای داده است، استفاده کرد.

احتمال دیگر آنکه این واژگان در آخرت به گونه ای حقایق خود را نشان می دهند که حق در معنای حقوقی خود، در دنیا نشان می داد. زبان طلبکار و ایجاد بدهی به آنها در انسان واقعیتی است که در قیامت خود را نشان خواهد داد.

احتمال سوم آنکه انسان ها همان طور که در دنیا در مراودات اجتماعی خود از واژه حق در معنای حقوقی استفاده می کنند و آثار آن را نیز بار می کنند، آموزه های دینی نیز از این ادبیات به منظور ایجاد آثار آن استفاده کرده اند.

واژه حق اخلاقی در کلمات فقها کم و بیش به کار رفته است؛ برای مثال مرحوم سبزواری در کتاب «مهذب الاحکام» ذیل سخن صاحب کتاب «المقابس» که نذر متعلق به عین قبل از بیع را از جمله حقوق مانع از صحت بیع می داند، به این نکته توجه

کرده اند و فرموده اند احتمالاً این سخن به دلایل مختلفی بیان شده است، ولی احتمال دارد از باب ثبوت حق اخلاقی برای منذورله در آن عین باشد. (1) حضرت آیت الله زنجانی در «کتاب نکاح» در پنج مورد از واژه حق اخلاقی استفاده کرده اند؛ برای مثال ایشان می فرمایند، زن نسبت به نطفه شوهرش نوعی حق اخلاقی دارد؛ هر چند این حق اخلاقی در حد الزام نیست و در مورد دیگر درباره باکره کبیره به حق اخلاقی غیرالزامی اشاره می کنند. ایشان در بحث (الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) (بقره: 237) می فرماید، حق عقد در آیه نمی تواند حق اخلاقی باشد؛ تفاسیری مثل «انت و مالك لا يملك» نیز بر حق اخلاقی خاص پدر بر فرزند تأکید دارد. (2)

رساله حقوق امام سجاد (ع) به مسئولیت هایی که انسان در مقابل اشخاص و اشیا دارد، اشاره می کند که این سلطه نیست، بلکه مسئولیت است. گاهی این مسئولیت ها واجب و گاهی مستحب و اخلاقی است. مرحوم صاحب وسایل در کتاب الحج به مناسبت، سراغ حقوق حیوانات رفته است؛ از جمله در باب نهم از ابواب حج، احکام چهارپایان را با عنوان حقوق الدابة المندوبه و الواجبه آورده است که اینها حق اخلاقی و عرفی است، نه حق به معنای فقهی و به معنای سلطه.

6. حق در معنای حق بودن و حق در معنای حق داشتن

از جمله دسته بندی هایی که در زمینه حقوق شکل گرفته است، تفکیک دو معنای حق در عبارت، حق بودن و حق داشتن است. به دلیل آثار چندی که این تفکیک در خود جای داده است، تبیین این دو کاربرد ضروری است:

الف) حق در معنای حق بودن: حق در این معنا به معنای حقیقت بودن است. به عبارت دیگر آن گاه که سخن از حق بودن در میان است، منظور درست بودن و صحیح بودن و مطابق با واقع بودن آن است که در برابر باطل بودن قرار می گیرد؛ مثلاً

(1). مهذب الاحکام، عبدالاعلی سبزواری، 1413، ج 17، ص 52.

(2). کتاب نکاح، شبیری زنجانی، ج 12، صص 4157-4332.

وقتی گفته می شود آدم کشتی یا تجاوز به دیگری حق نیست، معنای آن عبارت است از اینکه رفتار فوق صحیح نیست و باطل است و نمی توان هیچ گونه از آن دفاع کرد. دلیل باطل بودن این رفتار یا ناشی از خلاف عقل بودن آن است یا ناشی از خلاف شرع بودن، یا ناشی از خلاف اخلاق حسنه بودن است. نتیجه طبیعی از این معنا آن خواهد بود که ملاک پذیرش یا رد يك ادعا، حق بودن یا حق نبودن آن است. این معنا با نوعی ارزش گذاری همراه است.

بدیهی است از آنجا که مبانی اعتقادی افراد متفاوت است، معیار حق و باطل بودن نیز متفاوت خواهد بود. هرچند این اختلاف تأثیری در هویت معنایی حق در معنای حق بودن نخواهد داشت. (1)

از آنچه گذشت به دست می آید که حق در این معنا متعلق به حوزه هست ها و حوزه شناخت شناسی است، نه حوزه بایدها و نبایدها؛ (2)

ب) حق در معنای حق داشتن: در این کاربرد، حق در معنای باید و نباید مطرح است. حق داشتن به اصل وجود حق اشاره می کند و توجهی به ماهیت درست بودن یا غلط بودن آن ندارد. (3) آنچه در حقوق مدنظر حقوق دانان قرار گرفته است، حق در معنای حق داشتن است. (4) بنابراین آن گاه که گفته می شود حق آزادی بیان، بدان معنا خواهد بود که فارغ از محتوایش، این امتیاز و فرصت برای افراد وجود دارد. حق بودن آزادی بیان در این معنا، مساوی با درست بودن آن نیست، چه بسا افرادی که در بیانشان مطالبی را مطرح می کنند که باطل است.

این تفکیک سهل و ممتنع است؛ زیرا از طرفی به شناسایی انواع حقوق بشری می پردازد، و در عین حال تضمین دهنده، درست بودن آن نیست. حقوق بشر با ایجاد

(1). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، حسین جوان آراسته، 1384، ص 32.

(2). مجله تحقیقات حقوقی، سید فاطمی، شماره 33 و 34.

(3). همان.

(4). همان، ص 32.

این تفکیک به دنبال حل یکی از بزرگ ترین چالش های موجود در نظام بین المللی برآمد. با پذیرش این معنا که هر فردی آزادی بیان دارد، می توان همه عوامل تبعیض در داشتن حق را به کناری گذاشت؛ زیرا هیچ عامل تبعیض سازی، یا تفاوت سازی در این مرحله نمی تواند مداخلت داشته باشد و البته دلیلی برای مخالفت نیز وجود ندارد؛ زیرا ادعای این حق، فقط داشتن است و می دانیم که اختلاف اساسی بر سر حق بودن است. از سوی دیگر سوءاستفاده از حق نیز در این معنا مفهومی روشن و قابل اندازه گیری است؛ زیرا ممکن است فردی با آزادی بیانش به حقوق دیگری لطمه وارد سازد، یعنی مخل آزادی بیان او شود. نکته مهم آنکه درحقیقت محدودیت این حق چیزی نخواهد بود جز آنکه فردی با اعمال حشش مانع استفاده و اعمال حق دیگری شود. این مانعیت یا بدان دلیل است که اجرای این حق خلاف اخلاق حسنه است یا خلاف نظم عمومی. اما حق در معنای حق بودن متفاوت خواهد شد؛ زیرا وقتی گفته می شود اقدام تروریستی حق نیست، یعنی آنکه این اقدام باطل است؛ حتی اگر عده ای تصور کنند نظم عمومی آن را می طلبد یا حتی بالاتر از آن، ادعا کنند که این کار مخالفی با اخلاق حسنه ندارد.

در رویکرد جهان شمولی حقوق بشر، حق به معنای حق داشتن، و نه حق در معنای حق بودن معنا و مفهوم می یابد. عدم تفکیک این دو کاربرد، اختلافات بسیاری را در بین حقوق دانان به وجود آورده است.

7. مفاهیم مرتبط

چون حجاج به دو دسته تبعه و غیرتبعه دولت عربستان تقسیم می شوند، با برخی مفاهیم مشابه سروکار دارند. یکی از اساسی ترین این واژگان، شهروند، گردشگر، توریست و بیگانه است.

الف) شهروند: شهروند با معنای تبعه مترادف شده است؛ زیرا در معنای شهروند لحاظ رابطه تابعیتی شرط است. تفاوت این واژه در رویکرد حاکمیتی و رویکرد حقوق

بشری به مسئله است. واژه تبعه در معنای حاکمیتی مطرح است، در حالی که شهروند در نگاه حقوق بشری خود را نشان می دهد؛ از این جهت مبنا و منابع و هدف حقوق بشر و شهروند عملاً یکی است و تفاوت حقوق بشر و شهروند در میزان و آستانه حمایت از فرد به لحاظ داشتن یا نداشتن رابطه تابعیت می باشد.

در نظام های حقوقی دنیا سه عنصر خاك، خون و اقامتگاه، برای تحقق رابطه تابعیتی لحاظ شده است. اما در فقه اسلامی شهروند دولت اسلامی شدن به صورت ساده و بدون تشریفات و حتی بدون نیاز به جلب رضایت دولت اسلامی است و هر فرد می تواند با پذیرش شرع مقدس اسلام، خود را تحت حمایت دین اسلام قرار دهد. (1)

شهروند به دلیل برخوردار بودن از رابطه تابعیت، تحت حمایت دولت متبوع خویش است و حجاج عربستانی از این جهت مشمول حمایت های دولت خویش اند. اما حجاج دیگر کشورها به دلیل فقدان این رابطه و نبود مفهوم شهروند جامعه اسلامی یا مفهوم شهروند حرمین شریفین در حقوق، تحت عنوان بیگانه قرار می گیرند که لازم است آستانه حمایت از آنها بررسی شود.

ب) بیگانه: از مفهوم بیگانه تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ برخی بیگانه را این گونه تعریف کرده اند: «بیگانه کسی است که به عنوان شهروند یا تبعه کشور ساکن در آن، شناخته نشود». (2) در عبارت دیگر حقوق دانان ادبیاتی کم و بیش مشابه به کار رفته است. آنچه از لابه لای تعاریف به دست می آید این است که برخی در تعریف بیگانه، داشتن تابعیتی غیر از اقامتگاه را مطرح کرده اند، و برخی آن را لازم ندیده اند. (3)

بیگانه می تواند تحت عناوینی همچون جهانگرد و گردشگر قرار گیرد. بیگانه می تواند تحت عنوان گردشگر مذهبی، یا مسافر نیز تعریف شود. عناوین دیگری همانند، بیگانه مهاجر، بیگانه پناهنده، بیگانه مأمور اعم از مأمور سیاسی، یا غیرسیاسی، و

(1). جواهر الکلام، ج 21، ص 244.

(2). The world Book Encyclopedia, Chicago, 1966, Vol, 1, P. 352 .

(3). اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، مصطفی دانش پژوه، 1381، ص 196.

آواره اعم از آواره جنگی، یا بلایای طبیعی نیز مطرح است که هرکدام بار معنایی خاص خود را دارند. (1)

اصولاً شرع مقدس درباره بیگانه معنایی متفاوت دارد. بیگانه فارغ از محل سکونتش عبارت است از کسی که از امت اسلامی نباشد. (2) بنابراین فردی ممکن است از مسلمانان باشد، ولی در منطقه اسلامی سکونت نداشته باشد و ممکن است فردی در بلاد اسلامی باشد، ولی از اهل کتاب باشد.

چون این عناوین در بحث فعلی آثار عملی خاصی ندارند، همگی تحت عنوان بیگانه شناسایی شده اند. درباره اینکه بیگانه از چه حقوقی برخوردار است، از جهت دکتترین، تاکنون چهار نظریه مطرح شده است. اساسی ترین این نظریه ها عبارت اند از رفتاری همانند اتباع، رفتاری براساس رفتار متقابل، رفتار کامله الوداد و رعایت دست کم استانداردهای بین المللی. (3) حقوق حمایتی از بیگانه، افزون بر حقوق عرفی، شامل برخی حقوق قراردادی نیز هست. مهم ترین اسنادی که به حقوق بیگانه توجه کرده اند، اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده 13)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده 12)، منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها (1974 م)، اعلامیه حاکمیت دائم بر منابع طبیعی (1962 م)، عهدنامه نیویورک درباره حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و خانواده آنان (1990 م) و در نهایت، انواع و اقسام معاهدات دوجانبه و چندجانبه کشورهاست. رویکرد فعلی نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، حمایت لازم از افراد بیگانه در قالب رعایت استانداردهای بین المللی و فارغ از رفتار متقابل کشورها، یا قوانین داخلی کشورهاست.

(1). اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، صص 200-207.

(2). فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج 3، صص 200 و 201.

(3). حقوق بین الملل عمومی، محمدرضا بیگدلی، 1379 ه. ش، ص 352.

حمایت از حجاج در سرزمین وحی از نظر امکان منطقی در سه مرحله می تواند شکل گیرد:

مرحله اول ناظر به وضع قوانین خاص حمایتی از مسلمانان در سرزمین های اسلامی به ویژه در منطقه و حرم امن می باشد. در این مرحله سخن از وضع و شناسایی قوانینی است که بیانگر انواع و اقسام حقوق حجاج در سرزمین الهی است. در نظام بین المللی حقوق بشر، شناسایی کردن این حقوق توسط دولت ها، اصلی ترین مرحله حمایت از آحاد بشر تعریف شده است. (1) رمز این تأکید آن است که بدون شناسایی، دولت ها خود را متعهد به انجام دادن تکالیف حمایتی نمی بینند و اگر حمایتی نیز صورت گیرد، جنبه اخلاقی دارد، نه فقهی یا حقوقی؛ از این رو تلاش جامعه بین المللی حقوق بشری، بر شناسایی حداکثری کمی و کیفی این حقوق است که این معنا در قالب تصویب اسناد مختلف بین المللی خود را نشان داده است. نکته مهم آن است که با این نگرش محور اصلی بحث شناسایی حقوق حمایتی است و بنابراین بحث از این حقوق و ماهیت آنها بحث دیگری خواهد بود.

(1). نهادها و سازوکارهای منطقه ای حمایت از حقوق بشر، سید قاسم زمانی، امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری، 1381 ه. ش، ص 14.

مرحله دوم تلاش برای زمینه سازی اجرای حقوق حمایتی است این مرحله دربرگیرنده اقدامات چندی از سوی دولت می باشد. در ابتدا برداشتن موانع موجود گامی اجرایی تلقی می شود و در مرحله بعد ایجاد سازوکارهای حمایتی - نظارتی خود را نشان می دهد. در مواردی عدم ممانعت حاکمیت مساوی خواهد شد با استفاده از حقوق، و در مواردی حضور حاکمیت به صورت مثبت به معنای حمایت عملی از حقوق بشر است؛

مرحله سوم مرحله قضایی است. در این مرحله ضروری است دولت برای رسیدگی به تخلفات، نهادهای شبه قضایی یا قضایی را شکل دهد و حتی به افراد غیردولتی نیز رسیدگی کند. مرحله تعقیب مجازات را باید ضمانت اجرای دو مرحله پیش دانست.

این رویکرد حمایتی در آموزه های فقهی نیز مدنظر است: وضع قوانین حمایتی از سوی شارع، موظف کردن حاکم بر انجام دادن اقدامات لازم و در نهایت، مجازات کردن افراد ناقض حق؛ از این رو ابعاد حمایتی از حجاج در سه مرحله مدنظر قرار گرفته است.

شناسایی حقوق حمایتی از سوی خداوند

به کارگیری ترکیب «حق علینا» در آیات مختلف قرآنی این پرسش را به وجود می آورد که ماهیت و کاربرد این ترکیب چیست؟ مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه (حَقًّا عَلَيْنَا نُنَاجِ الْمُؤْمِنِينَ) (یونس: 103) فرموده اند: «این يك وعده جمیل الهی است». (1) این تعبیر حاکی است که علامه حق در آیه را حقوقی تلقی نکرده اند و آن را يك حق اخلاقی و وعده ای از طرف خدا دانسته اند. در تفسیر «فتح القدير»، نیز نظری همانند نظر علامه بیان شده است. (2)

در روایتی آمده است:

«حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ التَّمَّاسَ الْعِغْفَافَ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ»؛ (3) «بر خداست که کسی را که برای پاك ماندن از گناهان ازدواج می کند، یاری کند».

(1). المیزان، ج 10، ص 129.

(2). فتح القدير، محمدبن علی شوکانی، 1414، ج 2، ص 542.

(3). الجامع الصغیر، سیوطی، ج 2، ص 33.

کلمه حق هر چند بالعرض به انسان تعلق گرفته است، ولی در معنای امتیاز، سلطه، توانایی و اولویت است. در این صورت باید گفت، خداوند حقی را برای مؤمنان تعریف کرده، و براساس همان حق نیز سخن گفته است. در معنای حق گفته شد که حق امر اعتباری است که به نفع شخصی و ضرر شخصی دیگر جعل و وضع می شود. ارکان سه گانه حق، من له الحق، من علیه الحق و متعلق حق است. با این وصف باید گفت کاربرد حق در این نوع واژگان قرآنی، پذیرش و شناسایی تعهد و تکلیفی از سوی خداوند درباره بندگان است. این اقدام خداوند لطف است و در واقع نوعی توجه خاص به انسان، و می توان گفت در این موارد حق شکل گرفته است. بنابراین عبادت کردن حق بنده است، داشتن فرصت انجام دادن واجبات حق بنده است و خداوند را به حق خود قسم دادن نیز حق است. این شناسایی ابتدا در اصل حق و سپس در مصادیق آن، که برخوردار بودن از فرصت انجام دادن تکالیف شرعی مصداق بارز این حقوق می باشد، صورت گرفته است. در این راستا تفاوتی بین حق اخلاقی و حق حقوقی وجود ندارد؛ هر چند حق در معنای حقوقی ضمانت اجرای دولتی دارد.

تهدیدات سرزمینی

توجه به آیات قرآن کریم بیانگر این معناست که خداوند برای حمایت از بندگان، بیت الله را تأسیس کرد. این عمل و رفتار با هدف حمایت از مؤمنان و برخوردار شدن آنها از مکانی امن با قابلیت و ظرفیت های بالا صورت گرفت. بیان ویژگی های این مکان و آثار و خیرات و برکات آن از این معنا حکایت دارد؛ به عبارت دیگر، نیاز انسان ها به داشتن مکان امن برای عبادت و برخوردار بودن از فضای فیزیکی در راستای هدایت و عملی شدن هدف خلقت، از نیازهای اولیه و اساسی است. پاسخ به این مطالبه نیز باید حالت اولیه به خود بگیرد. شکل دهی به بیت الله به عنوان نخستین مکان عبادی با خصوصیات منحصر به خود در راستای هماهنگی با نیاز بنیادین و اساسی همه انسان هاست.

باتوجه به سخنان مفسران قرآن در ذیل آیه شریفه 96 سوره آل عمران، این آیه بیانگر

مطالب مهمی است که ابعاد حمایتی خداوند را از مؤمنان با ایجاد کعبه حکایت می کند.

در «تفسیر الوسیط» ذیل آیه به چند نکته توجه شده، که بیان آنها مفید است:

1. کعبه اولین خانه ای است که برای عبادت بنا شده است و اولیت در زمان مستلزم اولیت از حیث شرف و مکان است. (إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ) (بقره: 127). سپس مسجد الاقصی در طول ده ها سال ایجاد شد و بعد از قرن ها، سلیمان بن داوود آن را تجدید بنا کرد. در حدیثی در پاسخ سؤالی که ابوذر از پیامبر (ص) پرسید، آمده است که فاصله مسجدالحرام و مسجدالاقصی چهل سال است. (1)

2. موضع هدایت مردم است؛

3. کعبه مبارك است؛ یعنی کثیرالخير است و در مکانی دور واقع است که همه نعمت های الهی بدان سرازیر می شود، از جهت دنیوی و اخروی؛

4. در آن آیات بینات است از جمله مقام ابراهیم (ع) که برای نماز و عبادت می باشد و آن که داخل بیت الحرام شود، بر نفس خود، و بر مالش ایمن است حتی اگر قاتل باشد که در عرب جاهلی و اسلام معروف است و هرگاه در آنجا جنگ رخ داده، در واقع نقض حق بر امنیت بوده است که جنایت است؛ آن هم جنایت عظیم؛

5. مکان برگزاری حج و عمره است:

عن علي (ع)

قال: قال رسول الله (ص)

من ملك زاداً و راحلةً تبلغه إلى بيت الله ولم يحج فلا عليه ان يموت يهودياً او نص - رانیا» (2)؛ «علی (ع) از حضرت پیامبر (ص) نقل می کنند که حضرت فرمود: هرکس زاد و راحله ای داشته باشد که او را به مکه برساند، ولی حج به جا نیاورد یا یهودی می میرد و یا نصرانی».

6. سبب وحدت مسلمانان به عنوان اهم ممیزات می باشد. قبله واحد جهت گیری مشترك است و جایی برای جدال، فسوق و... نیست؛ در نتیجه چرا وقتی بین آنها اختلاف رخ می دهد، به دنبال حل آن نمی روند تا برای خود عزت و کرامت درست کنند؛ (3)

(1). بخاری، و مسلم و... آن را نقل کرده اند.

(2). سنن الترمذی، ج 2، ص 168.

(3). تفسیر الوسیط، زحیلی و هبة بن مصطفى، 1422، ذیل آیه 96 آل عمران.

در تفسیر «روح البیان»، نیز ذیل آیه شریفه نکاتی مطرح شده است:

آن گاه که قبله عوض شد، یهودیان طعنه می زدند و می گفتند که بیت المقدس افضل است؛ زیرا پیش از کعبه بوده، ارض محشر است، محل هجرت انبیا و قبله آنها بوده، ارض مقدسه ای است که خداوند آن را مبارك کرده، در آن کوه طور است.

در پاسخ آنها این آیه نازل شد: «

اول بیت وضع للناس ای لعباده»، خداوند آن را وضع کرده است. بلکه علم است برای بلد حرام (آن گاه که ازدحام جمعیت می شود) و از تسلط جباریه هم آزاد است. (1)

در ادامه آمده است:

حضرت آدم (ع) کعبه را ساخت، ابراهیم (ع) قواعد آن را برافراشت، بعد از آنکه در طوفان نوح محل آن گم شده بود. لذا از طرف خداوند امر به بنا شد، پس هم مبارك است، هم در جهان بنایی با شرف تر از آن وجود ندارد؛ از این رو مبارك است به معنای کثیرالخير و النفع مثل تکفیر الذنوب. همچنین مایه هدایت جهانیان است: (هُدًى لِّلْعَالَمِينَ)؛ زیرا قبله گاه است و مکان عبادت، و در آن آیات عجیب است. (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ). از جمله اصحاب فیل و عدم پرواز پرندگان بر موازات آن، و هرکس که در آن داخل شود، از تعرض مصون است و این امنیت ناشی از دعای ابراهیم (ع) بود: (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...) لذا اگر جانی یا هر نوع جنایت کار دیگر به حرم پناه ببرد، مورد تعقیب واقع نمی شود. ابوحنیفه هم آن را تأیید کرده است، ولی گفته، در فشار و عجز قرار گیرد تا مجبور به خروج گردد، ولی اگر در حرم مرتکب سرقت یا قتل شد، مجازات می شود: (لَا تُقَاتِلُوهُمْ... حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ). (2)

این مفسر احتمال دیگری هم داده است:

«و من دخله کان آمناً من النار»، و در حدیث آمده است: «

من مات في احد الحرمين بعث يوم القيامة آمناً»، و از پیامبر (ص) نقل شده است:

(1). روح البیان، حقی بروسوی (اسماعیل)، ج 2، ص 67.

(2). تفسیر روح البیان، ج 2، ص 68.

ص: 55

«الحجون و البقیع یؤخذ باطرافها و ینشران فی الجنه».(1)

در تفسیر شریف المیزان، (2) نکات قابل توجهی ذیل آیه بیان شده است:

1. قبله از مشاجرات جدی مسلمانان و یهودیان حتی بعد از نزول آیه بوده است؛

2. وضع این خانه برای عبادت مردم است، به قرینه مبارك و هدی للعالمین؛

3. آیه از جهت دلالت لفظی نمی رساند که کعبه اولین خانه در زمین بوده است؛

4. مبارك یعنی خیر کثیر اعم از دنیوی و اخروی، ولی ظاهر مقابله با واژه هدی للعالمین بیانگر آن است که مراد برکت دنیوی است و عمده آن وفور ارزاق و وجود انگیزه های مختلف برای حضور در مکه و اکرام و احترام به مکه می باشد (ابراهیم: 37)؛

5. حج و مناسک آن از زمان حضرت ابراهیم (ع) تشریح شد (بقره: 125).

بنابراین کعبه مایه هدایت و سعادت دنیا و آخرت است، به جمیع مراتب هدایت؛ یعنی هدایت برای همه جهان است نه جماعت خاص (محور همبستگی جهانی).

از آنجا که خداوند در مقام بیان شرف مکه است، به بیان کلی بسنده نکرده، و در ادامه به سه ویژگی اساسی اشاره کرده است:

الف) (فیه آیات بیّنات) .

ب) (مقام ابراهیم) .

ج) (مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)

اینها بدل از «آیات» نیست، بلکه هرکدام بیانگر نکته ای خاص است.

حمایت های آیینی و نمادین

اشاره

حمایت از حجاج ابعاد مختلفی دارد و به طور کلی هم از نظر جسمی، هم روحی و هم معنوی این حمایت تعریف شدنی است؛ چنان که سازوکارهای حمایتی نیز متعدد و مختلف می باشند. در این قسمت ضروری است ابتدا به رویکردهای حمایتی که از این

(1). تفسیر روح البیان، ج 2، ص 68.

(2). المیزان، ج 3، ص 35.

سرزمین و به تبع آن، از حج گزار به عمل می آید، توجه شود. در حمایت های نمادین یکی از رویکردها مربوط به انتخاب اسم است. هدف از این انتخاب بیان رویکرد حمایت از مکان به منظور حمایت از خود مکان و افراد حاضر در آن می باشد که در این قسمت با رویکرد فوق به عنوان به کار رفته برای سرزمین وحی در قرآن کریم توجه خواهد شد.

الف) مکه

در وجه نام گذاری مکه در کتب لغت بحث های بسیاری صورت گرفته است. (1) اما آنچه در این خصوص مدنظر است، تعبیری است که ابن منظور در کتاب «لسان العرب» مطرح کرده است: «من انها كانت تمك من ظلم فيهما و الحد اي تهلكه». در ترجمه این عبارت گفته شده است: هر کسی در آن مکان ظلم کند یا الحاد و بی دینی را رواج دهد، هلاک می شود. هلاکت ناشی از ظلم یا الحاد، بعد حمایتی این مکان و افراد وارد بر آن یا مقیم در آن را نشان می دهد؛ از آنجا که موحدان تحت حمایت خداوندند و به دلیل تعظیم شعائر الهی در آنجا حضور می یابند و از جان و مالشان دریغ نمی کنند، خداوند نیز حمایت لازم را از آنها به عمل می آورد؛ به گونه ای که اگر کسی بخواهد به آنها تعرضی کند یا اعتقاد آنها را خدشه دار نماید، هلاک خواهد شد.

در کتاب «معجم البلدان» در وجه نام گذاری، گونه دیگری از این نوع حمایت ترسیم شده است که ناظر به حج گزار است. یاقوت حموی در این خصوص گفته است که چون اعراب جاهلی گمان می کردند حجتشان باطل است، با این گمان به نزد کعبه می آمدند و در حین طواف فریاد می کشیدند و دست های خود را به هم می زدند و آنها با این کار به دنبال کسب حمایت به منظور پذیرش عمل خود بودند.

نام گذاری مکه به بکه بیانگر رویکرد حمایتی خداوند از حجاج است. ابن منظور در

(1). میقات حج (فارسی)، ش 1، ص 33.

ص: 57

«لسان العرب» می گوید که مکه را بکه گفته اند چون هر ظالمی قصد تعدی و تجاوز به آن را داشته باشد، گردش قطع خواهد شد. تعیین شدیدترین مجازات باید با نوع جرم ارتباط داشته باشد. اصل تناسب جرم و مجازات اصلی پذیرفته شده نزد عقلاست و شارع مقدس نیز آن را مدنظر قرار داده است. ضرورت برخورداری از این مکان از امنیت کامل برای عبادت حج گزار و نقش حداکثری امنیت در بهره مندی از فیوضات معنوی حج و شکل گیری حج ابراهیمی، همگی اقتضا دارد که حمایت حداکثری نیز از مکان و حج گزار به عمل آید. ضمانت اجرای این حمایت مجازات سختی است که برای افراد متجاوز ترسیم شده است.

بدیهی است که تجاوز از طرف هر فردی اعم از حکومت یا گروه های عادی صورت گیرد، مشمول این مجازات خواهد بود. اطلاق واژه ظلم که در این تعبیر به کار رفته است، شامل هر نوع ظلم و تعدی خواهد بود؛ زیرا این ظلم می تواند بر جسم، مال، جان، آبرو باشد، چنان که می تواند بر مکان و محل عبادت باشد، مثل اینکه مورد تخریب یا تعطیلی یا (صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (بقره: 217) باشد.

این معنا در «صحاح اللغة» جوهری (1) نیز مدنظر قرار گرفته است. البته احتمال دیگری نیز برای معنای بکه وجود دارد که بیانگر ازدحام و جمعیت و شلوغی آنجاست. این معنا نکته دیگری را می نمایاند؛ حق اجتماع از جمله حقوقی است که امروزه در جامعه جهانی پذیرفته شده است و فارغ از جهت گیری آن اجتماع، پذیرش چنین حقی نوع دیگر حمایت از حج گزار را نشان می دهد که حق دارد در این اجتماع و ازدحام شرکت کند و کسی نمی تواند مانع حرکت او شود. جهت گیری این اجتماع چیزی جز عبادت و بندگی خدا و دوری از شرك و برائت از کفار نیست. صدایی که از دل جمعیت میلیونی بلند می شود، صدای رسایی است که کمتر کسی می تواند آن را نادیده بگیرد یا به آن توجه نکند. قرآن کریم صدای بلند را نمی پسندد، مگر آنکه بخواهد حقی

(1). صحاح اللغة، جوهری، ج 4، ص 1576.

ص: 58

را بگیرد یا جلو ظلم را ببندد و مکه و اجتماع حجاج در آن سرزمین، فارغ از این حقیقت نیست. قرآن کریم نیز این واژه را به کار برده است. (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (آل عمران: 96).

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه احتمالات مختلفی را بیان کرده است:

تعبیر به بکه بیانگر ازدحام مردم در هنگام طواف و نماز و سایر عبادات می باشد (حق اجتماع) و می تواند منظور از بکه همان مکه بوده باشد که میم به باء تبدیل شده و موارد آن نیز زیاد است؛ مثل لازم که لازم و راتم که راتب شده است و شاید اسم حرم باشد و یا اسم مسجد و یا اسم مطاف. (1)

تفسیر «مخزن العرفان» به سه فضیلت بیان شده برای بکه در آیه 96 سوره آل عمران توجه داده است:

این خانه اولین خانه ای است که متصف به عبادت شده است؛ حال یا اول در پیدایش، یا اول در رتبه و قدر و منزلت. این بیت برای مردم است و به نفع مردم، و برای همه مردم و درواقع همگان از آن منتفع هستند. اختصاص این مکان برای مردم مایه برکت و خیر برای آنهاست. این احتمال قوی تر است که اول بودن به لحاظ شرافت مکه بر تمام معبدهای جهان می باشد. عبارت (هُدًى لِّلْعَالَمِينَ)، تأکیدی است بر مایه برکت بودن که اختصاص به شخص یا گروهی ندارد، بلکه گسترده و عام است. (2)

در تفسیر «مسالك الافهام الى آيات الاحكام»، (3) نیز به نکات تفسیری و روایی خوبی توجه شده، که ذکر آن مناسب است. اشتقاق مکه از بکه به دلیل ازدحام جمعیت و فشار وارد کردن به یکدیگر به خاطر کثرت انسان ها می باشد، و یا اشتقاق آن ناشی از

(1). المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 350.

(2). مخزن العرفان، در تفسیر قرآن، سیده نصرت امین، ج 3، ص 189.

(3). مسالك الافهام الى آيات الاحكام، جواد کاظمی، ج 2، ص 98.

ص: 59

قطع کردن جباره ای است که قصد سوء به این مکان را داشته باشند.

في الموثق عن ابي جعفر (ع): «

كانت تسمى بكة لانها تبك اعناق البايعين اذا بقوا فيها». (1)

در دیگر تفاسیر نیز یکی از دو احتمال، یا هر دو مطرح شده است؛ برای مثال در تفسیر «مقاتل بن سلیمان» (2)، احتمال اجتماع و شلوغی مدنظر قرار گرفته است که در هر حال حاکی از رویکرد حمایتی خداوند از مکان و حاجی در این سرزمین است.

ب) واژه ام القرى

هر چند واژه «ام» به معنای ریشه هر چیزی است، چنان که فخر رازی در تفسیر خویش ذیل آیه شریفه (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى) (شوری: 7)، آن را مطرح کرده است، ولی معنای دیگر «ام»، پناهگاه است؛ جایی که انسان به آن پناه می برد و در حمایت آن قرار می گیرد. (3) در تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، (4) از قول ابن عباس بیان شده است که مکه ام القرى نام گرفت؛ زیرا زمین از زیر آن گسترش یافت؛ گویا زمین از آن ریشه، رشد کرده، یا بدان دلیل است که اولین بیت وضع شده برای عبادت است. این احتمال را سدی مطرح کرده است. ولی زجاج و جبایی احتمال دیگری را بیان کرده اند. آنان گفته اند: چون همه مردم آن را قبله خود قرار داده، و آن را تعظیم کرده اند، همان گونه که انسان مادرش را تکریم می کند، این گونه نام گذاری شده است. فارغ از این احتمالات، می توان گفت واژه «ام» بار معنایی حمایتی خود را نیز دارد؛ پناهگاهی که هنگام حوادث و غیر آن، انسان از آن استمداد می گیرد.

یادآوری این نکته مفید است که واژه مکه يك بار در قرآن کریم بیان شده، ولی نام های دیگر هفده بار. واژه مسجدالحرام پانزده بار و واژه مسجد نیز يك بار به کار رفته است. واژه

(1). مسالك الافهام الى آيات الاحكام، جواد کاظمی، ج 2، ص 102.

(2). تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان بلخی، 1423، ج 1، ص 291.

(3). قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، 1371، ج 1، ص 116.

(4). مقتنیات الدرر، حائری تهرانی، ج 4، ص 212.

ام القری نیز يك بار استفاده شده است. انتخاب این واژگان باتوجه به بار معنایی آنها، حاکی از تأکید قرآن کریم بر حمایت همه جانبه از این سرزمین و زائران آن می باشد.

ج) واژه بلد

در چند آیه، از مکه به بلد یا بلده تعبیر شده، (ابراهیم: 35، بلد: 1 و 2، تین: 3). در سوره ابراهیم (ع) بلد با قید «آمینا»، آمده که در واقع بیانگر دعای حضرت ابراهیم (ع) است که از خداوند خواست این مکان امنیت داشته باشد. امن بودن این مکان هم جنبه تقدس بخشی دارد و هم جنبه حمایتی از مکان و افراد آن. البته خداوند دعای حضرت ابراهیم (ع) را اجابت کرد به گونه ای که انسان حتی اگر قاتل پدر خود را در حرم مشاهده کرد، نمی تواند به او تعرض نماید. (1) شبیه این دعا از حضرت ابراهیم (ع) در سوره بقره آیه 126 نیز آمده، اما واژه بلد به صورت نکره به کار رفته است؛ (هَذَا بَلَدًا آمِنًا)، در حالی که، در سوره ابراهیم (ع) معرفه آمده است؛ زیرا اگر لفظ نکره ای تکرار شد، معرفه می شود؛ مانند (مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاةِ الرَّجَاةِ) (نور: 35). (2)

علامه طباطبایی احتمال داده اند که اینها، دو دعا، در دو زمان مختلف باشند؛ يك بار زمانی که حضرت ابراهیم (ع) زن و فرزندش را در این مکان ناشناخته گذاشت و دعای دیگر زمانی که برای سرکشی آمد و از وضع موجود خوشحال شد. از قرائنی که این تفکیک را تأیید می کند، تفاوت در نوع ادبیات و دعا می باشد. در سوره بقره دعا برای اهل بلد در مورد رزق و ثمرات است، در حالی که در سوره ابراهیم (ع) جنبه اخروی دارد. (وَأَجُنَّبُنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّاصَدَنَامَ) (ابراهیم: 35)؛ علاوه بر این دعای حضرت ابراهیم (ع) فقط برای ذریه خود بوده است. در هر صورت این يك جعل تشریحی است، نه تکوینی. حضرت ابراهیم (ع) این درخواست را از خداوند دارند که حضرت رب العالمین برای این مکان حکم تشریحی حرمت و امن را قرار دهد تا مردم بتوانند از

(1). مقتنیات الدرر، ج 6، ص 121.

(2). همان، 122.

ص: 61

فرصت ها و نعمت های مادی و معنوی که بیش از چهار هزار سال از آن می گذرد، بهره مند شوند. (1) همه این تعابیر حاکی از بعد حمایتی برای مکه و اطراف آن است.

در آیات يك و دو سوره بلد نیز داستان به همین صورت است که حاکی از قداست مکه، حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) و پیامبر عظیم الشان (ص) می باشد. قسم خوردن به این چهار مورد بیانگر شأن و جایگاه آنهاست. در سوره تین آیه سه، کلمه بلد با وصف «امین» آمده، که مراد از بلد امین در این آیه، مکه مشرفه است؛ زیرا امن بودن فقط برای آنجا تشریح شده، و این همان معنایی است که در سوره عنکبوت، آیه 67 (أَنْتَ جَعَلْتَنَا حَرَمًا آمِنًا) و در سوره بقره، آیه 126 (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) و سوره ابراهیم (ع)، آیه 35 (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) آمده است. وصف امین - بر وزن فعیل - در این آیه شریفه یا به معنای فاعل است، یعنی دارای امنیت بودن که در این صورت معنای نسبت را می رساند، یا به معنای مفعول است، یعنی سرزمینی که مردم در آن امنیت دارند و برای آنها در آن سرزمین هیچ خوفی وجود ندارد. (2)

در سوره نمل، آیه 91، تعبیر دیگری مطرح است که بیان می کند خداوند از الفاظ و ادبیات مختلف برای ترسیم رویکرد حمایتی از سرزمین مکه و آن که در آن قرار می گیرد، بهره برده است. در این آیه شریفه بیان شده است که ما فقط مأموریم پروردگار این بلدی را که مورد احترام است، عبادت کنیم: (إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا... علامه طباطبایی در ذیل این آیه بیان می کند، اضافه شدن کلمه رب به هذبه و توصیف آن به حرمت و احترام بیانگر عظمت و جایگاه آن می باشد و درعین حال نوعی تعریض نیز در آن وجود دارد که مردم احترام آن را رعایت نکردند و مشغول بت پرستی شدند. نعمت حرمت بلدشان را نگه نداشتند. (3) در برخی از تفاسیر ابعاد حرمت این مکان تعریف شده است؛ در این مکان خداوند قتل، فحش و ناسزا را حرام کرد،

(1). المیزان، ج 12، ص 69.

(2). همان، ج 2، ص 319.

(3). همان، ج 15، ص 404.

چنان که صید و سایر مواردی را که حجاج مجاز به انجام دادن آن نمی باشند، حرام کرد. (1) انجام دادن بسیاری از امور در جای دیگر مباح است، ولی در اینجا جایز نیست (2)؛ زیرا در اینجا همگی تحت حمایت الهی اند.

(د) حرماً آمناً

در سوره عنکبوت، آیه 67، خداوند مردم را به نعمت امنیت توجه داده، و این پرسش را مطرح کرده است که چرا با اینکه مکه را حرم امن قرار دادیم، برخی به باطل گرایش یافته، و نعمت خداوند را کفران کرده اند. در سوره قصص، آیه 57 نیز ادبیات مشابهی بیان شده است و باز خداوند این پرسش را مطرح کرده است.

در کتاب «المنتخب من تفسیر التبیان»، (3) بیان شده که برای امن بودن حرم دو احتمال وجود دارد؛ احتمال نخست به طبیعت نفوس برمی گردد که در این سرزمین به آرامش می رسند و حالت تنفر و دوری جستن که در دیگر مکان ها وجود دارد اینجا وجود ندارد، و احتمال دوم آن به بندگان برمی گردد و حکمی که در مورد آنهاست که ایمان بیاورند و این مکان را امن بدانند. در واقع احتمال نخست بعد تکوینی را نشان می دهد و احتمال دوم بعد تشریحی را.

در کتاب «الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، (4) در ذیل آیه شریفه این شأن نزول نقل شده است که حرث بن نوفل بن عبدمناف به پیامبر (ص) فرمود ما می دانیم سخن شما حق است، ولی آنچه مانع ایمان آوردن ما می شود، ترس از غلبه عرب بر سرزمین ماست و ما نیز در برابر آنها طاقت نداریم. خداوند برای رد این سخن فرمود، آیا ما برای شما حرم امن قرار ندادیم؟ آیا مکه در امن و امان نمی باشد؟ و آیا ضرر مردم را از شما دفع

(1). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 3، ص 318.

(2). نهج البیان عن کشف معانی القرآن، شبلی، 1413، ج 4، ص 135.

(3). المنتخب من تفسیر التبیان، ابن ادیس حلی، 1409، ج 2، ص 174.

(4). الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دخیل علی بن محمدعلی، 1422، ج 1، ص 530.

نکردیم؟ اکنون چگونه چنین ترسی دارید؟ اگر شما ایمان بیاورید، آیا ما قادر به دفع شر مردم نیستیم؟ درحالی که پیش تر که ایمان نداشتید، این کار را کردیم.

سخن طولانی تر خواهد شد، اگر يك واژه شناسی کامل قرآنی از ادبیات به کار رفته درباره سرزمین مکه صورت گیرد. اما می توان به همین مقدار بسنده کرد و به این جمع بندی رسید که قدر متیقن الفاظ قرآنی درباره سرزمین وحی، یا صریحاً، یا به دلالت ضمنی مبین حرمت و احترام این مکان شریف برای همگان است؛ حرمتی که زمینه ساز بهره برداری معنوی و مادی از کنگره عظیم حج می شود؛ چنان که خیرات و برکات دنیوی و اخروی نیز در آن موج می زند. و همه این نعمت ها به دلیل آن است که خداوند این مکان و اهل آن را در حمایت خاص خود قرار داده است.

حمایت الهی و حفاظت پنهانی

در برخی آیات قرآن کریم حقایقی بیان شده است که خداوند حمایت از انسان ها را به طور خاص عهده دار شده است. این حمایت در برابر انواع بلاها و مشکلات است و آن گونه که از کتب تفسیری به دست می آید، جنبه پیشگیری نیز دارد. در سوره رعد، آیه یازده، می خوانیم که برای انسان فرشتگانی است که پیایی به امر خدا از روبه رو و پشت سر می آیند و از او نهبانی می کنند. در تفسیر «مقتنیات الدرر» (1) سه احتمال برای ضمیر «له» بیان شده است. منظور از «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ» به جمله قبل «مَنْ أَسْرَرَ الْقَوْلَ» برمی گردد، یا به خود خداوند، و یا به پیامبر (ص).

علامه طباطبایی معتقد است چهار ضمیر به کار رفته در «له»، «یدیه»، «خلفه» و «یحفظونه» مرجع واحد دارند و هیچ مرجع صالحی جز احتمال نخست ندارد؛ یعنی «مَنْ أَسْرَرَ الْقَوْلَ»؛ در نتیجه، انسان است که خداوند سبحان در هر دو عالم به او علم دارد و برای او محافظانی قرار داده است و چون حقیقت انسان به روح اوست - زیرا شعور و

(1). مقتنیات الدرر، ج 6، ص 79.

ص: 64

درک و اراده متعلق به روح است و هموست که درد و رنج، و ثواب و الم را می چشد و اعمال صالح و طالح نیز از او صادر می شود - و بدن برای انجام دادن این کارها نقش آلت و ابزار را دارد، باید پذیرفت که این حمایت دو جانبه است؛ در واقع محافظت الهی از انسان هم شامل روح او می شود و هم شامل جسمش. این حمایت از جسم تا زمانی است که حیات برای انسان مقدر شده است، ولی حمایت روحی تا رسیدن به مقام قرب الهی ادامه می یابد. این حمایت در حالی شامل انسان می شود که او مالک هیچ نفع و ضرر، و مرگ و حیات و نشوری برای خود نیست و تنها اوست که انسان را حفاظت می کند (اللَّهُ حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ) (شوری: 6)؛ (وَرَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ) (سبأ: 21) و در نهایت (وَإِنَّ عَلَیْكُمْ لَحَافِظِیْنَ) (انفطار: 10). پس اگر این حفاظت و حمایت الهی نبود انواع و اقسام تهدیدها و آفات انسان را از بین می برد. (1) حضرت علامه از این ادبیات قرآنی استفاده می کند که همه چیز، چه حیات و چه ممات، کلاً به دست خداوند است؛ در واقع خداوند هم نگهدارنده حیات است و هم نگهدارنده ممات و مرگ.

نکته قابل استفاده در این بحث آن است که در آیه یازده سوره رعد واژه به کاررفته (لَهُ مُعَقَّبَاتٌ) است، در حالی که در سوره انفطار، آیه ده گفته شده: (وَإِنَّ عَلَیْكُمْ لَحَافِظِیْنَ). از مقایسه این دو تعبیر به دست می آید هرگاه خداوند در پی نشان دادن رویکرد حمایتی خود است، با واژه «له» که بیانگر حقی برای انسان، و تأمین کننده نفع و منفعت اوست، سخن می گوید و آنجا که خداوند انسان را به وظیفه اش در برابر آفرینش توجه می دهد، با واژه «علیکم» که بیانگر تکلیف است، سخن گفته است. این معنا به طور عام همه انسان ها را در بر می گیرد و به طور خاص حج گزار را نیز شامل می شود؛ زیرا او به طور ویژه به حمایت نیاز دارد. برخی معتقدند انسان ها، گروه ها و برنامه ها به همان اندازه که مفید و سودمندند حق بقا و حیات دارند. این سخن بدان معناست که حمایت از انسان ها و برخوردار شدن از حق حیات آن هم با حمایت الهی

(1). المیزان، ج 11، ص 310.

ص: 65

شرایطی دارد؛ از جمله، مفید و سودمند بودن.

می توان گفت کسی که با اتخاذ عقیده شرك مسير زندگي خود را دنبال می کند یا کسانی که با انواع فسادها و تبهکاری ها فقط لذت و منفعت خود را می جویند، هرگز با کسانی که عمر خود را در راه دفاع از ارزش های الهی فدا می کنند، مساوی نیستند و این تفاوت در ابعاد مختلف خود را نشان می دهد. یکی از آن ابعاد، بهره مندی از حقوق حمایتی مادی و معنوی است.

پس هرچند خداوند برای تمام انسان ها محافظانی قرار داده که در روایات به جزئیات این حقایق نیز توجه شده است(1)، اما میزان حمایت و بهره مندی یکسان نیست. اگر حج را جهاد در راه خدا، و اگر حج گزار را رزمنده میدان جهاد بدانیم، می توان گفت که او بیشترین خیر و برکت را برای دین خداوند دارد، پس به همان میزان نیز مورد حمایت و تحت حفاظت خداوند است.

وضع احکام خاص حمایتی

در ارتباط با حمایت از حج گزار، خداوند احکام خاص حمایتی را جعل کرده است. یکی از اصلی ترین این احکام درباره امنیت است. شالوده همه حقوق اجتماعی و سیاسی، امنیت است. امروزه بدون امنیت، سخن گفتن از حقوق انسانی شبیه به شعاری توخالی است. در قرآن کریم با توجه به این حقیقت آمده است (وَمَنْ دَخَلَهُ كِتَابًا آمِنًا) (آل عمران: 97). در روایتی در پاسخ به پرسش عبدالله سنان امام صادق (ع) فرمودند: «محدوده امنیت، مسجدالحرام نیست، بلکه حرم است که شامل همه موجودات حتی حیوان و پرنده نیز می شود».

(2)

در سوره قریش، آیه چهار، خداوند می فرماید: (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ) یعنی باید خداوندی را بپرستید که در این سرزمین، از گرسنگی شما را رهانید و

(1). المیزان، ج 11، ص 141.

(2). من لایحضره الفقیه، صدوق، 1413، ج 2، ص 163.

ص: 66

از خوف دور کرد و به شما امنیت داد. قریش در پناه دو حرکت کاروانی در تابستان و زمستان، هم امنیت غذایی و هم امنیت جانی به دست آوردند و در شرایطی که علی رغم تلاش های مشابه، چنین امنیتی در جاهای دیگر نبود. پیامبر مکرم اسلام (ص) نیز مأمور شدند تا چنین خداوندی را پرستند.

حرم، منطقه آزاد اسلامی است و باید امنیت کامل داشته باشد. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که مکه از روز اول تا ابد دارای حرمت و احترام و امنیت است و هیچ کس حق ندارد امنیت آن را از بین ببرد و فقط به مدت زمان بسیار کوتاهی کمتر از يك نصف روز (در فتح مکه) برای پیامبر اسلام (ص) مجاز شمرده شد. (1)

قرآن کریم در خصوص امنیت سه تعبیر متفاوت آورده است: (وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ) (بقره: 125)، (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (ابراهیم: 35)، و (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) (بقره: 126).

دو تعبیر نخست مربوط به بیت و مکه است و درباره امنیت حرم در سوره عنکبوت، آیه 67، تعبیر به حرم امن کرده است. هر سه تعبیر حاکی از امنیت بیت، مکه و حرم است. تکرار این کلمات ضمن بیان اهمیت و جایگاه امنیت در زندگی عبادی اعم از فردی و اجتماعی و حتی زندگی غیرعبادی، بیانگر آن است که این امنیت به جعل و فرمان تشریحی خداوند است. اراده خداوند آن بوده است که از حج گزار در بیت خود و در حرم خود، حمایت کامل به عمل آورد. به این منظور امنیت را حتی برای حیوانات نیز قرار داد.

خداوند البته فقط به تشریح بسنده نکرده است؛ در آیه 25 سوره حج برای این امنیت ضمانت اجرایی شدید اخروی قرار داده است: (وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ). کسی که با انحراف از راه حق بخواهد در این حرم ظلمی مرتکب شود، عذابی دردناک به او خواهیم چشانند. امام صادق (ع) فرمودند: این آیه هر نوع ظلمی را

(1). صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، ج 5، ص 94.

ص: 67

در بر می گیرد؛ چه ظلم به دیگری و چه ظلم به خود. بنابراین چنین افرادی باید از سکونت در حرم خودداری کنند. (1)

برخوردار شدن حرم از امنیت، هم ناظر به افراد حج گزار است که نیاز مبرم به چنین فضایی دارند و برای انجام مناسک حج باید از این حق اولیه برخوردار باشند، و هم ناظر به مکانی است که خداوند بیت خود را در آن قرار داده است تا بندگان او بتوانند در آنجا با آرامش و اطمینان خاطر وظیفه بندگی خود را به جا آورند. افزون بر ضمانت اخروی، ضمانت های دنیوی چندی نیز برای تحقق امنیت جعل شده است؛ به عبارت دیگر، هر اقدامی که آرامش جسم، روح و روان حاجی را مخدوش کند، ممنوع، برای مرتکب آن نیز کفارات وضع شده، و در کتب فقهی به تفصیل موارد آن بیان شده است. پرهیز از قول زور (حج: 30)، دوری جستن از فسق و جدال که هر کدام به گونه ای زمینه از بین بردن امنیت حج را نشان می دهد (بقره: 197) و هدایت شدن با سخنان طیب و نیکو (حج: 24)، همگی در این راستا توجیه پذیرند.

سخنان پیامبر (ص) در حجة الوداع (2) حاکی از آن است که این جعل حکم، نوعی آماده سازی امت اسلامی برای برخوردار شدن از امنیت است که قسمتی از آن را خداوند جعل کرده، و خود عهده دار آن شده است و قسمتی از آن را در اختیار مسلمانان قرار داده، و از آنان خواسته که برای دستیابی به آن تلاش کنند. شاید بی جهت نباشد که در سوره رعد، آیه یازده، خداوند مردم را به هر دو جنبه بحث پیش توجه داده است. در ابتدای آیه سخن از حمایت و حفاظت الهی است که هم ابعاد فردی و هم ابعاد اجتماعی را در بر می گیرد و در انتهای آیه، سخن از عدم تغییر سرنوشت امت هاست، مگر آنکه خود دست به چنین کاری بزنند. اگرچه این فقط استنباط از آیه است، اما حقیقت سخن آن است که باید پذیرفت این امنیت در حرم، تمرین امنیت برای همه

(1). المیزان، ج 14، ص 377.

(2). بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، 1403، ج 37، ص 112.

ص: 68

جوامع مسلمان، و برای همه عمر می باشد.

به منظور اجرایی شدن این هدف مهم سه تعهد اساسی برای همه دولت ها به ویژه دولت میزبان بیان شده است:

1. همگان را یکسان دیدن: قرآن کریم نیز حقیقت دعوت خود را متوجه عموم می کند و همه را در برابر آن مساوی می داند. (1) این حقیقت در مقام عمل و در راستای حمایت نیز باید یکسان باشد. امام علی (ع) در «نهج البلاغه» در خطبه 164 برترین بندگان خدا را رهبر عادل می داند که خود هدایت شده است و دیگران را هدایت می کند و در مقابل، بدترین فرد نزد خداوند را رهبر ستمگری می داند که خود گمراه و مایه گمراهی است. آن گاه امام علی (ع) که با درخواست خواص جامعه برای دست برداشتن از تقسیم مساوی بیت المال مواجه شد، به خداوند قسم می خورد که هرگز چنین کاری نکند و در تحلیل آن فرمودند: «آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امت اسلامی استفاده کنم؟» (2) و در جای دیگر فرمودند: «برترین روشنی چشم زمامداران برقراری عدل و آشکارشدن محبت به مردم است»؛ (3)

2. تعلیم و تربیت توأم با تعهد اسلامی: در نظام اسلامی این مطلب يك اصل و تکلیف برای حاکم شمرده شده است. در رسالت تربیتی توجه به عدالت یکی از معیارهای اندازه گیری رفتار است که در صورت تخطی باید فرد متخطی امر به معروف و نهی از منکر شود و باید این امر وظیفه شرعی و یکی از کارآمدترین ابزارهای نظارت بر حکومت قرار گیرد. بر این اساس آن که امامت امر را به عهده می گیرد، باید خود هدایت یافته باشد.

مسعودی در کتاب «مروج الذهب» به داستانی درباره اختلاف بین مرد شامی و کوفی در رابطه با جمل یا ناقه بودن شتر اشاره می کند. این داستان بیانگر آن است که اگر

(1). المیزان، ج 18، ص 33.

(2). نهج البلاغه، خطبه 126.

(3). همان، نامه 53.

ص: 69

تعلیم و تربیت برای مردم و حاکمان مطرح نباشد، زمینه هرگونه سوءاستفاده از قدرت به وجود می آید. (1) امام علی (ع) تربیت مردم را به عنوان حق مردم بر حاکم تعریف می کند. (2) وجود چنین صفتی زمینه هر نوع سوءاستفاده از حقوق مردم را از بین می برد؛

3. استقرار امنیت و اجرای احکام الهی: برخورداری از امنیت از بدیهی ترین و اولی ترین نیازهای بشری است. تحقق امنیت و از بین رفتن خوف و ناامنی از آرمان های اسلام است (نور: 55). حضرت علی (ع) برای ایجاد امنیت جنگید تا بتواند چشم فتنه، انحراف و ناامنی را در آورند (نهج البلاغه، خطبه 93). اهمیت این موضوع را می توان از بیانات حضرت در خطبه 27 آن گاه که از تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار در سال 38 ه. ق باخبر شد، دریافت. امام علی (ع) در این خصوص فرمودند

«فَلَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُوماً بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيراً»؛ «اگر مسلمانی از این غصه بمیرد، حق دارد و ملامتی بر او نیست».

آنچه نظام اسلامی را از نظام بین الملل حقوق بشر متمایز می سازد، رویکرد نظام اسلامی به مقوله هدایت است. تحقق هدایت در گرو امنیت است. اسلام امنیت را به شکل گسترده و شامل امنیت روانی و روحی نیز می داند و هدف از چنین امنیتی را زمینه سازی برای اجرای احکام الهی که تضمین گر سعادت فرد و جامعه است، تعریف کرده است.

حمایت چند جانبه و چند لایه ای

قرآن کریم در آیه 217 سوره بقره ادبیاتی را درباره ماه های حرام و حرج بیان کرده است که در نوع خود بی نظیر است. در پاسخ به پرسش مسلمانان از پیامبر (ص) درباره ماه های حرام و جنگیدن در آن، قرآن کریم می فرماید: «پیامبر! بگو جنگ کردن در آن ماه ها گناهی بزرگ است، اما بازداشتن مردم از طریق حق و کافر شدن به او و مسجدالحرام و بیرون راندن مردمش از آنجا در نزد خداوند گناهی بزرگ تر است و

(1). مروج الذهب، مسعودی، ج 3، ص 24.

(2). نهج البلاغه، خطبه 34.

ص: 70

شرك از قتل بزرگ تر است». این ترجمه تقریباً به صورت یکسان با کمی اختلاف در تعابیر در تمامی کتب ترجمه بیان شده است.

خداوند در این آیه، ماه حرام و حج و شرك را با هم جمع کرده است. این سه عنوان هرکدام، بیانگر بعد حمایتی خاصی از واردشدگان و ساکنان حرم امن الهی است. ممنوعیت جنگیدن در ماه ذی الحجه که تضمین کننده امنیت جانی و مالی حجاج است، ممنوعیت ایجاد مانع در تردد حجاج به سرزمین وحی که تضمین کننده حق تردد و حق انجام مناسک است، و ممنوعیت شرك که تضمین کننده امنیت روحی و روانی حجاج است، همگی به صورت هم پوشانی درصدد حمایت از حجاج می باشند. شاید بتوان گفت این آیه کامل ترین ادبیات حمایتی از حجاج را درون خود جای داده است.

ادبیات تهدیدآمیز قرآنی در این آیه و عتاب و خطاب وارده، نقش ضمانت اجرای درونی و بیرونی برای اجرای این احکام را دارد. قرآن کریم با بیان اینکه جنگ، مانع راه خدا، و کفر است، درصدد تضمین آزادی حجاج برای انجام مراسم مذهبی خویش در پرتو برخورداری از امنیت کامل می باشد. بالاتر آنکه اخراج کردن اهل مسجدالحرام در نزد خدا از قتل بالاتر دانسته شده است؛ درحالی که قرآن کریم قتل يك انسان بی گناه را معادل با قتل همه انسان ها می داند.

البته این آیه با آیه شش سوره توبه نسخ نشده است. (1) هرچند مصداق اکمل اخراج اهل مسجد، پیامبر (ص) و یاران اوست، اما به نظر می رسد حکم مندرج در آیه کلی است و ایجاد ممانعت برای حجاج مشمول این نگاه قرآنی می باشد. البته این ادبیات نوعی مقابله با طعنه کفار و مشرکان است که موضوع جنگ در ماه حرام را مطرح می کردند و قرآن با این بیان، جواب آنها را نیز می دهد که کار شما در اخراج کردن پیامبر خدا (ص) بدتر بود و بدتر از همه شرك ورزیدن شماست. (2)

(1). المیزان، ج 2، ص 167.

(2). همان، ص 168.

از دیگر احکام الهی که با رویکرد حمایت از حجاج و طائفان و قائمان جعل شده است، ممنوعیت جنگ و خونریزی در منطقه حرم است. تردد مسلحانه در حرم موجب ارباب و سلب امنیت است و فقط در موارد خاص، مثل خوف از دشمن و برای حفظ جان، جایز است که آن هم در بدو ورود به مکه باید به صورت استتار شده باشد. (1) حمل سلاح به معنای دشمنی و خصومت است و اصولاً کفر و دشمنی شأن دوزخیان است. حضور وسیع و گسترده نیروهای مسلح در مکه و اطراف مسجدالحرام با حرمت حمل سلاح در حرم همخوانی ندارد. درباره اهمیت این موضوع می توان به این نکته توجه کرد که با تقصیر، حاجی از احرام خارج، و محرمات بیست و چهارگانه بر او حلال می شود، مگر چند چیز از جمله حمل سلاح.

ممنوعیت حمل سلاح، مثل ممنوعیت جدال و فسوق و رقت، نقش آموزشی و تربیتی ویژه ای در حفظ حقوق حجاج دارد. اگر بپذیریم که مبنای اولیه برای بهره مندی از حقوق، داشتن امنیت است، حمل سلاح در واقع عاملی خواهد بود که امنیت را به مخاطره می اندازد. سرزمین الهی و همچنین طبیعت و محیط زیست باید از آسیب تهدید محفوظ باشد. فقهای شیعه بر ممنوعیت حمل سلاح فتوا داده اند (2) و برای کسی که از این قانون تخلف کند، کفاره ای قرار داده شده که همان يك گوسفند است. (3) امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «با شمشیرها به سوی حرم بیرون نروید و هیچ يك از شما درحالی که در مقابلش شمشیر است، نماز نخواند، زیرا قبله ایمن است». (4) امنیت لازم برای حاجی آن گاه تأمین می شود که از ستیزه جویی، عیب جویی، ایجاد ناامنی و... پرهیز شود.

(1). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 164.

(2). مناسک حج با حواشی مراجع تقلید، محمدرضا محمودی، 1387، م 218.

(3). همان.

(4). وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، 1409، ج 5، ص 168.

وجود برخی باورها در میان مسلمانان با کرامت انسانی همخوانی ندارد. این باورها، یا ناشی از جهل و نادانی است یا ناشی از نوعی عناد و دگم اندیشی است یا ناشی از رفتار عوام مردم است و یا ناشی از رفتار خواص. آنچه به نقض حقوق بنیادین مسلمانان، به ویژه حجاج منجر می شود، رفتاری است که برخاسته از اندیشه غلط برخی مسلمانان است. این حقیقت تلخ در اندیشه برخی مسلمانان شکل گرفت و با این تفکر سیطره خود را بر حرمین شریفین گسترانیده اند. نیم نگاهی به افکار این گروه حاکی از به چالش کشیدن حقوق بنیادین بشری حجاج می باشد؛ برای مثال فتوای بسیار تلخ و تشنج آفرین ابن تیمیه قابل توجه است. «من يأتي الى قبر نبي او صالح و يسأله حاجته... فهذا شرك صريح يجب ان يستتاب صاحبه فان تاب و الا قتل» (1) ادامه این جریان را در اندیشه محمدبن عبدالوهاب باید یافت به گونه ای که تمام مسلمانان از نظر آنان کافر می باشند. (2) سپس خشونت در اندیشه، به خشونت در رفتار انجامید. از موارد مهم سلب امنیت از مسلمانان، نسبت دادن القابی است که نتیجه آن هدررفتن مال، جان و آبرو می باشد. هم مسلمانان اهل سنت و هم شیعیان، این روش را به شدت نکوهیده اند. (3)

در فتاوی فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت، گفتن کلمه «لا اله الا الله» و شهادت به نبوت پیامبر عظیم الشان (ص) برای برخوردار شدن از حمایت های اسلامی کافی است. سایر مسائل، بیشتر بعد اخروی دارد و آثار دنیوی چندانی بر آن مترتب نمی شود، بلکه کلمات فقهای اسلام بر حرمت فتوادادن به این نوع عقاید و باورها و حرمت عمل براساس آنهاست. فارغ از این حقیقت مهم، دولت عربستان در راستای انجام تعهدات حقوق بشری وظیفه دارد که در مقابل این جریان فکری بایستد. منظور

(1). کشف الارتیاب، ص 227.

(2). در ساحل حقیقت، محمدی، ص 14.

(3). همان.

آن است که اگر این طرز تفکر برای شهروندان دولت سعودی مطلوب می باشد، نمی تواند آن را بر سایر مسلمانان تحمیل کنند. فارغ از آنکه چنین اعتقادی صحیح باشد یا غلط، تعهد دولت میزبان بر حمایت حداکثری از حجاج اقتضا می کند که از فضا سازی برای نشر این افکار در حرم امن الهی جلوگیری کند.

معتقدان به وهابیت بر این باورند که در سرزمین وحی با حجاج مسلمان بیت الله روبه رو نیستند، بلکه به اعتقاد خودشان با تعدادی از مشرکان میهمان مواجه اند که جز در شرایط میهمانی باید با آنها مقابله کرد و جان و مال و آبروی آنها هیچ احترامی ندارد و نه فقط دولت مسئولیت حمایت از آنها را برعهده ندارد، بلکه مسئولیت دارد با شرك مبارزه کند و به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد.

در اسناد بین المللی به ممنوعیت رفتار خشن توجه شده است و انجام دادن آن، در حد يك جنایت بین المللی شمرده شده است. نگاه تحقیرآمیز به حجاج به ویژه حجاج ایرانی ریشه در این افکار دارد که با کرامت اسلامی حجاج همخوانی ندارد و آنها را از حمایت های لازم محروم می سازد. احترام نگذاشتن به باورهای دیگر مسلمانان و رفتارهای آنان که ناشی از باورهای مذهبی است و نه ناشی از تعصب و جهالت، می طلبد که با اندیشه های تعصب آمیزی که برای حیات دیگران ارزشی قائل نیستند، به صورت جدی مقابله شود.

اگر دولت عربستان در برابر این نکته روشن احساس مسئولیت جدی نکند، می توان گفت که هم تعهدات حقوق بشری و بین المللی، و هم تعهدات اسلامی را نقض کرده است. توجه به این دو روایت از پیامبر مکرم اسلام (ص) ضروری است، حضرت فرمودند: «خطرناک ترین چیز بر امت من، فردی است که قرآن را تأویل کند و آن را بر افرادی تطبیق دهد که شامل آنها نمی باشد». (1) این سخن بیانگر آن است که نمی توان با معیارهای مورد اختلاف، به ارزش گذاری حجاج پرداخت و آن گاه آنان را به قدری فاقد

(1). کشف الارتیاب، ص 115.

ص: 74

ارزش دانست که خون آنها را حلال دانست و تنها از باب احترام به میهمان و به صورت موردی کاری به او نداشته باشند و آن گاه که از حرم الهی خارج شد، این ضابطه نیز کارایی خود را از دست بدهد و در نتیجه حاجی از هیچ نوع حمایتی برخوردار نباشد. از ابن عباس نیز همین معنا نقل شده است که مانند خوارج عمل نشود که آیات ناظر به مشرکان را بر اهل قبله اعمال کنند. (1)

حمایت و تعهدات ایمانی حجاج نسبت به یکدیگر

وجود جایگاه شایسته برادری ایمانی در راستای حمایت حقوقی از یکدیگر، و ضرورت حمایت و یا سلامت از این درك بلند قرآنی، زمینه بیان آیاتی شده است که حاکی از تلاش برای ضربه ناپذیری این استحکام بلند ایمانی است. (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا) (آل عمران: 105).

وجود اختلاف از سویی زمینه هرگونه حمایت مؤمنان را از یکدیگر از بین می برد و از سوی دیگر سرمایه های اجتماعی را در معرض نابودی قرار می دهد و هزینه های حاصله هم هیچ توجیه قابل پذیرشی به همراه نخواهند داشت، و این وضعیت خلاف آن چیزی است که شرع انور، از وضع و تشریح این آیات، به دنبال آن می باشد.

قرآن کریم با مدنظر قراردادن این وضعیت، به دنبال ایجاد راهکاری تضمینی برای دستیابی به مطلوب است. این راهکار که امروزه در ادبیات حقوق بشری به حقوق نسل سوم معروف است، (2) می تواند در قالب فریضه بزرگ الهی امر به معروف و نهی از منکر خود را نشان دهد. واقعیت آن است که امروزه برخی از حقوق از چنان جایگاهی

(1). فصل الخطاب فی مذهب ابن عبدالوهاب، شیخ سلیمان بن عبدالوهاب، ص 26.

(2) Morgan-Foster, Third Generation Rights: What Islamic Law can Teach the International Human Rights .

.Movemen yale Human Rights Developmenr.vol 8, p.68

برخوردارند که سود و ضرر ناشی از آن، همگان را در بر می گیرد؛ انجام دادن آن همراه با خیر همگانی و ترك آن همراه با ضرر اجتماعی است. بنابراین همگان در شکل گیری آن باید احساس مسئولیت کنند و خود را در آن سهیم بدانند. حقوق حجاج در سرزمین مقدس وحی از این قاعده کلی پیروی می کند.

لطمه خوردن حقوق يك حاجی ناشی از انجام دادن مناسك خود و تضييع حقوق او به این دلیل، صدمه زدن به همه حجاج، بلکه به حقیقت حج است؛ از این رو امر به معروف و نهی از منکر را نباید به مواردی منحصر دانست که عمل حاجی با آنچه در فقه حنفی آمده، مغایر است که این خود امر به منکر است؛ زیرا حقوق حجاج دیگر مذاهب را با استفاده ابزاری از دین و شریعت مقدس اسلام سلب می کند. بلکه باید به انجام دادن مناسك حج مطابق آنچه در مذهب پذیرفته شده وجود دارد، اهتمام ورزید و در نتیجه با ایجاد يك سپر حمایتی از آنان در قالب امر به معروف، حمایت لازم را به عمل آورد.

رویکرد شرع مقدس در وضع احکام شرعی به صورت فردی و اجتماعی نکات و فواید بسیاری دارد. خیر و شر در امت اسلامی تمسك به معروف و ترك منکر است و بزرگ ترین معروف های الهی انجام دادن واجبات است؛ چنان که بزرگ ترین منکرهای اجتماعی، انجام دادن محرمات است. چیش واجبات بیانگر آن است که همگی در يك جایگاه قرار نمی گیرند. درباره امر به معروف و نهی از منکر موضوع به این صورت است (1) و از مصادیق اساسی و مهم در حج، مانع ایجاد کردن میان مؤمنان و حج است. چنان که در حدیث شریفی این معنا بیان شده است؛ علی بن مهزیار از امام مهدی (عج) سؤال کردند که امر ظهور چه موقع خواهد بود؟ حضرت فرمودند: «آن گاه که بین شما و حج، حائل و مانع درست کنند». (2)

(1). نهج البلاغه، حکمت 374.

(2). منتخب میزان الحکمة، ص 56.

ص: 76

نکته جالب آن است که در عبادتی فردی مثل نماز نیز توصیه شده است که به صورت جمعی و جماعت برگزار شود. نیم نگاهی به فلسفه تشریح اجتماعی این احکام و مدنظر قراردادن رویکرد شارع مقدس به دست می آید که هدف قرآن کریم شکل گیری امت واحده اسلامی است. روشن است که این امت ویژگی ها و خصائصی دارد که هرکدام عاملی مهم در حمایت از مسلمانان محسوب می شود، و نبود آن نیز از دست رفتن حمایت است. یادآوری این نکته ضروری است که در راستای شکل گیری امت واحده، نباید همانند کسانی بود که به اختلاف دچار، و متفرق شدند، درحالی که آیات روشنی برای آنها بیان شده بود (آل عمران: 105).

سیاق آیات قبل و بعد همگی حاکی از این معنای روشن قرآنی است که بدون بهره مندی از حمایت یکدیگر در پرتو وضع احکام عبادی - اجتماعی، نمی توان به آرمان بلند الهی که همان رسیدن به جایگاه ایمانی و توحیدی است، دست یافت. معیار برتری در این جامعه، تقوا می باشد و دیگر مسائل اختلافی نمی تواند جایگاهی داشته باشند.

حج با همه ابعاد اجتماعی خود، بزرگ ترین نماد حمایت اجتماعی از مؤمنان و مسلمانان است. عمل به آنچه خداوند در انجام دادن این فریضه بیان کرده است و تلاش برای بهره مندی از هم زیستی مسالمت آمیز، گره گشای بسیاری از مشکلات خواهد بود. در این زمینه و در راستای ترسیم جایگاه حقوق نسل سومی، برخی حقوق دانان عربستان گفته اند که آموزه های اسلامی ترکیبی از تعهدات فردی و اجتماعی است، و اجرای آنها هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی، ضروری است و تقکیک آنها نیز توجیه پذیر نیست، و بین آنها نیز نوعی توازن برقرار است. (1) شارع مقدس به منظور ایجاد يك اثر ایمانی محکم که مسلمانان در پناه آن از حمایت یکدیگر برخوردار باشند، تلاش و طراحی کرده است و کعبه را محور این پناه عظیم ایمانی قرار داده است.

(1) .Morgan- Fastor, Op.Cit.P.20

در آموزه های دینی بر حمایت مسلمانان از یکدیگر به طور خاص تأکید شده است. آموزه های قرآنی در این راستا فراوان است، قرآن کریم در آیه 103 آل عمران به مسلمانان دستور می دهد به حبل متین الهی تمسک کنند (وَإِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) این دستور همه مسلمانان را شامل می شود. و سپس در ادامه آیه با بیان «عدم تفرق و جدایی»، این نکته را گوشزد می کند که وجود چنین محوری نباید عامل اختلاف باشد. اختلاف دربارہ دین، ابعاد مختلفی دارد که از جمله آنها اختلاف در فهم احکام و چگونگی اجرای آنها می باشد. قرآن کریم این موضوع را لحاظ می کند که در صورت وجود چنین اختلافی به سوی تفرق و جدایی نروید، بلکه صبر و شکیبایی ورزید و به جای واگرایی، به همگرایی دینی بیندیشید.

به منظور استحکام بخشی به این حقیقت قرآنی، دستوره های دیگری نیز بیان شده است. دستور به حسن معاشرت، همکاری و تعاون، به زیارت یکدیگر رفتن و دوست داشتن فرقه های مسلمانان، مگر آنان که با پرخاشگری و تندى و حتى ابراز کلمات توهين آميز و گستاخانه، قصد نابودی امت اسلام را دارند، همگی بیانگر اهمیت وحدت است. آنچه از چنین دستوری فهمیده می شود، ضرورت حمایت مسلمانان از یکدیگر است. ابعاد اعتقادی و رفتاری چنین حمایتی در آموزه های اسلام ترسیم شده است. علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می فرماید:

این آیه دستوری است برای جامعه اسلامی؛ هر چند دستوری برای افراد نیز می باشد. قرآن کریم دلیل این دستور را نه تعبدی، بلکه وجود هزینه های اجتماعی گزاف ناشی از اختلاف می داند. وجود دشمنی بین انسان ها و تمرکز امکانات اجتماعی و سرمایه های مادی و معنوی به منظور ضربه زدن به یکدیگر، دلیلی است که در ادامه این آیه شریفه بیان شده است. (1)

(1). المیزان، ج 3، ص 370.

ص: 78

قرآن کریم با یادآوری این معنا که پیش از پذیرش ایمان، معنای روشنی برای برادری، صلح و آسایش وجود نداشت، این حقیقت بالا را به همگان یادآوری می کند که در پرتو ایمان، معنای آسایش اجتماعی برای مسلمانان نمایان شد. این معنا حقیقتی است که در دیگر آیات بر آن تأکید شده است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (حجرات: 10). لازمه تشریح برادری ایمانی، شکل گیری حقوق اجتماعی است. (1) این حقوق جزء حقوق مهم است به گونه ای که بدون آنها امکان یک زندگی معنادار وجود ندارد.

اسلام با لحاظ شرایط بسیار آسان زمینه حفظ خون، مال و آبروی انسان ها را فراهم کرده است. این نگاه که حاکی از اصل اولیه اسلام در راستای حمایت همه جانبه از انسان ها محسوب می شود، با گفتن شهادتین، محقق می شود. در روایات فراوانی که از فریقین نقل شده، این معنا پذیرفته شده است. (2)

احمد حنبل در «مسند» در موارد مختلف و بیهقی در «سنن» و بخاری و مسلم در «صحیح» و تعداد بسیاری از دیگر روایات شیعه و سنی نقل کرده اند که پیامبر (ص) فرمودند: «

امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله الا الله، فاذا قالوها عصموا منا دماءهم و اموالهم الا بحقها و حسابهم علی الله». (3) مأمور شده ام تا زمانی که مردم اقرار به توحید نکنند با آنان بجنگم، وقتی لا اله الا الله را بر زبان آوردند (هر چند با اعتقاد نباشد) خون و مالشان محفوظ است.

از طرف دیگر پیامبر (ص) در راستای جلوگیری از حربه تکفیر فرمودند هر فردی که دست به کشتار مسلمان بزند، بی آنکه دلیل قطعی و بین شرعی داشته باشد، کافر است، و این معنا در روایتی که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند، نقل شده است. پیامبر اسلام (ص) در مسجد خیف در سال حجة الوداع فرمودند: «

ان دماءکم و اموالکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا...» (4) و سپس فرمودند:

«لا ترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض». احمد

(1). المیزان، ج 3، ص 371.

(2). حرمة تکفیر المسلمین، معهد الحج و الزیارة، 1434، ص 59.

(3). همان.

(4). کافی، ج 7، ص 275.

ص: 79

این روایت را در جاهای مختلف کتاب، «مسند»، نقل کرده است و نیز نسایی در «سنن کبری»، و ابن حبان در «صحیح» و مسلم و بخاری در کتاب های خود (صحیحین) آن را نقل کرده اند.

این نگرش حاکی از دیدگاهی بلند و محکم در برابر رفتارهای غیرمنطقی برخی مسلمانان نسبت به بعضی دیگر می باشد که به دلیل وجود کژتابی هایی در اندیشه شان، کشتن مسلمانان را تجویز می کنند، و خون آنها را مباح و هدر می دانند. بدیهی است که سخن پیامبر (ص) حاکی از حمایت ویژه از مسلمانان به ویژه از حجاج است. بیان این سخن زیبا در حجة الوداع این پیام را نیز دارد که بهترین محل و مکان برای عملی شدن سخن پیامبر (ص) همین مکان است؛ زیرا حضرت می توانستند این سخن گران سنگ را در جای دیگر بیان کنند. این رویکرد حمایتی است که شارع مقدس از حجاج بیت الحرام و بلکه از همه مسلمانان به عمل آورده است. ترسیم وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر روی دیگر سکه حقوق مسلمانان نسبت به هم می باشد.

حمایت و بهره مندی یکسان از حقوق

از جمله حقوق اولیه که در ادبیات حقوق بشری مطرح شده است، بهره مندی یکسان افراد از حقوق بشری، فارغ از تفاوت های طبیعی و غیرطبیعی است. این جهت هرچند در معنای حق داشتن درست است، اما در معنای حق بودن جای تأمل دارد. حقوق بشر رویکرد حق داشتن را دنبال می کند؛ بر این مبنا، همه انسان ها از حقوق شناسایی شده در اسناد بین المللی، به صورت یکسان بهره مند می شوند.

قرآن کریم در ادبیاتی زیبا این معنا را به گونه دیگری ترسیم کرده است؛ (سَوَاءٌ أَلْعَاكِفُ فِيهِ وَ أَلْبَادِ) (حج: 25) این شعار بزرگ قرآن در زمینه نفی تفاوت های موجود است. امروزه اهل نجد اعتقادات خاصی دارند و هر مذهبی غیر از خود را غلط می دانند و حکم شرک، و نجس بودن را برای دیگران صادر می کنند. با بررسی اولیه باید پذیرفت که اعتقاد آنها خلاف صریح آیات شریفه است، هر فردی که شریعت آسمانی را پذیرفته

و به قرآن و کعبه معتقد شده، و شهادتین را بر زبان جاری کرده باشد، مسلمان است و به حکم صریح این آیه، ساکن باشد یا نباشد، و وارد باشد یا نباشد، در بهره مندی از فضای امن الهی با دیگران یکسان است.

به اعتقاد بسیاری از علمای اسلام منطقه حرم سرزمین آزاد اسلام است (1) و برای هر فرد وارد جایز است هر کجای حرم منزل گیرند و صاحب خانه وظیفه دارد ضمن فضا سازی مناسب، در این رابطه ممانعتی به عمل نیاورد. (2) از سنت های صدر اسلام این بود که خانه های مکه درب نداشت و حتی به کسانی که برای جلوگیری از سرقت مانع گذاشته بودند، اعتراض می شد؛ (3) حتی درباره قابل تملك بودن این منازل در بین فقها نظرات متفاوتی مطرح شده است (4)؛ مطابق این نظریه ها یا سرزمین مکه قابل تملك نیست، یا نمی توان در برابر آن از حاجی اجاره دریافت کرد. البته برخی از بزرگان فقه درباره نظریه تملك، مناقشه جدی نیز دارند. (5)

ممنوعیت تملك یا اخذ اجاره را نباید فقط در حوزه اقتصادی و حمایت مادی از حجاج تعریف کرد که البته امر صحیحی است؛ بلکه باید فراتر از آن ملا-حظه شود. بهره مندی حجاج از آزادی مطلق در حرم به منظور انجام دادن مطلوب فریضه حج و استفاده از کنگره عظیم الهی حج چنین اقتضایی را دارد. به گونه ای که هیچ چیزی نباید آزادی حاجی را سلب کند، و این نکته در تصریحات و سفارشات بزرگان وجود دارد؛ از جمله در توصیه های حکومتی امام علی (ع) به قثم بن عباس که مسئولیت اداره حرم را عهده دار بود، بیان شده است. (6)

(1). میقات حج، ش 2، ص 82.

(2). تفسیر الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج 11، ص 33.

(3). همان.

(4). میقات حج، ش 2، ص 82.

(5). همان.

(6). نهج البلاغه، نامه 67.

ص: 81

یکی از رهبران پروتستان های جهان گفته است، ستمگر هرگز آزادی را به صورت اختیاری و داوطلبانه نمی دهد؛ بلکه ستمدیده باید این حق را مطالبه کند. (1)

در آموزه های دینی به ویژه آیات قرآن کریم بر این حق طلبی و مبارزه برای احقاق حق در ابعاد مختلف تأکید شده است. ادبیات قرآنی همچون، (حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ) (انفال: 65)، (وَ أُغْلِظْ عَلَيْهِمْ) (توبه: 73 و تحریم: 9)، (فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ) (نساء: 76)، (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا) (فاطر: 6)، (وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (نحل: 125)، نمونه ای است از آنچه گفته شد. پرسش مطرح آن است که رمز و راز این مجاهده و جدال و نبرد چیست. از طرف دیگر در قرآن کریم می خوانیم، (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (بقره: 197).

یادآوری این نکته ضروری است که از نظر لغوی جدل که ریشه جدال است، به معنای محکم بافتن چیزی است، (2) و در جدال هر کدام از دو طرف قصد دارد رای طرف مقابل را به صورت محکم بردارد. فردی که جدال می کند، در خصومت شدید است و می خواهد طرف دیگر را از نظریه های خود برگرداند و انعطافی در او به وجود آورد. (3) در قرآن این واژه 23 بار به کار رفته است و از مجموع آنها به دست می آید که دو نوع جدال مدنظر قرآن است. دانشمندان علوم قرآنی همچون نجم الدین طوفی (م 716 ه. ق) کتاب مستقلی درباره جدل در قرآن تألیف کرده است که می توان گفت قرآن هرگونه گفت وگو با جنبه ستیزه جویی و استدلال سفسطی و مغالطه گونه را نهی کرده است. ولی چنانچه هدف از جدال اثبات حق باشد، هرگز نهی نشده است. آیه 197 سوره بقره نیز ناظر به همین معنا و حقیقت است. چنان که دیگر موارد منهی در این آیه

Freedom is never voluntarily given by the oppressor. it must be demanded by the oppressed. A Toolkit . (1)
.for Reporting on Human Rights Issues

(2). فرهنگ نفیسی، خیام، ج 2، ص 1073.

(3). میقات حج فارسی، «اتمام الحجج فی تفسیر...»، سید محمدباقر حجتی، ش 2، ص 54.

شریفه نیز مؤید و گواه همین حقیقت است. فسوق، هرگونه معصیت را در بر می گیرد و رفت، هرگونه روابط جنسی را.

با نگاه به نظر فقهای شیعه همچون شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الاحکام»، مرحوم شیخ محمدحسن نجفی در «جواهر الکلام»، شهید اول در کتاب «الدروس» و... در می یابیم جدال، قسم دروغ، همراه با معصیت و ستیز با برادر خود است. (1) مفسران اهل سنت، همچون طبری در تفسیرش، محمد بن کعب قرظی، ابن زید، محمد رشید رضا و محمد عبده، تقریباً همین معنا را دنبال کرده اند. (2)

محمد عبده در تفسیرش معتقد است که بین این سه واژه تناسب وجود دارد و این تناسب را برگرفته از معنای لغوی واژگان دانسته است. (3) امام فخر رازی نیز بیان کرده، جدال ممنوع در حج، جدالی است که برای اثبات و تقریر امر باطلی استفاده شود. اما جدالی که در جهت تقریر و تثبیت حق و دعوت مردم به راه خدا و دفاع از حریم دین خدای متعال انجام گیرد، در هر حال ممدوح و ستوده است. (4) همچنین می توان اضافه کرد جدال برای حمایت از حاجی نیز براساس وحدت ملائک، همین وضعیت را دارد. این حمایت می تواند توسط خود حاجی صورت گیرد یا توسط کارگزاران حج باشد.

به هر حال نمی توان و نباید جدال نیکو به منظور احقاق حق و ایجاد سپر دفاعی در برابر انواع اذیت و آزارهای عربستان را امری مذموم تلقی کرد، بلکه باید گفت این اصل خودحمایتی توسط حجاج، نوعی جدال احسن است. جدال با شیطان همراه با دیگر مؤمنان و در راستای حق، با همبستگی امکان پذیر می شود؛ زیرا جدال با بزرگ ترین دشمن، وحدت و همبستگی خاصی را می طلبد. حجاج از رهگذر این جدال احسن و با پرتاب کردن سنگ به طرف جمره های اولی، عقبه، و وسطا، امنیت خود را تضمین

(1). میقات حج فارسی، «اتمام الحجج...»، سید محمدباقر حجتی، ش 2، ص 61.

(2). همان، ص 63.

(3). المنار، محمد عبده، ج 2، ص 273.

(4). ر. ک: روح البیان، ج 1، ص 314.

می کنند. پرتاب کردن سنگ نماد پرتاب کردن توان فیزیکی و مادی به سوی شیطان است. این حرکت در واقع به معنای استفاده حجاج از نیروهای مادی خود به صورت همه جانبه و همراه با هم برای احقاق حق، و مقابله با کسانی که حقوق انسان ها را به چالش می کشند و به بهانه های مختلف آنها را مشرک و کافر می خوانند، می باشد.

حمایت از دیگر اتباع و تعهدات دولت میزبان

در این باره پرسشی مطرح است که آیا دولت عربستان وظیفه دارد که از امنیت حجاج نسبت به رفتارهای کشورهای متبوعشان، در مکه حمایت کند، یا اینکه فقط وظیفه دارد در چارچوب های تعریف شده حرکت کند؟ مثلاً چنانچه يك فرد مصری بخواهد با يك حاجی ایرانی در مکه ارتباط داشته باشد و نگرانی او تنها مربوط به اقدامات بعدی و فعلی دولت مصر علیه وی باشد، آیا می توان گفت دولت عربستان وظیفه دارد فضا را به گونه ای قرار دهد که تا جایی که نظم عمومی دولت مصر به مخاطره نیفتاده است، افراد مذکور از آزادی عمل بهره مند باشند؟

در راستای امت واحده بودن، لازم است حجاج با یکدیگر مصاحبت داشته باشند. حق صحبت کردن که از حقوق بنیادین بشر است، ابعاد مختلفی دارد؛ از جمله صحبت کردن با هموطن و صحبت کردن با بیگانه. در سرزمین وحی که همه (جز اهالی عربستان) بیگانه محسوب می شوند، (زیرا هنوز برای حرمین شریفین تابعیت جهانی تعریف نشده است)، حق صحبت کردن به صورت بسیار جدی مطرح است. اما به دلیل رفتارهای حاکمیتی و اطلاعاتی، امکان استفاده از این حق در حرم امن الهی وجود ندارد و از آنجا که این حرم الهی اهمیت فوق العاده ای دارد، آیا می توان برای دولت میزبان، تعهدی مبنی بر ایجاد فرصت لازم جهت اعمال این حق تعریف کرد، و یا چنین نگاهی، ایجاد يك فرتعهد بر دوش دولت عربستان است؟ شبیه این بحث در ادبیات حقوق بشری با عنوان مسئولیت برای حمایت وجود دارد. در آموزه های حقوقی آنچه تا دیروز با عنوان ممنوعیت مداخله در امور داخلی بیان می شد، امروزه و در قالب ادبیات حقوق

بشری، مسئولیت برای حمایت نامیده می شود. براساس دکترین حمایت، دولت ها فارغ از هر نوع استثنایی، آنجا که حقوق بشری افراد خدشه دار شود، وظیفه حمایت دارند و این موضوع نباید با عنوان مداخله در امور داخلی تعریف، و با آن مقابله شود. براساس این رویکرد، هر دولتی چنین وظیفه ای دارد؛ گرچه آن افراد تبعه، و حتی ساکن آن کشور نباشند. (1)

چون این پرسش نگرش کاملاً تازه ای را با خود به همراه دارد، توجه به چند نکته ضروری می نماید:

الف) در پیام های مختلفی که حضرت امام (رحمه الله) و مقام معظم رهبری به حجاج داده اند، مطالباتی بیان شده است که محور مشترك همه آن تذکرها، مدنظر قراردادن منافع امت اسلامی است. در پیام سال هفتاد مقام معظم رهبری با این عبارت مواجه می شویم:

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده، و در هجرت از من قومی و نژادی و فرقه ای به مای اسلامی و قرآنی پیوسته اید، مسائلی را مدنظر داشته، درباره آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از حج آن را سررشته تأمل و فکر و عمل سازید. (2)

بدیهی می نماید که کمترین الزامات چنین تبادل فکر و اندیشه ای، برخوردار بودن از امنیت و آسایش در حریم امن الهی است و اکنون این پرسش مطرح است که چه کسی و چگونه باید این امنیت را به وجود آورد و مسئولیت مشترك همه دولت ها و حکومت ها و به طور خاص مسئولیت دولت عربستان در این راستا چشمگیر است؛

ب) در هیچ يك از فرائض الهی، شعاری که در حج است، وجود ندارد. جمله «لبيك، اللهم لبيك»، به فریضه حج اختصاص دارد، چه این دعوت را، دعوت داعی الله گرفته شود و پاسخ به درخواست ابراهیم خلیل (ع) تفسیر شود (وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ)

(1) .Taking Stock of the Responsibility, Mohamed saira,P.322 .

(2) . سوم ذی الحجّه، 1411 ه. ق.

ص: 85

و یا پاسخ به خود خداوند تعریف شود «لبيك ذا المعارج لبيك داعيا الى دار السلام لبيك مرهوباً مرعوباً اليك لبيك». بلند گفتن این شعار پس از پوشیدن لباس احرام در هر فراز و فرود تا رؤیت خانه دوست بیانگر این حقیقت است که افراد، نیازمند آزادی بیان می باشند. (1) اصولاً بدون برخورداری از چنین آزادی ای، امکان سردادن این شعار نیز وجود ندارد. بهره مندی و استفاده از حقی به نام آزادی بیان هرچند به طور مستقیم نیاز به حمایت شخص خاصی ندارد، ولی به طور مستقیم بیانگر آن است که کسی نباید مزاحم انجام دادن آن شود و باید همه افراد حج گزار بدون هرگونه ممانعت و مزاحمت این پیام الهی و سروش رحمانی را دریابند. جلوگیری و بازداشت افرادی که مزاحم اند، و حتی ایجاد فرصت لازم از ابتدا تا انتهای مسیر حرکت (از احرام تا رؤیت) برای استفاده از حق آزادی بیان برای حجاج، وظیفه دولت و حکومت عربستان را شکل می دهد. در روایت است که رسول خدا (ص) می فرماید:

اتاني جبرئيل فقال لي: ان الله يامرک ان تأمر اصحابک ان ترفعوا اصواتهم بالتلبیه فانها من شعار الحج (2)؛

جبرئیل نزد من آمد و به من گفت: خداوند دستور می دهد که به اصحابت بگویی هنگام تلبیه صداهایتان را بلند کنید؛ زیرا تلبیه از شعارهای حج است؛

ج) مسئله زیارت خانه خدا به عنوان ضیافت و مهمانداری تعریف شده است. (3) در باب میهمانی، بسیاری از اندیشمندان به ادب حضور مهمان توجه کرده اند که نکته مهمی است: «الحرم حرمک و البلد بلدک و البيت بیتک و انا عبدک»، یا در کلام امام سجاد (ع) آمده است:))

سیدی عبدک ببابک اقامته الخصاصه بین یدیک». (4) اما بعد دیگر میهمانی، در پناه صاحب خانه بودن است. اصولاً به کارگیری واژگانی همچون «وفدالله» افزون بر آنکه

(1). فصلنامه میقات حج، «اسرار حج در روایات»، عبدالله جوادی آملی، ش 2، صص 17-30.

(2). تفسیر المنار، ج 2، ص 227.

(3). همان.

(4). دعای ابوحمزه ثمالی.

بیانگر رعایت ادب و نزاکت است، بیانگر وظایفی است که میزبان داوطلبانه برای خود پذیرفته است. مسئله را این گونه باید در نظر گرفت که از ما درخواست شده است، به طور حتم و جدی در این میهمانی به شرط وجود استطاعت شرکت کنیم؛ از این روی شک میزبان نیز خود را برای انجام هر نوع حمایت مادی و معنوی آماده کرده است. شارع مقدس می تواند واژه دیگری را در این راستا به کارگیرد، اما ویژگی استفاده از واژه میهمانی بار معنایی خود را که همان حمایت کردن است، نشان می دهد.

حاجی که رویه روی در خانه خداوند می ایستد این دعا را می خواند: «البیت بیتک و انا ضیفک و انا عبدک». این ادبیات هم به موقعیت حاجی توجه کرده است، و هم به موقعیت صاحب خانه و حرم. آنچه برای میهمان از بدیهیات و کمترین ها محسوب می شود، حفظ جان، مال و آبروی، و برخوردار شدن از امنیت روح و روان و جسم، و تحت حمایت صاحب خانه قرارگرفتن است. بدون وجود لحاظ این حداقل ها میهمانی معنا نخواهد داشت. کسانی که ستون برگزاری حج می باشند، با توجه به این معنا باید پذیرای حجاج باشند و این مسئولیت مشترک همگان را در شکل گیری این معنا نشان می دهد؛

د) در ادبیات بزرگان دین از جمله امام راحل (رحمه الله) کلماتی در این زمینه وجود دارد که توجه به آنها ضروری است. از دیدگاه امام (رحمه الله) مناسک حج، مناسک زندگی است و جامعه اسلامی از هر نژاد و ملتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد (ص) پیوند خورد و یگانه شود (1)، و یا در جای دیگر فرموده اند حج، کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در همه زوایای زندگی باید جست و جو نمود. (2) توجه به مفهوم این سخن، بیانگر این معناست که حج نشان دادن سبک زندگی ابراهیمی (ع) و محمدی (ص) است. اگر وظیفه تک تک افراد جامعه رسیدن به این نوع زندگی باشد، که این گونه نیز هست، بدون هزینه های اجتماعی متعدد و مختلف نخواهد بود. در یک

(1). ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، رهبر، ص 32.

(2). همان، صص 9 و 235.

ص: 87

دیدگاه شاید این انتظار وجود داشته باشد که هر فرد باید سهم و بخش هزینه های کار را در مقام عبادت و انجام دادن وظیفه مسلمانی پرداخت کند. این سخن در جای خود درست است، اما آیا می توان راهی یافت تا هزینه های چنین زیستی را کاهش داد؟ یافتن این مسیر از رهگذر حمایت های مختلفی است که دولت ها بر دوش دارند و باید آن را انجام دهند. رمز و راز ایجاد آزادی بیان در حریم الهی، افزون بر ایجاد فرصت لازم برای انجام دادن مناسک، بهره مندی از موقعیتی است که در آن بتوان با کمترین هزینه، به بیشترین بهره وری دست یافت، و بیشترین بهره وری تحقق و شکل گیری امت محمدی (ص) است. بی جهت نیست که امروزه سخن گفتن از حجاج در قالب حمایت از آنها، نیازمند ادبیاتی است که بتواند این هدف را محقق سازد؛

ه) دومین عملی که در منا صورت می گیرد، قربانی است که یکی از مهم ترین اهداف این فریضه، رسیدگی به محرومان و فقیران است. فرد حج گزار، هم خود از این نعمت برخوردار است، و هم دیگران. انجام دادن این تکلیف که بعد اقتصادی حج را

نیز نشان می دهد، و یادآور ذبح عظیم ابراهیم خلیل الرحمن (ع) است، برای حمایت اقتصادی از انسان های موحد این سرزمین است؛ زیرا اصل اولی، حمایت از مردم موجود در آن منطقه درباره بهره مندی از گوشت قربانی بوده است، و حتی از بیرون بردن آن گوشت نیز نهی شده است. (1) رسول خدا (ص) در این باره فرمودند: «

انما جعل الله هذا الاضحی لتشیع مساکینکم من اللحم فاطعموهم»، (2) و در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمودند: «

اذا ذبحت او نحرته فکل و اطعم کما قال الله فکلوا فیها و اطعموا القانع و الفقیر» (3) امیر مؤمنان (ع) در روز عید قربان ضمن خطبه ای فرمودند: «آن گاه که قربانی کردید، از آن بخورید و اطعام کنید و هدیه دهید». (4)

(1). وسائل الشیعه، ج 14، باب 42 و ج 5، ص 172.

(2). همان، ج 22، ص 167.

(3). همان، ج 1، ص 159.

(4). همان، ج 22، ص 167.

یکی از مسائل مشهور و معروف بین شیعه و سنی، عدم جواز سکونت اهل کتاب، بلکه هر فرد غیرمسلمان در حجاز یا جزیره العرب است. این مسئله در میان فقهای شیعه اجماعی است؛ آن چنان که محقق حلی آن را بیان کرده، و چنین مطلبی را به مشهور فقها نسبت داده، و سپس منظور از حجاز را مکه و مدینه دانسته است. (1) شیخ طوسی نیز به ممنوعیت توطن مشرکان فتوا داده است. (2) شهید اول نیز به ممنوعیت سکونت ذمی در حجاز، یعنی از عدن تا عبادان و از تهامه تا شام، نظر داده است. (3) از علامه حلی نیز همین موضوع نقل شده است. (4) صاحب جواهر نیز بر فتوای دیگر فقها

تأکید کرده است. (5) اهل سنت نیز مثل ابن قدامه، (6) ابوالحسن ماوردی، (7) ابن قیم جوزیه، (8) ابن اثیر (9) و دیگران نیز همین گونه فتوا داده اند. بحث های فقهی مختلفی در این زمینه وجود دارد، (10) اما آنچه به این بحث مربوط است آن است که شارع مقدس با رویکرد حمایت از دین، حمایت ویژه ای را از حجاج و اهالی مکه و مدینه به عمل آورده؛ قرآن کریم با بیان این نکته که (إِنَّمَا الْمَسْجِدُ رُكُونٌ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ) (توبه: 28)، به طور صریح این حمایت را مدنظر قرار داده است.

این آیه از سویی وضع بد مشرکان را بازگو می کند که صفت رذیله ای به نام شرك

(1). شرایع الاسلام، محقق حلی، 1408، ص 94.

(2). المبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، 1387، ج 2، ص 47.

(3). الدرر الشریعیه فی فقه الامامیه، شهید اول، 1412، ص 163.

(4). منتهی المطالب، علامه حلی، 1333، ص 971.

(5). جواهر الکلام، ج 21، ص 289.

(6). مغنی، ابن قدامه، ج 10، ص 603.

(7). الاحکام السلطانیه، ابوالحسن ماوردی، ص 167.

(8). احکام اهل الذمه، ابن قیم جوزیه، ص 184.

(9). فتح الباری، ابن اثیر، ج 6، ص 272.

(10). فصلنامه میقات حج، ش 1، ص 130.

دارند و اثر طبیعی آن صفت، نجاست ظاهری و باطنی است، و از سوی دیگر به حرمت و احترام مسجدالحرام توجه داده است که این مسجد احترام دارد، و این دو صفت ضد با هم جمع شدنی نیستند. اگرچه مسجد شامل مکه نمی شود، ولی از باب اینکه فرمود: (فَلَا يَقْرُبُوا، به دست می آید که نباید این افراد وارد مکه شوند تا در نتیجه به مسجد نزدیک نشده باشند. البته چون نزدیک، یا دور بودن عرفی است، این مسئله جای تأمل دارد؛ ولی فارغ از تعیین محدوده ای که افراد مشرک نمی توانند در آن سکونت کنند، یا در آنجا توطن گزینند، همگان اصل ممنوعیت را پذیرفته اند و همه آیات و روایات در این باره (1) حاکی از نوع و رویکرد حمایت خداوند از این سرزمین و اهالی آن می باشد.

درواقع این جهت همان هدفی است که حقوق بشر، یعنی حمایت از انسان ها، به دنبال آن است؛ هرچند در محدوده، میزان و نوع حمایت بین آنچه در آموزه های دینی و اسناد حقوق بشری وجود دارد، تفاوت هایی مشاهده می شود که البته این مسئله به اصل موضوع که همان حمایت از جان، مال، آبرو و عرض اجتماعی انسان هاست، صدمه ای وارد نمی کند.

حمایت از حج گزار آسیب پذیر

می توان از جهت آسیب پذیر بودن نیز به حج گزاری که در مکه و مدینه حاضر می شود، توجه کرد. این آسیب یا ناشی از حوادث طبیعی در راه و در حرم است، یا ناشی از حوادث غیرطبیعی که جان، مال و آبروی افراد را تهدید می کند. در اسلام به حمایت از همه اقشار آسیب پذیر توجه شده است. اگر حج گزار از شهروندان عربستان نباشد، قطعاً به عنوان يك بیگانه در آن کشور حاضر می شود، و امروزه در حقوق بین الملل افراد بیگانه به سبب آسیب پذیرتر بودن از حمایت های خاصی برخوردارند؛

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 101؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج 2، ص 261؛ صحیح بخاری، ج 4، ص 212؛ سنن ابی داوود، ابی داوود، ج 2، ص 43.

ص: 90

هرچند دامنه این حمایت‌ها متفاوت تعریف شده است. (1)

اسلام به منظور حمایت از این افراد که برای تعظیم شعائر الهی و تکریم ارزش‌های دینی، جان و مالشان را به خطر انداخته‌اند، حمایت‌های خاصی را ترسیم کرده است. داستان اصحاب صُفّه و عملکرد پیامبر (ص) نمونه‌ای از این حمایت‌هاست. سلمان فارسی نقل می‌کند که عینیه و اقرع بن حابس و همراهانشان که از اشراف پولدار بودند، نزد پیامبر (ص) آمدند و عرض کردند که ای رسول خدا (ص)، کاش در بالای مسجد می‌نشستی و این فقیران تهی دست (اصحاب صُفّه) را از خود طرد می‌کردی. اگر چنین کنی، ما دور تو را می‌گیریم و با تو خالص می‌شویم، به سخنان دل‌می‌سپاریم و گوش می‌دهیم. خداوند این آیه را در پاسخ نازل کرد: (وَ أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا) (وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ) (الكهف: 27 و 28). علامه طباطبایی در ذیل این آیه فرموده است که این آیه بیان‌کننده رویکردی است که قصد دارد نگاه پیامبر (ص) را عوض کند. به جای اینکه پیامبر (ص) از ایمان‌نیاوردن این افراد غمگین شود، که خود مطلب حقی است، اولویت کار این است که صبر کند و با افراد فقیر مؤمن که همیشه خداوند را می‌خوانند، همراهی نماید و به کفار توجه نداشته باشد.

راغب اصفهانی در معنای صبر گفته است، صبر نگهداشتن خویش بر چیزی است که عقل، یا شرع، و یا هر دو اقتضا می‌کنند. می‌توان گفت عقل بشری حاکی از آن است که از افراد باایمان که به دلیل ایمان در معرض آسیب قرار گرفته‌اند، باید حمایت ویژه‌ای به عمل آورد.

پس از نزول این آیه، پیامبر (ص) برخاست و در پی آنان رفت و آنان را در آخر مسجد یافت که مشغول ذکر خداوند بودند. سپس حضرت فرمودند: «حمد خدایی را که من مردم تا آنکه فرمانم داد خویش را به همراه گروهی از امت صابر سازم. زندگی

(1). حقوق بین الملل عمومی، ضیایی بیگدلی، ص 247.

خباب بن ارت می گوید اقرع و عینیه پیامبر خدا (ص) را دیدند که با بلال، عمار، صهیب و خباب در جمع مؤمنانی بی بضاعت نشسته بودند؛ از این رو با حقارت به آنها نگریستند و در خلوت از پیامبر خدا (ص) خواستند که هنگام سخن با امثال اقرع، افراد بی بضاعت، ضعیف و برده ها را دور کند، و هرگاه سخن ایشان تمام شد، اگر پیامبر (ص) خواست دوباره به جمع آنها برود. در این وضعیت آیه (وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ) (انعام: 52) نازل شد. در «تفسیر المیزان» برای تفسیر این آیه بیان شده است که چنین درخواستی در امت های پیشین هم بوده است؛ چنان که در امت نوح (ع) این موضوع مطرح شده است و ایشان در جواب فرموده اند: (وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ) (هود: 29).

مقاتل بن سلیمان شأن نزول آیه را درباره مشرکان مکه دانسته است. آنان از ابی طالب خواستند که از پسر برادرش بخواهد فقرا و ضعفا را از خود طرد کند تا آنها ایمان آورند، یا به سخن او گوش دهند. (2) در کتاب «مقتنیات الدرر»، دقیقاً آنچه از قول خباب بن ارت نقل شد، بیان گردیده است (3) و در ادامه آمده است که اقرع و عینیه درخواست کردند که توافق نامه ای در این باره تنظیم شود و پیامبر (ص)، علی (ع) را برای نگارش صدا کردند که این آیه نازل شد. بنابراین پیامبر (ص) از آن دو منصرف شدند و زانو به زانوی ما نشستند. (4) در ادامه، این مفسر قصه حضرت نوح (ع) را بیان کرده که در سوره شعراء، آیه 111 بیان شده است؛ قوم نوح (ع) به او گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم، در حالی که عده ای انسان های پست و پایین اجتماعی از تو دنباله روی می کنند؟» و نوح به آنها پاسخ داد: (وَمَا عَلِمِي مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (شعراء: 112 و 113).

(1). فصلنامه میقات حج (فارسی)، ش 1، ص 159.

(2). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 1، ص 563.

(3). مقتنیات الدرر، ج 4، ص 174.

(4). همان.

تقریباً دیگر مفسران همین گونه صورت مسئله را مطرح کرده اند. پس خداوند برای حمایت از انسان های آسیب پذیر به پیامبر (ص) چنین دستوری داد تا راه اهم و مهم کردن را به او نشان دهد؛ در نتیجه علاوه بر اینکه حج گزار را باید فردی آسیب پذیر دانست، برخی از حجاج نیز آسیب پذیرترند، که در هر دو حالت حمایت ویژه از حجاج مطرح می شود.

گفتار دوم: حقوق حمایتی حجاج

اشاره

همان طور که پیش تر بیان شد، یکی از مهم ترین و اصلی ترین مراحل حمایت از حجاج یا هر فرد دیگر، به رسمیت شناختن حقوق اوست. بدون این مرحله حمایت، معنایی جز يك کار اخلاقی نخواهد داشت. با رجوع به آموزه های فقهی می توان حقوق چندی را برای حجاج شناسایی کرد که ضروری می نماید این حقوق در قالب منشور حقوق حجاج و در قوانین داخلی کشور میزبان و کشور اعزام کننده مدنظر قرار گیرد. یادآوری این نکته مهم است که امروزه در نظام بین المللی حقوق بشری، مرحله شناسایی و به رسمیت شناختن حقوق افراد در قوانین کشورها، اصلی ترین گام حمایتی محسوب می شود.

1. حق انجام مناسك

حق در معنای حق داشتن بر انجام دادن مناسك ضروری ترین گام حمایت از حجاج محسوب می شود. حق در معنای حق داشتن بدان معنا خواهد بود که حجاج بتوانند براساس فقه خویش و با آزادی و اطمینان کامل مناسك را انجام دهند. در این معنا کسی حق ندارد به دیگری ایراد وارد کند و مناسك او را خلاف اسلام بداند یا حتی او را به شرك متهم کند. این حقی است که برای فرد شناخته می شود تا او بتواند مناسكش را انجام دهد.

قرآن کریم در سوره حج، آیه 34 این حقیقت را گوشزد کرده است: (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ

جَعَلْنَا مُنْسَكًا؛ «هر امتی از سوی خداوند مناسک خاصی دارد». قدر متیقن از این معنا آن است که همگی خدای واحد را پرستند و در برابر او تسلیم باشند. آنچه در این آیه به طور حتم و جدی به آن توجه شده است، تسلیم حجاج در برابر خداوند است، در حالی که مناسکشان را انجام می دهند.

مناسک حج از ابتدا تا انتها در راستای حمایت از مؤمن و حج گزار است و ابعاد مختلف مناسک، همگی با چنین نگاهی درك شدنی می باشند. پوشیدن لباس احرام، دوری از محرّمات، انجام دادن کارهایی که انسان برای انجام دادن آن به زحمت می افتد، همگی با نگاه حمایت از حج گزار در سرزمین وحی است؛ زیرا حمایت، ایجاد

فرصت هایی است که فرد بتواند با برخورداربودن از موقعیت خاص به ارتقای خود کمک کند. در این معنا همه اعمال حج و مناسک فرصت سازی می باشند.

قرآن کریم در دو آیه از این حق با تعابیر نزدیک به هم یاد کرده است (حج: 34 و 67) علامه طباطبایی ذیل آیه 67 سوره حج بیان می کند که مراد از امت، گروه های انسانی پیش از اسلام است، ولی این آیه امت های موجود در زمان نزول آیه را شامل نمی شود؛ زیرا شریعت واحد امت و نبوت عام است. (1) این سخن ضمن آنکه حقانیت نداشتن مناسک موجود در عصر نزول را اثبات می کند، بیانگر پذیرش مناسکی است که در امت پیامبر (ص) وجود دارد. به نظر می رسد علامه (رحمه الله) حق را در این آیه به معنای حق بودن لحاظ کرده است. فارغ از این معنا آیه بیانگر آن است که هر امتی، هرچند امت های گذشته، از این حق برخوردار بودند و خداوند نیز برای آنها چنین حقی را امضا کرده است.

در ادامه آیه، به عدم منازعه درباره مناسک دستور داده شده است که حاکی از این حقیقت است که کافران نباید درباره این منهج الهی گفت وگو، و با آن مخالفت کنند.

صاحب کتاب «تفسیر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز»، امت را در آیه شریفه، قرن

(1). المیزان، ج 14، ص 405.

ص: 94

معنا کرده، و مناسک را شریعت گرفته است. این سخن برگرفته از روایتی از ابن عباس است و گفته شده، منظور از مناسک، مکانی است که افراد به یکدیگر احساس انس و الفت می کنند و به این سبب مناسک حج را مناسک گفته اند، و برخی گفته اند که منظور موضوع قربانی است. (1) این تفاسیر با ظاهر آیه همخوانی ندارد، ولی حاکی از این معناست که مناسک مختلف در امت های گذشته پذیرفته شده است و این می تواند در امت پیامبر (ص) هم وجود داشته باشد و شناسایی شود.

در یکایک مناسک حج نگاه تسلیم، و حمایت الهی از حجاج را می توان مشاهده کرد؛ از میقات تا احرام، از محرّمات تا واجبات احرام، از شرایط طواف تا آداب آن، از سعی و تقصیر تا عرفات و مشعر و...، و همه اعمال حج، گویای این واقعیت اند.

قرآن کریم در آیه 41 سوره حج برای کسانی که در زمین موقعیت خاصی یافته اند، انجام دادن چهار کار را مدنظر قرار داده است. ادای نماز، دادن زکات، امر به معروف، و نهی از منکر.

مفسران درباره این آیه به چند نکته مهم توجه کرده اند؛ از سویی این آیه را ناظر به حالت جمعی دانسته اند، نه فردی و شخصی، یا به عبارت بهتر، هرگاه مؤمنان در روی کره خاکی قدرت می یابند و می توانند بدون هرگونه مزاحمتی زندگی کنند، انجام دادن چهار تکلیف عبادی را در دستور کارشان قرار می دهند؛ هرچند در این مجموعه عده ای به آنها عمل نکنند؛ از طرف دیگر رسیدن به این موقعیت، هم می تواند با انجام دادن فعالیت خودشان باشد، و هم به خداوند انتساب داشته باشد؛ زیرا خداوند فرموده است که سرنوشت هیچ گروهی عوض نمی شود، مگر آنکه آن گروه خود بخواهند تغییر رویه دهند، و همچنین در راستای توحید افعالی همه این تحولات با نظر و خواست خداوند خواهد بود؛ از این رو در آیه واژه (مَكَّنَاهُمْ) ، یعنی ما به آنها فرصت دادیم، به کار رفته است.

(1). الوجیز، ج 1، ص 448.

ص: 95

این چهار عمل شعائر و مناسک جامعه موحدانه و مؤمنانه است که هرکدام به بخشی از تعاملات اجتماعی اشاره دارد. ضرورت ارتباط با خالق و هدایت کردن جامعه به سوی معبود، تأمین معاش و اقتصاد زندگی اجتماعی و در نهایت مراقبت و نظارت اجتماعی در مقام چهار سرمایه اجتماعی بزرگ جامعه مؤمنان و در واقع چهار حق اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

انجام دادن هرکدام از این اعمال عبادی مناسکی خواهد داشت، ولی روشن است که این چهار عمل به منزله چهار رکن اداره جامعه است، اما فقط به آنها منحصر نیست. حج نیز یکی دیگر از اقداماتی خواهد بود که مؤمنان در شرایط استقرار و تمکین انجام خواهند داد. برپایی مراسم حج و انجام دادن مناسک حج با وصف جمعی خود در این معنا مدنظر می باشد؛ وگرنه افراد ممکن است به هر طریقی و با هر دشواری به انجام دادن فریضه بزرگ الهی اقدام کنند، آنچه در این بین مهم است، انجام دادن حج در قالب شعاری الهی است.

می توان با لحاظ این مقدمه چند نکته برداشت کرد: نخست، شناسایی این چهار حق به زبان تکلیف که در يك نگرش چهار عمل هستند، حاکی از جایگاه این اعمال عبادی در حفظ و بقای يك جامعه دین مدار است و بدون وجود چنین فضایی جامعه مؤمنان نمی تواند دوام بیاورد؛

نکته دوم آنکه همه این موارد در يك ویژگی خاص، یعنی داشتن وصف «حمایت از این جامعه»، مشترك اند؛ به عبارت دیگر رویکرد این چهار عمل رویکرد حمایتی از جامعه است که به تبع آن، افراد بیشتری از موقعیت استفاده خواهند کرد؛

نکته سوم، برخی از اعمال لازمه هرنوع زیستن است؛ از جمله دفاع و جهاد در راه خدا که افراد، چه در قالب وصف اجتماعی و چه در قالب وصف فردی، باید آن را انجام دهند.

این اعمال که شاخصه های زیست اجتماعی موحدانه اند در مقام شعائر الهی

مدنظرند. تنظیم این شعائر، نه به صورت فردی، بلکه به صورت گروهی و اجتماعی خواهد بود که واژه مناسک برای نشان دادن این معنا، واژه مناسبی است. قرآن انجام دادن این اعمال را با وصف گروهی شناسانده است. این اعمال، به اعتبار همین ویژگی و شاخصه جمعی، جنبه حمایتی خود را نشان می دهد و مؤمنان با تکیه بر این اعمال عبادی از یکدیگر حمایت می کنند.

فضاسازی معنوی و ایجاد محیط سالم مانع شکل گیری رفتارهای غیرانسانی، تحقیرکننده، ظلم، استبداد و آزار خواهد شد. در کنار فضای معنوی سالم، فضای مادی با تکیه بر مسائل اقتصادی نیز مطرح خواهد شد که می تواند جامعه را در حد استطاعت مالی قرار دهد؛ امر به معروف و نهی از منکر نیز در مقام دو سرمایه عظیم اجتماعی در نقش ضمانت اجرای مؤثر و کارآمد عمل خواهند کرد.

2. حق نقد و اعتراض

یکی دیگر از ابعاد حمایتی حج گزار، شناسایی حق نقد و اعتراض است. به صورت طبیعی متولیان حج مرتکب اعمالی می شوند که می تواند، اعتراض حجاج را به دنبال داشته باشد، یا حج گزار شاهد اعمالی خواهد بود که جای اعتراض داشته باشد. حال چنانچه برای حج گزار این حق شناسایی شده باشد که او بتواند انتقاد کند، معنای سخن آن خواهد بود که حاجی در این زمینه حمایت لازم را دارد و چنانچه این حق مدنظر قرار نگیرد، می توان گفت سپر حمایتی دیگری در این زمینه وجود ندارد. قرآن کریم در آیه 97 سوره مائده به این حقیقت اشاره می کند (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ).

مفسران درباره این آیه دیدگاه های یکسانی ندارند؛ مثلاً صاحب «الوجیز» کلمه قیام را تلاش برای معاش و مکاسب دانسته است؛ زیرا حج جای تجارت و به دست آوردن انواع برکات است. (1) علامه طباطبایی به صورت گسترده ای به آیه توجه کرده است. ایشان

(1). الوجیز، ج 1، ص 163.

ص: 97

در معنای (قیاماً لِلنَّاسِ) هم امور مادی و معنوی، و هم امور فردی و اجتماعی را لحاظ کرده و اموری مانند انفاق به فقرا، آماده کردن بازارها، دیدار نزدیکان، شناختن افراد بیگانه، تقارن قلوب، پاکی ارواح، تقویت قوای کشور، وحدت و همبستگی ملت، حیات دین و بالا رفتن علم دین و پرچم توحید را در این معنا مدنظر قرار داده است. (1)

اما می توان گفت این معنا، به موارد پیش منحصر نمی باشد. در مناسبات اجتماعی یکی از اموری که سبب قوام جامعه است، پذیرش حق انتقاد می باشد؛ بنابراین اینکه در این مکان حجاج بتوانند از عملکردها پرسند، که تداعی کننده وضعیت قیامت نیز می باشد، بیانگر حقیقت فوق است.

آنان که انتقاد را بر نمی تابند، اصولاً دلیلی بر شناسایی این حق در قوانین خود نمی بینند؛ آنها مانند افراد متکبر و خودپسندند و طبیعی است که چنین افراد یا چنین دولتی از وادی محبت حق خارج خواهد شد. (2) اگر انتقاد پذیرفته شود، سبب هدایت و رشد می شود و رهایی از خطا و پاک شدن از آلودگی و رفع اشتباه را به دنبال می آورد.

انتخاب رویکرد امنیتی به مقوله انتقاد، آرامش حج گزار را از بین می برد و او را به اصل بد خودسانسوری مبتلا می کند و تعامل سازنده حجاج را با یکدیگر نابود می کند و عملاً فرصت خدمت واقعی را از دولت می رباید.

حدود و شرایط اعمال این حق مانند دیگر حقوق منوط به حوصله و سعه صدر داشتن است. کنارنهادن حب و بغض ها، فهم سخن و تبحر در موضوع، داشتن درک منطقی از مسئله پرهیز از مجادله باطل، نقد انگیزه به جای انگیزه، تفکیک اندیشه و رفتار فرد، پرهیز از اتهام و برجسب شرك و مشرك زدن به دیگران، و از خود آغاز کردن، از دیگر ضوابط و اخلاق حاکم بر نقد است. (3)

پذیرش این معنا که حج بهترین مکان و زمان برای تعامل منطقی مسلمانان با

(1). المیزان، ج 6، ص 643.

(2). ادب و آداب زائر، انصاریان، ص 48.

(3). آیین زندگی، احمدحسین شریفی، 1384، صص 90-96.

ص: 98

یکدیگر است، اقتضا دارد آنان بتوانند و حق داشته باشند که از یکدیگر انتقاد کنند. برخورداری از این حق به معنای درست بودن آنچه منتقد می گوید نیست؛ بلکه معنای برخوردار شدن از فرصت بیان و یادآوری است. آنچه این فرصت را از بین می برد، رعایت نکردن نکات اخلاقی در بیان نقد است. اقدام برخی از افراد در بقیع شریف گویای این واقعیت تلخ است که اخلاق دینی رعایت نمی شود و بدتر از آن، اگر حجاج دولت عربستان را نقد کنند، ممکن است مسئله با رویکرد امنیتی دنبال شود. در واقع این رفتارها فرصت سوزی در امت اسلامی است و برخی به دلیل آنکه خود را حق مطلق در فهم و اجرای دین خدا می دانند، آن را اجرا می کنند.

این نکته گفتنی است که گاهی انتقادات از شیعه و شیعیان در سرزمین وحی ناشی از عملکرد غلط و رفتار ناشایست حج گزار است؛ رفتارهایی که به ویژه برخی از عوام به قصد تبرک جستن انجام می دهند، مانند رفتار یکی از حجاج ایرانی که برای سپردار شدن در کنار بیت الله الحرام آب زمزم را بر روی آلت خود ریخت و نزدیک بود که او نیز به سرنوشت ابوطالب یزدی مبتلا شود که برای رهایی، خود را به حالت جنون زد. اما برخی دیگر از اشکالات، ناشی از تعصب باطل یا تصمیم برای ایجاد اختلاف و جدایی میان مسلمانان است. (1) اسلام مکتبی است که برای نیت فرد اعتبار و احترام قائل شده و نیت او را بهتر از عملش دانسته است. پس چگونه و چرا نباید در نقد و انتقاد به این موضوع توجه کرد؟!

سخن در این وادی بسیار است، اما فقط به بیان یک مورد از روش سلف در مواجهه با نقد و انتقاد خیرخواهانه بسنده می کنیم. پس از پایان جنگ احد مسلمانان از پیامبر (ص) انتقاد می کردند که مگر خداوند به ما وعده پیروزی نداده بود، پس چرا ما شکست خوردیم. در پاسخ این آیه نازل شد: (لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ... إِذَا فَسِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ) (آل عمران: 152) ادبیات قرآنی حاکی از ضرورت پاسخ گویی دولت در برابر انتقادات

(1). افشای يك توطئه، علی آل محسن، 1385، ص 319.

ص: 99

وارده و گوشزد کردن خطای دیگران یا پذیرش خطای خود است و نکته مهم آنکه مؤمن را به سبب يك خلاف نباید از صفوف اهل ایمان خارج دانست؛ بلکه از يك سو با هشدار و از سوی دیگر با تشویق باید دلگرمی ایجاد کرد: (وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) (آل عمران: 152). آنان که این آستانه تحمل را ندارند، به صورت طبیعی نمی توانند عهده دار منصب حاکمیتی شوند. دولت عربستان در مقام دولت میزبان در کنار همه خدماتی که برای حجاج انجام می دهد، نباید خود را از این قاعده مستثنا کند. بلکه برعکس باید با طراحی فضاهای مناسب و ایجاد امنیت کامل روحی و روانی، انتقادات مختلف را بپذیرد؛ زیرا سیره و سنت اسلامی به همین منوال است.

3. حق همزیستی و صلح

پذیرش حق برخوردار شدن و بهره مند شدن از همزیستی و صلح در کنار یکدیگر را در فضای مناسبی حج باید ابزار حمایتی مهمی از حج گزار دانست. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه 96، در توصیف بیت الله الحرام به چند ویژگی مهم اشاره کرده است؛ از سوی این مکان را نخستین خانه ای می داند که برای مردم قرار داده شده است. این مکان مهم با چنین وصفی، هم دارای وصف بکه است، هم مبارك، و هم مایه هدایت همه عالم.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده اند، منظور از بکه ارض و زمین بیت الله است. واژه بکه کنایه از ازدحام و شلوغی جمعیت است. (1) روشن است که هر نوع ازدحامی مبارك نیست. بنابراین در ادامه به وصف بعدی، یعنی مبارك بودن پرداخته است. باید اجتماعی را مبارك و میمون دانست که افرادش از اختلاف، تفرقه، کینه و عداوت به دور باشند. شلوغی و ازدحامی که همراه عشق، همدلی و همراهی باشد، مبارك و مایه خیر و برکت خواهد بود. چنین اجتماعی می تواند مایه هدایت نیز باشد. (2)

(1). المیزان، ج 2، ص 351.

(2). در سنامه فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص 25.

ص: 100

از علامت های دیگر اجتماع مبارك آن است که جدال، رفت و فسوق در آن وجود ندارد، (1) و روشن است که در این اجتماع کار خیر، اساس همه کارها خواهد بود.

امروزه حق همزیستی و صلح یکی از آرزوهای ملل جهان است. منشور ملل متحد در سال 1945 م و پس از دو جنگ خانمان سوز جهانی که قریب صد میلیون کشته و مفقود به جا گذاشت، در پی شناسایی این حق در مفاد قانونی خود بر آمد و توانست در ماده يك و دو منشور، با ادبیات مختلفی این حق را تعبیه کند. قرآن کریم با توصیف بیت الله با واژگانی که همگی حاکی از وجود و پذیرش این حق برای مسلمانان است، از آنان می خواهد که این فضای مبارك را دستخوش رفت، فسوق و جدال خود قرار ندهند که کاملاً براساس حمایت از حجاج نیز تعریف شده است.

یادآوری این نکته ضروری است که بعد حمایتی این حق از حجاج در سرزمین وحی آثار و برکات فراوانی دارد که یکی از آن آثار پرخیر، ایجاد زمینه گفت و گوهای مختلف بین فرقه های اسلامی در راستای فهم مفاد و محتوا دین خواهد شد.

4. حق داشتن شهر امن

امروزه همگان ضرورت وجود مکان ها و شهرهایی که حالت بی طرفی داشته باشند و در آنجا جنگ و آثار مخرب و ویرانگر آن نباشد، پذیرفته اند. فلسفه وجودی چنین فضاهایی ایجاد بسترهای حمایتی لازم از افراد و انسان ها می باشد. نیاز به داشتن محیط آرام، هرچند به صورت محدود، ضرورت وجود فرصت هایی برای تولید علم و نشر آموزه های علمی و بهره مندشدن از موقعیت هایی که بتوان در آن به مبادله تجارب پرداخت، و درنهایت ایجاد فضاهایی که افراد بتوانند در آن باکمال آرامش، ضمن انجام دادن تکالیف فردی به حقوق فردی و اجتماعی خود دسترسی یابند، از دیگر دلایل پذیرش شهر امن و بی طرف است.

(1). درسنامه فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص 28.

ص: 101

قرآن کریم و آموزه های اسلامی با نگاه خاص و تقریباً منحصر به فردی به تبیین این معنا پرداخته است. از سویی همگان واژه امت واحده را در قرآن پذیرفته اند که معنای این واژه قرآنی آن است که مکان امن مدنظر، برای گروه خاصی نخواهد بود؛ بلکه برای تمام مسلمانان این فضا وجود دارد. واژه شهروند جهانی با برخورداری از حقوق یکسان، از جمله نوآوری های شرع مقدس اسلام است. امروزه هنوز این معنا در جهان شکل حقوقی نیافته است و فقط در ادبیات سیاسی و روابط بین المللی مطرح می شود و حالت دکترین و اندیشه حقوقی دارد.

قرآن کریم با پذیرش این معنا، حجم گسترده ای از انسان های موحد به نام مسلمانان را گرد هم جمع می کند و آنها را امت واحده می نامد. این امت آن گاه امت خواهد بود که امامی با شایستگی های خاص داشته باشد که فقه امامیه آن را به خوبی پذیرفته است. رابطه امام و امت در سرزمینی به نام بیت الله الحرام، مناسب ترین زمینه حمایت را فراهم آورده است؛ از سویی مکان امن و امامی معصوم، و از طرفی امت نمونه و واحده، همگی در يك سمت و سو برای تحقق حمایت از حجاج معنا و مفهوم خود را می یابد.

ممکن است عده ای که بیشتر با افکار سلفی و تکفیری انس گرفته اند، ادعا کنند چگونه می توانند شاهد وجود رفتارهای شرك آلود باشند و در عین حال از آنها خواسته شود با این نوع افراد که در مکه حاضر شده اند، به صورت مسالمت آمیز رفتار کنند.

در پاسخ به چند نکته می توان توجه کرد:

الف) قضاوت کردن درباره حقوق مسلمانان و کیفیت مسلمانی آنان با ادبیات پیش گفته در معنای حق بودن متصور است؛ در حالی که حقوق بشری حجاج در معنای حق داشتن است. در این معنا سخن از حق و باطل، و کفر و شرك در میان نیست؛ بلکه سخن از بود و نبود يك حق است. حق هر حج گزار مسلمان است که بتواند در فضای صلح و دوستی و به دور از تحمل رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده، مناسک حجاج را به جا آورد. در واقع این همان سخن الهی است که کعبه و بیت الله را مکان امن قرار داده است؛

ب) با فرض حق در معنای حق بودن، دیگر فرقه های اسلامی از جمله شیعیان در ارتباط با خداوند تبارک و تعالی دیدگاه مشترکی دارند. همگی از کلمه «الله» تصور نسبتاً واحدی دارند و صفات جلال و جمال آن را می پذیرند. اگرچه برخی به تجسیم معتقد شدند، ولی فارغ از دیدگاه آنها و در کل، می توان این ادعا را مطرح کرد که مسلمانان درباره خداوند تبارک و تعالی نگرش واحدی دارند؛ چنان که درباره پیامبر مکرم (ص) نیز قضیه همین طور است. با این وصف به دیگران اتهام شرك زدن توجیه پذیر نیست.

قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه 64 از اهل کتاب می خواهد که با مؤمنان وحدت و اتحاد داشته باشند و زندگی مسالمت آمیزی را دنبال کنند: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ). در این آیه کلمه مشترك چیزی نیست جز کلمه «الله» که از رهگذر عبادت الله شرك نیز رخت برمی بندد.

اگر قرآن کلمه و حقیقت الله را محور مشترك اهل کتاب و مسلمانان می داند، به طریق اولی باید گفت که این کلمه مشترك میان مسلمانان نیز وجود دارد. اولویت نیز بدان دلیل است که مسیحیان در فهم حقیقت الله، تثلیث را مطرح می کنند و یهودیان تقاضای دیدن الله را دارند (بقره: 55)، در حالی که مسلمانان، یا دست کم شیعیان، هیچ کدام از این تصورات را ندارند.

اکنون از سلفی ها باید پرسید آیا انحراف اهل کتاب، از جمله مسیحیان در اعمال و اعتقادات، بیشتر است که اصولاً شرع انور اسلام را قبول نکرده اند، یا گروهی از مسلمانان، از جمله شیعیان؟ با کمی انصاف و به دور از هرگونه تعصب و جدال نکوهیده، می توان قضاوت کرد که وضعیت شیعه باید بسیار از وضعیت اهل کتاب بهتر باشد؛

ج) اصولاً آنچه می تواند حق صلح و آرامش را سلب کند، بی نظمی و ایجاد اختلال در حقوق دیگران است. کمی تأمل در فتاوی مراجع شیعه حاکی از همدلی و همراهی شیعیان در اعمال عبادی و مناسکی حج است که حتی اگر فتاوی همراهی هم نبود، باز

شیعیان به دنبال ایجاد بی‌نظمی در اعمال حقوق دیگران نبودند. کتاب‌های مناسک حج فقها، به ویژه فقهای شیعه، گویای این مطلب است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که عمل کردن به این حق باعث بی‌نظمی یا خلاف اخلاق حسنه و یا خلاف مسلمات شرعی مورد قبول همگان نمی‌باشد؛

د) از همه مهم‌تر آنکه فلسفه وجودی حق صلح و آسایش، بهره‌مند شدن حجاج از صفای آرامش و صلح است. این بهره‌مندی زمانی رخ می‌دهد که بی‌نظمی و هرج و مرج وجود نداشته باشد. شکل و شمایل مناسک حج نیز چیزی جز ایجاد وحدت نیست؛ از ورود به حرم با لباس احرام گرفته، تا طواف منظم جمعیت به دور خانه کعبه و...، همه این مناسک، بیانگر و تأیید کننده ادعای فوق است.

5. حق انجام دادن عبادت

عبادت کردن در موسم حج و بلکه در هر زمان و مکان دیگر، به عنوان يك حق و بلکه در قالب تکلیف از موحدان خواسته شده است. شرع مقدس اسلام با تبیین انواع تکالیف عبادی واجب و مستحب، فضای مناسبی برای انجام دادن عبادت فراهم آورده است. شکل‌گیری مساجد در اسلام در پرتو آموزه‌های اسلامی و سنت نبوی (ص) در شهر مدینه و مرکزیت بخشی به آن، به رسمیت شناختن حق بر انجام دادن عبادت بود؛ زیرا همواره احداث مسجد با محوریت عبادت است و دیگر کارها نیز با حفظ موقعیت عبادی مسجد رقم می‌خورد.

حق انجام دادن عبادت زمانی جنبه حمایتی خود را نشان می‌دهد که امکان انجام دادن آن در مکان امن وجود داشته باشد. قرآن کریم در سوره بقره، آیه 125، به دو پیامبر بزرگ خود دستور می‌دهد که خانه مرا برای عبادت کنندگان پاکیزه کنید. این موضوع امری فراتر از امنیت است؛ زیرا از مأموریتی بزرگ حکایت می‌کند که باید انسان‌های بزرگ برای حج گزاران انجام دهند. از طرف دیگر، همین آیه اشاره می‌کند: (وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً). کلمه مصلی اسم مکان است؛ یعنی محلی برای نماز.

از جمع دو آیه شریفه به دست می آید که نخست حق انجام دادن عبادت شناسایی می شود و دوم این عبادت، هم باید در خانه امن باشد و هم همراه با پاکیزگی و طهارت. امروزه ضرورت تأمین آرامش برای عبادت حج گزار در چنین فضایی تکلیف کسانی است که مسئولیت اداره بیت الله را به عهده گرفته اند.

گفتنی است که انجام دادن عبادت می تواند به صورت های مختلفی باشد و نماز یکی

از اشکال عبادت است. کیفیت انجام دادن نماز، نباید و نمی تواند بهانه ای برای برهم زدن آرامش حج گزار در هنگام عبادت باشد.

حالت های مختلفی برای از بین بردن امنیت و آرامش وجود دارد که بخشی از آن در سخنان مفتی ها و فتاوی آنها خود را نشان می دهد و بخش دیگر در عملکرد مأموران عربستانی و دولت ایشان، و برخی دیگر در قالب افرادی که مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به عهده دارند. وظیفه دولت عربستان جلوگیری از رفتار هر فرد یا گروهی است که امنیت مردم را هنگام عبادت بر هم می زند. در واقع هیچ توجیه قانونی، یا فقهی برای ایجاد ناامنی روحی و روانی برای حج گزار وجود ندارد.

6. حق برائت جستن

در ادبیات نظام بین المللی حقوق بشر، حقوق به سه دسته تقسیم می شود که به نسل اول و دوم و سوم معروف شده اند. (1) همان طور که قبلاً اشاره شد، حقوق نسل سوم، حقوقی است که منفعت و ضرر آن به جمع برمی گردد و این گونه نیست که افراد در اجرای آن، حق فردی داشته باشند. اصولاً رویکرد حقوق نسل سوم بیشتر به تکلیف شبیه است تا حق؛ مثلاً حق صلح و آرامش. روشن است که داشتن این محیط به نفع همگان است و همگان از آن منتفع خواهند شد؛ چنان که فقدان آن به ضرر همگان است.

(1) . Morgan Faster, OP.clt.p1 ح .

ص: 105

ادبیات مندرج در آموزه های روایی و قرآنی که حاکی از اهتمام بخشی به حج است، بیانگر این معناست که می توان آن را با معنا و مفهوم ادبیات حقوق بشر نسل سوم مقایسه کرد. اشاره به برخی از این آموزه ها به منظور تأیید سخن ضروری می نماید: حج را جامع بسیاری از عبادت ها دانسته اند که به حج اختصاص دارد و در هیچ عبادت دیگری وجود ندارد (جواهرالکلام، مقدمه کتاب الحج)؛ اولین معبد برای عبادت که در

اختیار مردم قرار گرفته است، این خصوصیات را دارد: مبارك بودن، موجب قوام بودن مردم، هدایتگر جهانیان، برخورداری از احترام ویژه (ابراهیم: 137)، شعاربودن (مانده: 2)، ذکرالله بودن (حج: 28)، گره خوردن با نبوت و امامت (حج: 28)، دوری گزیدن از جدال و مخاصمه (بقره: 197)، جایگاه کار خیر و تعاون و همکاری (بقره: 158)، شدت حفاظت الهی (فیل: 1-5) و مهم تر از همه حرام بودن تعطیل کردن بیت الله که روایات بسیاری درباره آن وارد شده (1)، همگی حاکی از این حقیقت است.

براساس این مقدمه باید گفت براثت یکی از مصادیق چنین حقی است؛ زیرا براثت از مشرکان از اجزای انفکاک ناپذیر مراسم عبادی سیاسی حج ابراهیمی است.

باوجود آنکه این حق به دلیل اهمیت خاص آن رنگ تکلیف به خود گرفته است، اما دولت سعودی به صراحت اعلام می کند که هیچ جایگاهی برای برپایی مراسم براثت وجود ندارد. منع کردن طرف ایرانی، بلکه کلیه زوار از این حق الهی توجیه ناپذیر است. جالب آنکه طرف ایرانی طی توافق نامه منعقد شده با طرف عربستانی در سال 1434 ه. ق و 1435 ه. ق به انجام دادن این مراسم که با رعایت نظم و انضباط و عدم اخلال با برنامه دیگر حجاج در منا و عرفات و در محل استقرار خیمه ایرانی ها، یا در روز ششم ذی الحجه مقابل ستاد امور حجاج ایرانی برگزار می شود، تصریح کرده است. ادبیات مندرج در این توافق نامه حاکی از نوع پافشاری دولت ایران بر انجام دادن این مراسم

(1). عن ابی عبدالله (ع): لا یزال الدین قائماً ما قامت الکعبه. فروع کافی، ج 2، ص 271؛

- الله الله في بيت ربكم لا تخلوه ما بقیتتم فانه ان ترك لم تناظروا. نهج البلاغه، ش 47.

- قال ابو جعفر (ع): لو عطلوه سنة واحدة لم يناظروا. فروع کافی، ج 4، ص 271.

است، در حالی که دولت عربستان هیچ انگیزه ای برای به رسمیت شناختن این حق بنیادین حجاج در سرزمین وحی، ندارد.

در پاراگراف چهارم از بند سوم این توافق نامه دولت سعودی به مصداق این آیه شریفه (فَلَا رَفْتَّ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (بقره: 197) از طرف ایرانی می خواهد که از انجام دادن هر کاری که به نظم موجود در مراسم حج لطمه می زند، خودداری کند. هر کاری که حجاج را از انجام دادن، عبادت و ادای مناسک باز دارد، ممنوع است. تعجب آنکه آن قدر هدف حج نادیده گرفته شده که تنها حق لحاظ شده برای حج گزار آن است که به مثابه يك مسافر فقط مجاز است مقدار خاصی توشه بردارد، و فقط در يك دالان خاصی باید حرکت کند. حج گزار تنها باید ببیند فقه حاکم در عربستان چه می گوید و مستقیم یا غیر مستقیم آن را اجرا کند و تنها در جایی مجاز است از فقه خود پیروی کند که هیچ آثار اجتماعی برای دولت سعودی در پی نداشته باشد؛ در حالی که پیامبر گرامی اسلام (ص) در سال نهم هجرت، زمانی که شانزده آیه آغازین سوره براءت بر قلب نازنین آن حضرت نازل شد، علی (ع) را مأمور کرد تا بیانیه براءت از مشرکان را در مراسم حج بخواند. (1)

کعبه معظمه بیت عبادت و معرفت و کانون هدایت، دعوت، رحمت و مغفرت و جایگاه مجد و عظمت اسلام است. (2) می توان گفت مکه پیشانی بلند و باعظمت اسلام است. این مکان به سبب قداست و جلالت خاصش، جای افراد مشرک نیست. سیاست و دیانت اقتضا می کند که چنین مکانی به صورت انحصاری در اختیار موحدان مؤمن باشد؛ از این رو براءت یعنی اعلام بیزاری و دوری از کسانی که حریم و حرمت این مکان را به رسمیت نمی شناسند. در واقع ماهیت قیام بودن مکه در قرآن کریم که با تعبیر (قِيَامًا لِلنَّاسِ) آمده است، اقتضای این حقیقت را دارد. (3) مقتضای قیام برای خداوند آن است که همه ارزش های الهی تکریم، و همه ضدازشها کنار گذاشته شود و اگر این

(1). آیین وهابیت، جعفر سبحانی، 1364، ص 344.

(2). آئینه رمضان، محمدحسین فلاح زاده، 1377، ص 79.

(3). ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، محمدتقی رهبر، ص 13.

حقیقت در کل جهان عملی نباشد، دست کم می توان آن را در منطقه ای لحاظ کرد و مکه همان منطقه آزاد جهان اسلام است.

فارغ از مضمون و محتوای سوره براءت، دستور خداوند مبنی بر براءت جستن از مشرکان مستلزم شناسایی چنین حقی برای مسلمانان است. اهمیت این حق موجب شده که خداوند در بیان آن، ادبیات تکلیف را برگزیند.

بهره مندی از این حق، یعنی تضمین منافع امت اسلامی و عدم اعمال آن، به معنای پذیرش ضرر جمعی برای امت اسلامی است. اعلان براءت، به منزله تضمین کرامت مؤمنان است. کرامت در اندیشه های حقوق بشری سنگ بنای برخوردار شدن از حقوق است و رساندن مؤمنان به جایگاه مطلوب اجتماعی بدون اعلام بیزاری از اندیشه های انحرافی، امکان پذیر نمی باشد. گفتنی است که این حق را باید در معنای حق داشتن و حق بودن دانست؛ زیرا در نظام بین المللی، شناسایی این حق مخالف اصل همزیستی مسالمت آمیز است.

نکته دیگر آنکه اعلان براءت، ایجاد دژی محکم برای مؤمنان، و مانعی در برابر اندیشه های شرك آلود است و در واقع بهترین ابزار حمایت از حجاج می باشد.

7. حق پناهندگی

امروزه برای حمایت از افرادی که به هر دلیلی تحت تعقیب مقامات دولتی می باشند، به حقی به نام پناهندگی توجه شده است. البته این معنا هنوز در حقوق بین الملل خود را نشان نداده است و به صورت نزاکتی و اخلاقی عمل می شود. اما فارغ از این بعد مسئله، پذیرش پناهنده، چه به عنوان حق برای فرد پناهنده و چه به عنوان حق برای دولت پذیرنده، راهی است برای حمایت کردن از افراد تحت تعقیب؛ هر چند مسیر حقوق بشر به سوی شناسایی پناهندگی به عنوان حق افراد و تکالیف دولت هاست.

عوامل مختلفی برای تحت تعقیب قراردادن افراد وجود دارد. رویکرد حقوق بشری بحث، حاکی از گسترش موارد پذیرش پناهندگی است.

در آموزه های اسلامی حج، دو معنای متفاوت از پناهندگی وجود دارد. در يك معنا سخن از پناهگاه بودن كعبه است كه حاكي از فقر و نیاز فرد است و اصطلاحاً به قسمتی از آن مستجار گویند. (1) مستجار یکی از مکان های استجابت دعاست و محل ورود فاطمه بنت اسد به كعبه نیز بوده است. در دعای دور دوم و ششم طواف نیز این معنا تبیین شده است: «

هذا مقام العائد بك من النار». معنای دیگر پناهندگی، معنای فقهی و حقوقی آن است و فقه اسلامی به صورت گسترده آن را پذیرفته است. البته شاید نتوان از آن به عنوان حقی برای فرد پناهنده سخن گفت، ولی قطعاً یکی از تکالیف دولت اسلامی در منطقه حرم می باشد، و اگر تلازم حق و تکلیف را بپذیریم، می توان به حق بودن پناهندگی نیز اعتقاد داشت. این معنا هم در سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) وجود دارد و هم در آموزه های اسلامی شناسایی و پذیرفته شده است.

پیامبر مکرم اسلام (ص)، هنگام فتح مکه، عفو عمومی خود را به شرح زیر آغاز کرد:

شما مردم هموطنان بسیار نامناسبی برای من بودید، رسالت مرا تکذیب کردید، و مرا از خانه ام بیرون ساختید و در دورترین نقطه ای که به آنجا پناهنده شده بودم، با من نبرد کردید... و هر فردی که به محیط مسجدالحرام پناهنده شود...، از تعرض ارتش اسلام محفوظ خواهد ماند. (2)

از امام صادق (ع) درباره مردی که قاتل است و به حرم پناهنده شده، سؤال شد. امام در پاسخ فرمودند: «قاتل در حرم کشته نمی شود». (3)

در روایت دیگری حلبی از امام صادق (ع) نقل می کند که از آیه شریفه (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) پرسیدم. حضرت فرمود: «اگر فردی مرتکب جنایت شود، سپس به حرم پناهنده شود، هیچ فردی حق ندارد او را در حرم مجازات کند»؛ «

لم یسع لاحد يأخذه في

(1). آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، ص 115.

(2). سیره ابن هشام، ابن هشام، ج 2، صص 400-404؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 17، ص 268.

(3). وسائل الشیعه، ج 9، کتاب الحج، باب چهارده از ابواب مقدمات الطواف، حدیث اول.

الحرم» (1) در این باب سیزده روایت مشتمل بر این مضمون بیان شده است. این ادبیات روایی بیانگر حمایت حداکثری از منطقه حرم و کسانی است که در آن می‌باشند. در این موارد فرد فراری مصداق حج گزار نیز نیست، ولی از حمایت برخوردار است.

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که احترام و حرمت مکه و حرم الهی می‌طلبد که فرد پناهنده مورد حمایت قرار گیرد؛ هرچند مجرم باشد. البته در روایات مختلف بیان شده است که بر او تنگ بگیرند تا مجبور شود حرم را ترك کند. فلسفه وجودی این حکم را باید در رویکرد حمایتی آن ببینیم که در این صورت به طریق اولی فرد حج گزار می‌تواند حمایت شود. ممنوعیت اجرای حد و تعزیر بر پناهنده در راستای حفظ مکان امن الهی قابل فهم است و این امنیت برای هر فرد دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد؛ به تعبیر دیگر هر کاری که مخالف حرمت حرم الهی باشد، ممنوع است و حفظ حرمت مؤمن در این مکان از کارهای ضروری و لازم و ممنوعیت شکستن حرمت او نیز واجب، و احترام به کرامت انسانی او مهم است.

اگر همگان این معنا را بپذیرند، نتیجه آن می‌شود که هرچه براساس کرامت انسانی و تحقق کرامت او لازم و ضروری است، مورد احترام خواهد بود که در این صورت بزرگ‌ترین حمایت از مؤمن انجام شده است و حج گزار در این صورت با حفظ شئون و عزت نفس به انجام مناسک می‌پردازد. این حق و جایگاه، تعهد خاصی را برای دولت عربستان به وجود می‌آورد که بدون رعایت آن، مسئولیت بین‌المللی شکل می‌گیرد.

از دیگر حمایت‌هایی که به طریق اولی برای حجاج وجود دارد، آن است که اگر فرد مجرم به حرم پناهنده شد، تا زمان پناهندگی با او کاری ندارند، ولی برای آنکه امنیت سایر حجاج تأمین شود و این فرد نیز از فضای مکه سوءاستفاده نکند، او را در محدودیت و تنگنا قرار می‌دهند. فقهای شیعه نیز این نکته را بیان کرده‌اند.

در کتاب «شرايع الاسلام» آمده است، اگر کسی کاری که موجب حد یا تعزیر یا

(1). وسائل الشیعه، ج 9، کتاب الحج، باب چهارده از ابواب مقدمات الطواف، حدیث دوم.

قصاص است، مرتکب شود و به حرم پناه ببرد، برای خوراک و نوشیدنی، او را در تنگنا قرار می دهند تا از حرم خارج شود ولی اگر در حرم مرتکب گناهی گردد، باید او را به آنچه مقتضای جنایت او در حرم است، مجازات نمود. (1) در کتاب «مسالك الافهام»، در ذیل کلام شرایع، دو معنا برای تضييق بیان شده است: نخست آنکه، آب و غذا دادن او به گونه ای باشد که عادتاً قابل تحمل نباشد؛ دوم آنکه غذای او به اندازه سد جوع باشد. بنابراین خرید اشیاء برای او ممنوع می شود و اگر ثروتی دارد، مسدود می گردد (2) این مطابق روایتی است که از امام محمدباقر (ع) نقل شده است. (3) در روایت دیگری از امام صادق (ع) بیان شده است که با او صحبت هم نمی شود و از بازار نیز ممنوع می شود. (4)

8. امنیت قضایی

برخوردار بودن جامعه از سیستم قضایی ای که هم بتواند، و هم بخواهد عدالت را اجرا کند، از الزامات اولیه يك رویکرد حمایتی از شهروندان است. حوزه امنیت قضایی ابعاد مختلفی دارد؛ یکی از این ابعاد، وجود قاضی با شرایطی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه بیان کرده اند. امام در نامه 53 نهج البلاغه چنین ویژگی هایی را برای قاضی لحاظ کرده اند: «مراجعات فراوان او را در تنگنا قرار ندهد، حوصله او سر نرود، برخورد طرفین او را خشمگین نمی کند، در اشتباه خود پافشاری نمی کند و در فهم حقیقت، به تحقیق اندک بسنده نمی کند». مطالعه این ویژگی ها هر منصفی را به یاد ماجرای تلخ و آزار دهنده ابوطالب یزدی می اندازد که چگونه در کنار حرم امن الهی اعدام می شود، یا فرد دیگری که وقتی مأمورین سعودی او را بازداشت می کنند، برای رهایی از مجازات اعدام خود را به جنون می زند. (5) شرط دیگر، وجود نظام دادرسی عادلانه است. این نظام ویژگی های خاصی دارد.

(1). شرایع الاسلام، ج 1، ص 251.

(2). مسالك الافهام، ج 2، ص 371.

(3). من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 205.

(4). الكافی، ج 4، ص 226.

(5). میقات حج، ش 51، ص 183.

در نظام عادلانه برخوردار بودن از وکیل، به ویژه برای حج گزار در کشور بیگانه، ضروری است. اطلاع دادن به کنسولگری کشور متبوع فرد در اولین فرصت، تفهیم اتهام در کمتر از 24 ساعت، رسیدگی به پرونده در دادگاه حداکثر ظرف 24 ساعت، فرصت ایجاد دفاع، استفاده از قوانینی که با نگاه به منفعت متهم وضع شده است، مثل قاعده درء، تفسیر مضیق از قانون، تفسیر به نفع متهم و شناسایی حق سکوت برای متهم، از اصول لازم الاجرای این نظام دادرسی است.

ایجاد امنیت قضایی، یعنی دل آسودگی حجاج از سیستم قضایی عربستان؛ زیرا این نظام هر چند ادعای عمل موافق شریعت را دارد، اما در واقع مطابق مذهب خاصی عمل می کند. بدیهی است که برخی از کارها را نیز حجاج نباید انجام دهند؛ حمل مواد مخدر، یا استفاده از آنها از امور ممنوعه است. در هر حال این يك تعهد حقوق بشری دولت هاست که یا مجرم را مطابق سیستم عادلانه محاکمه کنند یا وی را به کشورش باز گردانند. اما حبس کردن بدون اطلاع دادن یا بدون دادن فرصت دفاع، هیچ توجیهی ندارد و خلاف رویه قضایی است. باری، امنیت قضایی نیز یکی از مصادیق و ابعاد امنیت در حرم امن الهی است.

تحقق این هدف به انعقاد توافق نامه های دوجانبه، یا رعایت تعهدات حقوق بشری و حقوق انسانی و اسلامی است که بین دو دولت ایران و عربستان، یا میان دو سازمان ایرانی و عربستانی که در زمینه حج فعالیت می کنند، برقرار می باشد.

9. ممنوعیت ورود حج گزار

پرسشی که در اینجا مطرح است، آنکه آیا دولت عربستان می تواند مانع ورود حج گزار به سرزمین خویش باشد، یا حج گزار را اخراج کند؟ این سؤال در حقوق بین الملل با عنوان اخراج بیگانه یا عدم پذیرش بیگانه خود را نشان داده است. در طرح 2004 م کمیسیون حقوق بین الملل، درباره این موضوع بحث شد و اخراج به عنوان يك حق برای دولت میزبان پذیرفته شد. در عین حال این تکلیف برای دولت مذکور نیز

بیان شده که اخراج نباید به دلایل مذهبی، نژادی، رنگ پوست و... باشد که خلاف حقوق بشر و عملی غیردوستانه است. در این راستا تلاش شده است که بین حقوق حاکمیتی و حقوق بشر توازن ایجاد شود.

درباره حج گزار، موافقت نامه خاصی بین دو دولت ایران و عربستان درباره موارد عدم پذیرش یا اخراج وجود دارد و از باب اوفوا بالعقود، باید بدان عمل کرد. این نگاه فقط از جهت وفای به عهد است و دلیل دیگری نمی توان برای آن مطرح کرد. در صورت فقدان معاهده خاص، اگر حج گزار بیگانه تلقی شود، که امروزه این نگاه در عربستان وجود دارد، مقررات بین المللی حاکم خواهد بود؛ زیرا در صورت فقدان معاهده خاصی اصول اولیه حاکمیتی در رابطه با بیگانه حاکم خواهد بود. ولی اگر موضوع از جهت خدمت گزار بودن دولت عربستان در نظر گرفته شود، قضیه متفاوت خواهد شد؛ زیرا از سویی تعطیلی حج هیچ توجیهی ندارد و دولت عربستان نمی تواند حج را تعطیل کند؛ از سویی دیگر، چنانچه مجرم در بیرون حرم مرتکب جرم شود و به حرم پناه ببرد، کسی نمی تواند او را اخراج کند، و از سویی دیگر با توجه به وجوب حج بر این شخص به دلیل مستطیع بودن، چاره ای نیست که دولت عربستان از حق اخراج کردن یا نپذیرفتن چنین فردی برخوردار نمی باشد؛ در این صورت دولت میزبان می تواند مانع اقدام خلاف، از جمله حمل مواد مخدر شود، نه مانع حج گزار. این سخن ناظر به اخراج فردی و موردی است، نه گروهی، که حالت گروهی به طور کلی حتی در حقوق بین الملل نیز ممنوع است و از طرفی ناظر به محدودیت خاص دولت میزبان نیست که آن هم مورد پذیرش است؛ به شرط آنکه بهانه جویی نباشد و به صورت محدود و غیر تبعیض آمیز اعمال شود.

10. امنیت اقتصادی

اهمیت و ضرورت حج در ابعاد مختلفی نمایان است. یکی از حوزه های نوپیدا که امروزه در گفتمان جهانی نیز منعکس شده است، رویکرد حقوق بشری در حج است. این سخن بدان معناست که در آموزه های حج نگاه های حقوق بشری قابل توجهی

وجود دارد، به گونه ای که می توان از نظام حقوق بشری حج نیز سخن گفت. ابعاد این موضوع گستردگی خاصی دارد. حمایت از حجاج در سرزمین وحی و بهره مندی آنان، با ادبیات مختلفی در منابع دینی بیان شده است. تأکید اهل بیت (علیهم السلام) و بیان دلیل آن، حاکی از این نگاه است.

در روایتی عبدالرحمن بن عبدالله می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: عده ای از افراد می گویند: اگر کسی حج واجب خود را انجام داده است و پس از آن به جای رفتن به حج صدقه دهد، برای او بهتر است. امام فرمودند: «دروغ گفته اند، اگر مردم چنین کنند، این بیت تعطیل خواهد شد و حال آنکه خداوند «عزوجل» این خانه را وسیله قیام مردم قرار داده است». (1)

در روایت دیگر که از معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل شده، آمده است که رسول خدا (ص) از عرفات کوچ نمود. در ابطح یکی از اعراب بیابانی خدمت ایشان آمد و گفت: «من مردی ثروتمندم که قصد حج داشتم، مانعی پیش آمد و نتوانستم به حج مشرف شوم، حال بفرمایید من با این سرمایه چه کار خیری انجام دهم که ثواب حج را درک کنم؟». حضرت به کوه ابوقبیس اشاره کردند و فرمودند: «اگر به مقدار این کوه طلای سرخ داشته باشی و همه را در راه خدا انفاق کنی، به ثواب و بهره ای که حاجیان رسیده اند، نخواهی رسید». (2)

از اهل بیت (علیهم السلام) روایات بسیاری به همین مضمون وارده شده است که همگی بر انجام هرچه بهتر این مناسک عبادی دلالت دارند. اهمیت این موضوع به گونه ای است که اگر مردم حج را ترک کردند، بر امام و حاکم جامعه است که آنها را به انجام آن وادار کند. (3) حال این پرسش مطرح است که رمز و راز این همه سفارش برای انجام دادن حج چیست؟ در مجموع روایات آمده است که این فرصتی است برای مردم و قیام کردن آنها.

(1). وسائل الشیعه، ج 11، ص 22.

(2). فروع کافی، ج 4، ص 258.

(3). همان، ص 272.

ص: 114

در تفسیر «الوجیز»، ذیل آیه 97 سوره مائده در تفسیر کلمه «قیام» گفته شده است که منظور معاش مردم و مکاسب آنهاست؛ زیرا در حج برای مردم تجارت و انواع خیر و برکت وجود دارد؛ به همین جهت سعید بن جبیر گفته است هر کسی به قصد دنیا و آخرت به این بیت برسد، به آن می رسد. (1) مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه، مسئله معاش و معاد را مطرح کرده اند که با انجام حج هم معاش مردم و هم معادشان، شکل خواهد گرفت. (2) در تفسیر مقاتل بن سلیمان و در ذیل آیه، قیام برای مردم را به معنای محل امن و محل زندگی بیان کرده است. (3) به کارگیری حرف «لام» در (لِلنَّاسِ)، حاکی از این معناست که در این فریضه، حقی برای مردم قرار داده شده است و ایجاد فرصت و شرایط برای استفاده از این حق، و حمایت از آن، وظیفه همگان، به ویژه دولت و حکومت است. بدیهی است قرآن کریم با این بیان قصد ندارد، فقط به بیان و جعل يك حکم، بدون وجود هرگونه پشتوانه ای، اقدام کند؛ به ویژه که این معنا تناسبی با حج هم ندارد. حج با همه عظمت و بزرگی که دارد، نمی تواند در يك کلمه خلاصه شود. قرآن کریم در قراردادن کعبه به عنوان يك بیت محترم، به سبب قوام امور مردمان، توجه داده است. اصولاً این سبب نمی تواند بدون پشتوانه جدی باشد یا به عبارت دیگر نمی توان چنین حقی را برای مردم قرار داد؛ اما راهکار حمایتی برای آن تعریف نکرد. استفاده از این حق به عنوان يك ابزار حمایتی از حجاج، بلکه از همه مردم، تعریف شده است.

قرآن کریم در سوره بقره آیه 198 نیز این حق، یعنی امنیت اقتصادی را شناسایی می کند. در میان مفسران قرآن کریم این گونه بیان شده است که انجام فعالیت اقتصادی در حین حج مجاز است. (4) در تفسیر «نهج البیان عن کشف معانی القرآن» آمده است که پیش از اسلام انجام فعالیت اقتصادی در موسم حج ممنوع بود، ولی اسلام آن را

(1). الوجیز، ج 1، ص 163.

(2). المیزان، ج 6، ص 143.

(3). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 1، ص 507.

(4). المیزان، ج 2، ص 79.

ص: 115

پذیرفت. (1) در تفسیر مقاتل بن سلیمان آمده که مسلمانان از پیامبر (ص) پرسیدند، آیا مانند بازار عکاظ و منا و ذی المجاز، که در جاهلیت قبل از حج برپا می شد، برای ما نیز خرید و فروش در ایام حج مجاز است؟ که این آیه در پاسخ به آن پرسش نازل شد. (2) دیگر کتب تفسیری شیعه و سنی به همین صورت مطالب را بیان کرده اند؛ در نتیجه شناسایی این حق برای مسلمانان راهکار حمایتی در حوزه مسائل اقتصادی حجاج است.

11. حق آموزش

از جمله حقوقی که حاجی از آن برخوردار است، حق آموزش است؛ یعنی دانستن آنچه قصد دارد آن را انجام دهد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

هرگاه خواستی حج کنی بر آن باش که دلت را برای خدا از هر چه تو را به خود مشغول سازد و از هر چه میان تو و او در آید، خالی کنی؛ همه کارهایت را به خدا واگذار کن و در هر حرکت و سکون که از تو پدیدار می شود، بر او توکل کن؛ تسلیم حکم خدا و قدر او باش و دنیا، آسایش و آفریدگان را رها ساز. (3)

همه این ادبیات حاکی از ضرورت آموزش حج گزار برای رسیدن به این معانی بلند است. دانستن آنچه معنای استطاعت علمی را به نمایش بگذارد، در گرو دادن آموزش های لازم به حجاج است. فارغ از اینکه چه آموزشی به حاجی داده شود و پیش از محتوای آموزش، اصل آموزش ضرورت دارد. رجوع به روایات معصومان (علیهم السلام) و ادبیات آن مضمون و محتوای این آموزش را نیز نشان می دهد. داستان امام سجاد (ع) و شبلی در این خصوص آموزنده است. (4) شبیه این ادبیات در قطعه ناصر خسرو قبادیانی آمده است که از حاجی سؤال های مختلف می کند و حاجی در جواب می گوید، من اینها را نمی دانم؛ برای مثال سؤال می کند:

(1). نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج 1، ص 272.

(2). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 1، ص 175.

(3). سفینة البحار، ج 1، ص 213.

(4). مستدرک، ج 10، صص 72-166.

چون همی خواستی گرفت احرام *** چه نیت کردی اندر آن تحریم

گفت از این باب هر چه گفتی تو *** من ندانسته ام صحیح و سقیم

از مصادیق حقوق نسل سوم، حق بر آموزش است؛ حق آموزش، یادگرفتن هر موضوعی است که زمینه استفاده از حقوق را فراهم کند، و فرد با دانستن آنها خود را تحت حمایت قوانین قرار دهد، به عبارت دیگر فرد یا بهره مندی از آموزش از طرفی از زمینه های خطر و خشونت دوری می جوید و از طرف دیگر در مواقع نیاز و ضرورت، خود را تحت حمایت قانون قرار می دهد. شاید به همین دلیل باشد که برخی از محققان در معنای استطاعت، افزون بر استطاعت جانی و مالی، به استطاعت علمی نیز توجه کرده اند. در معنای این نوع استطاعت گفته شده است که حاجی بداند مشغول چه امری شده، و قرار است فریضه ای را که به ظاهر ساده، ولی در واقع نوعی جهاد است، انجام دهد.

(1)

دانستن این معنا که مسلمانان نسبت به یکدیگر مانند اندامی از کالبدند که اگر فاسد شود، بر همه کالبد اثر می گذارد، در نوع نگاه حاجی به کنگره حج، بسیار اثرگذار است. توجه کردن حاجی به آثار مثبت این اجتماع عظیم و آثار منفی غفلت از آن، در ابراهیمی شدن حج بسیار نقش آفرین است. همه این خیرات و برکات در پرتو حق آموزش است.

مهم تر از همه، توجه دادن حجاج به این موضوع است که آنان از حقی به نام حق آموزش برخوردارند و این وظیفه دولت و حاکم جامعه اسلامی است که این نوع آموزش ها را ارائه کند. اگرچه این آموزش ها در همه جا امکان پذیر است، ولی فرصت حج بودن حجاج برای اعمال عبادی غیرعبادی بهترین مکان و زمان برای انجام این نوع آموزش ها را فراهم آورده است.

نکته قابل ذکر آنکه دادن آموزش به حجاج، که اکنون صورت می گیرد، غیر از توجه دادن آنان به حق آموزش است که به عنوان يك حق در برابر مراجع مختلف

(1). میقات حج، ش 1، ص 51.

ص: 117

قضایی قابل استناد است. دانستن ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی حج، و حتی شناخت لازم از مکان انجام حج، آداب و رسوم و آثار اسلامی مکه و مدینه و تاریخ حج ابراهیمی، زمانی ضرورت بیشتر خود را نشان می دهد که توجه شود حج نوعی جهاد است و حاجی نیز رزمنده، و رزمنده باید با تمام نقشه های دشمن آشنا باشد. توجه کردن به این نکته و یادآوری آن برای حج گزار يك حق است که محرومیت از آن یا بی توجهی به آن، آثار منفی فردی و اجتماعی دارد.

12. حق احترام

در آموزه های دینی حجاج به عنوان ضیوف الرحمن شناخته شده اند. ضیف در زبان فارسی به معنای میهمانی است که دعوت شده است، نه آنکه خود به میهمانی رفته باشد. در دعای حضرت ابراهیم (ع) که گویا بر کوه ابوقیس انجام شد، و مردم را ندا داد که به آن سرزمین بیایند، می توان این ادبیات را دنبال کرد. گفته شده، که یکی از بارزترین مصادیق سیر الی الله سفر حج است. (1) گرچه در همه جا می توان خدا را عبادت کرد و از ضیوف الرحمن شد، اما ذات اقدس الهی، بعضی از مکان ها و زمان ها را برای ضیافت و پذیرایی مشخص و آماده فرموده است؛ مثل حج و روزه. (2) عبارت «فرار الی الله» نیز چنین تفسیر شده است که انسان ماسوی الله را ترك، و خداوند را طلب کند. (3)

این تعبیر از روایات اخذ شده (4) و یکی از برجسته ترین دعاهای ماه مبارك رمضان طلب حج است. این دعا مکرر نیز می باشد؛ زیرا حج ضیافت است و حاجیان ضیوف الرحمن. (5) برای میهمان حتی بر میزبان شکل می گیرد و به تبع، این حق بر عهده کسانی

(1). الحج رموز و حکم، جوادی آملی، ص 36.

(2). حج عارفان، کارگر، ص 5.

(3). همان، ص 27.

(4). جرعه ای از صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، ص 233.

(5). همان.

که قصد دارند در خدمت ضیوف الرحمن باشند نیز هست و دولت اعزام کننده حجاج و دولت میزبان هم از این قاعده کلی مستثنا نیستند.

یکی از حقوق حجاج در این میهمانی بزرگ، حق احترام است. این حق در بین همسایگان نیز مطرح است. این حق بدان معناست که حج گزار را باید به صورت خاصی مورد احترام قرار داد؛ تکریم شخصیت او و نوع رفتار با او باید به طور ویژه باشد؛ یعنی کارهایی برای حج گزار انجام شود که در شرایط معمولی نیازی به انجام دادن آن نیست. این حق به صورت فوق در آموزه های حقوق بشری وجود ندارد و تنها به کرامت انسانی بسنده شده، و احتمالاً این معنا، یکی از مصادیق کرامت انسانی تلقی شده است. اما به نظر می رسد که حق احترام، متفاوت از کرامت، و کرامت مبنای آن حق باشد.

چون حاجی برای اطاعت امر خداوند خود را به زحمت انداخته و رنج سفر را به جان خریده است، مورد عنایت خداوند و مشمول تکریم الهی واقع شده است؛ از این رو باید به طور شایسته ای احترام شود. شناسایی این رفتار به عنوان يك حق، می تواند فرصت خدمت گذاری خوبی را برای حجاج فراهم آورد.

ابعاد مختلف احترام گزاردن از معنای عرفی آن قابل فهم است؛ زیرا این واژه در عرف، بار معنایی خاصی دارد. اما فارغ از این ابعاد، شناسایی این حق و توجه کردن به آن و مدنظر قراردادن این معنا که کوتاهی در حق حج گزار، ضایع کردن یکی از حقوق می باشد، مبنای خوبی برای حمایت از حج گزار است. تکلیف انگاری این حقیقت توسط خادمان حج، زمینه بهتر اجرایی شدن این حق را فراهم خواهد کرد. احترام به آداب و رسوم، احترام به سالخوردگان، احترام به زنان، احترام به کودکان، احترام به علما و احترام به چهره های خدمت گزار، اولویت های این حق را نشان می دهد.

13. حق مخفی نگهداشتن مذهب

مخفی نگهداشتن عقیده و اعتقادات دینی که از آن به نام تقیه تعبیر می شود، یکی از ابزارهای حمایتی مهم از حجاج محسوب می شود. شناسایی این حق در قوانین داخلی و

همین طور در منشور حج، به عنوان يك امر واقع بینانه و نه از سر نفاق، می تواند حمایت مؤثری از حجاج را در پی داشته باشد. پذیرش این معنا که افراطی گری در همه جا وجود دارد و احتمالاً برخی دولت ها نیز خوششان بیاید که از این دسته افراد برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کنند، دو واقعیت قابل توجه را فراروی همگان قرار می دهد:

از طرفی برخی افراد به دلایل مختلف که هیچ کدام ریشه دینی ندارد، هر چند به پای دین نوشته می شود، قصد دارند عقاید تند، خشک و حتی بی مغز خویش را به عنوان عقاید ناب و درجه يك دینی معرفی کنند و خود را تنها گروه ره یافته به محضر حضرت رب العالمین بدانند. امروزه این گروه عربستان و منطقه نجد را جولانگاه افکار خود دیده اند و متأسفانه حضور حداکثری خویش را در مدینه و مکه نیز حفظ کرده اند. این واقعیت آزاردهنده می تواند جان، مال، آبرو و امنیت حجاج، به ویژه حجاج شیعه را به خطر بیندازد که نمونه های آن بسیار زیاد است؛

از طرف دیگر دولتی که وظیفه اش حمایت از حجاج است، به جای مقابله با این افراد، و تعقیب و مجازات آنها، خود به نوعی به حمایت کردن از این اندیشه های افراطی اقدام می کند. اگر نگوئیم همه اماکن مقدس، مثل بقیع شریف، در دست این گروه هاست، دست کم برخی از این اماکن در اختیارشان است؛ افزون بر این، عدم طرد آنها، یا مقابله جدی و بازداشت کردنشان، قرائن و شواهدی است که رضایت دولت میزبان را به انجام این کارها می رساند.

در این شرایط حج گزار خود می تواند با بهره مند شدن از يك سپر دفاعی و در راستای اصل خودحمایتی، با حقی مواجه شود که تقیه نام دارد. آموزه های شیعی با پذیرش این معنا (1) آن هم به صورت حداکثری، با تبیین انواع و اقسام تقیه (2) مثل تقیه از کافر، تقیه از مسلمان، تقیه در عبادت، تقیه در فتوا و تقیه در لباس، به دنبال ایجاد سپری حمایتی از شیعه

(1). آموزه ها، معاونت امور روحانیون، ج 4، ص 60.

(2). همان، 61.

ص: 120

بوده اند. این ابزار حمایتی در مواردی به مرز وجوب می رسد. نکته مهم آنکه این راهکار حمایتی از آنجا که مبتنی بر تلاش و اقدام خود فرد، و برخاسته از اصل خودحمایتی است، باید به عنوان يك راهکار حداقلی تعریف شود. راهکار حداقلی در برابر راهکار حداکثری است که دولت، به ویژه دولت میزبان وظیفه اعمال حمایت را به دوش می کشد.

14. سایر حقوق حمایتی

اشاره

حجاج بیت الله نه تنها باید از نظر امنیت روح و روان مورد حمایت قرار گیرند، باید در سایر حوزه ها نیز حمایت شوند. پاکی و پاکیزگی مکان عبادت یکی از حقوق حجاج است که بدون آنها، سلامت جسمی آنها تهدید خواهد شد. خداوند در سوره بقره، آیه 125، به این نکته توجه داده است؛ آنجا که از حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) می خواهد که بیت او را تطهیر نمایند. ظهور کلمه تطهیر عام است و می تواند شامل هر نوع طهارتی، اعم از ظاهری و معنوی، باشد. طرف تکلیف در این ارتباط نیز مشخص شده است و خداوند آن را به عهده انسان های پاک و پاکیزه قرار داده است.

حقوق اقتصادی که در سوره بقره، آیه 126 بدان توجه داده است: (وَ أَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ)، بعد دیگر حمایت از حجاج را نشان داده است. این حقیقت در سوره قصص، آیه 57 و در سوره حج، آیه 28 نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در تفسیر ابن کثیر، (1) از قول ابن عباس روایتی نقل شده است که واژه منافع را در معنای عام دنیوی و اخروی تعریف کرده است. حوزه حقوق اقتصادی از واژه (قِيَاماً لِلنَّاسِ) نیز فهمیده می شود و این مفهوم در روایات ابان بن تغلب از قول امام صادق (ع) نیز وجود دارد.

«جعلنها لدينهم و معاشهم» (2) در کتاب «علل الشرايع» (3) نیز همین مضمون بیان شده است.

(1). تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، ج 2، ص 14.

(2). وسائل الشیعه، ج 8، ص 41.

(3). علل الشرايع، صدوق، ص 405.

حقوق فرهنگی حجاج در آموزه های حج بیان شده است. «الحجاج معاونون» (1) حق اجتماع در قالب های مختلف فرهنگی را بیان می کند؛ اجتماعاتی مثل نشست های علمی، گفت وگوهای چند جانبه و دو جانبه و امثال آن، ابزارهای اعمال حق فرهنگی می باشند. ارتقای سطح فرهنگی مؤمن، نقد خیرخواهانه، نگهداری از مؤمن به منظور حمایت از او، عدم توجه به شایعات، پرهیز از اتهام، تلاش برای حفظ آبروی مؤمن، دعا برای او، زیارت کردن او و به دیدارش رفتن و تلاش برای حل مشکلات او، همگی در راستای حقوق فرهنگی حجاج قابل شناسایی است. حوزه فرهنگی را باید حوزه حمایت معنوی و روحی و روانی حجاج دانست.

جمع بندی

از آنچه تاکنون گذشت به دست می آید که آموزه های مختلف حمایتی از حجاج در اسلامی وجود دارد. لایه های مختلف این حمایت از طرفی به وضع قوانین خاص حمایتی، و از طرفی به شناسایی حقوق متعدد حجاج برمی گردد.

خداوند متعال در مواردی خود به اقدام عملی و عینی حمایتی پرداخته است و دستور به ساختن مکانی امن با ابعاد مختلف امنیت، شامل امنیت قضایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کرده، و انسان های بزرگی را برای این مأموریت انتخاب نموده، و از طرفی با وضع احکام مختلف، ناظر به حمایت از حجاج، این مسیر را کامل کرده است. ممنوعیت جنگ در چهار ماه سال، ممنوعیت حمل سلاح، ممنوعیت جدال و رفا و فسوق، ممنوعیت رفتارهای تحقیرآمیز، و جوب اکرام ضیف و میهمان، طردکردن مشرکان و اهل کتاب از سرزمین وحی به عنوان دو عامل تهدیدگر امنیت، حرام دانستن تعرض به جان، مال و آبروی مسلمانان، و درنهایت تشریح احکام خاص

(1). الاحتجاج، طبرسی، 1403، ص 65.

ص: 122

برای حج گزار و وضع برخی کفارات در صورت تعدی از آن احکام، در راستای تحقق عملی امنیت همه جانبه مدنظر خداوند در سرزمین وحی است؛ در گام سوم با شناسایی و به رسمیت شناختن حقوق خاص حجاج، اعم از حقوقی که مستقیماً به سرزمین وحی برمی گردد و حقوقی که به حج گزار برمی گردد که همگی نگاه حمایتی اسلام عزیز را نشان می دهد، این جایگاه امن در بهترین موقعیت خود قرار داد.

رویکرد اسلام در حمایت از حجاج همه جانبه است؛ برخی را خداوند پذیرفته، برخی را بر عهده حاکم جامعه اسلامی گذاشته، برخی را برعهده همگان قرار داده و برخی را نیز در اختیار خود حج گزار قرار داده است تا يك پوشش همه جانبه و تکمیلی در راستای رسیدگی به حجاج بیت الله الحرام به عمل آید.

نگاه مشترك همه این لایه ها، شناسایی و اجرای حقوق بنیادین حجاج در سرزمین وحی، شهر امن الهی، برای انجام عبادت است. امروزه ناامنی های روحی، و حتی عرضی و آبرویی و جانی که حجاج را تهدید می کند، مسائلی است که با اسلام همخوانی ندارد؛ هرچند به نام اسلام سکه می خورد.

گفتار سوم: سازوکارهای حمایتی

1. تدوین منشور حمایتی

از جمله کارهایی که متولیان حج در جمهوری اسلامی ایران، و بلکه در کنگره عظیم حج می توانند به عنوان يك سازوکار حمایتی مدنظر قرار دهند، تدوین منشور حج است. این هدف در جمهوری اسلامی محقق شده است و اکنون نیاز به تدوین جهانی آن وجود دارد که می تواند براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره به عنوان يك الگو تنظیم شود.

آنچه در جمهوری اسلامی تحت عنوان منشور حج و زیارت آمده است، در شانزده ماده تهیه گردیده، که هم چشم انداز، هم بستر تحقق آن توضیح داده شده است.

مطابق این منشور هدف دوم از تنظیم منشور، توجه به عزت، کرامت و منزلت زائران ایرانی است و این مفهوم در منشور تصریح شده است. (1) در ماده چهارده منشور آمده است مدیران و کارشناسان و کارکنان سازمان و مراکز استان ها به همه زائران و کارگزاران با هر سلیقه و منش قومی، به چشم احترام و کرامت می نگرند و ضمن اجتناب از مشارکت در فعالیت های اقتصادی دفاتر زیارتی و جهانگردی در ساماندهی امور حج و واگذاری مسئولیت ها، عدالت و تقوای الهی را نصب العین قرار می دهند.

در ماده ده این منشور حفظ حرمت و منزلت زائر ایرانی مدنظر قرار گرفته و به اهمیت این منزلت توجه شده است و از همه ارکان خواسته شده، تا با تکیه بر منزلت زائر ایرانی از او دفاع کنند و از نیروی فکری و دانش و بینش زائران ایرانی برای اعتلای منزلت و جایگاه رفیع اجتماعی ایشان در حرمین شریفین بهره گیرند، و از هدر رفتن فرصت های معنوی جلوگیری کنند.

توجه به این دو ماده و مقایسه آن دو با هم بیانگر چند نکته مهم است:

الف) هر چند ادبیات مندرج با هدف خوبی تنظیم شده، اما به دلیل عدم استفاده از اصطلاحات فنی، منظور تنظیم کنندگان را به خوبی نمی رساند. به طور مشخص، هر چند واژه دفاع از زائر هدف مطلوبی است، ولی نمی تواند بار حمایتی مدنظر در ادبیات حقوق بشری را نشان دهد؛ زیرا واژه دفاع با این سؤال مواجه می شود که از چه چیزی برای زائر دفاع می شود؛ در حالی که حقوق بشر فراتر از دفاع است، بلکه حمایت است. حمایتی که ناشی از شناسایی حقوق زائر در سرزمین وحی، تحت عنوان زائر، گردشگر، حج گزار، بیگانه، توریست مذهبی و عناوین مشابه می باشد؛

ب) واژه منزلت چندبار در این منشور به کار رفته است که حاکی از دغدغه متعالی تدوین کنندگان منشور می باشد. سخن از منزلت اجتماعی واژه نارسایی است، اما گویای هدف بنیان منشور می باشد. حج گزار نمی تواند به منزلت خویش برسد، مگر آنکه رفتار

(1). با کاروان صفا در سال 82، رسول جعفریان، 1383، ص 47.

ص: 124

مسئولان ایرانی و مسئولان عربستانی با آنها رفتار توأم با اخلاق اسلامی باشد و اصول عام اخلاقی در آن رعایت شود. یکی از این اصول مهم توجه کردن مسئولان و کارگزاران حج به اصل مسئولیت خود در برابر حجاج می باشد تا در نتیجه واژه خادم حج گزار در معنای واقعی و عینی خود نمایان شود.

وظیفه پاسخ گویی به حج گزار و فقدان حس منت گذاری بخشی از این حقیقت است. تلاشی حداکثری برای جلب رضایت حج گزار، و اطلاع رسانی به موقع، اهتمام بخشی به وقت حجاج و عدم ایجاد مزاحمت های بی مورد و بی جهت یا با توجه های غیر منطقی، ابعاد دیگر توجه به منزلت انسانی حجاج می باشد؛

ج) واژه کرامت به طور صریح در بند چهارده منشور آمده است. این واژه همان طور که قبلاً بیان شده، اساس و منشأ شناسایی حقوق زائران و معیار و میزان حمایت از آنها را در بر دارد. به هر اندازه به کرامت حجاج توجه شود، می توان ادعا کرد که حمایت از آنها نیز محقق شده است.

کرامت و عزت نفس دو مقوله درهم تنیده ای است که انفکاک آن دو غیرممکن است. برای شکل گیری عزت نفس، احترام به کرامت انسانی ضروری است. کرامت انسانی همچون يك اصل حاکم برای حمایت از حجاج عمل می کند که در مواردی به توسعه حقوق، و در مواردی به تضییق حقوق آنها منجر می شود؛ مثلاً در مواردی و به صورت موقت و به منظور تأمین منافع حجاج می توان حج را تعطیل کرد.

کرامت در منشور حج را باید به منزله روحی برای سایر بندهای منشور دانست. فلسفه وجودی سایر بندهای منشور با این نگاه قابل فهم است.

آنچه در این منشور، و براساس شأن و جایگاه و کرامت حج، خالی است، فقدان شناسایی حقوق حجاج در سرزمین وحی و در کشور اعزام کننده می باشد؛ هرچند اقدام انجام شده در سال 82 ه. ش را در جای خود باید اقدام مهمی دانست، و برای رفع نقایص و کاستی های آن کوشید.

اکنون و فارغ از بررسی محتوای منشور آنچه در راستای بحث فعلی ضروری می نماید، تدوین منشوری برپایه تضمین و شناسایی کرامت حجاج در ایران و عربستان و با استفاده از ظرفیت مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره است.

مفاد اعلامیه قابل توجه است و می تواند معیار وحدت امت اسلامی در موضوع حقوق بشر قرار گیرد. در غیر این صورت باید شاهد یکه تازی های تفکر وهابی و سلفی بود. داستان تلخ هشتم شوال و فتوای قاضی وهابی برای تخریب و هدم قبه و ضریح های مقدسه ائمه بقیع (علیهم السلام)، که موج اعتراض در جهان اسلام را به وجود آورد، ولی متأسفانه برای مقابله با این اقدامات غیرانسانی هیچ اقدام عملی صورت نگرفت، نمونه ای از این ماجراست. مستوفی الممالک در مقام ریاست وزرای ایران اعلامیه مشروحه صادر کرد که ابعاد این اعلامیه گسترده است؛ ولی توجه به يك بند در این اعلامیه ضروری است:

از آنجا که حرمین شریفین متعلق به تمام عالم اسلامی می باشند و هیچ ملت مسلمان دون ملت دیگر، حق ندارد این نقاط مقدسه را که قبله جامعه مسلمانان، و مرکز روحانیت اسلام است، به خود اختصاص داده، و تصرفات کیف ما یثأ نماید و اصول تعالیم خود را بر عقاید دیگران تحمیل کند، بنابراین از تمام ملل اسلامی تقاضا می شود که در يك مجمع عمومی ملل مسلمانان مقدرات حرمین شریفین را حل و تسویه کنند و قوانین و نظاماتی وضع گردد که تمام مسلمانان به طبق عقاید مختصه خود بتوانند آزادانه از برکات روحانی و فیوض آسمانی و اماکن مقدسه مکه معظمه و مدینه طیبه برخوردار شوند. (1)

نگارش منشوری که بر پایه تکریم حجاج بیت الله الحرام، و برگرفته از آموزه های اسلامی باشد که در نتیجه آن حج گزار از موقعیت ممتاز کنگره عظیم الهی حج بالاترین استفاده ممکن را از نظر مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، با حفظ عزت نفس و

(1). تاریخ بیست ساله ایران، ج 4، صص 86-93.

ص: 126

امنیت همه جانبه، ببرد و از حمایت مسئولان و متولیان امر بهره مند گردد، گام مؤثری از سوی دولت مردان و برخاسته از خواست الهی به عنوان يك ابزار و سازوکار حمایت از حجاج محسوب می شود.

مبنای این سخن را باید در سیره پیامبر اسلام (ص) دانست. ایشان با ورود به مدینه اقدام به تدوین عهدنامه بین مهاجران و انصار نمود که امروزه به عنوان اولین سند حقوق بشر اسلامی شناسایی می شود. (1) در برخی از تعبیر آمده است که این عهدنامه را باید کامل ترین و جامع ترین اعلامیه حقوق بشر خواند. (2) نکات قابل توجهی در این اعلامیه وجود دارد:

الف) پیامبر مکرم اسلام (ص) در ابتدای تشکیل حکومت و ایجاد تشکیلات حاکمیتی اقدام به نگارش آن کرد که این خود از اهتمام بخشی پیامبر (ص) حکایت دارد، و یا از مهم بودن کار، و یا هردو؛

ب) در این عهدنامه پیامبر اسلام (ص) همه کسانی را که حاضر بودند به گونه ای در کنار مسلمانان قرار گیرند، دخیل کردند؛

ج) محتوای این عهدنامه حمایت همه جانبه و گسترده از مسلمانان و حتی کسانی را نشان می دهد که با مسلمانان قرارداد صلح و همکاری را منعقد کرده اند؛

د) مسئول دانستن همگان در این عهدنامه و مکلف کردن آنان در انجام تعهدات در راستای افزایش ظرفیت اجرایی این منشور نیز نکته حائز اهمیت دیگری می باشد.

2. حذف قوانین ضدحمایتی

وجود برخی از توافقات بین دولت ایران و عربستان حاکی از وجود قوانین و مقرراتی است که کاملاً خلاف قوانین حمایتی از حجاج، به ویژه حجاج ایرانی می باشد؛ برای نمونه توافق نامه شماره 3/194 مورخ 2000/3/2 م که یکی از این توافق نامه ها

(1). فرهنگ زیارت، جواد محدثی، 1386، ص 149.

(2). همان.

ص: 127

می باشد، دربرگیرنده موارد ضدحمایتی متعددی است. پذیرش تعهدات حقوق بشری توسط دولت عربستان و عضویت آن کشور در شورای حقوق بشر ملل متحد در سال 2012 م رویه جدیدی را باید فراروی این دولت قرار دهد. نیم نگاهی به موافقت نامه مذکور بیانگر آن است که این دولت درصدد است، حاکمیت خود را به طور کامل نشان دهد، و گویا دولت عربستان قصد دارد با حجاج در واقع به عنوان توریست در سرزمین خود رفتار کند؛ درحالی که سرزمین امن الهی، شهر آزاد خداوند می باشد و نمی تواند و نباید تحت حاکمیت دولت خاصی قرار گیرد. البته قابل انکار نیست که وجود قوانین تشکیل دهنده نظم، ضروری است.

توجه به برخی از مفاد این سند، به واقعیت پیش گفته رهنمون است. در بند دوازدهم از دولت ایران می خواهد که به مصداق (فَلَا رَفْثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (بقره: 197) تمامی فعالیت های تبلیغاتی با اهداف سیاسی و مذهبی، از جمله برگزاری جلسات، گردهمایی، راهپیمایی ها و... را ممنوع کند.

مطابق این برداشت مراسم برائت از مشرکان نیز ممنوع می شود؛ زیرا از نظر آنان مصداق رفث و جدال در حج است. این سخن با آنچه در آیات قرآن کریم بیان شده، مبنی بر اعلام بیزاری از مشرکان، و مطابق حق اظهار عقیده و بیان، همخوانی ندارد. و توجیه خاصی برای این ممنوعیت، با توجه به اصول حمایتی از حجاج، وجود ندارد.

در ارتباط با کتب همراه حجاج به هنگام ورود به عربستان برای ادای مناسک نیز این معنا وجود دارد. از طرفی فقط کتب ادعیه مجاز شمرده شده و ورود کتاب هایی که ارتباطی با حج ندارد، ممنوع دانسته شده است، و از طرف دیگر طرف ایرانی باید نمونه هایی از کتب ادعیه همراه حجاج را به طرف سعودی ارائه کند تا طرف سعودی به نوبه خود آنها را به وزارت تبلیغات ارسال کند تا پس از بررسی و مطالعه عناوین، کتابهای مجاز برای طرف ایرانی، اعلام شود.

این ادبیات با فضای قرآنی همخوانی ندارد؛ چنان که با رویکرد حمایتی نیز در

تعارض است. اگر يك مشرك حق دارد سخن خدا را بشنود، (وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ . (توبه: 6)، آیا تنها باید از زبان مسلك خاصی بشنود، یا اینکه حق دارد صدای مذاهب اسلامی را کاملاً بشنود. اعمال این نوع ممیزی ها هیچ توجیهی ندارد؛ جز آنکه يك دولت بخواهد با ابزار خاص حقوقی از مسلك خاصی در مراسم حج حمایت کند و دیگران را مورد آزار قرار دهد؛ چنان که بیانگر این معنا نیز هست که دولت عربستان، نه در پی خدمت گزاری حجاج که در مقام اعمال حاکمیت مطلق در سرزمین وحی است؛ حاکمیتی که دیگران را به اطاعت مطلق از قوانین داخلی این کشور می کشاند.

3. تعقیب و مجازات

از دیگر سازوکارهای حمایتی، مسئله تعقیب و مجازات ناقضان حقوق حجاج است؛ اگرچه اولین ناقضان حقوق حجاج همیشه دولت میزبان است که به دلایل مختلفی این کار را انجام می دهد. این دولت وظیفه دارد علاوه بر شناسایی حقوق حجاج، نسبت به کسانی که این حقوق را نقض می کنند، اقدامات مناسب را انجام دهد. پیامبر اکرم (ص) در حجة الوداع احترام و حرمت خون، مال و عرض مسلمانان را نسبت به یکدیگر اعلام کردند (1)، و فرمودند: «هرکس فرد با ایمانی را عمداً به قتل برساند، مجازاتش دوزخ است و مورد لعن و غضب الهی خواهد بود»، و باز نسبت به قتل سهوی کافری که در امان مسلمانان است، فرمودند: «باید دیه و کفاره به او داده شود». (2) ممنوعیت ستم در حق دیگری که در حکم الحاد است (وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ) (حج: 25) نیز در همین راستا می باشد. این روایات حاکی از يك پیامد مثبت مهم اجتماعی است.

به هرحال برخی با استناد به شرع مقدس و برخی با تکیه بر خواسته های انسانی و برخی نیز با استفاده از هردو، به دنبال نقض حقوق دیگران اند. صدور احکام تکفیری،

(1). بررسی فتوای تکفیر در نگاه مذاهب اسلامی، حسین رجبی، 1383، ص 79.

(2). همان.

تخریب منازل، برداشتن اموال، هتک حیثیت و نهایتاً کشتن، از جمله اقداماتی است که به طور خاصی توسط گروه های تکفیری و سلفی انجام می گیرد. دولت میزبان در ارتباط با این گونه موارد با دو تعهد بین المللی مواجه است:

گام اول در تعهدات دولت ها نسبت به شهروندان و حتی نسبت به غیرشهروندان در قالب تعهدات حقوق بشری، محکومیت اقدامات و کارهایی است که نقض حقوق بنیادین محسوب می شود. این مرحله در مورد حجاج نیز صدق می کند. دولت میزبان در مرحله اول، متعهد به جلوگیری از اقداماتی است که امنیت روحی و روانی حجاج را به مخاطره می اندازد، و یا جان آنها را تهدید می کند. منشأ این تهدید مهم نیست. آنچه مهم است، جلوگیری از اقداماتی است که تحت عنوان نقض حقوق شناسایی شده است. اولین اقدام دولت در این رابطه وضع قوانین حمایتی در راستای اجرای حقوق و ایجاد موانع قانونی نسبت به خلاءهایی می باشد که افراد می توانند با استفاده از آن خلاءها اقدامات خود را توجیه حقوقی بدهند.

در مرحله دوم چنانچه به هر دلیلی، برخی از افراد، مأموران یا کارکنان دولت، به حقوق افراد دست اندازی کردند، مسئله تعقیب و مجازات خود را نشان می دهد. در این مرحله دولت هم باید بتواند، و هم باید بخواهد که سیستم قضایی عادلانه را اجرا کند که در غیر این صورت تعقیب و مجازات معنا نخواهد داشت.

اساس چنین تعقیب و مجازاتی را باید در اندیشه کرامت انسانی مؤمن و جایگاه بی بدیل او در نزد خداوند و احترامی که برای او قائل شده است، بلکه بالاتر می توان گفت: ارزشی که خداوند برای انسان قائل شده، به گونه ای است که کشتن يك فرد را معادل قتل نفس همه جهانیان دانسته شده است (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) (مائده: 32) سخن در این آیه بیانگر آن است که انسان از چنین جایگاهی برخوردار است؛ لذا در این آیه خطاب و سخن با کلمه ناس است، نه مسلمان، یا مؤمن.

پذیرش منزلت و جایگاه باارزش حجاج در قوانین عربستان و الزام به پذیرش

تعهدات حقوق بشری و دور شدن از حربه های تکفیری، و حقوق بشر را در معنای

حق داشتن به کاربردن، همگی اساس و پایه وضع قوانین تلفیقی و مجازاتی است.

شفاف سازی، علنی بودن محاکمه ناقضین، اطلاع رسانی به متضرر، حضور هیئت منصفه در موارد خاص، داشتن وکیل و ضرورت حضور وکیل در جلسه محاکمه، به دادرسی معنای واقعی می دهد و آن را از مجازات تشریفاتی دور می کند.

تشکیل دادگاه بی طرف و منصف و وجود قضاتی که تنها موظف نباشند مطابق قوانین شریعت عربستان حکم کنند، و در صدور حکم به قواعد فقهی مسلم، مثل قاعده تدرء الحدود بالشبهات و تفسیر قوانین به نفع متهم، و یا تفسیر مضیق از قوانین کیفری عمل کنند، به دادرسی منصفانه و عادلانه کمک خواهد کرد.

برای تحقق این هدف که در نهایت دادگاه را بهترین وسیله حمایتی از متهم و شاکی می کند، و می تواند مسیر عدالت حقوق را رقم بزند، نیاز به فعال شدن سازمان همکاری کشورهای اسلامی، و راه اندازی دادگاه عدل اسلامی می باشد. آن چنان که در اساسنامه این سازمان نیز به این دادگاه توجه شده، ولی هنوز اجرایی نشده است. پیشنهاد مشخص در این رابطه، راه اندازی شعبه هایی از این دادگاه، به تعداد مورد نیاز، در مدینه و مکه، با نظارت فقهی مجمع فقهی سازمان همکاری کشورهای اسلامی، و نه دولت عربستان، می باشد، و همه این موارد نیاز به شناسایی منطقه حرم الهی به عنوان شهر آزاد اسلامی دارد و همانند کاری می باشد که در اروپا به نام شهر آزاد دانزیک صورت گرفت. آزاد بودن این شهر نه به معنای آزادی از قوانین و مقررات، بلکه به معنای آزادی از حاکمیت دولت خاص می باشد تا بتوان براساس قوانین شریعت به اجرای عدالت حقوقی و کیفری پرداخت.

4. انعقاد معاهدات حمایتی دو جانبه

یکی دیگر از اقداماتی که دولت ها برای حمایت از حجاج انجام می دهند، تنظیم معاهدات دو جانبه و در مواردی چند جانبه است. البته معاهدات مختلفی بین دولت

کاروان صفا در سال 82). اما آنچه نیاز به کار بیشتر و بهتر دارد، تلاش برای شکل دادن به این نوع معاهدات است. از آنجا که اساس چنین معاهدات حمایتی توجه به جایگاه و منزلت و شرافت انسانی اسلامی حجاج از بلاد و کشورهای مختلف می باشد، ابعاد حمایتی مندرج در این اسناد می تواند مختلف و زیاد باشد، و چون اعمال برخی از حمایت ها نیازمند تغییر در قوانین داخلی کشورها، به ویژه عربستان است و این کار به دلایل چندی یا شدنی نیست و یا با تأخیر صورت می گیرد، آن هم با تغییر و تحولاتی خاص، شکل گیری و انعقاد این نوع معاهدات می تواند ضرورت خاص پیدا کند.

محتوای این نوع معاهدات توسعه کمی و کیفی حمایت های حقوق بشری از حجاج است. این حمایت ها می تواند شامل این موارد باشد: تردد و رفت و آمد حجاج در سرزمین وحی، داشتن اماکن خاص خود برای عبادت یا برگزاری مراسم با وجود امنیت، راه اندازی مراکز تحقیقی و پژوهشی به منظور ایجاد فضای سالم جهت نقد و بررسی اندیشه های مختلف و زمینه سازی جهت زیست مسالمت آمیز، ایجاد فرصت هایی برای حجاج که بتوانند بعد از انجام مناسک همچنان مراودات اجتماعی را ادامه بدهند، و در نهایت ایجاد سازوکارهای خاص حمایتی از قبیل راه اندازی مراکز شبه قضایی برای اتباع سایر کشورها با حضور قضات همان کشور.

ضمانت اجرای این نوع معاهدات، علاوه بر تعهد اخلاقی مسلمانان نسبت به یکدیگر، مسئولیت بین المللی هرکدام از دول ناقض تعهدات می باشد. این سخن بدان معناست که می توان با تکیه بر اصل مسئولیت بین المللی، دولت ها را به انجام تعهدات خویش نسبت به یکدیگر متعهد کرد. آستانه حمایتی این نوع ضمانت اجراها، و نوع تعهدات مندرج در آنها، ابزارهای حمایتی بسیار مناسبی برابر حجاج می باشد که البته سختی و مشکلات این کار نیز مخفی نیست.

علی القاعده برخی از این نوع معاهدات بین دولت ایران و عربستان وجود دارد که نویسنده توانسته است با رجوع به مسئولان بعثه مقام معظم رهبری، و پژوهشگرده حج،

و به کمک نماینده ولی فقیه در سازمان حج، به برخی از آنها دسترسی پیدا کند. مطالعه

محتوای این اسناد حاکی از عدم ابزارهای حمایتی لازم از حجاج است. و این ناشی از رفتار دولت عربستان در عدم پذیرش حقوق حمایتی از حجاج می باشد. رفتاری که بیانگر آن است که دولت عربستان گاهی کاملاً حاکمیتی در انعقاد این نوع معاهدات دنبال می کند.

آنچه انجام این کار را میسر می کند، عمل کردن به پذیرش تعهدات حقوق بشری توسط دولت های اسلامی، می باشد. به طور خاص هم جمهوری اسلامی ایران و هم دولت عربستان خود را به انجام تعهدات حقوق بشری ملل متحد ملتزم کرده اند. هرچند هر کشور نسبت به تعهدات بین المللی حق شرطهایی نیز مطرح کرده است، اعمال شرطهای مذکور ناظر به مواردی است که فقه و شریعت اسلامی با اسناد حقوق بشری مذکور در تعارض بوده است. بنابراین شکل گیری معاهدات، به ویژه معاهدات خاص اجرایی و ساده که نیازی به تصویب مجلس قانون گذاری کشورها نیز نداشته باشد، می تواند گام مهمی در حمایت از حجاج به حساب آید. (1)

همان طور که بیان شد عدم انجام تعهدات، می تواند زمینه ساز طرح شکایت در مجامع قضایی بین المللی علیه کشور ناقض باشد. یکی از این مراکز قضایی دادگاه عدل اسلامی است که به عنوان یکی از ارکان سازمان همکاری کشورهای اسلامی می باشد. استفاده از ظرفیت این دادگاه، علاوه بر اینکه می تواند بسیاری از اختلافات بین کشورهای اسلامی را از بین ببرد، می تواند زمینه و بستر خوبی برای تحقق مطالبات مشروع حجاج باشد. آنچه در این خصوص نیازمند به تأکید است، به رسمیت شناختن حقوق مدنی و نسل سوم حجاج می باشد. این دو دسته از حقوق بدان دلیل که نقش ویژه ای در دفاع از حقوق حجاج دارند و زمینه ساز تحقق سایر حقوق می باشند، مورد تأکیدند. از بارزترین

(1). حق شرط در اسناد حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل اسلام، راعی، 1390، صص 48-62.

ص: 133

حقوق مدنی، باید به حق حیات اشاره کرد. هرچند برخی به آزادی اهتمام کرده اند و آزادی را با ارزش تر از حیات دیده اند و گفته اند: «بدون آزادی حیات ارزشی نخواهد داشت»، اما این اظهار نظر که به جان لاک منسوب است، از جایگاه حیات، و حق انسان ها نسبت به آن نمی کاهد؛ (1) زیرا بدون این حق، زمینه اعمال دیگر حقوق از بین می رود، از طرف دیگر، حقوق نسل سوم نیز از جایگاه ویژه برخوردارند، چون با فلسفه وجودی حج که اجتماع مشترك و ایجاد حس همبستگی مسلمانان نسبت به هم می باشد، و خود زمینه ساز تحقق امت واحده است، همخوانی بیشتری دارد.

5. عملیاتی و اجرایی کردن اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره

این اعلامیه که به اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره معروف شد، در واقع واکنشی بود که کشورهای اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر دادند و سندی را در 25 ماده تنظیم کردند که خود می تواند مبنای مهمی در حفظ شأن و جایگاه حجاج باشد. امروزه این سند حتی بین کشورهای اسلامی نیز غریب است و کمتر به آن استناد می شود. توجه به این سند و چندین سند دیگر که به دنبال سند مذکور توسط کشورهای اسلامی تصویب شده است، ابزار حمایتی قابل توجهی را در اختیار قرار می دهد. (2)

در سند رم به این نکته توجه شده که ایجاد ارتباط بین حقوق و تعهد بر پایه و مبنای ایجاد توازن بین وظایف و نیازها به منظور ایجاد خانواده، جامعه و تنظیم روابط جهانی به گونه ای که در تعارض با اراده الهی نباشد، ضروری است. (3)

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره نیز با ترسیم اندیشه های ناب اسلامی به آزادی مسئولانه بشریت و حیثیت آنان توجه، و رهایی انسان از بردگی ترسیم شده است. در مقدمه این اعلامیه تأکید شده که این اعلامیه برای ایفای سهم در تلاش های بشری که

(1). فلسفه حقوق، جمعی از نویسندگان، ص 72.

(2). Jason morgan – Foster, vol.8, p.82.

(3). www.isesco.org.ma/pub/Eng/humanrights/pege8.

مربوط به حقوق بشر است، تنظیم شده است؛ حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم است و بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه تأکید دارد، و با بشریت اسلامی نیز هماهنگ است.

در ماده هجده بند الف اعلام کرده است که هر انسانی حق دارد نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند و هر انسانی در امور زندگی خصوصی خود استقلال دارد، و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست. در ماده بیست و دوم آزادی بیان را به شرط آنکه مغایر با اصول شرعی نباشد، پذیرفته شده است.

آنچه مهم است تعهد دولت‌های اسلامی به این اعلامیه و اعلامیه‌های شبیه به آن است. توازن عملی در این اسناد بین حقوق و تکالیف و نظم و احترام به انسان‌ها، سازوکار مهم حمایتی را در درون جای داده است که می‌تواند راهگشای خوبی برای اجرای مبانی اسلام باشد. (1)

6. بهره‌گیری از حکمیت به عنوان شیوه‌ای جهت حل و فصل اختلافات

در کنار شیوه‌های قضایی برای حل اختلاف به عنوان یک سازوکار حمایتی از دوطرف اختلاف و مخاصمه، یکی دیگر از این ابزارها، پذیرش حکمیت است. در اصطلاح فقهی هرگاه دو طرف متخاصم، تصمیم‌گیری در مورد اختلاف را به رأی شخص ثالث بگذارند، حکمیت اطلاق می‌شود. (2) در کتاب‌های فقهی شیعه و سنی به این نکته به طور خاص در زمینه طلاق قضایی و تنفیذ آن به صورت مصداقی تأکید شده

(1) . - Gairo Declaration on Human Rights in Islam, 1900

- Rome Declaration on Human Rights in Islam, 2000

- Universal Islamic Declaration of Human Rights, 2005

- Jason Morgan – Foster Third Generation Rights. YALE HUMAN RIGHTS DEVELOPMENT. J. VOL. 8, 2005

(2) . جواهرالکلام، ج 31، ص 214.

ص: 135

است. (1) استفاده از حکمیت با رویکرد حمایت از حجاج مزایایی دارد که در شیوه قضایی وجود ندارد. کم هزینه تر بودن، نداشتن اطاله دادرسی، برخوردار بودن طرفین اختلاف از قدرت مانور در انتخاب فرصت های حل اختلاف و بهره مند بودن داورها در گزینش روش های مختلف جهت حل اختلاف، از مزایای حکمیت است. از اقداماتی که دولت ایران و عربستان در راستای تضمین حجاج می توانند داشته باشند، راه اندازی شیوه حکمیت است. این شیوه به دلیل مبتنی بودن بر اصل انصاف، کمک خوبی در حل اختلاف و ستاندن حق می کند. چگونگی اجرایی شدن این شیوه نیازمند توافق نامه دوجانبه مثل سایر توافقات می باشد.

7. حمایت دیپلماتیک از اتباع

امروزه یکی از شیوه های حمایتی بین المللی، حمایت از اتباع با استفاده از ساختارهای دیپلماتیک مثل کنسولگری است. این شیوه حقوقی آن گاه معنا می یابد که علیه یکی از اتباع در کشور بیگانه جرم و رفتار خلافی رخ دهد. در این صورت کنسولگری آن کشور در راستای جلوگیری از تضییع حقوق آن شهروند و شکل دهی به یک دادرسی عادلانه، وارد عمل می شود و بدین منظور اقدامات مختلفی را، از جمله کمک به اختیار کردن وکیل و آگاه کردن فرد از قوانین آن کشور برای دفاع از خود، صورت خواهد داد. این روش، کمک مهمی در حمایت از شهروندان در خارج از مرزها محسوب می شود. (2) در حمایت دیپلماتیک ادعای شخص تبدیل به ادعای کشور می شود؛ زیرا دولت متبوع به قصد حمایت از شهروند خود که مورد آزار و اذیت جانی، مال و آبرویی قرار گرفته است، وارد می شود. در این صورت چنانچه سیستم قضایی آن کشور به صورت منصفانه و عادلانه و به صورت واقعی به پرونده رسیدگی کند، که از علائم این رسیدگی اطلاع دادن به دولت متبوع فرد می باشد، مشکلی پیش نمی آید؛ زیرا

(1). فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج 5، ص 192.

(2). حقوق بین الملل عمومی، محمدرضا بیگدلی، ص 427.

هدف محقق شده است. اما اگر چنین رسیدگی ای رخ ندهد، دولت متبوع می تواند برای حمایت وارد شود.

سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه آیا چنین حمایتی حق دولت است، یا تکلیف او؟ اکنون پاسخ به این سؤال ضرورت ندارد، و فارغ از حق بودن یا نبودن می توان آن را به عنوان يك راهکار معتبر حقوقی بین المللی مدنظر قرار داد. البته برای تحقق این حمایت شرایطی ضروری است، از جمله تابعیت مدعی، مراجعه به مقامات داخلی و پاك دستى مدعی. (1)

این مسیر اختصاص به حجاج ندارد و هر تبعه ای از آن برخوردار است. ولی حجاج به صورت گسترده به آن نیاز دارند. حجم بالای اعزام حجاج به سرزمین وحی چه در قالب حج تمتع و چه در قالب عمره مفرده از طرفی، و سخت گیری های بیش از حد و غیر منطقی کارگزاران دولت سعودی به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طرف دیگر، ضرورت استفاده از این راه را توجیه پذیر می کنند.

امروزه شیوه استفاده از این روش رجوع به دادگاه های بین المللی است که مهم ترین آن دادگاه بین المللی دادگستری می باشد. هر چند ارجاع این نوع پرونده ها به دادگاه بین المللی دادگستری برای دولت هزینه ساز و وقت گیر است، اما برای حمایت از حجاج، چاره ای جز آن نیست. طرح این موضوع و تکیه و تأکید بر آن، فرصت حمایتی مطلوبی را فراهم می آورد.

8. گزارشگران ویژه

امروزه استفاده از شیوه گزارشگران ویژه به منظور ارزیابی عملکرد دولت ها در زمینه انجام تعهدات، نقش مهمی در وفاداری دولت ها و تضمین به انجام تعهدات دارد.

امروزه این شیوه در سازمان های حقوق بشری بین المللی به عنوان يك نهاد نظارتی

(1). حقوق بین الملل عمومی، محمدرضا بیگدلی، ص 430.

ص: 137

شناسایی شده است (1)؛ برای مثال می توان از انتخاب گزارشگر ویژه حقوق بشری در جمهوری اسلامی ایران توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل نام برد. روش کار این نوع افراد جمع آوری اطلاعات در زمینه رعایت تعهدات حقوق بشری دولت ها از مراجع مختلف دولتی و غیردولتی است که در نهایت برای اخذ تصمیم مناسب به نهادهای مسئول ارائه می شود.

از ظرفیت های حج و سازمان همکاری کشورهای اسلامی مسئله انتخاب گزارشگر ویژه است. انتخاب چند نفر با رأی حداکثری دولت های عضو سازمان مذکور و لزوم حضور مستمر این افراد در سرزمین وحی و برخورداری بودن از آزادی عمل در تهیه گزارش و داشتن امنیت کافی و کامل نسبت به گزارش های تهیه شده، می تواند کمک شایانی به حجاج بنماید.

اعلام مکان هایی که حجاج بتوانند گزارش های خود را ارسال کنند و تعهد گزارشگران به جمع آوری اطلاعات به طور مستقل و قرائت این گزارش ها در نشست های سازمان همکاری یا انتشار این گزارش ها توسط کل کشورهای اعزام کننده، یا اعلام آنها به مراکز حقوق بشری بین المللی اعم از دولتی و غیردولتی، گام تکمیلی این پروسه را نشان می دهد.

بنابراین با مدنظر قراردادن محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره و همین طور دیگر تعهدات دو جانبه و چند جانبه ای که دولت عربستان با سایر دولت های اسلامی دارد، و توجه به تعهدات حقوق بشری دولت میزبان به عنوان عضوی از شورای حقوق بشر ملل متحد، رسیدگی به مواد و محتوای حرکتی گزارشگران از طرفی، و ایجاد نهادی برای رسیدگی به گزارش ها، اعم از نهادهایی موجود اسلامی و جهانی و وظیفه پاسخ گویی دولت میزبان در رابطه با گزارش های اعلام شده، مراحل سه گانه ای است که می تواند در فرایند گزارش دهی به حجاج کمک کند و فرصت حمایتی مطلوبی را در اختیار آنها قرار دهد.

(1). حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین المللی و فقه، زمانی و همکاران، ص 5.

ص: 138

این روش با همه محاسن خود می تواند با آفاتی همراه باشد. عدم رعایت بی طرفی گزارشگر، داشتن عقاید خاص مذهبی، و حتی تعصب به مذهب خاص، به ویژه وهابیت یا سلفی ها و تکفیری ها، نداشتن امنیت لازم برای شخص گزارشگر، ایجاد محدودیت در تهیه گزارش، بی توجهی دولت عربستان به گزارش های ارائه شده، سیاسی خواندن گزارش ها و یا مقابله به مثل و فرافکنی، همگی از تهدیدات و آفات های این شیوه حمایتی محسوب می شود.

توجه کردن به آفات مذکور زمینه ساز ارائه راه حل های مناسب است. اما وجود مشکلات بیان شده نمی تواند از ارزش حمایتی روش گزارش دهی بکاهد. طبیعی است که چون این مسیر تاکنون در حج، تجربه نشده است، با فراز و فرودهای خاص خود و موانع فرار و مواجه شود. اما وجود این موانع و چالش ها اختصاص به جهان اسلام ندارد و در زمینه اقدامات حقوق بشری ملل متحد نیز سابقه داشته، که گام به گام حل شده است. این گزارش ها می تواند دوره ای باشد؛ چنان که می تواند فصلی باشد. استفاده از این سازوکار از طرفی کاهش هزینه را به دنبال دارد، و از طرفی به فعال سازی نهادهای موجود در زمینه حمایت از حجاج می انجامد و در نهایت، فرصت های خوبی را برای حجاج در جهت تحصیل امنیت و آرامش برای انجام مناسب فراهم می آورد.

9. بهره گیری از نهادهای مردمی

استفاده از سازمان های مردم نهاد در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله محیط زیست، به عنوان يك ابزار کارآمد مورد توجه همگان قرار گرفته است. این نهادها تحت نظارت عمل می کنند، که شیوه های نظارت نیز متفاوت است؛ نظارت در معنای اخذ مجوز، نظارت در معنای پاسخ دهی نسبت به شکایات و نظارت در معنای ممیزی مطالب. دو نوع اول به استقلال سازمان ها لطمه ای نمی زند؛ ولی نوع سوم استقلال سازمان ها را به چالش می کشد. فارغ از مطلب پیش گفته، حضور مردم در قالب نهادهای مردمی و تشکیلات غیردولتی به منظور انجام فعالیت های اجتماعی از طرفی نهادهای

شدن حضور مردم را در عرصه فعالیت های اجتماعی نشان می دهد، و از طرف دیگر وظیفه پاسخ گویی مسئولان نسبت به مردم را در بر دارد.

سازمان های مردم نهاد با برخورداری از ظرفیت مناسب و مردمی و داشتن پشتوانه عمومی تأثیر مثبتی در عملی کردن خواسته مردم دارند. این نهادها با تبیین و تعریف روش مطالبات مردم و استفاده از فرصت های قانونی کشور می توانند به اهداف خود برسند. در عرصه بین المللی نیز با حمایت سازمان ملل متحد از این نوع سازمان ها فرصت اقدام فراهم می شود. از این رو شاهد حضور گسترده نهادهای فوق در زمینه حقوق بشر هستیم. به طور خاصی در حوزه فعالیت مربوط به زنان بیش از صدها سازمان غیردولتی به فعالیت مشغول اند.

تشویق شهروندان مسلمان به استفاده از این سازوکار در زمینه حج و حمایت از حجاج را باید يك ابزار خوب حمایتی تعریف کرد. این سازمان ها هم می توانند در قالب يك نهاد ملی خود را نشان دهند، و هم می توانند جنبه بین المللی داشته باشند. این روش آثار و نتایج مثبتی به دنبال دارد؛ از جمله ایجاد همگرایی بین مسلمانان در راستای امت واحده و بهره مندی از معاضدت یکدیگر و ایجاد دژ حمایتی در برابر فشارهای ظالمانه داخلی و بین المللی.

از این رو و با توجه به ظرفیت موجود در نهادهای مذکور و ضرورت حمایت همه جانبه از حجاج در قالب حمایت دولت اعزام کننده، دولت میزبان، حجاج نسبت به یکدیگر و اصل خودحمایتی حجاج از خود، می طلبد که زمینه تشکیل سازمان های مردم نهاد فراهم شود. این روش در واقع مکمل روش قبلی در استفاده از ابزارهای موجود بین المللی است.

10. گسترش و ترویج ادبیات حقوق بشری حج

نیم نگاهی به سخنان مسئولان و متولیان حج حاکی از آن است که واژه حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفته است. ذکر نمونه هایی از این معنا مناسب است؛ برگزاری

همایش منزلت زن در مدینه در سال 82 ه. ش، برگزاری اجلاس ملی مکه در سال 82 ه. ش و بیانیه امیرعبدالله در رابطه با محکومیت افراطی گرایی با موضوع افراطی گرایی و اعتدال گرایی، (1) همایش عربستان در موسم حج، و پیشنهاد منشور حقوق بشر از دیدگاه اسلام (درس نامه آشنایی با کشورهای اسلامی) و پیشنهاد منشور آزادی و حقوق بشر اسلامی، (2) از جمله این اقدامات است. بیان ادبیاتی همچون آمریکا حقوق بشر را پایمال کرده است، (3) و یا این چه دموکراسی و آزادی است که زنان برای خودفروشی آزاد باشند، اما برای حفظ حجاب و عفت آنان ممنوعیت ایجاد می شود، (4) و یا حق بشر بهانه ای برای تبلیغ علیه ایران است، درحالی که خود، ناقضان حقوق مسلمانان می باشند، (5) ادعای ریاکاری نسبت به حقوق بشر، (6) نمونه دیگری از توجه به ادبیات حقوق بشر می باشد. اصول گفت وگویی ملک عبدالله در اجلاس ملی مکه که می تواند اصول حمایتی از حجاج را در خود ترسیم کند، (7) و بیان این معنا که قانون نمی تواند آزادی بشر را محدود کند، مگر در کارهایی که به ضرر اجتماع باشد، و سایر اقدامات علمی که حتی در عربستان باعنوان حقوق بشر شکل می گیرد، نمونه دیگری از به کارگیری واژه حقوق بشر می باشد.

از طرف دیگر حضرت امام (رحمه الله) نیز در موارد مختلفی این واژه را به کار برده است. واژه مدعیان حقوق بشر 39 بار، 99 بار کلمه «با مدعیان حقوق بشر» (8) و واژه طرفداری طرفداران حقوق بشر را 96 بار به کار برده اند.

(1). با کاروان صفا، رسول جعفریان، 1383، ص 31.

(2). سرزمین پیامبران، علوی، ص 104.

(3). با کاروان ابراهیم در سال 71، جعفریان، محمدعلی خسروی، 1371، ص 183.

(4). همایش منزلت زن در مدینه، ص 253. (با کاروان صفا در سال 82).

(5). همان، ص 253.

(6). همان، ص 438.

(7). ص 210.

(8). صحیفه حج، ج 1، ص 308.

ص: 141

سخنان نماینده ولی فقیه در همایش «حقوق بشر از نگاه قرآن» (1) و برگزاری این همایش با عنوان فوق و یا سخنان آقای ری شهری در همایش «تقریب مذاهب اسلامی» (2) و به کارگیری واژه حقوق بشر بیانگر استفاده واژه مذکور در ادبیات گفتمانی مسئولان حج است.

در پیام های مقام معظم رهبری به حجاج، نیز این ادبیات به صورت های مختلف به کار رفته است. ایشان در پیام سال 72 بیان کردند: «تهمت نقض حقوق بشر را کسانی مطرح می کنند که خود قلم های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسان ها را مرتکب شده اند». در جای دیگر فرموده اند: «در باب حقوق بشر پرگویی می کنند». (3) در جای دیگر فرموده اند: «دنیای اسلام برای مردم سالاری و حقوق بشر محتاج نسخه مخلوط و بارها نقض شده غرب نیست»؛ (4) و یا «دنیا دروغ می گوید که طرفدار حقوق بشر است؛ زیرا به پیامبر (ص) توهین شده است». (5)

هدف از بیان آنچه گذشت، به کارگیری واژه حقوق بشر چه در قالب طرد و نفی، و چه در قالب اثبات و حمایت، در لسان مسئولان و بزرگان حج می باشد. باید به این واژه در قالب نسخه حقوق بشر اسلامی به عنوان يك ابزار حمایتی توجه شود. ترویج و توسعه ادبیات حقوق بشری خود ابزار جلو برنده حقوق بشر می باشد. امروزه اگر با این واژه و مفاد و محتوای آن مخالفت می شود، به سبب سوء استفاده هایی است که از آن می شود. این سوء استفاده نیز ریشه در مبانی غلط و اشتباه فکری از جمله تفکرات اومانیستی دارد. این تفکر برای بندگی انسان در برابر خداوند ارزشی قائل نیست و انسان را آزاد از همه چیز می داند؛ در حالی که واژه حج و حقوق بشر، با نگاهی متفاوت

(1). حج 25، ص 177.

(2). همان، ص 255.

(3). متن کامل پیام مقام معظم رهبری، ج 25، ص 301.

(4). حج 26، محمدحسین رجبی، 1385، ص 291.

(5). حج 27، حسن مهدویان، 1386، ص 219.

ص: 142

به مسئله می پردازد که ادبیات پیش گفته آن را تأیید می کند.

از طرفی محتوای حقوق بشر با واجب شرعی «حج» گره می خورد؛ در اصطلاح تناسب حکم و موضوع بیانگر آن است که معلوم شود چه آموزه های حقوق بشری در حج وجود دارد که می توان با استخراج آنها به حمایت از حجاج پرداخت. این نکته بدیهی است که حمایت از حجاج، به ویژه حجاج ایرانی، ضروری است. از سوی دیگر، این واژه قصد دارد با رجوع به آموزه های حقوق بشر در نظام بین المللی به شناسایی ابزارهای حمایتی دست پیدا کند؛ در نتیجه حقوق بشر به عنوان يك ابزار حمایتی مورد پذیرش همگان می باشد. آنچه محل اختلاف است، نوع استفاده از این ابزار است. سوءاستفاده از آن، نباید دلیلی برای کنار گذاشتن حقوق بشر باشد. بلکه باید تلاش همگانی در جهت ترویج مثبت آن را فراهم آورد. به کارگیری این گفتمان در حج یکی از این موارد است. انجام چنین کاری به معنای ابلاغ منشور آزادی و حقوق بشر اسلامی است. (1)

11. شناسایی معروف و منکر

شناسایی مصادیق معروف و منکر و ترویج این مصادیق در راستای سبک زندگی اسلامی و توسعه فرهنگ دینی خواهد بود. این مصادیق در پرتو عنصر زمان و مکان خود را نشان می دهند. می توان ادعا کرد حقوق بشر اسلامی یکی از مصادیق معروف امت واحده اسلامی است و حمایت از این معروف، معروف دیگری است؛ چنان که ترویج و تشویق آن، به منظور حمایت از حجاج نیز معروف سومی را شکل می دهد. در مقابل، کنار گذاشتن یا مقابله با آن و یا عدم استفاده از آن، منکر است.

فضاسازی اماکن شریفه با جملات زیبای پیامبر (ص) آن هم از جنس حقوق بشری، یکی از شیوه های ترویج این معروف است. (2) این سخنان نقش يك اعلامیه را دارد که

(1). ره توشه مبلغ ویژه حج، محمدتقی رهبر، ص 37.

(2). میقات حج فارسی، ش 46، ص 136.

ص: 143

دارای مواد مختلفی است. مهم ترین موارد این اعلامیه را می توان در قالب ادبیات زیر بیان کرد.

دماء مسلمانان بر یکدیگر حرام است. اموال مسلمانان مورد احترام است، نوامیس مسلمانان به یکدیگر حرام می باشند، روابط اقتصادی مسلمانان بر پایه اصول اسلامی تنظیم شود، کرامت مؤمن نباید خدشه دار شود، انجام رفتارهای توهین آمیز، تحقیرکننده و غیرانسانی ممنوع است، حرمت چهار ماه بر همگان واجب است، اصل اولیه در روابط مسلمانان، صلح و صفاست، طایفه سرکش و یاغی باید امر الهی را تمکین کنند، رعایت حقوق زنان در همه حال و در حج ضروری و لازم است، کسی که بی جهت به دیگری سیلی بزند، انسان سرکشی است، و بالاخره کشتن يك نفر معادل کشتن همه انسان هاست.

استفاده از تابلوهای مختلف، بروشورها و کتابچه هایی که بتواند حجاج را با حقوق و تکالیفشان آشنا کند و برگزاری کارگاه های آموزشی در موسم حج با محوریت ابزارهای حمایتی از حجاج به قصد آنکه نه ظلم بکنیم و نه به دلیل نداشتن آگاهی مصداق مظلوم بشویم، از دیگر راه های ترویج این معروف است.

سخنرانی پیامبر (ص) در سال هشتم در منا در جمع دوازده هزار نفری از فاتحان مکه مکرمه حاوی جملاتی است که مقصود این نوشتار را همراهی می کند. سه بند آن راجع به همکاری مسلمانان بایکدیگر، سه ماده آن راجع به مردم عادی و سه ماده آن مربوط به همدستی مسلمین می باشد. (1) اگر روزی در این مکان صحیفه ملعونه نوشته شد و به مدت سه سال بنی هاشم طعم تلخ شعب ابی طالب را چشیدند و از حقوق اجتماعی خویش محروم شدند، می توان همین مکان را به تاسی از رفتار پیامبر (ص) فرصتی برای احقاق حقوق اجتماعی حجاج در نظر گرفت.

(1). میقات حج فارسی، ش 46، ص 46.

ص: 144

از ابعاد حمایت، امکان استفاده و بهره مندی از آن شرایط در هر حال می باشد، بدین معنا که اگر فقط در زمان خاصی بتوان از شرایط حمایتی مکه برخوردار شد، حمایت ناقصی پذیرفته شده است. اما اگر در تمام زمان ها و شرایط این ابزار حمایتی فعال باشد و تعطیلی در آن وجود نداشته باشد، شاهد سازوکار حمایتی فعال و مؤثری هستیم. امروزه از افتخارات سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی شده است که اعلام کنند در همه شبانه روز آماده ارائه خدمت می باشند. آمادگی و مهیا بودن مسئولان و متولیان يك امر برای کمک کردن و حمایت نمودن در همه حالات و شرایط، کلید اثرگذار بودن آن حمایت است؛ برای مثال اگر خدمات پلیس فقط در ساعت خاصی انجام گیرد، در بقیه ساعات باید شاهد نوعی عدم امنیت و به هم ریختگی نظم و انضباط اجتماعی باشیم.

براساس این مبنای عقلانی در روایات اسلامی سخن از حرمت تعطیلی بیت الله به

میان آمده است. روایات چندی توسط مرحوم کلینی در کتاب شریف فروع کافی در جلد 2 و 4 بیان شده است که از ممنوعیت و حرمت تعطیلی کعبه سخن به میان آمده است. (1) بیان حکم تکلیفی حرمت نسبت به تعطیلی کعبه بیانگر ضمانت اجرای دستور الهی نیز می باشد، و بیان آثار وضعی ناشی از عدم تعطیلی ضمانت اجرای درونی دیگری در این باره است. در روایتی از ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند «

لا يزال الدين قائما ما قامت الكعبة». (2) تا زمانی که کعبه برپاست، دین برپا خواهد بود.

در روایت دیگری در کتاب «دعائم الاسلام» بیان شده است که پیامبر (ص) فرمودند: «اگر امت من این بیت را رها کنند، از عنایت خداوند محروم خواهند بود و مجادله و اختلاف نظر بین آنها شکل خواهد گرفت». (3) مطابق این حدیث نبوی، کعبه محور

(1). فروع کافی، ج 2، ص 271 و ج 4، ص 271.

(2). همان، ج 2، ص 289.

(3). دعائم الاسلام، ج 1، ص 289.

وحدت است و اگر این محور وحدت تعطیل شود، نتیجه طبیعی آن اختلاف خواهد بود. پس برای جلوگیری از اختلاف و دور بودن از آثار زیان بار اختلاف، چاره ای نیست جز اینکه بر محور وحدت به صورت دائمی حرکت کرد. شاید رمز و راز تعطیل نشدن نماز در همه حالات نیز همین نکته باشد؛ هر چند به آن منحصر نمی شود.

در واقع هتك حرمت كعبه به تعطیل کردن آن است؛ چنان که هتك حرمت كتاب الهی عمل نکردن به آن است. امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «اگر مردم حج را ترك کنند، والی باید آنها را به انجام حج مجبور کند، و اگر پول ندارند، باید از بیت المال به آنها بدهد». (1) این روایت ضمانت اجرای عدم تعطیلی را نشان می دهد.

13. تقوا و ضمانت اجرای درونی

در آیه 30 سوره حج، بعد از مناسك حج می فرماید: «هر فردی که به این مناسك احترام بگذارد، برای او بهتر است». بعد در دو آیه دیگر می فرماید: «هرکس شعائر الهی را پاس دارد، نشان تقوای قلب است». در روایات به عنوان ذکر مصداق بیان شده که حرمت الهی سه نوع است؛ هتك حرمت الهی در تعطیل کردن بیت الله الحرام، هتك حرمت كتاب در عمل نکردن به آن، و هتك حرمت رسول و امام به مخالفت کردن با آنها. (2)

از مجموع این آیات به دست می آید که احترام گزاردن به مناسك حج حاکی از تقوای دل انسان است. بدیهی است که مناسك حج ترکیبی از احکام و تکالیف است که با هدف حفظ حرمت سرزمین مکه و امن ماندن آن و حفظ حرمت حج گزار در این مکان امن می باشد. ضمانت اجرایی تکریم نسبت به این مناسك الهی در گرو تقوای الهی است، پس می توان نتیجه گرفت یکی از راه های حمایت از حجاج در سرزمین وحی، و بلکه اصلی ترین آنها، گسترش فضای تقوای الهی است.

(1). فروع کافی، ج 4، ص 272.

(2). فصلنامه میقات حج، ش 73، ص 108.

رویکرد دین مداری در فضای حج و بهره مند شدن از روح تقوا و پاکدامنی و دوری از هوا و هوس، شاهراه حمایت از حجاج محسوب می شود. فقدان تقوای الهی عدم تعظیم شعائر الهی یا تعظیم غلط است؛ همانند آنچه امروزه در فضای مکه و مدینه مشاهده می شود. گاهی امر به معروف مبلغان وهابی، عین امر به منکر است که ناشی از عدم تقوای الهی است و متأسفانه به اسم تقوا و رعایت حرمت الهی صورت می گیرد.

در تفسیر ابن عربی آمده است که تعظیم حرمت الهی مبنای تعظیم چیزی است که هتك آن جایز نمی باشد (1)، و روشن است که ممنوعیت هتك احترام مؤمن مصداق بارز سخن فوق است. ضروری می نماید که جایگاه مؤمن و احترام به آن در گفتمان حج به صورت پررنگ مطرح شود تا از این رهگذر فضای مسموم بسته شود و راه های تخریب امنیت روحی و روانی حجاج مسدود گردد و در عوض فضای امن گسترش یابد. این حقیقت چیزی است که آن را می توان به ضمانت اجرای درونی تعبیر کرد و در مقابل ضمانت اجرای بیرونی قرار داد که حمایت دولت را می طلبد.

نگاه قرآن در حفظ حرمت ها و رعایت حقوق دیگران و تکریم شخصیت انسان ها، اولویت دادن به ضمانت اجرای درونی است، و مصداق بارز این ادعا در این آیات قابل توجه است.

14. مسئولیت بین المللی و جبران خسارت

نقض تعهد بین المللی همیشه برای دولت ها مسئولیت زاست. مطابق آنچه در طرح 2001 م کمیسیون حقوق بین المللی ملل متحد آمده است (2)، هرگاه دولتی مرتکب نقض تعهد شود، مسئولیت او شکل می گیرد و در نتیجه باید پاسخ گوی رفتار خود باشد. یکی از راه های پاسخ گویی، جبران خسارت وارده است.

(1). فصلنامه میقات حج، ش 73، ص 109.

(2). مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از اقدامات افراد و گروه های عادی در پرتورویه قضایی، مسعود راعی، ص 86.

ص: 147

دولت میزبان به دلایل مختلفی باید خسارات وارده به حجاج، ناشی از نقض تعهدات حقوق بشری را بپردازد و روشن است که الزام به جبران خسارت، ابزار حمایتی خوب و مناسبی برای حجاج می باشد. این اصل مختص دولت میزبان نیست و دولت اعزام کننده را نیز دربر می گیرد.

منظور از جبران خسارت در این موضوع معنای عام آن است که شامل عذرخواهی و تعهد به عدم تکرار نیز می باشد؛ زیرا شیوه های جبران خسارت متفاوت است. دلایلی که براساس آن دولت عربستان باید در صورت نقض تعهد قابل انتساب، جبران خسارت کند، متعدد است. از طرفی این دولت خود را به اسناد بین المللی حقوق بشری متعهد کرده است و بر این اساس و به مقتضای وفای به عهد ملزم به جبران خسارت می باشد؛ از طرف دیگر این کشور خود را به رعایت شریعت ملزم می داند و شرع، الزام به جبران هر نوع خسارت را می پذیرد. فقهای عظام تمرکز اصلی بحث خود را در جبران خسارت مادی دانسته اند، ولی باید گفت که این امر اختصاص به خسارت مادی ندارد؛ از طرف دیگر این موضوع با عقل قابل درک است و از حقوق طبیعی نیز شمرده شده است؛ ورود خسارت، جبران خسارت را به دنبال دارد.

15. ممنوعیت رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده

ایجاد امنیت روحی و روانی برای حجاج به ویژه حجاج شیعه درسرزمین وحی به وضع قوانین مناسب در عربستان و نظارت دقیق کمیسیون ملی حقوق بشر این کشور بستگی دارد. این قوانین باید ناظر به ممنوعیت رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده باشد.

نیم نگاهی به نوع رفتارهای هیئت های امر به معروف و نهی از منکر، یا مأموران دولت سعودی نسبت به حجاج ایرانی، حاکی از وجود چنین رفتارهایی می باشد. اینکه چرا این نوع رفتارها نسبت به حجاج وجود دارد، آیا ریشه مذهبی و اعتقادی دارد، یا از جنس نژادی قومی است؟ آیا به نوع عملکرد حجاج ایرانی بر می گردد، یا همه عوامل

فوق در آن نقش دارند؟ بحث مستقلی است که در این بحث تأثیری ندارد. فارغ از عوامل ایجاد رفتارهای خشن و غیرانسانی، این مطلب امری پذیرفتنی است که وجود رفتارهای فوق با کرامت انسانی حجاج همخوانی ندارد و از طرف دیگر امنیت روحی و روانی حج گزار را به شدت به چالش می کشد و آن را تهدید می کند و از طرف دیگر، باعث ایجاد بددلی و بدزبانی و اختلافات می شود و در نهایت صلح و همزیستی را از بین می برد.

ارتقای سطح فرهنگی هیئت های امر به معروف و مأموران دولتی عربستان، تکلیف جدی دولت میزبان در راستای انجام وظیفه حمایتی خویش می باشد. پذیرش مسئولیت اداره کردن حرمین شریفین وظیفه خاصی را برای دولت عربستان به وجود آورده است

که در نتیجه آن، دولت مذکور نمی تواند قوانین شرع خود را بر همگان تحمیل کند؛ زیرا نباید به حجاج به چشم توریست نگاه کرد که باید تابع کشور میزبان باشند. حرمین اصولاً باید نقطه آزاد دنیای اسلام از اعمال حاکمیت محسوب شود و تنها تابع نظام حقوق ویژه و در راستای سازوکارهای ترسیم شده توسط کشورهای اسلامی باشد. این ممنوعیت در اسناد مختلف حقوق بشری نیز مطرح، و بیان شده است و رفتارها یا عوامل خاص نمی تواند بهانه ای برای تحقیرکردن حجاج باشد. شکل گیری مسئولیت بین المللی دولت عربستان در این زمینه می تواند مدنظر باشد.

1. ماهیت حقوق بشر

اصطلاح حقوق بشر، ادبیات جدیدی در حقوق بین الملل محسوب می شود. می توان گفت این واژه پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد در سال 1945 م وارد اسناد مختلف حقوق بشری شد. پیش از آن، واژه حقوق طبیعی و حقوق انسان به کار می رفت که بار اخلاقی آن مدنظر بود و توجه چندانی به جهت حقوقی آن مطرح نبود.

ابتدا ضروری است به مشکل تعریف حقوق بشر توجه شود. این مشکل هم بر مفهوم حقوق، و هم به مبانی نظری معطوف است. در تبیین تعریف به طور کلی دو رویکرد غالب مطرح است. تعریفی که بر عنصر اراده (1) توجه می کند و تعریفی که بر عنصر منفعت تکیه می کند. براساس نظریه نخست حقوق بشر عبارت است از حقوقی که از اراده فرد حمایت می کند، به شرط اینکه قانون در یک جامعه دموکراتیک این اراده را تأیید کند. بر این اساس حقوق بشر، مساوی با اراده فرد است که می تواند آن را اعمال، یا آن را اسقاط کند. بر این نظریه اشکال های مختلفی وارد شده است. پذیرش این نظریه به معنای حق نداشتن افراد فاقد اراده مثل کودکان است و افزون بر آن در مواردی مثل حق حیات نمی تواند تابع اراده فرد و حتی دولت باشد.

(1) .Will

ص: 151

در نظریه دوم حقوق بشر نه به معنای حمایت از اراده و خواست فرد، بلکه به معنای حمایت از منافع اوست. در واقع حقوق بشر، منافی است که مورد تأیید قانون گذار می باشد. براین اساس هدف و کارکرد حقوق حمایت از منافع و مصالح متعلق به فرد است؛ در نتیجه اگر بر اثر اجرای یک تکلیف ملازم با حق، منفعتی عاید نشود، نمی توان گفت حقی شکل گرفته است. بنابراین چنانچه منفعت فرد شناسایی شود، می توان گفت او صاحب حق شده است. (1)

اگرچه اشکال قبلی تا حدودی در این نظریه وجود ندارد، اما پرسش آن است که در صورت تعارض منافع افراد با یکدیگر، چه راهکاری وجود دارد؟ و یا درباره غیرانسان ها مثل طبیعت و حیوانات آیا منفعتی شکل می گیرد، یا اینکه منفعت انسان و افراد مطرح است؟ به هر حال درباره حقوق آیندگان نیز این پرسش مطرح است که آیا حق، تنها شناسایی منفعت نسل موجود است، یا شامل نسل های آتی نیز می شود؟ که اصطلاحاً برخی به این نوع حقوق، حقوق بشری نسل چهارم نیز اطلاق کرده اند. (2)

فارغ از این تعاریف و ابهام های مختلفی که در تعریف حقوق بشر وجود دارد، همگان این نکته را پذیرفته اند که حقوق بشر بیانگر مجموعه ای از حقوق لازم و ضروری برای انسان است؛ به گونه ای که بدون آن حقوق، انسان فاقد کرامت خواهد بود و زندگی محترمانه ای را دنبال نمی کند؛ اعم از اینکه این حقوق در راستای تضمین و شناسایی اراده فرد باشد یا در صدد تضمین منافع او، یا اینکه این حقوق اصولاً منفعت جمعی را دنبال کند و یا ناظر به نسل های بعدی بشر باشد. روشن است که حل این معضل به مبانی فلسفی پذیرفته شده در موضوع حقوق بشر برمی گردد. نکته مهم آنکه اکثر این حقوق در اسناد مختلف حقوق بشری بیان شده است که تا حدود زیادی به رفع این ابهام کمک، و وظیفه دولت ها را در شناسایی و انجام تعهدات روشن می کند.

(1). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب، حقیقت و سید علی میرموسوی، صص 44-68.

(2). همان.

ص: 152

به منظور تبیین بیشتر و روشن تر از نوع تعهدات دولت ها در راستای حمایت از حقوق بشر به نظام بین المللی حقوق بشر توجه خواهد شد. این نظام در دو قسمت تنظیم شده است که بخشی از آن ناظر به اسناد بین المللی حقوق بشر است و بخش دیگر، نهادها و مراجع شبه قضایی اند که در راستای نظارت حمایت و اجرا تشکیل شده اند.

یکی از حقوق دانان معروف حقوق بین الملل به نام لوتر پاخت در سال 1933 م بیان می کند که حقوق بین الملل برای دولت هاست، نه بالعکس؛ ولی به شرط اینکه دولت ها در خدمت نوع بشر باشند، نه بالعکس. (1) در راستای تحقق و اجرایی شدن تعهدات مذکور، موضوع مسئولیت مشترک برای حمایت در سال 2001 م مدنظر حقوق دانان و جامعه جهانی و نهادهای بین المللی واقع شد. از منظر کیفی، تعهدات دولت ها در قبال افراد جنبه تعهدات عام الشمول (2) و حتی در مواردی جنبه جا افتادگی (3) به خود می گیرد که نقض هر يك از این تعهدات مسئولیت کلی و جمعی در برابر جامعه جهانی را به وجود می آورد. دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام می کند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیانگر تعهداتی عینی بر فراز شبکه التزامات متقابل دو جانبه می باشد که از اجرای جمعی برخوردار است. (4)

زیگهارت معتقد است که حقوق بشر دقیقاً حق هایی است که فرد می تواند علیه ادعاهای کسانی که بر وی اعمال قدرت می کنند، اقامه کند و در بسیاری اوقات به نام

مردم اظهار و مطالبه می شود. (5) تا قبل از 1945 م حقوق بین الملل حاکمیت محور بود و

(1). دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، سیدباقر میرعباسی و سید حسین سادات میدانی، 1384، ص 356.

(2). Erga omnes.

(3). Jus cogens.

(4). ECH, P.series A, Vol 25.

(5). چشم اندازی به توسعه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میتوسی آرکریون، مترجم حبیبی، 1387، ص 164.

کاری به امور داخلی کشورها نداشت و فقط در موارد خاصی، یعنی بردگی، مداخله بشردوستانه، رفتار با بیگانه، اقلیت ها و قوانین جنگی، اعمال نظر و دخالت می کرد. اما پس از جنگ دوم و به دلیل وقایع جنگ، این باور شکل گرفت که نظم نوین حاکم بر تعاملات جهانی و روابط افراد و حاکمیت، براساس حقوق بشر باشد، که این معنا در منشور ملل متحد به عنوان قانون اساسی جامعه جهانی منعکس شد. بخش محوری و راهبردی حقوق بشر همان نظام بین الملل حقوق بشر است.

از آنچه تاکنون گذشت به دست می آید که کانونی ترین ارزش فعلی جهان، موضوع حقوق بشر با محوریت تکریم منزلت انسانی است. رسیدن به این منزلت در گرو زندگی، آزادی، عدالت، همبستگی، مسئولیت اجتماعی، رعایت صلح، پرهیز از خشونت و فرقه گرایی و رعایت محیط زیست سالم است. نتیجه این نگاه تعطیل نشدن حقوق بشر و الزام دولت ها به رعایت آن است؛ این الزام در جهان شمولی، بنیادی بودن، اخلاقی بودن و اولویت دار بودن حقوق بشری ریشه دارد. نکته اساسی در این باره تفاوت معنایی بین حق بودن (1) و حق داشتن (2) است. اینکه فردی در معنای حق بودن خیری را داشته باشد، بسیار متفاوت از حق داشتن است. (3) حق داشتن به اصل وجود حق اشاره می کند، فارغ از محتوای درست یا غلط آن. آنچه در حقوق بشر مدنظر است، مفهوم حق داشتن است و نه حق بودن. حق بودن در برابر حق نبودن و باطل بودن است؛ در حالی که حق داشتن فارغ از این دعواست. بنابراین تعهدات حقوق بشری دولت ها در

حوزه حقوقی ناظر به حق در معنای حق داشتن است.

حمایت های حقوق بشری از افراد، در سه قالب مطرح شده است: شناسایی انواع و اقسام حقوق بنیادین توسط دولت ها و اقرار و اعلام به قبول داشتن آنها و رسمیت بخشیدن به اسناد مذکور؛ تعهد دولت ها به رعایت، نظارت و اجرای این تعهدات، که

(1) .to be Rights

(2) .to have Rights

(3) .Donnelly, universal Human Rights in theory and practice 2005, p.10

ضمانت اجرای این قسمت، شکل گیری انواع کمیته های ناظر و گزارشگران ویژه می باشد؛ و در مرحله سوم شکل گیری دادگاه های مختلف در زمینه نقض تعهدات حقوق بشری دولت ها. در این مرحله دولت ها مکلف اند هم از نقض حقوق بنیادین نهادهای دولتی، گروه ها و مردم عادی جلوگیری کنند و هم به تعقیب و مجازات کسانی پردازند که این حقوق را نقض کرده اند؛ در غیر این صورت مسئولیت بین المللی شکل خواهد گرفت.

در این نوشتار تلاش می شود نوع حقوق حجاج که در اسناد بین المللی به طور کلی شناسایی شده است، بیان شود که در نتیجه وظایف حقوقی دولت میزبان روشن شود. سپس به وجود نهادهای مختلف بین المللی از جمله شورای حقوق بشر به عنوان يك نهاد ملیتی جهانی توجه می شود؛ هر چند در مرحله سوم نیاز به اقدامات حقوق بشری وجود دارد.

2. حقوق بشر و تعهدات بنیادین

یکی از مباحث مهم و برتر در حقوق بشر درباره این سؤال است که آیا رضایت کشورها در پذیرش تعهدات حقوق بشری نقش دارد یا ماهیت قواعد حقوق بشری به گونه ای است که همه دولت های عضو جامعه جهانی باید آنها را اجرا کنند؟ این پرسش به دنبال خود عنوان قواعد آمره و قواعد عام الشمول را مطرح کرد. حقوق دانان و نهادهای بین المللی اعم از نظارتی، اجرایی، قضایی و شبه قضایی به دنبال تبیین ماهیت این قواعد برآمدند، و در نهایت به دو اصطلاح قواعد آمره و عام الشمول رسیدند.

بحث قواعد آمره به اوایل قرن بیستم، و تلاش های علمی حقوق دانانی همچون اوپنهایم، هال و وردورس بر می گردد که عنوان اصول بنیادین یا اصول برتر را مطرح کردند. لوتر پاخ که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل بود، و جانشین او فیتس موریس، همین مسیر را دنبال کردند تا در سال 1969 م، در ماده 53 کنوانسیون حقوق معاهدات که نقش کلیدی و اساسی در همه معاهدات بین المللی دارد، این واژه

تعریف شد و قواعد آمره قواعدی دانسته شد که مورد پذیرش جامعه جهانی به عنوان يك كل واقع شده است، و هیچ قانونی نمی تواند آن را از بین ببرد؛ مگر قاعده ای از جنس خودش. این مسیر در آرای قضایی همچون بارسلونا تراکشن و رأی 1951 م درباره حق اعمال شرط بر کنوانسیون ژنو ساید و سایر آرای مراجع قضایی و شبه قضایی جهانی و منطقه ای نیز منعکس شد.

کمیته حقوق بشر در مقام نهاد ناظر و شبه مفسر اسناد حقوق بشری، مصادیق قواعد آمره حقوق بشری را نه به صورت حصری، که به صورت تمثیلی همچون حق حیات، ممنوعیت شکنجه، حق تعقیب ناقضان حقوق بشر برای تحقق عدالت کیفری، تبیین کرد. (1) درباره قواعد عام الشمول نیز موضوع به همین صورت است و این قواعد از جهت شمول زمانی و مکانی فراگیرند و حالت منطقه ای یا عصری به خود نمی گیرند. البته در تعریف قواعد عام الشمول و آمره بین حقوق دانان اختلاف نظر اندکی وجود دارد، ولی می توان گفت که درجه اعتبار قواعد آمره بالاتر از عام الشمول است.

طرح این بحث اجمالی بدان سبب است که معلوم شود فی الجمله دولت ها نمی توانند با استناد به اصل رضایت، در انجام تعهدات بین المللی کوتاهی کنند. این موضوع درباره آزادی دینی بیشتر نمایان است؛ زیرا به قول هنری برگسون فیلسوف و نویسنده فرانسوی، می توان جوامعی را یافت که فاقد علم، هنر و صنعت باشند، ولی نمی توان جامعه ای را پیدا کرد که فاقد دین و مناسک دینی باشد. (2)

3. مراجع نظارتی، حمایتی و کنترلی

نظام بین المللی حقوق بشر افزون بر اسناد مختلف، از مراجع مختلف اعمال نظارت بر انجام تعهدات دولت ها بهره مند است. این مراجع به دو دسته شبه قضایی و نظارتی

(1). حق شرط در اسناد حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین المللی عمومی و حقوق بین الملل اسلام، مسعود راعی، 1390، ص 64.

(2). آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل، سعید رهایی، 1389، ص 38.

تقسیم می شود. امروزه مراجع شبه قضایی در دو قالب مطرح شده اند. دادگاه های نسل سوم با رویکرد جرم انگاری در موارد نقض گسترده و فاحش حقوق بشر تشکیل شده اند، و نوعاً موقتی اند. از سال 2000 م تاکنون شش دادگاه کیفری نسل سوم شکل گرفته است. (1) برخی از این دادگاه ها به صورت عام به مسئله حقوق بشر توجه کرده اند، همانند دادگاه مختلط بوسنی و هرزه گوین، و برخی از آنها به صورت مستقیم به حقوق بشر و نقض آن پرداخته اند. دادگاه ویژه سیرالئون در راستای نقض حقوق بشر و جنایات جنگی توسط سیرالئون، در سال 1990 م شکل گرفت. یکی دیگر از این دادگاه ها که اکنون به صورت دائمی فعالیت می کند، دادگاه بین المللی کیفری می باشد. این دادگاه براساس اساسنامه رم که در سال 2002 م لازم الاجرا شده است، صلاحیت رسیدگی به نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را دارد که پرونده های مختلفی را در این رابطه بررسی کرده است.

از دیگر مراجع شبه قضایی دادگاه های منطقه ای حقوق بشر است. دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان آمریکایی حقوق بشر و دیوان آفریقایی حقوق بشر، مهم ترین این نوع مراجع می باشند که به صورت گسترده به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر رسیدگی می کنند. (2) از مهم ترین این دادگاه ها دادگاه اروپایی حقوق بشر است که پرونده های مختلفی را در زمینه نقض حقوق بشر بررسی کرده است که به آن پرداخته خواهد شد.

نظام شکایت بین الدولی حالت و وضعیت دیگری است که اخیراً در زمینه حقوق بشر در حال شکل گیری است. یکی از حقوق دانان بین المللی (هنکین) معتقد است که این نظام براساس اصول حقوقی است؛ هرچند کشورها اکراه دارند که خود را درگیر مباحث حقوق بشری یکدیگر بکنند. (3) این سخن بدان معناست که همه کشورها از نقض حقوق بشر متضرر هستند؛ زیرا يك منفعت جمعی در این زمینه شکل گرفته است.

(1) .Richard. J. Goldstone, International Tudicial Institiution. p. 96 .

(2) . نهادها و سازوکارهای منطقه ای حمایت از حقوق بشر، ص 57.

(3) . چشم اندازی به توسعه میثاق بین الملل حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، ص 60.

4. مراجع نظارتی

امروزه مراجع نظارتی مختلفی در زمینه حقوق بشر فعالیت می کنند. این مراجع برخی تحت عنوان نهادهای بین المللی دولتی قرار می گیرند و برخی دیگر زیرمجموعه سازمان های بین المللی غیردولتی می باشند. امروزه تعداد نهادهای مردم نهاد خیلی زیادند؛ اما در مورد نهادهای بین المللی دولتی وضعیت کمی متفاوت است. سازمان ملل در سال 1993 م پست کمیساریای عالی ملل متحد برای حقوق بشر را به وجود آورد. در سال 1976 م کمیته حقوق بشر ناظر به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شکل گرفت. در سال 1985 م کمیته حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به وجود آمد که بر اجرای میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نظارت می کند. کمیته رفع تبعیض نژادی 1969 م، کمیته رفع تبعیض علیه زنان 1981 م، کمیته منع شکنجه 1987 م و کمیته حقوق کودک 1991 م از دیگر نهادهای نظارتی اند. اخیراً با تشکیل شورای حقوق بشر در سازمان ملل و جایگزین کردن این شورا به جای کمیسیون حقوق بشر، قدم بلندی در ارتباط با الزام دولت ها به انجام تعهدات خویش توسط سازمان ملل شکل گرفته است. این شورا با برخورداری از قدرت عمل و نظارت ویژه و با بهره مندی از حمایت مجمع عمومی ملل متحد در حال ایجاد سازوکار نظارتی خاص بر نحوه عملکرد کشورها در این زمینه می باشد. وظیفه اصلی این کمیته ها ارائه گزارشی از عملکرد کشورهای عضو به مراجع مربوطه از جمله شوراهای حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد است.

مراجع نظارتی اصلی در نظام بین المللی حقوق بشر، شامل راه اندازی کمیته های خاص، صدور اعلامیه های خاص، گروه های کاری و گزارشگران ویژه و در نهایت سازمان های بین المللی حقوق بشری همانند شورای حقوق بشر می باشد. (1)

(1). حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین المللی و فقه، ص 14.

ص: 158

مهم ترین اسناد بین المللی که با رویکرد جهانی به اعتبار تقدم زمانی تنظیم شده اند، عبارت اند از:

1. منشور ملل متحد: این منشور پس از جنگ جهانی دوم، در سال 1945 م با ماده 110 و يك ضمیمه مربوط به اساسنامه دادگاه بین المللی دادگستری مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفت و اکنون 193 کشور آن را پذیرفته اند. در این سند و در مواد مختلفی به موضوع حقوق بشر توجه، و به عنوان يك تعهد جهانی پذیرفته شده است؛

2. لایحه بین المللی حقوق بشر: این سند که در مواردی به نام لایحه و در مواردی با عبارت نظام بین المللی و در مواردی با عنوان میثاقین شناخته شده، شامل پنج سند بین المللی لازم الاجراست. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، دو پروتکل الحاقی به میثاق اول و در نهایت، اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

3. اعلامیه حق و مسئولیت افراد، گروه ها و نهادهای اجتماعی برای ترویج و حمایت از به رسمیت شناختن جهانی حقوق بشر و آزادی های اساسی؛

4. اعلامیه تهران: این اعلامیه در سال 1941 م در تهران و با حضور رهبران قدرت های بزرگ دنیا صادر شد؛

5. اعلامیه تضمین استقلال کشورها و مردم تحت استعمار که ناظر به حق تعیین سرنوشت مردم است. قطع نامه 1803 مجمع عمومی که در سال 1962 م به تصویب کشورها رسید، و ناظر به حاکمیت دائمی بر منابع است؛

6. درباره جلوگیری از تبعیض یازده سند بین المللی پذیرفته شده است. مهم ترین این اسناد عبارت اند از:

الف) اعلامیه ملل متحد درباره رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی؛

ب) کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جرم آپارتاید؛

ج) اعلامیه رفع کلیه اشکال ناپردباری و تبعیض بر پایه مذهب و عقیده؛

د) کنوانسیون علیه تبعیض در آموزش؛

ه) پروتکل تأسیس کمیسیون آشتی و میانجیگری با مسئولیت یافتن راه حل برای جلوگیری از بروز هرگونه اختلاف ممکن در بخش های مختلف یک کشور؛

و) اعلامیه اصول بنیادین مربوط به کمک به رسانه های گروهی برای تقویت صلح و آگاهی بین المللی، برای ترویج حقوق بشر و مبارزه با نژادپرستی، آپارتاید و تحریک برای جنگ؛

7. درباره مسائل قضایی نیز اسناد مختلف حقوق بشری تصویب شده است که به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود:

الف) اعلامیه حمایت از کلیه افرادی که در معرض شکنجه یا سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دارند؛

ب) قواعد استاندارد حداقل رفتار با زندانیان؛

ج) قواعد ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی؛

د) کنوانسیون مبارزه با شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه غیرانسانی و تحقیرآمیز؛

ه) اصول اساسی استقلال قوه قضائیه؛

و) مجموعه اصول حمایت از همه افراد بازداشت شده یا زندانی به هر نحو؛

ز) اعلامیه حمایت از همه افراد در مقابل ناپدیدشدن اجباری؛

ح) اصول پیش گیری مؤثر و تحقیقات درباره اعلام های خارج از مراحل قانونی، خودسرانه و به دنبال محاکمات فوری؛

8. درباره رفاه اجتماعی، پیشرفت و توسعه، نیز یازده سند بین المللی تنظیم شده است؛

9. درباره جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت از جمله کشتار جمعی، سه سند مهم بین المللی شکل گرفته است؛

10. درباره حقوق بشردوستانه و شرایط حمایتی از افراد غیرنظامی در زمان محاصره نیز شش سند دارای اعتبار جهانی به تصویب رسیده است؛

11. کنوانسیون حق بین المللی اصلاح اطلاعات؛

12. اعلامیه اصول همکاری فرهنگی بین المللی و توصیه های آموزشی درباره آگاهی، صلح، همکاری بین المللی، آموزش حقوق بشر و آزادی های اساسی که این دو سند ناظر به حق بهره گیری از فرهنگ، توسعه فرهنگی بین المللی و همکاری می باشد؛

13. درباره حقوق زنان، ازدواج، خانواده و جوانان نیز نه سند بین المللی به تصویب رسیده است. (1)

6. اسناد منطقه ای

در کنار اسناد جهانی که یا به صورت عام، یا به صورت خاص از موضوع حقوق بشر و به ویژه «دین» دفاع کرده اند و آن را به عنوان يك حق بشری شناخته اند، برخی از اسناد منطقه ای نیز به حقوق بشر در ابعاد مختلف توجه کرده اند. اسناد عام اسنادی هستند که حقوق از جمله دین را مدنظر قرار داده اند و اسناد خاص اسنادی می باشند که به طور خاص به موضوع دین و حوزه های مربوط به آن مانند عبادت، آموزش، راه اندازی و تأسیس عبادتگاه، مدارس، اماکن دینی، راه اندازی مراکز خیریه، داشتن نماد مذهبی، نوشتن و چاپ کتب مذهبی، دریافت کمک، حق استفاده از تعطیلات مذهب و حق رسمی سازی يك مذهب می پردازند:

1. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی مصوب 1950 م: ماده نه این کنوانسیون به طور خاصی به حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب تصریح می کند. ماده دهم آن آزادی بیان و ماده یازدهم آن تشکیل اجتماعات و انجمن ها را مدنظر قرار داده اند که شامل مذهب نیز می شود؛

(1). برای دیدن همه اسناد ر. ك: كتاب «نهادهای حقوق بشر» از سری كتاب های آبی ملل متحد.

ص: 161

2. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: این سند منطقه ای در سال 1969 م توسط کشورهای آمریکایی تصویب شد. ماده یازدهم این کنوانسیون مربوط به حق بر حریم خصوصی، و ماده دوازدهم آزادی وجدان و مذهب را در چهار بند مدنظر قرار داده است. نکته درخور توجه آنکه در این سند به حق پاسخ نیز پرداخته شده است. در این خصوص این حق برای هر فردی که به دیگری ضرر رسانده، شناسایی شده است که از طرق مختلف جبران کند. در واقع این حق نوعی تکلیف برای فرد ضار می باشد که اقدام به جبران ضرر اعم از مادی و معنوی بکند؛

3. منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب 1981 م: این منشور هم در مقدمه و هم در ماده هشتم به حق بر مذهب پرداخته، و آن را به رسمیت شناخته است.

7. دولت ها و شناسایی حقوق بنیادین

اشاره

انواع اسناد حقوق بشری بیانگر تنوع تعهدات حقوق بشری دولت هاست. مبنای این حقوق متفاوت تعریف شده اند، ولی هدف آنها حمایت از فرد در برابر اقدامات دولت و حاکمیت است. هرچند در برابر افراد نیز تکالیفی دارند و دولت ها نیز صاحب

حقوق اند، اما محور اصلی حقوق بشر، حمایت از افراد و حفظ کرامت انسانی اوست. تعبیه انواع و اقسام نهادهای نظارتی، حمایتی با این نگاه توجیه پذیر است. دولت ها به منظور انجام تعهدات خود در سه حوزه شناسایی، اجرا و تعقیب باید فعالیت کنند. این سخن بدان معناست که ابتدا باید دولت ها این حقوق را شناسایی کنند و سپس از اجرا و اعمال آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم حمایت کنند و در نهایت، در صورتی که این حقوق نقض شود، پیگیری و تعقیب و مجازات ناقضین، متوجه دولت می شود.

در حدود شصت عنوان حق در این دو سند شناسایی شده است. فارغ از دعوایی که در تفسیر و تعریف این حقوق وجود دارد، که خود جای بحث مستقلی را می طلبد، شناسایی این حقوق بیانگر تعهد دولت ها در اعمال و اجرای آنهاست. این حقوق با عناوین مختلف از جمله آزادی بیان، فکر، اندیشه، وجدان، دین، مذهب، انجام

فعالیت های اجتماعی و...، بیان شده اند که تمرکز اصلی این نوشتار بر حوزه مناسکی حج است. در این قسمت تلاش خواهد شد تا با تکیه بر اسناد و رویه های موجود بین المللی، تعهدات دولت، همه تعهدات به صورت عام، و تعهدات دولت سعودی به طور خاص، در قبال حجاج شناسایی شود.

الف) داشتن آزادی مذهب

آزادی مذهب در مقام يك اصل بنیادین همواره در اسناد مختلف حقوق بشری شناسایی شده است. این حق در اسناد مختلف از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی بیان شده است. اگرچه رویه های موجود این حق را به صورت عام تفسیر می کنند، و آن را شامل همه ادیان می دانند، (1) اما مطابق با آموزه های قرآنی و در راستای تعهدات دولت های اسلامی که ناظر به شرع مقدس انور می باشد، آزادی دین در معنای حق داشتن است. ما

با توجه به منابع دینی اسلامی و توان حق انتخاب دین اسلام، بلکه وظیفه پذیرش به عنوان آخرین و کامل ترین دین در معنای حق بودن را نیز لحاظ کرد؛ زیرا هر فردی غیر اسلام را انتخاب کند، از او پذیرفته نمی شود؛

ب) حفظ مذهب

در منابع دینی و فقه امامیه، مذهب امامیه به عنوان مذهب حق دانسته شده است که در آنجا حق در معنای حق بودن همراه با حق در معنای حق داشتن قرار می گیرد. در معنای حق داشتن ماده هجده میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی پذیرفته شده است. نکته مهم آنکه کشورهای اسلامی در هنگام پذیرش این سند بر این موضوع اصرار داشتند. نماینده عربستان در کمیته سوم و به هنگام بررسی این میثاق متعهد بود که کشور قدرتمند یا دین دولتی تبلیغ گرا و دعوت کننده، در صورتی که ابزار رسانه های جمعی را در اختیار داشته

(1) .Hajje – 1991, p,46

ص: 163

باشد، می تواند با استفاده از پذیرش حق حفظ مذهب همراه با لوازم اعمال آن مذهب، آن را تبلیغ کند و تنها استثنایی که بر آن وارد است، مواردی است که به بی نظمی اجتماعی آن کشور منتهی می شود. نماینده عربستان در اجلاس مذکور به همین مسئله استناد کرده است که البته سخن او ناظر به افراد غیر تبعه می باشد.

ج) امنیت مذهبی

از ویژگی های سرزمین مکه و مسجدالحرام، برخوردار بودن از امنیت است. به تعبیر قرآن این مکان به عنوان جایی امن تعریف شده است. (1) امنیت مدنظر هم شامل جسم و هم روان می باشد. (2) فردی که به عنوان حج گزار در سرزمین وحی حاضر می شود، نیازمند برخوردار بودن از امنیت جامع است. این حق لوازمی دارد که از جمله آنها تعهد دولت سعودی به عدم انجام اقدامات و کارهایی است که باعث عدم انجام مناسک حج توسط حاجی می شود. بهره مندی از فیوضات معنوی در گرو بهره مندی از آرامش و آسایش است که بدون وجود امنیت این معنا محقق نمی شود. عوامل مختلفی می تواند امنیت جسم یا روح و روان افراد را بر هم بزند. (3)

د) خواندن روزه

با مروری بر رویه دادگاه های حقوق بشری از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشری، شاهد شناسایی حقی به نام حق روزه خوانی هستیم. شناسایی این حق همراه با لوازم خاصش است. مکان امن و برخوردار از شرایط حداقلی، از لوازم اولیه انجام این حق می باشد. در پرونده کاکینا کیس علیه یونان، خواهان به دلیل برپایی روزه در نزاع محکوم شده بود. استدلال علیه خواهان این بود که تبلیغ دینی در یونان ممنوع است،

(1). الحج فی الكتاب والسنه، محمدصادق آل اسحاق، 1434، ص 8.

(2). همان.

(3). آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل، ص 468.

در نهایت دیوان اعلام کرد میان تبلیغ دین و انجام اعمالی مانند خواندن روضه تفاوت وجود دارد و به نفع خواهان رأی داد. (1)

روضه خوانی از سنت های پسندیده در فقه امامیه و نزد شیعیان است؛ به ویژه اینکه خواندن روضه با مضامین عالی باعث رقت قلب و زمینه مساعدی جهت خودسازی و تصفیه نفس می باشد. شیعه براساس حدیث ثقلین، راه فلاح و سعادت را در تمسک به کتاب آسمانی و عترت می داند؛ این تمسک ابعاد مختلفی دارد؛ از جمله خواندن روضه. (2) این سخن بدین معناست که اگر کاکنیاکیس حق تغییر مذهب داشته، پس حق تبلیغ آن مذهب را هم داشته و روضه خوانی یکی از مصادیق تبلیغ است، و قانون یونان مبنی بر ممنوعیت تبلیغ دینی شامل آن نمی شود.

ه) اظهار و آشکارسازی مذهب

اشاره

حق اظهار مذهب از دیگر مؤلفه های حق برخورداری از مذهب می باشد. برخورداری از حق اظهار مذهب در اسناد مختلف حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و همین طور ماده نه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شناسایی شده است.

در شرع انور انجام عبادات مختلف اعم از فردی و جمعی، تعلیم دینی، عمل به شعائر (وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (حج: 32)، انجام مراسم و آیین های دینی، همگی در این راستا قابل طرح می باشند. حدود این موارد به طور دقیق در اسناد حقوق بشری تعریف نشده است، اما اصل این حق پذیرفته شده است. می توان گفت در سرزمین وحی و در انجام مناسک حج، یا عمره، محدوده این نوع اعمال باید نظم عمومی مبتنی بر حفظ شرافت و اخلاق اسلامی باشد، نه نظم تعریف شده توسط مذهبی خاص.

(1). Kokkinakis V. Grec, p 49.

(2). گزیده راهنمای حقیقت، جعفر سبحانی، 1386، ص 95.

ص: 165

علی رغم این ابهام در جدیدترین پرونده های مطرح نزد دیوان، دعوای سینان ایشیک علیه ترکیه راهنمای خوبی برای تعیین این حدود می باشد. در این پرونده، خواهان که از علویان ترکیه است، مدعی است که در اوراق هویتی او باید به جای اسلام عنوان مذهب یعنی علوی درج گردد و این را از حقوق فطری خود می داند. (1) در نهایت دیوان اروپایی، دولت ترکیه را به دلیل نقض تعهد حقوق بشری محکوم کرد.

از آنجا که ابعاد اظهار مناسک حج مبتنی بر مذهب شیعه در سرزمین وحی قابل توجه می باشد، به چند مورد از آن توجه می شود:

یک - . انجام عبادت

عبادت به تمامی تشریفات و آداب دینی اطلاق می شود که نحوه نماز خواندن از جهت جهرواخفات، تکتف، مهرگذاشتن، شکسته و کامل خواندن را شامل می شود؛ همچنان که شامل لمس کردن اشیاء مقدس و بوسیدن آنها می شود. (2) افزون بر موارد قبلی، ساختن مکانی برای عبادت همچون مسجد، حسینیه، استفاده از کتاب دعا، مناجات، مفاتیح الجنان، نشان دادن علائم مذهبی، و حتی رعایت روزهای تعطیل را نیز شامل می شود.

در تفسیر شماره 22 کمیته حقوق بشر، موارد متعددی از مصادیق انجام عبادت به عنوان تعهد دولت های عضو اسناد بین المللی مطرح شده است. (3) کمیته حقوقی در دعوایی که یک زندانی اجازه پیدا نکرده بود تا در مراسم نماز جماعت شرکت کند و کتاب دعای او را از وی گرفته بودند، اعلام کرد این رفتار نقض ماده هجده میثاق است. (4)

(1) .Sinqn Isix v, Turkeg,2010,5.11

(2) . گزیده راهنمای حقیقت، صص 90-94.

(3) .General commet

(4) .UN.DOC. A/57/40 Vol.2, 2002, p.76

بهره مندی از مکانی برای عبادت، برای مثال احداث مسجد شیعیان در مکه، از جمله اساسی ترین قسمت آزادی عبادت بوده است که نوعاً توسط دولت ها با اعمال محدودیت همراه بوده است. اما رویه دیوان اروپایی حمایت از این حق است که در پرونده های مختلف آن را تأیید کرده است. (1)

از نمادهای دیگر انجام عبادت، بهره مندی از روزهای تعطیل دینی است که در کشورهای اسلامی این معنا وجود دارد و همگان نیز آن را پذیرفته اند. در پرونده های مختلفی به این مسئله توجه شده است؛ از جمله پرونده فرانسیسکو سیسه در سال 2012 م خواهان علیه دولت ایتالیا شکایت کرده است، و مدعی است روز تعیین دادگاه روز تعطیل دینی او بوده است که البته دیوان ادعای خواهان را نپذیرفت. (2)

دو - برگزاری مناسک

حج به عنوان بزرگ ترین فریضه ای که به صورت جمعی برگزار می شود، مناسک خاصی دارد. عمل به مناسک نه تنها شامل تشریفات همانند حرمت صید در حال احرام (لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ) (مائده: 95) می شود، بلکه شامل پوشیدن لباس مطابق با مذهب خاص همانند فقه امامیه، مشارکت در اجتماعات، همانند مراسم برائت از مشرکان و حتی استفاده از گویش خاص نیز می شود. این تفسیر عامی است که کمیته حقوق بشر درباره برگزاری مناسک، فارغ از مثال، انجام داده است. (3) نظر به اینکه مناسک می تواند دایره وسیعی داشته باشد، کمیسیون حقوق بشر اروپایی در پرونده اسمیت علیه پادشاهی متحده، محدوده این مناسک را اعمال مطلوب یا مجاز تعریف کرد. (4) طبیعی است که اعمال مطلوب اعمالی است که مستند به منابع فقهی باشد.

(1) .KLMLYA and others, V. Russia, 2009 .

(2) .Francesco Sessa, V. Italy, 2012, pava.7 .

(3) .G.C.22,1993,para,4 .

(4) .Arrow Smith V. U.K. 1978, p.19 .

بهره مندی از پوششش، زینت آلات و حتی داشتن علائم خاص که نوعی شعار مذهب تلقی می شود، همانند بستن پیشانی بند با اسامی خاص اهل بیت (علیهم السلام) نیز از دیگر تشریفات مناسک است که به عنوان تعهد ایجابی دولت ها برای حمایت مدنظر واقع شده است. (1)

در تمام موارد، پرونده های زیادی در مراجع شبه قضایی حقوق بشری مطرح شده است که همگی حاکی از رویکرد گسترده حمایت از این حقوق توسط مراجع فوق بوده است؛ برای مثال يك خانم استادیار در دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول با پوشش اسلامی وارد دانشگاه می شود که بارها مورد توضیح قرار گرفته است تا در سال 1998 م استعفا می کند و نزد دیوان علیه دولت ترکیه شکایت، و دلیل استعفا را نیز بیان می کند. دیوان پس از ملاحظاتی اعلام می کند در يك جامعه دموکراتیک، دولت می تواند محدودیت هایی در زمینه پوشیدن حجاب اسلامی، در صورتی که این حجاب با اهدافی که در حمایت از حقوق و آزادی های دیگران و نظم عمومی تعقیب می شود، ناسازگار نباشد، وضع کند. (2) رویکرد دیوان در وضع محدودیت منوط به نظم عمومی و نقض حقوق و آزادی های دیگران است. می توان گفت آنچه امروز در بقیع رخ می دهد، که افراد مختلف تحت عنوان امر به معروف عمل می کنند، اگر خلاف نظم نباشد، نقض حقوق و آزادی های شیعیان در بقیع محسوب می شود. حذف این وضعیت، یا ایجاد وضعیت مشابه برای شیعیان حمایت از حقوق مشروع زائران می باشد.

سه - حق تعلیم و آموزش

این حق شامل اعمالی می شود که ارتباط تنگاتنگ با رفتارهای گروه های مذهبی دارد؛ همچون حق انتخاب مرجع تقلید، آزادی تأسیس مدارس دینی، برگزاری

(1) .Evieda and other, v.the u.n.2013, para.95 .

(2) .Kurtacmus V. Turkey, 2006, p.1 .

ص: 168

سمینارها، آزادی تدارک و توزیع متون دینی، یا انتشار آنها می شود. کمیته حقوق بشر در تفسیر شماره 22 در سال 1993 م در پاراگراف چهار این نظر را تأیید کرده است. همچنین ماده نه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و فراز دوم ماده دو، اولین پروتکل الحاقی به این کنوانسیون آن را مورد شناسایی قرار داده اند. رویه دیوان اروپایی همیشه در این حوزه محافظه کارانه بوده است، (1) اما حق آموزش را مورد پذیرش قرار داده است. این آموزش می تواند توسط والدین، یا توسط مراجع ذی صلاح باشد. امیرمؤمنان علی (ع) دادن آموزش به مردم را از وظایف حاکم جامعه می داند. (2)

در پرونده های مختلفی این بحث مطرح شده است. (3) در پرونده ای خواهان خواستار اعطای معافیت کامل از حضور در درسی بود که مربوط به اکثریت مسیحیان بود. هر چند دیوان، احتیاط لازم را در این زمینه انجام داد و صراحت رفتار دولت بلژیک در عدم اعطای معافیت را نقض حقوق شهروندی ندانست، اما به شیوه ای دیگر به حمایت از خواهان برخاست. رویکرد دیوان این بود که آیا گنجاندن يك برنامه درسی توسط آموزش به صورت بی طرفانه بوده یا رویکرد کثرت گرایانه را دنبال کرده است؟ که در پاسخ به این سؤال دیوان دولت بلژیک را محکوم، و به نفع خواهان حکم صادر کرد.

چهار - حق رهایی از زجر و آزار به خاطر مذهب

یکی دیگر از حقوق مورد پذیرش اسناد جهانی، حق رهایی از زجر و آزار جسمی و روحی و روانی است. حجاج در سرزمین وحی باید از این حق برخوردار باشند. هر

(1) . Talor, 2055, 2005, p. 217.

(2) . نهج البلاغه، نامه 31.

(3) . Folger and others, v. Norway, 2007.

نوع ایجاد فشار روحی و روانی اعم از آشکار و پنهان، فردی یا گروهی، با توجیه یا بدون توجیه، دلیل بر سلب یا اعمال محدودیت بر این حق نمی باشد. به طور مشخص اعتقاد مذهبی شیعه که نمادهای مختلفی را نیز در خود جای داده است، (1) نباید موجب زجر و آزار وی را فراهم آورد. در اسناد مختلف جهانی مصادیق زجر عملی بسیار زنده تلقی شده است. (2) هرگونه فعل، یا ترك فعلی همانند دادن اجباری يك كتاب خاص و جلوگیری از داشتن يك كتاب، از دیگر مصادیق زجر می باشد.

جنایت زجر و آزار را باید انجام رفتارهایی دانست که منافعی با حقوق و آزادی های مشروع حجاج می باشد؛ هرچند از يك درجه اهمیت و اعتبار برخوردار نباشند. این آزار می تواند به صورت فیزیکی باشد، و یا روحی و روانی و... یا وضع قوانین غیرقابل

توجیه و غیرقابل دفاع، سخنان تحریک آمیز در مراکز عمومی و آزاردهنده نیز همین وضعیت را دارد. ایجاد نفرت نسبت به برخی از طریق گفتار، نوشتار، موعظه، در ردیف جنایت آزار قرار می گیرد. این معنا در آیات قرآن کریم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است که به طور خاص در داستان جمعی از مسیحیان که به دست ذونواس پادشاه یمن مورد آزار و اذیت و آدم سوزی واقع شدند، طرح شده است. (3)

نکته مهم و گفتنی آن است که در اسناد مختلف بیان شده، که این حقوق و آزادی ها می تواند با محدودیت هایی همراه شود. احترام به حقوق دیگران مهم ترین قیدی است که در اسناد بین المللی وارد شده است که باز خود به يك حق دیگر به نام همزیستی مسالمت آمیز اشاره می کند. اعمال این محدودیت نباید به صورت تبعیض آمیز و غیرمنطقی باشد. احترام به حقوق دیگران از وظایف دینی مسلمانان می باشد؛ همچنان که متفاوت بودن انسان ها نیز مورد پذیرش شرع واقع شده است. اما آنچه معیار اصلی را شکل می دهد، تقوای الهی است.

(1). گزیده راهنمای حقیقت، ص 30.

(2). حقوق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کویانگ ساک کیتی شایزری، ترجمه بهنام یوسفیان، ص 219.

(3). بروج: 8-20؛ ممتحنه: 9.

ص: 170

8. رویه مراجع شبه قضائی* (1)

بند نخست - دیوان اروپایی حقوق بشر و حمایت از مذهب

از آنجا که این دیوان نقش مهمی در شناسایی حقوق بنیادین بشر از جمله آزادی مذهب دارد، دانستن آرای این دیوان به منظور شناخت نوع حمایت های به عمل آمده از افراد مؤمن نسبت به اعمال و اجرای حقوق مذهبی خود، ضروری می نماید.

در ابتدا به ماده نه کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی توجه می شود.

آزادی دین و اعتقاد در ماده نه کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (2) مورد پذیرش قرار گرفته است. این ماده اینگونه بیان می دارد:

1. هرکس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب (دین) دارد، این حق کلی است و شامل آزادی تغییر مذهب (دین) و عقیده و آزادی اظهار آن به صورت فردی یا مجتمعاً با دیگران به شکل خصوصی یا عمومی در عبادت، آموزش، عمل و به جای آوردن [آیین ها] می شود؛

2. آزادی اظهار دین یا عقیده تنها موضوع محدودیت هایی خواهد بود که توسط قانون برای جامعه ای دموکراتیک و به نفع امنیت عمومی، برای حمایت از نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی های دیگران، لازم تشخیص داده شده باشد.

این ماده، در واقع تکرار جامع تر ماده هجده اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948 م) می باشد که بیان می داشت:

(1)*. یادآور می شود که در این قسمت از مقاله مشترك این جانب و جناب آقای حسینی آزاد که با نام جایگاه آزادی دینی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر برای همایش ملی جایگاه ادیان در نظام های حقوقی (تهران 1392) ارسال شد استفاده شده است.

(2). Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 4 November 1950.

هرکس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا باور و نیز آزادی اظهار مذهب یا باور به شکل آموزش، عمل به شعائر، نیایش و به جای آوردن [آیین ها] چه به تنهایی و چه به صورت جمعی نیز می گردد.

بعدها در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز همین حق با عباراتی تقریباً یکسان بیان گردید (ماده هجده). همین طور در اسناد اساسی بین المللی و حقوق بشری در سطح جهانی و منطقه ای به کرات مشاهده می گردد که جهت اجتناب از اطاله کلام از ذکر آنها حذر می کنیم. (1)

در اروپا سند حقوق بشری دیگری نیز در دست است، تحت عنوان منشور حقوق اساسی و اتحادیه اروپا (2) که مصوب پارلمان اروپایی، شورای اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپایی می باشد. این سند نیز در ماده ده با عباراتی مشابه ماده ی هجده اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی مذهب یا دین را به رسمیت می شناسد.

در راستای همین مقررات، اتحادیه اروپا یادآور می شود که آزادی دینی... به طور برابر درباره همه افراد اعمال می شود. این يك آزادی اساسی است که شامل همه ادیان (مذاهب) یا عقاید، از جمله آنهایی که به طور سنتی در کشوری خاص وجود نداشته است، عقاید اشخاصی که اقلیت های دینی هستند، و همچنین غیر خداپرستان و کافران، می شود. این آزادی، حق انتخاب، تغییر یا انکار يك دین یا مذهب را در بر می گیرد. (3)

دیوان اروپایی حقوق بشر، که به موجب بخش دوم کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) و به منظور تضمین رعایت

(1). جهت بررسی موردی اسناد، ر. ک:

Study guide: Freedom of Religion or Belief, University of Minnesota Human Rights Center, 2003; available (at: <http://www1.umn.edu/humanrts/edumat/studyguides/religion.html> (last visited on 1 October 2013

(2). Charter of fundamental rights of the European Union, 7 Des.2000 .

(3). Council Conclusions on Freedom of religion or belief, 16 November 2009 .

ص: 172

تعهدات ناشی از کنوانسیون توسط اعضا، تأسیس گردید (ماده نوزده کنوانسیون)، به فراخور وظیفه ای که به موجب کنوانسیون داشته است، به موضوع نقض حق آزادی دین و مذهب نیز به عنوان یکی از مسائل مبتلا به شورای اروپا، پرداخته است.

صلاحیت دیوان همه امور ناشی از اعمال و تفسیر کنوانسیون را شامل می شود (ماده 32 کنوانسیون). دیوان هم می تواند به دعاوی میان دولتی درباره نقض موادی از کنوانسیون رسیدگی کند (ماده 33 کنوانسیون)، و هم به دعاوی مطروحه از جانب اشخاص. ماده 34 کنوانسیون بیان می دارد:

دیوان، ادعاهایی را از جانب هر فرد، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد - که مدعی اند توسط یکی از طرف های معظم متعاهد، قربانی نقض حقوقی شده اند که در کنوانسیون و پروتکل های آن مقرر شده است - دریافت خواهد نمود. طرف های معظم متعاهد موظف اند مانع اجرای مؤثر این حق به هر صورت نشوند.

کار ویژه دیوان اروپایی حقوق بشر با کمیسیون اروپایی به موجب پروتکل شماره یازده کنوانسیون (1) به منظور بالا بردن اطمینان خاطر در رسیدگی به حجم عظیمی از پرونده های مطروحه نزد این دو نهاد، به شکل دادگاهی واحد ادغام شدند. (2)

در برخورد با موضوعات مطروحه نزد این مرجع بین المللی، در تبیین محدوده عبارت دین یا اعتقاد مذکور در ماده 9، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، گستردگی دارد و علاوه بر اعتقادات دینی سنتی (ادیان بزرگ جهان)، حتی شامل عقاید صلح طلبانه، (3) کمونیست ها (4)، کافران، (5) و اعتقادات منکران وجود خدا (6) نیز می شود. تنها فرقی که میان

(1) (Protocol 11 to the European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms (1994 .

(2) Harris, Boyle and Warbrick, 1995 pp.706 – 714 p. 7 .

(3) .Arrowsmith v. United Kingdom, Application. No, 7050/75,1978 para.69 .

(4) .Hazar and Ac D ik v. Turkey, Applications, No, 16311/90,1991,para,200 .

(5) .Angeleni v. Sweden, Application. No, 104,1,1986,51,DR,41 .

(6) .r das Leben v. Austria, Application No. 10126/82 (1985) 44 DR 65, at 71 ص rzte fu ص Plattform A .

ص: 173

پیروان این عقاید با دین داران ابراهیمی جهان در رویه دیوان وجود دارد، این است که پیروان عقاید غیرسنتی بار اثبات دلیل را در اثبات وجود عقاید خود، بر عهده دارند. (1) اما در مقابل، دامنه ماده 9 را آنچنان بسط نداده است که بتوان مواردی چون عدم تجویز طلاق (2)، پخش اطلاعاتی برای وادارکردن زنان به عدم سقط جنین (3) را نیز در تحت لوای آن مورد حمایت قرار داد. (4) دیوان در رأی این امر را به خوبی بیان می دارد:

دادگاه در اثبات دیدگاه خواهان درباره مساعدت در خودکشی هیچ تردیدی ندارد، با وجود این بایستی اذعان داشت که هر نظر و اعتقادی مشمول عبارت «عقیده» در مفهومی که به موجب بند اول ماده 9 مورد حمایت واقع شده است، نخواهد شد. (5)

در حقیقت، دیوان به این نتیجه رسیده است که عقایدی را مشمول ماده 9 و درنهایت مورد حمایت بداند که به حد ویژه ای از ثبات، جدیت، انسجام و اهمیت رسیده باشند. (6)

دیوان، در مقام اعمال ماده 9، همواره در تکاپوی آشتی دادن عبارات دوگانه بند اول این ماده که حقوقی مطلق را شناسایی نموده، با بند دوم که اطلاق این حقوق را زدوده

و آنان را مقید نموده، بوده است، و در این راه بایستی مسائل چندی را چون حدود ضمانت های مصرح، مقاصد مداخلات دولتی در این حقوق، مطابقت دخالت ها با قانون و ضرورت آنان برای يك جامعه دموکراتیک، در نظر می گرفته است. (7)

به طور کلی باید این گونه بیان داشت که دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر در برخورد با موارد ادعایی نقض حق آزادی دین و عقیده، ضمن احترام به حقوق افراد،

(1) . برای مثال، در پرونده ای که خواهان مدعی وجود عقیده ای تحت عنوان «ویکا» بود، کمیسیون بیان داشت که بر عهده خواهان است که وجود دین (یا مسلک) «ویکا» را اثبات نماید.

.X. v. United Kingdom, Application, Ni.7291/75, 1977,11 DR. P.56

.Johnston and others v. Ireland, application, No 9697/88, 4CHR. Para.63 . (2)

.Van den Dungen v. the Netherlands, application, No, 22 3 193 , 1993 p.147 . (3)

.Murdoch,2007 p. 19 . (4)

.Pretty v The United Kingdom, 2002, para.82 . (5)

.Uitz, 2007, p. 28 . (6)

.Murdoch,2007 p. 10 . (7)

فقط مواردی را که اجازه عدول از این حق را به دولت ها داده است، موارد اضطراری و درواقع ضروری مذکور در بند دوم ماده 9 کنوانسیون بوده است.

دیوان اروپایی حقوق بشر، نظر به موانعی که در سطح جهانی بر سر راه ترفیع استانداردها وجود دارد، خود را پذیرای انتقاداتی کرده است که پیرو گسترش رویه خود درباره مواد 9 و 10 کنوانسیون مطرح شده است. (1)

9. دادگاه اروپایی و حقوق مذهبی

اشاره

حق آزادی دین و عقیده خود يك حق کلی و عام است که به اجزاء دیگر مشتمل بر حقوقی خاص تر تقسیم می شود. به موجب حقوق بین الملل، حق آزادی دین و عقیده شامل دو مؤلفه است:

الف) آزادی در پذیرش، حفظ و یا امتناع از قبول يك دین یا عقیده؛

ب) آزادی در اظهار يك دین یا عقیده، به صورت فردی یا جمعی، در طی مراسم عبادی، انجام آیین های دینی و رعایت آن، و یا هنگام آموزش. (2) مورد اخیر، خود به حق های خاص تری تجزیه می شود. (3)

بند اول: حق آزادی داشتن و پذیرش دین

آزادی داشتن، یا پذیرش دین، متضمن حق آزادی انتخاب مذهب یا دین، از جمله حق جایگزینی دینی جدید به جای دین سابق، همچنین حق نگهداشتن و حفظ يك دین می باشد. (4)

بند دوم ماده نه کنوانسیون که صرفاً آزادی در اظهار دین و عقیده را تحت شرایطی محدود کرده است، گویای این مطلب است که آزادی در داشتن یا حفظ دین، یا

(1) .Taylor, 2005 P.P 26 – 27 .

(2) .Council of Europe, 2013, para 9 .

(3) .Human Rights Council, 2011 p .

(4) .General comment. Nol 22,1993, para5 .

نداشتن آن به هیچ وجه نمی تواند موضوع این محدودیت باشد. (1) در واقع هیچ گونه محدودیتی بر آزادی داشتن یا پذیرش يك دين يا عقیده مجاز نخواهد بود، و این حق از جمله حقوق غیرقابل عدول مذکور در بند دو ماده چهار میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. (2)

حق تغییر دین که از زیرمجموعه های حق کلی آزادی در داشتن و پذیرش دین است، به صراحت در ماده ی 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است (3) و عبارات آن در ماده 9 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تکرار شد؛ در حالی که این حق در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در اعلامیه امحاء همه اشکال تعصب و تبعیضات دینی یا عقیدتی (4) به صراحت مورد اشاره واقع نشده است؛ هرچند این عدم صراحت را نمی توان به معنی عدم تقید به ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر تعبیر نمود. (5) البته برخی بر این باورند که حق آزادی دین را نمی توان به حق تغییر دین گسترش داد، (6) و بیشتر کشورهای خاورمیانه و کشورهای اسلامی همواره با این حق مخالفت نموده اند. (7) این مخالفت بدان دلیل است که تغییر دین از اسلام به يك دين ديگر به معنای عدول از دین مورد رضایت خداوند، به يك دين نسخ شده می باشد.

معمولاً دیوان اروپایی حقوق بشر و همچنین کمیسیون در مقام اعمال ماده 9 در تصمیمات خود، آزادی ترك کردن يك دين خاص را به رسمیت شناخته اند. (8) در پرونده

(1) .Ibid. para 8

(2) .Ibid. para 8

(3) .Un. Doc.A/c.3/3/Sr,127, 1948

(4) Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or .Belief, UN General Assembly, 1981

(5) .Human Rights Council, 2011 p. 6

(6) .Human Rights Council, 2011 p. 7

(7) .El Hajje, 1991 p. 46

(8) Gottesmann v. Switzerland, Application No, 101616/83, 1984, And Darby v. Sweden No, 187, 1995, .ECHR annex to the decision of the Court

کاکیناکیس علیه یونان، خواهان يك شاهد يَهُوه بود(1) که به خاطر بحث هایی که در طی بازبینی که از منزل يك مبلغ ارتدوکس داشت، بیان داشته بود، به موجب قانون یونان به ممنوعیت تبلیغ دینی محکوم شده بود. خواهان، با استدلال هایی منطقی و قانونی بیان داشت که میان تبلیغ دینی و حق آزادی تغییر يك دین و عقیده، ارتباطی ناگسستی وجود دارد.(2) در نهایت دیوان به نفع خواهان تصمیم گرفت و به عدم کفایت دلایل تصمیم دادگاه تجدیدنظر یونان درباره محکومیت کیفری خواهان، نظر داد.(3)

در ادامه یکی از قضات دیوان(4) به رغم هم عقیده بودن با دیوان، نگرانی خود را درباره اینکه دیوان در تصمیم خود به آزادی اساسی در تغییر دین به خوبی توجه نکرده است، ابراز داشت. وی رأی دیوان را از این جهت مورد انتقاد قرار می دهد که به زعم او دیوان در این قضیه به محوری ترین موضوع ماده 9 آن طور که شایسته بوده، نپرداخته است.(5)

بند دوم: حق اظهار دین یا مذهب

اشاره

حق اظهار دین، مؤلفه دوم حق آزادی دین و عقیده است که در اساسی ترین اسناد حقوق بشری جهانی(6) و نیز در ماده 9 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صراحت و در قالب عباراتی همسان مورد توجه واقع شده است.

اشکال متنوع اظهار دین و عقیده، در همه این مواد شامل «عبادت»، «تعلیم دینی»،

(1) . شاهدان يَهُوه (Jehovahs Witness) فرقه ای مذهبی هستند که از شاخه های مسیحیت محسوب می شوند. جهت کسب اطلاعات بیشتر، ر. ک:

(<http://www.jw.org/en/jehovahs-witnesses/> (last visited in 6/10/2013

(2) .Kokkinakis v. Greece .

(3) .Ihib. Para. 49 .

(4) Judge Martens .

(5) .ibid, p. 34 .

(6) . از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه 1981 مجمع عمومی.

«عمل به شعائر» و «انجام مراسم و آیین های دینی» می شود. رویه و رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر معانی و محدوده این موارد را هیچ گاه به طور دقیق و جزئی توصیف، یا تعریف نکرده است. (1)

نکته شایان توجه درباره این دسته از حقوق این است که برخلاف شق نخست، حق آزادی دین، یعنی حق در داشتن، یا پذیرش دین. دسته اخیر در زمره حقوق غیرقابل عدول نیست و در شرایط استثنایی می توان آنان را مقید نمود (2) که نمونه های عملی آن در رویه دیوان در ادامه بیان خواهد شد.

فارغ از اینکه این حق، چه اعتقاداتی را شامل می شود و طبیعت و محدوده آن تا کجاست، که در این مختصر نمی گنجد، در این بند صرفاً سعی می شود حق های خاص ناشی از آزادی اظهار دین را در عملکرد و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، کنکاش شود. (3) پرونده های انبوهی درباره حق آزادی در اظهار دین نزد دیوان مطرح شده است

که جدیدترین آنها در این خصوص، پرونده سینان ایشیک علیه ترکیه است که در آن خواهان، از علویان ترکیه بود و مدعی شده بود که در اوراق هویتی وی باید به جای

(1) .Taylor, 2005 P. 219 .

(2) .General comment, No, 22, 1993, para 1 .

(3) . برای مطالعه بیشتر ر. ک:

Paul M. Taylor, Freedom of Religion; UN and European Human Rights Law and Practice, Cambridge, – university, press, 2005

Renata Uitz, Freedom of Religion in European constitutional and international case law, council of Europe – publishing Belgium, 2007

John J. Patrick Gerald P. Long (Editors), Constitutional Debates on Freedom of Religion, First published – Green wood press, USA, 1999

همچنین، جهت بررسی و مطالعه آماری جایگاه آزادی دین و عقیده در نظام های حقوقی کشورهای مختلف: ر. ک به:

.Kevin Boyle and Juliet Sheen, Freedom of Religion and Belief; A world report, publised

اسلام، عنوان دقیق فرقه یا مذهبی که پیرو آن است، یعنی علوی، درج شود، و این را از حقوق قطعی خود در رابطه با حق اظهار دین قلمداد می‌کرد، (1) که در نهایت دیوان نیز عمل دولت ترکیه را نقض ماده نه کنوانسیون دانست و به نفع خواهان دعوا رأی صادر کرد. (2)

الف) پرستش و عبادت

الف) پرستش و عبادت (3)

مفهوم عبادت به همه تشریفات و آداب دینی اطلاق می‌شود که مختص يك عقیده است و همچنین اعمال متعددی را نظیر ساختن مکانی برای عبادت، استفاده از اشیاء و اوراد مذهبی، نشان دادن علائم، و رعایت روزهای تعطیل، در بر می‌گیرد. (4)

برخلاف کمیته حقوق بشر که در دعوایی که در آن به يك زندانی اجازه نداده بودند، تا در مراسم نمازگزاری شرکت کند و کتابچه دعای او را از وی گرفته بودند، عمل را نقض ماده 18 میثاق دانست (5)، دیوان یا کمیسیون اروپایی در این زمینه همواره از محدودیت های دولتی در خصوص زندانیان حمایت کرده اند. (6) در برخی موارد دیگر نیز اعمال محدودیت در عبادت مورد تأیید کمیسیون واقع شده است. (7)

در خصوص محدودیت های عبادی ناشی از مقررات استخدامی نیز در پرونده ایکس علیه پادشاهی متحده می بینیم که خواهان ادعا می‌کند که بنا به ماده نه کنوانسیون، حق اظهار دین خود در عبادت جمعی با دیگران را داشته است، اما کمیسیون اولاً به دلیل

(1) .Sinan Isik v. Turkey, 2015 P 5 – 11. London, routledge, 1996 .

(2) .ibid, para. 60 .

(3) .worship .

(4) .General comment, no, 22, 1993, para 4 .

(5) .UN Doc. A/57/40 vol. 2, 2002, p.76 .

(6) .Childs v. United Kingdom, Application No. 9813/82, unpublished, decision of 1 March 1983 .

(7) .A. R. M. Chappell v. United Kingdom, Application No. 12587/86 (1987) 53 DR 241 .

ص: 179

عنصر انتخابی که خواهان در هنگام استخدام شدن اداره آموزش لندن داشته است و نیز با اشاره به قابلیت تحدید این حق به موجب بند 2 ماده 9، دعوای خواهان را رد می کند. در این پرونده نیز اصرار خواهان بر این است که حق وی مبنی بر آزادی عبادت اعم از انفرادی یا جمعی نقض شده است. (1)

به عقیده برخی نویسندگان، درك شایسته این رویکرد اروپایی در این خصوص نیازمند بیان این نکته است که دیوان یا کمیسیون، اولاً در این پرونده ها آزادی عبادت خواهان را فقط در تحت شرایط خاص و ویژه همان پرونده محدود ساخته اند، و نه غیر؛ ثانیاً در موارد عادی و معمولی، عبادت به عنوان شکلی از آزادی اظهار دین، هم از جانب کمیسیون (2) و هم از جانب دیوان (3) پذیرفته، و حمایت شده است. (4)

یکی از حق های شایان توجه ناشی از آزادی عبادت و پرستش، داشتن مکانی برای انجام این عبادات است که به طور تاریخی از جمله اصلی ترین قسمت آزادی عبادت بوده است که توسط مقررات مملکتی و در پناه مجوز مذکور در ماده 9 کنوانسیون، مورد محدودیت واقع شده است. (5)

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده مانوساکی و دیگران علیه یونان که خواهان ها یهودیانی بودند که توسط مقامات دولتی از استفاده از مکانی که برای عبادت در اجاره داشتند، منع شده بودند، ضمن بررسی و رد احتمال لزوم وضع محدودیت (طبق بند دو ماده دو) در نهایت نظر داد که با این عمل، ماده نه کنوانسیون نقض گردیده است. (6)

(1) .X. v. United Kingdom, 1981 p. 35.

(2) C. v. United Kingdom, Application No. 10358/83 (1983) 37 DR 142; X. v. United Kingdom, Application No. 8160/78 (1981) 22 DR 27; ISCON and others v. United Kingdom, Application No. 20490/92 (1994) 90 DR 90.

(3) Manoussakis and others v. Greece, Application no. 18748/91, 1996; Metropolitan Church of . (3) Bessarabia and others v. Moldova (2002) 35 EHRR 306.

(4) .Taylor, 2005 P. 242.

(5) .Ibid. P. 243.

(6) .Manoussakis and others v. Greece, 1996, p 53.

در پرونده ای دیگر که در خصوص مکانی برای عبادت علیه روسیه مطرح شده بود، نیز دیوان نقض ماده نه را محرز دانست. (1) در این پرونده، خواهان ها که رئیس و عضو یک کلیسا بودند، در پی ثبت کلیسا به عنوان یک سازمان غیردولتی اجتماعی بر آمدند. این اقدام در نتیجه الزامی بود که به موجب قانونی مصوب 1995 م برای آنها وجود داشت، مبنی بر اینکه هر مؤسسه غیردولتی باید به ثبت برسد. (2) اما درخواست آنها به دلیل اهداف دینی داشتن مؤسسه، توسط مقامات رد شد. (3) آنها مدعی شدند که تمایز قائل شدن توسط قانون میان گروه ها و سازمان های دینی مذهبی از یک طرف، همراه با شرط ارائه سابقه ای حداقل پانزده سال حضور در سرزمینی معین به منظور کسب شخصیت حقوقی به عنوان یک سازمان دینی و مذهبی از طرف دیگر، منجر به نقض حقوق آنها به موجب ماده 9 و... کنوانسیون شده است. (4) دادگاه نیز اعمال ماده 9 را در این پرونده می پذیرد (5) و عمل مقامات دولتی را در عدم اعطای شخصیت حقوقی به مؤسسه خواهان ها را مداخله در حق آنان به موجب ماده نه کنوانسیون دانسته است (6) و سپس مداخله مزبور را توجیه پذیر (بنا بر بند 2 ماده 9 کنوانسیون و حقوق داخلی) ندانسته است و مداخله در حق آزادی دین و اجتماعات را از ضروریات یک جامعه دموکراتیک نمی داند و در نهایت نقض ماده 9 را محرز دانست. (7)

روزهای تعطیل دینی و مذهبی نیز یکی دیگر از جوانب آزادی عبادت و پرستش است که علاوه بر پرونده ایکس علیه پادشاهی متحده که در بالا دیدیم، دعاوی دیگری نیز در این خصوص نزد دیوان یا کمیسیون مطرح شده است که جدیدترین آنها

(1) . (Kimlya and others v. Russia, 2009, para. 113)

(2) . ibid, para 9

(3) . ibid, para 10

(4) . ibid, para 72

(5) . ibid, para 81

(6) . ibid, para 89

(7) . ibid, para 102

ص: 181

پرونده ای است که با این موضوع در سال 2012 م طرح گردید. فرانسیسکو سسیسه، خواهان این پرونده، وکیلی یهودی بود که درخواست تأمین دلیلی را نزد قاضی تحقیق ثبت نموده بود، اما قاضی پرونده وقت رسیدگی را به رغم اصرار وکیل روزی قرار داده بود که مصادف با تعطیلی آخر هفته یهودیان بود. (1) در پی عدم حضور وکیل، قاضی تحقیق پرونده را مختومه و بایگانی نمود. (2) به هر حال، خواهان، ادعا می نمود که امتناع مقام قضایی از موکول نمودن رسیدگی به وقتی که مصادف با روز تعطیلی مذهبی یهودیان است، مانع حضور وی در رسیدگی به عنوان وکیل شده، و به حق او در اظهار دین خود، آشکارا تعدی نموده است (3)؛ اما، دیوان در مقابل استدلال می کند که امتناع از

موکول نمودن وقت رسیدگی به روزی غیر از تعطیلی یهودیان، مداخله در حق آزادی اظهار دین خواهان نبوده است (4)؛ زیرا به موجب قانون آیین دادرسی کیفری داخلی، حضور وکیل شاکی، از موجبات عدم تشکیل جلسه نمی باشد، (5) و برای هر دو طرف محرز است که خواهان می توانسته است آزادانه به انجام اعمال دینی خود پردازد؛ (6) در نتیجه دیوان نتیجه می گیرد که به این دلایل، نقض ماده 9 اتفاق نیفتاده است. (7) و (8)

(1). Francesco sessav. Italy, 2012, p 7.

(2). ibid, para 9.

(3). ibid, para 21.

(4). ibid, para 37.

(5). ibid, para 36.

(6). ibid, para 37.

(7). البته نظریه مخالف مشترکی، توسط قضات تالکنس، پاپویک و کلر به این رأی ضمیمه شد که به پندار آنان عمل انجام شده مداخله در حق آزادی دین خواهان بوده است. به زعم آنان، عمل مقام قضایی مخالف با بهره مندی از آزادی دین به موجب ماده نه کنوانسیون برای اعمال این آزادی به نظر می رسد. (Francesco sessa v, Italy judgment sepaeate opinion, p.7 در نتیجه بر این باورند که از آنجایی که مقامات مجهز به دلیلی نبوده اند که نشان دهد، اقدامات لازم را جهت حفظ حق خواهان بر آزادی دین انجام داده اند، لذا نقض ماده نه کنوانسیون صورت گرفته است. (ibid, p 15)

(8). ibid, p. 39.

ب) انجام مراسم دینی و برگزاری مناسک

ب) انجام مراسم دینی و برگزاری مناسک (1)

انجام مراسم مذهبی و عمل به مناسک نه تنها شامل اعمال تشریفاتی، بلکه شامل سنت هایی چون رعایت پرهیزهای غذایی، پوشیدن لباس های متمایز یا پوشش سر، مشارکت در اجتماعات مراسم مذهبی و استفاده از گویشی خاص، می شود. (2)

نظر به اینکه ممکن است محدوده عبارت «عمل و انجام مراسم» گسترده شود، کمیسیون در پرونده اسمیت علیه پادشاهی متحده، حیطه این اعمال را در دایره اعمال مطلوب یا مجاز محدود ساخت (3) و این رویکرد در تصمیمات بعدی نیز مورد متابعت واقع شد. قاعده ای در این پرونده به رسمیت شناخته شد، که طبق آن کمیسیون بیان می داشت که اعمال دینی شامل هرگونه عملی که توسط يك دين يا عقیده [صرفاً] تجویز یا توصیه شده است، نخواهد شد. (4)

آنچه از رویه دیوان و کمیسیون بر می آید، برای مجاز و مطلوب دانستن اعمال دینی، ضابطه «ضرورت» را اعمال می کنند؛ یعنی عمل مزبور به لحاظ دینی واجب باشد؛ برای مثال، در پرونده ایکس علیه پادشاهی متحده، موضوع «ضرورت» بررسی شد. در این پرونده که خواهان معلم بود و نمی توانست در روزهای جمعه که در انگلستان بایستی به مدرسه می رفت، به خاطر اعمال دینی خود، در مدرسه حضور یابد. چالش میان طرفین این بود که آیا حضور خواهان در مسجد در روز جمعه به موجب اسلام واجب است یا خیر. (5)

در پرونده ای دیگر نیز خواهان ادعا نمود که وی به اتهام ربودن و تجاوز جنسی به دختری چهارده ساله متهم شده است که به موجب اسلام زن شرعی وی بوده، و او در

(1) The observance and practice .

(2) .General comment No. 22, 1993, para 4 .

(3) .Arrowsmith v. United Kingdom, para 19 .

(4) .ibid, para 71 .

(5) .X. v. United Kingdom, 1981 para 6 .

دین خود حق ازدواج با این دختر را داشته است. اما کمیسیون به آن دلیل که این عمل از ضروریات دینی خواهان نبوده است، عمل دولت را نقض ماده نه کنوانسیون ندانست. به نظر کمیسیون، واژه «اعمال» مندرج در ماده نه هرگونه عملی را که به موجب یک دین تجویز، یا توصیه شده است در بر نمی گیرد. (1)

در پرونده ای دیگر نیز دیوان اروپایی حقوق بشر درباره دعوی کسانی که به دلیل استفاده از نشانه ای دینی (صلیب)، و امتناع از وظایف شغلی خود به علت محدودیت های اعتقادی، مورد تعقیب انتظامی قرار گرفته بودند، باز به این معیار توجه کرد. در این پرونده، خواهان اول (Eweda) از کارکنان شرکت هواپیمایی بود که به موجب نظامات پوششی لازم بود هرگونه زینت آلات و پوششی که از نظر دینی واجب است، تمام وقت در زیر لباس قرار گیرد (البته زنان مسلمان اجازه استفاده از حجاب داشتند). او که صلیبی را آشکارا بر گردن آویخته بود و بابت این عمل به ترك محل کار اجبار شده بود، در مراجع داخلی با این استدلال دعوایش رد شد؛ زیرا به زعم این مراجع، آشکار نمودن نماد در خارج از یونیفورم از واجبات و ملزومات دینی او نبوده، و عمل کارفرما نقض ماده نه کنوانسیون نبوده است. (2) اما دیوان، نظری دیگرگونه داشت. دیوان بر این عقیده بود که مقامات داخلی از حق او در اظهار دینش حمایت کافی ننموده، و عمل آنان نقض تعهد ایجابی ماده نه کنوانسیون است. (3)

خواهان دوم این پرونده، خانم چاپلین، (4) مسیحی و در بیمارستانی دولتی پرستار بود. او نیز از گردنبندی صلیب نشان در محیط کار استفاده می کرد و وقتی از درخواست کارفرما مبنی بر عدم استفاده از آن گردنبند امتناع ورزید، از سمت پرستاری برکنار شد. (5)

(1) .Khan v. United Kingdom, 1986 p255 .

(2) .E weida and thers v. the united kingdom, 2013 p. 14 – 17 .

(3) .ibid, para 95 .

(4) .Chaplin .

(5) .ibid, para 19, 20 .

ص: 184

دیوان در بررسی این پرونده اذعان نمود که عمل کارفرما دخالت در حق آزادی خواهان در اظهار دینش می باشد، (1) اما از آنجایی که کارفرمای خواهان مقام دولتی بود، دیوان بنا به دلایل موجود در پرونده و علل ممنوعیت پوشیدن جواهرآلات در هنگام کار، به این نتیجه رسید که این کار، در حیطه محدودیت های مندرج در بند دوم ماده نه کنوانسیون بوده و عمل خواهان را فی نفسه عملی نامناسب نمی داند، اما دخالت به عمل آمده در آزادی اظهار دین او توسط کارفرما از ملزومات یک جامعه دموکراتیک است و

از این رو عمل کارفرما نقض ماده 9 کنوانسیون نبوده است. (2) در حقیقت دیوان به دنبال آن است که مرز واجبات را از نمادها تفکیک کند که در جای خود امر مطلوبی است.

درباره شرکت در مراسم و آیین های دینی نیز، از پرونده ایکس علیه بریتانیا به دست می آید که موضوع شرکت معلم هندی تبار ساکن انگلستان در مراسم دینی مسلمانان به عنوان نماز جمعه به طور جدی مطرح بود که آنجا نیز خواهان مدعی بود حق وی در انجام مراسم جمعی نماز جمعه، یکی از جوانب آزادی در اظهار دین می باشد. (3)

از دیگر موارد عمل به مناسک، چگونگی پوشش است که به خصوص در رابطه با مسلمانان زیاد با این موضوع برخورد می کنیم. یکی از معروف ترین دعاوی مطروحه نزد دیوان در این باره، دعاوی کوز و دیگران علیه ترکیه است. در این دعوا خواهان ها دانش آموزان مسلمان دبیرستانی بودند، که در مدرسه ای دینی و دولتی درس می خواندند. این دانش آموزان بنا به اعتقادات خود و خانوادهایشان، همواره با حجاب به مدرسه می رفتند. تا اینکه در 26 فوریه 2002 م از پذیرش دانش آموزان محجبه در مدرسه امتناع شد. (4) خواهان ها مدعی نقض حقوق خود به موجب مواد متعددی از

(1) .ibid, para 97

(2) .ibid, para 100

(3) .X. v. United Kingdom, 1981, para 4

(4) .Kose and others v. Turkey, 2006, para 1

ص: 185

کنوانسیون، و از جمله ماده 9، شدند. (1) دیوان در تصمیم خود در نهایت به این نتیجه می رسد که پوشیدن یونیفورم مدرسه و عدم پوشش سر برای تمامی دانش آموزان، صرف نظر از اعتقادات مذهبی آنان الزامی بوده است؛ در نتیجه با اینکه حق خواهان ها در آزادی دین تا حدی مورد مداخله قرار گرفته است، اما دیوان نقض ماده 9 را بر نمی تابد. (2)

مورد دیگر خانمی بود که استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول بود. که از ابتدا با پوشش اسلامی وارد دانشگاه می شد. او نیز به طور رسمی به خاطر پوشش دینی اش در هنگام تدریس بارها توبیخ شد تا اینکه در سال 1998 م تصمیم گرفت از پست خود استعفا کند. (3) خواهان نزد دیوان این گونه بیان می دارد که ممنوعیت او در پوشیدن حجاب به هنگام تدریس، حق او را به موجب ماده نه نقض نموده است. (4)

دیوان پس از ملاحظاتی چند این گونه بیان می دارد که در يك جامعه دموکراتیک، دولت می تواند محدودیت هایی را در زمینه پوشیدن حجاب اسلامی در صورتی که این حجاب با اهدافی که در حمایت از حقوق و آزادی های دیگران و نظم عمومی تعقیب می شود، ناسازگار باشد، وضع کند. در نتیجه عمل دولت ترکیه را نقض ماده 9 نمی داند. (5) این همان نتیجه ای است که در مواردی مشابه در قضیه دهلب علیه سوئیس (6) و لیلا- شاهین علیه ترکیه (7)، دیوان به آن دست یافت. در قضیه لیلا- شاهین نیز دیوان بیان داشت که وضع محدودیت برای پوشیدن حجاب اسلامی در دانشگاه، ناشی از قانون و منطبق

(1) .ibid, para 8

(2) .ibid, para 15

(3) .Kurtuimus Turkey 2006, p 1

(4) .ibid, p. 3

(5) .ibid, p. 6

(6) .Dahlab v. Switzerland, 2001 ECHR

(7) .Leyla ahin v. Turkey, ECtHR, 2005

ص: 186

با موارد مشروع مندرج در بند دوم ماده 9 کنوانسیون صورت گرفته است، و در نتیجه از دیدگاه دیوان ماده 9 نقض نشده است. (1)

ج) تعلیمات دینی و آموزش

ج) تعلیمات دینی و آموزش (2)

بر اساس تعریف ارائه شده توسط کمیته حقوق بشر، این حق اعمالی را شامل می شود که ارتباط تنگاتنگ با رفتارهای گروه های مذهبی دارند، همچون آزادی انتخاب

رهبران دینی، کشیش (مجتهد) و معلمان، آزادی تأسیس مدارس دینی یا سمینارها و آزادی تدارک و توزیع متون دینی یا انتشار آنها. (3)

علاوه بر مفاد ماده 9 کنوانسیون که حق آزادی دین را به طور کلی بر شمرده، در خصوص حق آموزش دینی، فراز دوم ماده 2 از نخستین پروتکل الحاقی به این کنوانسیون، برای والدین حق آموزش و تعلیم فرزندان خود را منطبق با اعتقادات دینی و فلسفی شان محترم می شمارد.

اما رویه دیوان اروپایی حقوق بشر درباره تبیین حدود این فعالیت ها همیشه محافظه کارانه بوده است. (4) درباره تبلیغ دینی در پرونده کاکیناکیس علیه یونان حق اظهار دین را شامل متقاعد کردن يك نفر دیگر از طریق آموزش دادن دانست. (5) در واقع دیوان اظهار می دارد که اشکال خاصی از تبلیغ دینی می تواند به عنوان تعلیم تلقی شود، اما در کل حدود دقیقی برای آن مشخص نکرده است. اما به هر حال، حق تعلیم و آموزش دینی بی تردید هم در نظام ملل متحد و هم در نظام اروپایی به رسمیت شناخته شده است. (6)

(1) .ibid, para 71 98 .

(2) .Teaching .

(3) .General comment No. 22, 1993 para 4 .

(4) .Taylor, 2005 P. 217 .

(5) .Kokkinakis v. Greece, 1993. para 31 .

(6) .Taylor, 2005. P. 265 .

ص: 187

درباره مفهوم آموزش دینی ضمن برنامه های درسی مدارس دولتی یا صرفاً در مؤسسات و مدارس دینی، اختلاف نظر وجود دارد و قاضی والتیکوس (1) در نظریه مخالف خود در پرونده کاکیناکیس علیه یونان آموزش و تعلیم را شامل هر دو مورد می دانست. (2)

از مسائل مبتلابه در این خصوص، تربیت دینی در هنگام حضانت فرزندان است که هم نزد کمیته حقوق بشر ملل متحد و هم دیوان اروپایی حقوق بشر به کرات مطرح شده است؛ مثلاً در پرونده پالائو مارتینز علیه فرانسه بود که در آن به موجب دستور دادگاه، فرزندان را که از طریق مادر یا محیط ممکن بود به سمت کیش شاهدان یهوه کشیده شوند مجاز به اقامت با پدر کرده بود. (3) مادر فرزندان، جدا کردن آنها را به این دلیل که خوف گراییدن به آیین شاهدان یهوه می رود در تناقض با حق آزادی دین مندرج در ماده 9 می دانست، (4) اما در نهایت دیوان این موضوع را نقض ماده 9 ندانست و موضوع را مربوط به مواد 8 (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی) و 14 (منع تبعیض) دانست که موضوع این مقاله نیست. (5) نتیجه ای مشابه در پرونده هافمن علیه استرالیا نیز توسط دیوان اتخاذ شد. (6) و (7) غیر از این موارد، که هر دو از نقض ماده 9 در کنار «تبعیض» ماده 14 مطرح شده بود، پرونده ای را نمی توان یافت، و در نتیجه این پرونده ها نمی توانند گویای محدودیت های بالقوه بر آزادی آموزش دینی حتی در خانه باشند. (8)

Judge Valticos . (1)

.Kokkinakis v. Greece, 1993 p. 27 . (2)

.Palau – Martinez v. France, 2003 p 13 . (3)

.Ibid. para 14 . (4)

.Ibid, p 46 . (5)

.Hoffmann v. Austria, 1993, para 38 . (6)

(7) . در این پرونده نیز دادگاه از اعطای حضانت اطفال به مادر به علت دین و اعتقادات او که از شاهدان یهوه بود، امتناع ورزید.

.Taylor, 2005, P. 269 . (8)

ص: 188

جدیدترین پرونده ای که در این خصوص نزد دیوان مطرح شد و شایان توجه است، قضیه فاگرو و دیگران علیه نروژ است. (1) به طور خلاصه می توان گفت در نروژ که کشوری با اکثریت جمعیت مسیحی است، از سال 1739 م آموزش آیین مسیحیت نیز یکی از مواد برنامه های آموزشی مدارس این کشور بوده است تا اینکه در سال 1889 م اقلیت غیرمسیحی از گذراندن این دروس معاف شدند. (2) از پاییز 1997 م موضوع درسی با عنوان (3) KRL را وارد برنامه های آموزشی ابتدایی نمودند و جایگزین درس مسیحیت و فلسفه حیات شد، و از سال 1999 م و 2000 م این درس به همه سطوح وارد شد. (4) به موجب قانون، برای اقلیت، شرط معافیت از آن دروس و جایگزینی دروس دیگر (به درخواست والدین) هم وجود داشت. (5)

این پرونده مربوط به شکایت والدینی غیرمسیحی بود که امتناع مقامات داخلی را از اعطای معافیت کامل در خصوص عنوان درسی اجباری KRL نقض حقوق خود به موجب ماده 9 کنوانسیون و همچنین ماده 2 پروتکل شماره يك، می دانستند. (6) البته در این پرونده نیز به تنهایی بر ماده 9 تکیه نشد و ادعای نقض آن را در پیوند با مواد 14 و 8 داشتند.

دیوان برای پاسخ دادن به ادعاهای مذکور، نظر به شرایط دموکراتیک يك جامعه و نیز احترام و پذیرش نظر اکثریت قضات و لحاظ نظم عمومی، از شناسایی برخی حق های ادعایی خواهان ها حذر، و شیوه احتیاط را دنبال کرد و ابتدا به بررسی برنامه آموزشی و عنوان درسی KRL پرداخت تا به این پاسخ برسد که آیا دولت در این برنامه

(1) .Folgerg and others, 2007.

(2) .ibid, para 9 – 10.

(3) .(Christianity, religion and philosophy (kristendoms kunnskap med religionsog livssynsori entering .

مسیحیت، دین و فلسفه

(4) .ibid, p 28.

(5) .ibid, para 18.

(6) .ibid, para 3.

ص: 189

شیوه های بی طرف (علمی و بدون اعمال نظر خاص)، انتقادی و کثرت گرایانه را در پیش گرفته است، یا رویکردی تلقینی داشته است؟ (1) و اینکه آیا آموزش به گونه ای بوده است که متناقض با اعتقادات والدین آن بچه ها باشد؟ (2) در نهایت دیوان به پرسش اخیر پاسخ منفی می دهد و عدم اعطای معافیت از گذراندن دروس KRL را از جانب مقامات آموزشی دولتی، نقض ماده 2 پروتکل اول می داند. (3) البته در خصوص مواد چهارده و نه لزومی نمی بیند که به طور جداگانه به آنها پردازد. (4)

10. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و آزادی مذهبی

اشاره

کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم که براساس بخش دوم منشور بانجول، (5) و به منظور تضمین اجرای مقررات آن منشور تشکیل شده است، در طی بیش از 25 سال توانسته است به پرونده هایی بالغ بر 260 مورد رسیدگی کند. (6)

مقوله آزادی دین، و حق افراد در این خصوص در ماده 8 اعلامیه یا منشور به این ترتیب آمده است: «آزادی وجدان، حرفه و اعمال آزادانه دین تضمین خواهد شد. هیچ کس موضوع قانون یا دستوری مبنی بر اقدامات محدودکننده اعمال این آزادی ها نخواهد بود».

ماده 8 این منشور به این حد از بیان آزادی دین بسنده نموده، و همچون ماده 9 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به شرح این حق همت نکرده است. می دانیم که ماده 9

(1) .ibid, para 85

(2) .ibid, para 87

(3) .ibid, para 102

(4) .ibid, para 105

(5) African Charter on Human and Peoples Rights (Banlul Charter), (Adopted 27 June 1981, OAU Doc. .)

(CAB/LEG/69/3 rev. 5, 21 I.L.M 58 (1982), entered into force 21 October 1986

(6) /see: <http://www.achpr.org/about>

کنوانسیون اخیرالذکر در دو بند ابتدا حق آزادی دین و عقیده را به رسمیت شناخته، و سپس استثنائات ممکن بر آن را بیان داشته، و نیز به حق های برآمده از آن، یعنی حق اظهار دین و عقیده نیز پرداخته است.(1)

به فراخور این توجه به ظاهر اندک منشور، به حق، آزادی دین و اظهار آن، پرونده هایی که به استناد نقض ماده 8 نزد کمیسیون مطرح شده است، نیز به نسبت دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر اندک و ادعای نقض این ماده چندان زیاد نبوده است. مجموع تمام پرونده هایی که در دو دهه اخیر به ادعای نقض ماده نه منشور بانجول نزد کمیسیون آفریقایی حقوق بشر مطرح شده است، بیانگر رویکرد کم و بیش مشابه این دو دیوان در مورد حق مذهبی است؛ هرچند تفاوت هایی نیز وجود دارد که مهم ترین آنها را در معنای دین و نحوه شناسایی آن می توان ملاحظه کرد.

الف) نگاهی به آراء

در پرونده ای که به ادعای نقض ماده 8 علیه سودان مطرح شده بود، کمیسیون اظهار داشت که این ماده را باید تحت ماده دو مبنی بر برخورداری مساوی همه افراد از حقوق این منشور، تفسیر و اعمال نمود.(2) همچنین طبق نظر کمیسیون، از آنجایی که حمایت های کافی از آزادی دینی در خصوص مسلمانان در سودان وجود دارد، کمیسیون نمی تواند با اعمال این قانون، موجب تبعیض ناروا علیه دیگران شود. به زعم کمیسیون، نمی توان مقررات شریعت را بر غیرمسلمانان جاری کرد.(3) دادگاه های سودان باید به این موضوع توجه کنند و به تعهدات بین المللی خود مبنی بر دادرسی منصفانه پایبند باشند

Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome, 4.XI.1950, article. . (1)
9.

Loosli Bachelard, Lawyers Committee for Human Rights, Association ق Amnesty International, Comit . (2)
of Members of the Episcopal Conference of East Africa V. Sudan, no. 48/90-50/91-89/93, p72

Ibid. para.73-74 . (3)

ص: 191

و مقررات شریعت را در خصوص غیر مسلمانان اعمال نکنند. (1)

ادعا شده بود که غیر مسلمانان نمی توانند به عبادت پردازند و حتی برای به اسلام گرویدن تحت فشار قرار می گیرند. همچنین ادعا شده است که غیر مسلمانان از نظر کاری و آزادی بیان در مطبوعات و حتی دسترسی به منابع غذایی دچار تبعیض و فشارهای ناروا هستند. کمیسیون با بررسی همه این موارد، در نهایت به این نتیجه می رسد که از آنجایی که این دولت نتوانسته است، دلایلی محکمه پسند و کافی بر رد ادعاهای مزبور ارائه کند، نقض ماده 8 را محرز، و ثابت تشخیص می دهد. (2)

در دعوی دیگری نیز که علیه مصر اقامه شد، ادعا شده بود که حقوق خواهان به موجب این منشور به خاطر اعتقادات دینی او به صورتی تبعیض آمیز نقض شده است. همچنین اظهار شد که به وی اجازه ابراز آزادانه افکار مذهبی اش را نداده اند. (3)

نکته متفاوتی که در این پرونده مطرح شده است، توجیه رأی دادگاه براساس اضطراب می باشد، اما کمیسیون در اینجا و در برخی فرصت های دیگر، همواره اشاره داشته است که منشور به دولت ها اجازه نمی دهد که از تعهدات خود به بهانه اوضاع اضطراری عدول کنند. کمیسیون به این اصل معتقد است: «محدود نمودن حقوق بشر، راه حل مشکلات ملی نیست». (4)

ب) مقایسه و نتیجه گیری

با بررسی آرای کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و نگاهی مقایسه ای میان این آرا با یکدیگر و نیز با آرای سایر همتایان بین المللی این کمیسیون، نظیر دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر، به نتایجی جالب و قابل توجهی نائل می شویم.

Ibid. para.74. (1)

Ibid, para.76. (2)

INTERIGHTS and the Egyptian Initiative for Personal Rights V. Egypt, no. 312/05, p3 . (3)

Ibid. para.3. (4)

ص: 192

نخست، کمیسیون در برخورد با مسائل مربوط به آزادی دین بیش از آنچه انتظار می رود، در بررسی های خود وسواس به خرج می دهد و جانب حق را می گیرد. شاید این دیدگاه از گوناگونی قومی و مذهبی قاره آفریقا ناشی شده باشد که نتیجه آن را در نحوه تدوین ماده 8 منشور بانجول نیز می بینیم که برخلاف سایر کنوانسیون های مشابه، هیچ استثنایی را برای عدول از قواعد آن، حداقل اگر منع نکرده، بدان تصریح نیز نکرده است تا دست دولت ها را در این بین باز نگذارده باشد. شاید سختگیری های کمیسیون نیز پیرو بیان قاطع و محکم منشور شکل گرفته باشد.

این رویکرد از آن جهت قابل توجه است که کمیسیون در حمایت از حق آزادی دین، همچون دیوان اروپایی حقوق بشر به تردید و ضعف دچار نشده است. همان طور که یکی از قضات دیوان اروپایی بیان می کند: «در واقع، دیوان نتوانسته است در مواجهه با قضایایی که به تعارض میان جوامع دینی مربوط است. همیشه محدودیت های قضایی مشابهی را مقرر دارد»؛⁽¹⁾

دوم، رویکرد کمیسیون در شناسایی ادیان غیرابراهیمی با احتیاط بیشتری بوده است؛ زیرا نگرانی ناشی از نوع مناسک این ادیان آثار مطلوبی ندارد؛

سوم، برخلاف کمیسیون رویه دادگاه اروپایی در شناسایی انجام مناسک تا آنجا می باشد که اصول نظام جامعه دموکراتیک خدشه دار نشود. این رویکرد ناشی از جایگاه حاکمیتی در حقوق بین الملل است. آثار این نگاه را در نوع آرای صادره از سوی این دادگاه می توان ملاحظه کرد.

(1) .Leyla ahin v. Turkey, Dissenting opinion of judge Tulkens, para 2 .

see. Serif v. Greece, no. 38178/97, ECHR 1999-IX, and Metropolitan Church of Bessarabia and Others v. Moldova, no. 45701/00, ECHR 2001-XII

ص: 193

آزادی دین و عقیده، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در مهم ترین اسناد بین المللی و نیز قوانین داخلی، در محدوده ای خاص تر مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، و همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر و منشور دیوان آفریقایی حقوق بشر قرار گرفته است.

چون حق کلی آزادی دین به دو جزء اصلی، یعنی حق داشتن و پذیرش دین و حق اظهار دین منقسم می شود، رویکرد دیوان یکسان شکل نگرفته است. حق داشتن، تغییر یا پذیرش دین از حقوق غیرقابل عدول بشری تعریف شده است و جزء دوم آن، یعنی حق اظهار دین، قابل تجدید و عدول می باشد. بنابراین برخورد دیوان نیز با این دو مقوله دوگانه بوده، و همواره با این پیش زمینه عمل نموده است. موضوع عدول یا تغییر دین در دو دیوان به یک صورت نبوده است، و دادگاه اروپایی حقوق بشر گسترده تر به این مسئله پرداخته است.

پس از بررسی پرونده های مطروحه نزد دیوان و مشاهده رویه آن به این نتیجه می توان رسید که در مواردی که سخن از نقض حق و آزادی داشتن، پذیرش و یا تغییر دین بوده است، دیوان اروپایی حقوق بشر، مستحکم، در مقابل خواست دولت ها ایستاده و حق ادعایی افراد را مورد حمایت قرار داده است. اما در موارد ادعای نقض بخش دوم، یعنی حق اظهار دین، دیوان به این صورت عمل نکرده؛ بلکه تلاش کرده

است که این گونه رأی صادر نکنند و همواره به مؤلفه ها، عوامل، ضوابط و شرایط متعددی با لحاظ عنصر حاکمیت در حکم خود توجه کند، که به نتایج بسیار مختلف و گاه جالب نیز رسیده است.

دیوان، در برخی موارد حق اظهار دین افراد را با پشتوانه ای که بند دوم ماده 9 کنوانسیون برای او مهیا ساخته است، مقهور الزامات اجتماعی، سیاسی یا نظم عمومی نموده و به محدود نمودن آنها اعتقاد داشته است و مواردی نیز این حق را به رغم ادعاهای مختلف دولت ها مبنی بر لزوم مقید نمودن آن، مورد حمایت قرار داده و به رسمیت شناخته است.

ص: 196

حمایت از حجاج بیت الله الحرام در کشور خویش و در کشور میزبان را به عنوان يك وظیفه شرعی مورد پذیرش همگان قرار گرفته است. حج گزار از آنجا که مصداق ضیوف الرحمن یا وفدالله است، جایگاه خاصی دارد که در نتیجه علاوه بر بهره مندی از فیوضات معنوی و کسب رضایت خداوند، از حمایت های دولت های خویش و میزبان نیز برخوردار، و دارای حمایت ویژه می شود. امروزه این حمایت در قالب گفتمانی تحت عنوان حقوق بشر قرار می گیرد.

حقوق بشر در معنای حمایت از انسان ها به دلیل برخورداری از کرامت ذاتی تفسیر شده است. در آموزه های دینی این حمایت به منظور ایجاد فرصت در رشد و تعالی معنوی انسان تلقی شده است؛ هرچند کرامت ذاتی او نیز مورد پذیرش است. این نکته گفتمانی است که رویکرد حقوق بشر، رویکرد حمایتی است؛ در حالی که رویکرد آموزه های اسلامی، هدایتی و حمایتی است و حمایت انجام شده از مؤمنان نیز به منظور تحقق هدف خلقت در راستای هدایت است. تلاش این تحقیق بر آن بود که هم با رویکرد حمایتی و هم رویکرد هدایتی، سازوکارهای حمایتی از حجاج، به ویژه حجاج ایرانی، در سرزمین وحی روشن شود.

از آنچه گذشت به دست می آید که آموزه های اسلامی در چند بعد ابزار حمایتی را مدنظر قرار داده اند. از يك جهت، انتخاب اسامی خاص با رویکرد حمایتی برای

سرزمین وحی که حاکی از قرنطینه سازی محیط بیت الله برای حجاج است، و از طرف دیگر وضع احکام خاص مربوط به بیت الله، شامل ممنوعیت حمل سلاح، مگر برای دفاع یا شمشیر مسافر به گونه ای که محیط امن الهی، ناامن نشود. همچنین شناسایی حقوق حج گزاران که در واقع این شناسایی مهم ترین قدم در حمایت از حجاج می باشد. از طرف چهارم تبیین سازوکارهایی که از طریق آن بتوان از حجاج حمایت به عمل آورد. برخی از این سازوکارها بر عهده خود حجاج است که از یکدیگر حمایت کنند، و برخی بر عهده حاکم جامعه اسلامی است. در واقع شارع مقدس از همه ظرفیت های موجود برای حمایت از حجاج استفاده کرده است.

در کنار رویکرد فقهی به مسئله، و حمایت از حجاج در قالب ادبیات حقوق بشری، تلاش شد که از آموزه های نظام بین المللی حقوق بشری نیز استفاده شود. در این راستا تلاش شد که با تأکید بر رویه قضایی دادگاه اروپایی و آفریقایی حقوق بشر، مسئله دنبال شود. آنچه از این رهگذر حاصل شد، آن است که در آموزه های حقوق بشری سعی شده است ابتدا، مجموعه ای از اسناد بین المللی تصویب شوند. تصویب این اسناد به منزله شناسایی حقوق بنیادین بشر می باشد. آن گاه، مجموعه ابزارهای حمایتی در راستای اجرایی شدن این حقوق بنیان شده است. این ابزارها شامل، وضع قوانین داخلی، ایجاد ساختارهای اجرایی، قضایی و نظارتی، تعقیب و مجازات برای ناقضان، راه اندازی کمیته های ناظر، ایجاد گزارشگران ویژه و در نهایت استفاده از سازمان های مردم نهاد است.

اگرچه نظام بین المللی حقوق بشر، حق را در معنای حق داشتن خلاصه، و فقط به این مقدار بسنده کرده است که حقوق افراد را براساس کرامت ذاتی آنها شناسایی کند و به دنبال درست بودن یا نبودن آنها نباشد، ولی آموزه های اسلامی از آنجا که داعیه هدایت دارد، تنها به دنبال مسئله حق داشتن نیست. بلکه حق در معنای حق بودن را نیز مدنظر قرار می دهد. از این رو به هر حقی معتقد نیست و حقوق موجود را نیز به هر صورتی قابل اعمال و اجرا نمی داند. اما این رویکرد، به معنای ایجاد محدودیت در حقوق

حجاج نیست؛ بلکه به معنای حمایت از حجاج در مسیر هدایت و بندگی است. این سخن بدان معناست که حمایت و هدایت هر دو موضوعیت دارند. این تفاوت در دو رویکرد حقوق بشری و حقوق اسلام وجود دارد. در عین حال نویسنده تلاش کرد تا حد امکان و تا آنجا که اصول اسلامی خدشه دار نشوند از هر دو رویکرد، سازوکارهایی را برای حمایت از حجاج شناسایی کند.

به نظر می‌رسد همچنان که يك بار دیگر در قطعنامه مراسم براثت سال 1374 ه. ش ذیل بند هفتم آمده است، تدوین منشور حقوق بشر از دیدگاه اسلام با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره، و در رویکرد عملیاتی، اجرایی، مدنظر سازمان همکاری کشورهای اسلامی قرار بگیرد. قرائن و شواهد حاکی از آن است که این سازمان در مسئله مکه و مدینه رویکرد فراحاکمیتی را دنبال نکرده است و گویا همچنان این دو منطقه امن الهی را تحت سیطره واقعی و همه جانبه دولت عربستان می‌داند. بدیهی است که در این صورت نمی‌توان اجرای حقوق بشر اسلامی را انتظار داشت؛ زیرا امروزه بیشترین نقض حقوق بشر حجاج توسط مأموران و کارگزاران دولت سعودی است. هرچند این دولت به گونه‌ای موضوع را به حالت فرافکنی درآورده است و اقدامات صورت گرفته در محیط امن الهی را با عناوینی از قبیل، استناد دادن این اعمال به نیروهای بنیادگرای غیردولتی، توجیه کرده است؛ ولی این توجیه سالب مسئولیت حاکمیتی دولت عربستان نسبت به این گروه‌ها نیست.

هدف مهم این اقدامات بین‌المللی نه فقط حمایت از حجاج در سرزمین وحی، بلکه حمایت این کنگره عظیم الهی از همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم است. توجه به این موضوع ضروری است که همه مسلمانان مظلوم عالم، به ویژه ملت فلسطین و میانمار، از این کنگره بزرگ، توقع حمایت داشته باشند؛ زیرا این اجتماع پرشکوه ظرفیت حمایت همه جانبه، اعم از مالی، اقتصادی، جانی، امنیتی و سیاسی، نسبت به همه مسلمانان را دارد. بنابراین دو مفهوم حج برای حقوق بشر و حقوق بشر برای حج، باید خود را در این فضا نشان دهد. حمایت حج از حقوق انسان‌های مظلوم و مسلمان سراسر جهان و

حمایت از همه انسان ها به طور عام و از حجاج به طور ویژه، انتظاری است که از این گردهمایی بزرگ انسانی مؤمنانه می رود.

گفتنی است این اقدام کشورهای اسلامی افزون بر آنکه يك اصل خودکنترلی را شکل می دهد، و دولت های اسلامی را وادار به انجام تعهدات حقوق بشری می کند، زمینه ایراد و اعتراضات مختلف را نیز در این زمینه از بین خواهد برد و در غیر این صورت و رعایت نکردن اصول مذکور، عملاً ضمانت اجرای اعمال مطالبات حقوق بشری، با مشکل مواجه می شود و در عوض می توان گفت که مسیر حقوق بشر راهی است که فرصت های آتی بهتری را برای حمایت از حجاج فراهم خواهد آورد و تجربه نشان داده است که چنین مسیری عملی است.

پیشنهادها:

1. برخوردارشدن از گزارشگران ویژه در مسئله حج و ارزیابی رفتار دولت عربستان در این رابطه؛
2. تأسیس دادگاه حقوق بشر اسلامی در راستای تضمین حمایت ها؛
3. ارائه گزارش سالیانه در کنگره عظیم حج به حجاج توسط دولت عربستان و وجود ابزارهای اطمینان بخش برای سنجش گزارش های مذکور؛
4. بهره مندی از نهادهای نظارتی بر عملکرد دولت با تصویب سازمان همکاری کشورهای اسلامی؛
5. شناسایی حرمین شریفین به عنوان منطقه آزاد اسلامی شبیه آنچه در حقوق دریاها و در حوزه دریاهاى آزاد وجود دارد.

1. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر، بی تا.
2. آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل، سعید رهایی، قم، دانشگاه مفید، 1389 ه. ش.
3. آزموده ها، معاونت امور روحانیون، تهران، نشر مشعر، بی تا.
4. آزموده ها، معاونت امور روحانیون، قم، نشر مشعر، [بی تا].
5. آیین زندگی، احمد حسین شریفی، قم، دفتر نشر، 1384 ه. ش.
6. آیین وهابیت، جعفر سبحانی، تهران، نشر مشعر، 1364 ه. ش.
7. آئینه رمضان، محمد حسین فلاح زاده، تهران، نشر مشعر، 1377 ه. ش.
8. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، محمد تقی رهبر، تهران، نشر مشعر، 1377 ه. ش.
9. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، 1403 ه. ق.
10. الاحکام السلطانیه، ماوردی.
11. اخلاق در اداره، حسین مظاهری، چاپ دوازدهم، قم، بوستان کتاب، 1392 ه. ش.
12. ادب و آداب زائر، حسین انصاریان، تهران، نشر مشعر، 1387 ه. ش.
13. اسرار عرفانی عمره، محمد تقی فعالی، تهران، مشعر، 1387 ه. ش.
14. اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، مصطفی دانش پژوه، تهران، وزارت امور خارجه، 1381 ه. ش.
15. افشای يك توطئه، حمیدرضا آذیر، علی آل محسن، تهران، نشر مشعر، 1385 ه. ش.

16. الكافي، (ط - دارالحدیث)، ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحدیث للطباعة و النشر، 1429 هـ. ق.
17. المبسوط فی فقه الامامیه، محمد بن حسن طوسی، تهران، چاپ سوم، المكتبة المرتضوية، 1387 هـ. ش.
18. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، قم، جامعه مدرسین، 1417.
19. الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، دخیل علی بن محمد علی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1422 هـ. ق.
20. المنتخب من تفسیر التبیان، ابن ادیس حلی ابو عبدالله محمد بن احمد، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1409 هـ. ق.
21. با کاروان ابراهیم در سال 71، رسول جعفریان، محمد علی خسروی، نشر مشعر، 1371 هـ. ش.
22. با کاروان صفا در سال 82، رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر، 1383 هـ. ش.
23. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403 هـ. ق.
24. بررسی فتوای تکفیر در نگاه مذاهب اسلامی، حسین رجبی، تهران، نشر مشعر، 1388 هـ. ش.
25. پرسمان ولایی (1)، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، 1390 هـ. ش.
26. پنج گفتار در برائت (تحقیق سینا محقق)، عبدالله آل نجد، نجف [بی نا] و [بی تا].
27. پیش درآمدی بر فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، معاونت امور روحانیون، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، 1387 هـ. ش.
28. تأویل الدعائم، ابن حیون، نعمان بن محمد، چاپ دوم، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
29. تفسیر الوسیط، وهبة بن مصطفى زحیلی، دمشق، دارالفکر، 1422 هـ. ق.
30. تفسیر روح البیان، حقی بروسوی اسماعیل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
31. تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان بلخی، بیروت، دارالاحیاء التراث، 1423 هـ. ق.

32. جرعه ای از صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، چاپ هشتم، قم، نشر مشعر، 1387 ه. ش.
33. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمدحسن بن باقر النجفی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374 ه. ش.
34. چشم اندازی به توسعه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، متیوسی آرکریون، مترجم: محمد حبیبی، قم، دانشگاه مفید، 1387 ه. ش.
35. حج 27، حسن مهدویان، تهران، نشر مشعر، 1386 ه. ش.
36. حج برنامه تکامل، سید محمد ضیاء آبادی، قم، نشر مشعر، 1387 ه. ش.
37. حج در اندیشه اسلامی، سیدعلی قاضی عسکر، چاپ دهم، قم، نشر مشعر، 1387 ه. ش.
38. الحج رموز و حکم، عبدالله جوادی آملی، ترجمه: حیدر حب اعلا، قم، نشر مشعر، [بی تا].
39. حج عارفان، رحیم کارگر، تهران، نشر مشعر، 1386 ه. ش.
40. الحج فی الكتاب و السنه، محمدصادق آل اسحاق، قم، دار مشعر، 1434 ه. ق.
41. حج 26، محمدحسین رجبی، تهران، نشر مشعر، 1385 ه. ش.
42. حرمة تکفیر المسلمین، معهد الحج و الزیاره، قم، دار مشعر، 1434 ه. ق.
43. حق شرط در اسناد حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل اسلام، مسعود راعی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1390 ه. ش.
44. حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، حسین جوان آراسته، قم، دفتر نشر معارف، 1384 ه. ش.
45. حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی، محمدمهدی کریمی نیا، قم، انتشارات جلوه کمال، 1385 ه. ش.
46. حقوق بشر، نظریه ها و رویه ها، حسین شریفی طراز کوهی، دانشگاه تهران، 1380 ه. ش.
47. حقوق بین الملل عمومی، محمدرضا بیگدلی، تهران، انتشارات گنج دانش، 1379 ه. ش.
48. حقوق بین الملل کیفری، کویانگ ساک کیتی شایزری، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد

اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، 1383 ه. ش.

49. حقوق شناسی، محمدحسین ساکت، تهران، نشر ثالث، 1387 ه. ش.

50. «حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین المللی و فقه»، معرفت حقوقی، مسعود راعی، شماره سوم، 1391 ه. ش.

51. در ساحل حقیقت، رضا محمدی، تهران، نشر مشعر، 1392 ه. ش.

52. درسنامه اسرار حج، محمدتقی فعالی، تهران، مشعر، 1389 ه. ش.

53. درسنامه اسرار و معارف حج، معاونت امور روحانیون، تهران، نشر مشعر، 1389 ه. ش.

54. الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، شهید اول، قم، جامعه مدرسین، 1412 ه. ق.

55. دیوان بین الملل دادگستری در تئوری و عمل، سید باقر میرعباسی و سید حسین سادات میدانی، [بی جا]، [بی نا]، 1384 ه. ش.

56. ره توشه مبلغ، محمدتقی رهبر، تهران، نشر مشعر، 1384 ه. ش.

57. ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، حمیدالله محمد، بی جا، مجموعه الوثائق، [بی تا].

58. سازمان ملل متحد در دنیای امروز، مترجم: علی ایثاری کسمائی، تهران، آبارون، 1388 ه. ش.

59. شرایع الاسلام، محقق حلی، جعفر بن حسن، قم، اسماعیلیان، 1408 ه. ق.

60. صحیفه حج، شماره 1 و 2.

61. علل الشرایع، شیخ صدوق، قم، انتشارات داوری، 1386 ه. ش.

62. الفبای آموزش حقوق بشر، سهراب رضایی، تهران، انتشارات سازمان ملل متحد، 1384 ه. ش.

63. فتح القدير، محمدبن علی شوکانی، دمشق، دارابن کثیر، دار الکلم الطیب، 1414 ه. ق.

64. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، تهران، نشر مشعر، 1386 ه. ش.

65. فصل الخطاب فی مذهب ابن عبدالوهاب، شیخ سلیمان بن عبدالوهاب، تهران، نشر مشعر، بی تا.

66. فصل الخطاب، محدث نوری، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].

67. فصلنامه میقات حج، شماره های مختلف، مرکز تحقیقات حج، تهران، نشر مشعر.

68. فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، امیرکبیر، 1383 ه. ش.

69. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1412 ه. ق.

70. «قابلیت اجرایی طرح 2001 مسؤلیت دولت ها در حوزه قواعد حقوق بشری» فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مسعود راعی، شماره 4، 1386 ه. ش.

71. گزیده راهنمای حقیقت، شیخ جعفر سبحانی، قم، نشر مشعر، 1386 ه. ش.

72. مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب، سید صادق و سید علی میر موسوی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1381 ه. ش.

73. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، سیده نصرت امین، نهضت زنان مسلمان، تهران، 1361 ه. ش.

74. مسالك الافهام، جواد بن سعید کاظمی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، 1365 ه. ش.

75. مستدرک الوسائل، حسین بن محمدتقی نوری، بیروت، مؤسسة آل البيت، 1320 ه. ق.

76. مسولیت بین المللی دولت ها ناشی از اقدامات افراد و گروه های عادی در پرتو رویه قضایی، مسعود راعی، پایان نامه مقطع دکتری دانشگاه تهران، 1386 ه. ش.

77. مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، میرسیدعلی حائری تهرانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1377 ه. ش.

78. من لایحضره الفقیه، صدوق، قم، جامعه مدرسین، 1413 ه. ق.

79. مناسک حج با حواشی مراجع تقلید، محمدرضا محمودی، تهران، نشر مشعر، 1387 ه. ش.

80. منتهی المطالب، (طبع القدیمة) حسن بن یوسف حلی، قم، بی جا، 1333 ه. ق.

81. مهذب الاحکام، عبدالاعلی سبزواری، قم، مؤسسة المنار، 1413 ه. ق.

82. نرم افزار جامع فقه اهل بیت، شماره 2.

83. نرم افزار جامع نورالانوار.

84. نرم افزار حج.

85. نرم افزار مجموع کتاب های روایی.

86. نهادها و سازو کارهای منطقه ای حمایت از حقوق بشر، سید قاسم زمانی، امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری، شهر دانش، 1386 ه. ش.

87. نهج البلاغه.

88. نهج البيان عن كشف معانى القرآن، محمد بن حسن شیبانی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تحقیق، حسین درگاهی، 1413 ه. ق.

89. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، 1409 ه. ق.

منابع انگلیسی:

Boyle, Kevin And Sheen, Juliet, Freedom of Religion and Belief; A world report, london, Routledge, First .1
published, edition published in the Taylor Francis e

Library, 2003. 2. El Hajje, O, Islamic Countries and the International Instruments on Human Rights, 3(1) –
.Con Lib, first edition

Harris, D. J., OBoyle, M. and Warbrick. C., 1995, Law of the European Convention on Human Rights, .3
.London, Butterworths 1995, first edition

.Human Rights Council, Rapporteurs Digest on Freedom of Religion or Belief, Geneva .4

Murdoch, Jim, Freedom of thought, conscience and religion; A guide to the implementation of Article 9 of .5
the European Convention on Human Rights, Human rights handbooks No. 9, Belgium, Council of Europe,
.first edition

Patrick, John J. And Long, Gerald P. (Editors), Constitutional Debates on .6

.7

ص: 206

.Freedom of Religion USA, Greenwood Press, First published

Taylor, Paul M, Freedom of Religion; UN and European Human Rights Law and Practice, USA . 8
.Cambridge University Press

Uitz, Renata, Freedom of Religion in European constitutional and international case law, Belgium, council .9
.of Europe publishing

.University of Minnesota, Study guide: Freedom of Religion or Belief, Human Rights Center .10

available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/edumat/studyguides/religion.html> (last visited on 1 . 11
(October 2013

:اسناد

.The Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948 .12

.Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 4 November 1950 .13

.International covenant on civil and political rights, 16 Dec 1966 .14

.Charter of fundamental rights of the European Union, 7 December 2000 .15

.Council Conclusions on Freedom of religion or belief; 16 November 2009 .16

.Protocol 11 to the European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms 1994 .17

EU Guidelines on the promotion and protection of freedom of religion or belief, Council of Europe, . 18
.Foreign affairs Council meeting, 24 June 2013

.Human Rights Committee, General comment No. 22 (48), 20 July 1993 .19

.UN Doc. A/C.3/3/SR. 127 1948 .20

Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of .21

.Discrimination Based on Religion or Belief, UN General Assembly, 1981 .22

.Arrowsmith v. United Kingdom, Application No. 7050/75 (1978) 19 DR 5 .23

Hazar and Ac .24

Dik v. Turkey, Applications Nos. 16311/90, 16312/90 and 16313/90 1991 72 DR 200. 25. Angeleni v.
.Sweden, Application No. 10491/83 1986

Plattform A .26

r das Leben v. Austria, Application No. 10126/82 1985. 27. X. v. United Kingdom, ص rzte fu ص
.Application No. 7291/75 1977

.Johnston and others v. Ireland, Application No.9697/82, ECtHR, 1986 .28

.Van den Dungen v. the Netherlands, Application No. 22838/93, 1995 .29

Pretty v. the United Kingdom, Application No. 2346/02, Reports 2002 .30

.III. 31. Gottesmann v. Switzerland, Application No. 101616/83 1984 –

.Darby v. Sweden (Ser. A) No. 187 (1990) ECtHR annex to the decision of the Court .32

.Kokkinakis v. Greece, Application No. 14307/88 1993 .33

S .34

IK v. TURKEY, Application No. 21924/05, 2010. 35. Boodoo v. Trinidad and Tobago, ق NAN I ف
(Communication No. 721/1997 views of 2 August 2002, UNHRC, UN Doc. A/57/40 vol. 2 (2002

.Childs v. United Kingdom, Application No. 9813/82, unpublished, decision, 1983 .36

.R. M. Chappell v. United Kingdom, Application No. 12587/86 1987 .37

.X. v. United Kingdom, Application No. 8160/78 1981 .38

.v. United Kingdom, Application No. 10358/83 1983 .39

.X. v. United Kingdom, Application No. 8160/78 1981 .40

.ISCON and others v. United Kingdom, Application No. 20490/92 1994 .41

.Manoussakis and others v. Greece, Application No. 18748/91, 1996 .42

.Metropolitan Church of Bessarabia and others v. Moldova 2002 .43

.KIMLYA AND OTHERS v. RUSSIA, Applications Nos. 76836/01 and 32782/03, 2009 .44

.FRANCESCO SESSA v. ITALY, Application No. 28790/08, 2012 .45

.Arrowsmith v. United Kingdom, Application No. 7050/75 1978 .46

.Khan v. United Kingdom, Application No. 11579/85 1986 .47

EWEIDA AND OTHERS v. THE UNITED KINGDOM, Applications Nos. 48420/10, 59842/10, . 48

.51671/10 and 36516/10, 2013

K .49

SE AND OTHERS v. TURKEY, ECHR, Decision 2006. 50. KURTULMU ض

v. TURKEY DECISION, ECHR, Decision 2006. 51. Dahlab v. Switzerland, Application No. 42393/98, ض

.ECHR Decision 2001

Leyla .52

ahin v. Turkey, Application No. 44774/98, ECtHR 2005. 53. Palau ض

Martinez v. France, Application No. 64927/01, ECtHR, 2003. 54. Hoffmann v. Austria, Application No. -

.12875/87, 1993

FOLGER .55

AND OTHERS v. NORWAY, Application No. 15472/02, 2007. 56. Andr ط

Nollkaemper Dov Jacobs. Shared Responsibility in International Law: A Concept Paper Cite as ACIL ق

Research Paper No 2011 - 07 (SHARES Series finalized 2 August 2011). 57. Jack Donnelly, Universal
.Human Rights cornell university press, 2003

.Richard J.Goldstone. Intenational Judiciql Institiution, First Publised 2009 .58

Mohamed saiva, Taking stock of the responsibility to protect, Stanford journal of intevnational law, . 59
.summer 2012, Vol48

ص: 209

سایت های اینترنتی:

1. hudoc.echr.coe.int

2. www.echr.coe.int

3. www.jw.org

4. www.ohchr.org

5. www.umn.edu

همایش ها:

1. همایش فرهنگ حقوق بشر، عربستان، 87/10/4 مطابق با 25 ذی الحجه (به نقل از حج 29، گزارش از حج گزارى، ص 438). هدف این همایش، اشاعه آموزه های اسلامی در زمینه معارف حقوق هموعان، توجه به این حقیقت که حقوق بشر از اصول اساسی دین اسلام به شمار می رود، مبارزه با پدیده خشونت و هتك حرمت دیگران، و گسترش احترام به خود و دیگران بوده است.

اسناد:

1. محضر الاتفاق علی ترتیبات و اسس شؤون الحج، العام 1435 ه. ق.

2. محضر الاتفاق علی ترتیبات و اسس شؤون الحج، العام 1433 ه. ق.

3. محضر الاتفاق علی ترتیبات و اسس شؤون الحج، العام 1434 ه. ق.

4. ملحق تعلیمات نقل الحجاج الی المملكة العربیة السعودیة و اعادتهم الی بلادهم و تعلیمات النسل بین مدن الحج و المشاعر المقدسه لموسم حج 1435 ه. ق.

ص: 210

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

